آذری

ائل دیلی و ادبیاتی

فصلنامهٔ (بین المللی) ترکی- فارسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ادبی و هنری

شماره: ۱۰ سال سوم زمستان ۱۳۸۴



دکتر محمد تقی زهتابی

AZƏRI-10

QIS 2006

آذری

شماره ۱۰ زمستان ۱۳۸۴

فصلنامه‌ی (بین‌المللی) به زبان ترکی و فارسی
مجله‌ی فرهنگی- اجتماعی- ادبی- هنری
شماره‌ی ثبت: ۱۲۴/۳۸۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: بهزاد بهزادی
مدیر داخلی: حشمت حافظی
مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدئریم)

ویراستار: اکبر صالحی
حروف‌نگار: کاوس نصیری
با همکاری هنری: لاچین اسماعیلی- وقار فرشباف
صفحه‌آرا: ناهید نقی‌زاده
چاپ و اجرا: چاپ تصویر، نشر نخستین
بهای تک‌فروشی: ۱۲۰۰۰ ریال
نشانی : تهران، سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری- تجاری سرو، طبقه ۷، واحد ۲، دفتر وکالت بهزاد بهزادی. کدپستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳۴

تلفن: ۲۲۰۹۴۹۰۰

فاکس: ۲۲۳۵۲۲۶۷

پست الکترونیکی : Azari_Eldili@yahoo.com

مجله در حک و اصلاح مقالات وارده آزاد است.

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی در مقاطع تحصیلی عالی		۴
آغیر ایتگی		۹
پروفسور م.ت. زهتابی‌نین حیاتی و ادبی یارادیجیلیغی	محمدعلی نقابی	۱۰
دیلیم، دیلیم، ائی دیلیم!..	کند اوشاغی	۱۹
شئعر	رسول حمزت اوف	۲۱
قوزقون	م. امین موید	۲۳
قیسا بیر موصاحیبه	عمران صلاحی	۲۹
بیر سئوگی، بیر عؤمور	حبیب فرشباف	۳۱
اوزنئیر حاجی بی اوغو ۱۲۰یاشیندا	پروفسور دوقتور بهروز شکوری	۳۷
تاختالی کؤ یدن مکتوب‌لار	عزیز نسین	۴۸
نقش «الف» در نشان دادن مصوت‌ها در آغاز کلمه	بهزاد بهزادی	۵۶
شئعر	سیاوش کسرائی	۵۸
ترکی جغتایی و آثار نوایی	دکتر حسین محمدزاده صدیق	۵۹
شئعر	مهستی گنجوی- خورشید بانو ناتوان	۶۶
گونئی آذربایجان ادبی دیلینده رسمی اوسلوب	دوقتور فیروز رفاهی	۶۸
منیم بالام هاردادیر	محمد قاضی	۷۲
وورغونون شئعیری اوتری باخیشدا	حسن ایلدیریم	۷۴
گؤنشین تؤحفه سی	حشمت حافظی	۸۵
شئعر	هاشم تراز - عزیز محسنی- حکیمیه بیلوری- مدینه گؤلگؤن	۹۰
ایکی یادداشت	مرتضی مجدفر	۹۴
کامان ناله چکیر:	مجید تیموری‌فر(صفا)	۹۸
گؤلگؤ	رضا نوه‌سی	۱۰۳
اوزا آمئریکادیر	رضا کاظمی	۱۰۷
سوز اینجی‌لری	توپلایان: پژمان ائل قمی	۱۱۰
باکی خاطیره‌سی	جواد دربندی	۱۱۲
شئعر	مرضیه احمدی اسکوئی(دالغا) مهدیه مصدق پور- ع. ن. چاپار- غلامرضا خیاطی	۱۱۸
معرفی کتاب		۱۲۱
اهدای کتاب به قرائتخانه‌های عمومی شهرهای آذربایجان		۱۲۲
شعر	نبی خرزی	۱۲۶
یئنی کیتاب‌لارین سیناهیسی	یوسف قوسی	۱۲۸

جناب آقای دکتر محمدمهدی زاهدی
وزیر محترم وزارت علوم و تحقیقات و فناوری
جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیّت

باستحضار عالی می‌رساند که به استناد اصول پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیرو تقاضای قبلی فرهیختگان آذربایجانی، پیوست «طرح آموزش مکاتبه‌ای در مقاطع تحصیلی عالی» که به امضای جمعی از شخصیتهای علمی و فرهنگی آذربایجان رسیده، ایفاد می‌گردد.

ممنوع بودن انتشار مطبوعات و کتاب به زبان آذری که در دوره‌ی منحوس پهلوی رایج و معمول بود، نتوانست خللی به اراده‌ی مردم برای مکالمه به این زبان و حفظ آن وارد کند. البته نقش برجسته‌ی روحانیون و وعاظ، سرایندگان مراثی و مناقب در مراسم مذهبی در زمینه‌ی ادبیات شفاهی و مکتوب زبان آذربایجانی قابل توجه است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشار روزنامه و مجله و کتاب به زبان آذری رونق یافت. این یکی از ثمرات انقلاب و پاداش فداکاری‌های مردم مسلمان آذربایجان بود که نمونه‌ی آن قیام تاریخی ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ اهالی تبریز بود.

بنا به اخبار منتشره از سوی خبرگزاری‌ها در سال ۱۳۸۲: «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با تصویب برنامه‌ی آموزش به زبان و ادبیات ترکی آذری در دانشگاهها موافقت کرد». متعاقب آن چهار دانشگاه آمادگی خود را برای دایر کردن دوره‌ی کارشناسی زبان و ادبیات ترکی آذری اعلام داشتند ولی اجرای آن متوقف گردید. گفته می‌شود یکی از علل آن کمبود استاد و مدرس تمام وقت بوده است.

اینک بعنوان نخستین گام در رفع این مشکلات، «طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی در مقاطع تحصیلی عالی» پیشنهاد می‌گردد که حداقل یکی از دانشگاههای کشور اجرای آن را سازمان دهد.

به نمایندگی از طرف امضا کنندگان «طرح» که از شخصیت‌های علمی و فرهنگی سرشناس می‌باشند؛ آمادگی خود را برای همکاری در اجرای این طرح اعلام می‌دارد.

خواهشمند است دستور فرمایند که طرح پیشنهادی را با سعه‌ی صدر و با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصوبه‌ی فوق‌الذکر وزارت علوم در سال ۱۳۸۲ و علاقه جوانان آذربایجانی برای یادگیری علمی زبان و ادبیات زبان مادری و امید آنها به اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران برای برآوردن این نیاز، بررسی فرمایند.

نمایندگان امضا کنندگان «طرح» مورد بحث برای شرکت در کمیسیون‌ها و مشارکت در مذاکرات و همکاری در معرفی هئیت علمی و اجرای این طرح، انتظار دعوت ازطرف آن وزارت محترم را دارند.

موقع را برای تقدیم بهترین احترامات مغتنم می‌شمارد.

به نمایندگی از طرف امضاکنندگان طرح
مدیر مسئول فصلنامه آذری
بهزاد بهزادی

طرح آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی
در مقاطع تحصیلی عالی

با توجه به شرایط موجود:

- حقوق طبیعی و علاقه وافر داوطلبان آموزش زبان آذربایجانی به فراگیری متودیک و علمی زبان مادری،
- نبود امکانات آموزشی زبان و ادبیات آذربایجانی، در مقاطع تحصیلی،
- تأخیر افتتاح دوره‌ی لیسانس زبان و ادبیات آذربایجانی که قرار بود در سال ۱۳۸۳ در چند دانشگاه آغاز گردد،
- ضرورت یادگیری و اشاعه قواعد زبان ادبی آذربایجانی در این برهه از شکوفایی ادبیات آذربایجانی؛

و به منظور:

- کوشش برای تأمین نسبی حقوق طبیعی و خواسته‌های علاقمندان زبان آذربایجانی به فراگیری علمی و اصولی زبان مادری،
- لزوم آموزش صحیح و علمی در قلمرو نویسندگی به زبان آذربایجانی،
- تربیت تدریجی کادر لازمه برای تعلیم و تدریس زبان آذربایجانی در مقاطع تحصیلی؛

پیشنهاد می‌گردد:

- یکی از دانشگاهها آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی را در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا سازمان دهد.
- ارجح است که در این راستا تحصیل برای علاقمندان رایگان باشد. و فقط خرید کتاب به عهده‌ی دانشجو واگذار شود.
- شرایط پذیرش دانشجو به نحوی باشد که فارغ‌التحصیلان و دانشجویان سایر رشته‌های دانشگاهی نیز بتوانند همزمان به آموزش مکاتبه‌ای زبان و ادبیات آذربایجانی بپردازند.

***

پیشنهاد حاضر به وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری و دیگر مراکز مرتبط اعم از داخلی و خارجی ارسال و بصورت نامه‌ی سرگشاده در مطبوعات انتشار خواهد یافت

همکاران فصلنامه آذری مکاتبات و پیگری موضوع را عهده‌دار خواهند بود. و نسبت به چاپ کتب درسی و تسهیل امور مربوطه و جلب دانشجو در حد امکانات خود خواهند کوشید.

هئیت پیگیری کننده‌ی طرح

آقایان: مهندس مرتضی مجدفر (سخنگو)، دکتر رحیم چاوش اکبری، دکتر فیروز رفاهی

اسامی امضا کنندگان طرح به ترتیب حروف الفبا:

ابرازی علی (مترجم)- **ابراهیمی دکتر فاطمه** (متخصص زنان و زایمان)- **ابراهیمی شهرام** (کارشناس علوم اجتماعی)- **ابوالفضلی** (کارمند)- **ابوترابی رضوان** (شاعر- نویسنده)- **اتابکی اردشیر** (کارشناس کشاورزی **اجتهادی** (مهندس عمران)- **احمدزاده شبنم** (کارشناس زبان انگلیسی)- **احمدلو یوسف** (کارشناس ارشدگاز رسانی شهری)- **احمدی رویا** (کارشناس کامپیوتر)- **احمدی پیمان** (دبیر)- **احمدی رضا** (نویسنده- طنز پرداز)- **احمدی خورشید** (کارمند)- **اخباری محمد** (شاعر)- **اخلاقی صادق** (آزاد)- **ادیب**-

اژدری بهادر (وکیل دادگستری)- اسدالهی نقی (کارمند)- اسدالهی خلیل (آزاد)- اسدالهی اصغر (تولیدگر)- اسدالهی محسن (آزاد)- اسدالهی نادر (مدیر عامل شرکت آباد دوست)- اسماعیلی لاچین (کارشناس ارشد گرافیک)- اسماعیلی احد (دبیر ادبیات)- اشتری آزاد (دبیر بازنشسته)- اشتری بابک (مهندس کامپیوتر)- اصلانی حسین (دبیر)- افشاری سهند (حسابرس)- افضلی حسن (کارشناس ارشد کتابداری- ناشر)- اقبالی محمد (دبیر)- اقدس السادات(پرستار)- اقدمی گرگوری رجب (مهندس)- اقراری اکبر (دبیر)- اکبری ارسلان (کارگر)- اکبری شیرین (دانشجو)- اکبری رحیم (مدیر عامل شرکت خصوصی)- اکبری سیف اله (آزاد)- اکوانپور (هنرمند- شاعر)- امامی پور (کارشناس)- امیدسیدیان سیدروح اله (آزاد)- امیری ابوالفضل (کارشناس شیمی)- امیریان رحیم (دانشجو)- امین موید مجید (نویسنده- مترجم- مدیر امور مالی)- انصار دکتر شاپور (فوق تخصص جراحی قلب)- انصاری مهدی (همکار موج بیداری)- انصاری مهدی (همکار نشریه موج بیداری)- انوری آزاد (مهندس)- اوجاقلو علی (شاعر)- ایرانی روح اله (دبیر N.G.O -تبریز یول ارومیه)- ایلیائی علیرضا (مهندس مکانیک)- ایمانی محمد (نقاش ساختمان)- ایمانی بهروز (روزنامه نگار)- آتش افروز محمد- آدمی رسول (مدیر کارخانه)- آقائی مهدی (کارشناس ارشد شیمی)- آقائی سخاوت (شاعر)- آقازاده دکتر محرم (استاد دانشگاه- دکترای برنامه ریزی)- آقاسی داود (کارمند)- آگاه بخش احد (مهندس آبیاری)- آورینی جعفر (شاعر)- بابائی مهدی (مقاله نویس)- بابائی عباس (شاعر)- بابازاده ناهید (دانشجو)- بازرگان پیمان (شاعر)- باقری افشین (شاعر)- باقری میرتراب (مهندس)- بابیوردی دکتر عیسی (فوق تخصص- خون و انکولوژی- استاد دانشگاه تهران)- بایرام محبوب (کارمند بانک)- بجانی ابوالفضل (کارشناس تربیت بدنی)- بحرینی آیدین (دانشجو)- بختیاری زاهد (بازنشسته بانک ملت)- بخشی ثریا (شاعر)- بدلی علی (دانشجو)- بدیعی غزال (دانشجو)- برزگری هاشم (شاعر)- بزازنده علی (آزاد)- بشیری مجید (کارشناس معماری)- بنی آدم صفی (آهن فروش)- بنی بایرامی جهانبخش (کارشناس شیمی)- بنی حسن احمدعلی (داروساز تجربی)- بهرامی کاوه زهرا (دبیر)- بهزادی بهزاد (مدیر مسئول فصلنامه آذری)- بهمنی عبدالله (داندانپزشک)- بهینا محمد علی (کارشناس -مهندس مشاور)- بوداق (شاعر)- بیات رسول- بیات سید حیدر (طلبه)- بیات حمیده (فروشنده)- بیات حمید (مترجم- مقاله نویس)- بیداری آذر (دبیر بازنشسته)- بیگدلی (فروشنده)- بیگدلی دکتر رحمت اله (استاد دانشگاه- مدیر مسئول بهار زنجان)- بینا قربان (کارشناس ارشد آبیاری و زهکشی)- پارسا دکتر سوسن (استاد دانشگاه- دکترای تغذیه)- پژم یوسف (آزاد)- پلونی فریبرز (مدیر عامل زراندیشه- مهندس کامپیوتر)- پناهی علمناز (کارمند)- پناهی احمد (پیمانکار ساختمان)- پناهی مهدی (مدیر عامل شرکت ساختمانی)- پوراحمد حسین (طنزپرداز- شاعر)- پورمختاری لعیا (ماما)- پوریان حسین- - پیری حمیده (فرهنگی)-مصطفی پیری (آزاد)پیمان دکتر علیرضا (پزشک)- تاور یوسف (رهبر اکستر موسیقی)- تبریزی بهرام (مهندس مکانیک)- تدینی حمیده (دانشجو)- ترلان هاشم (شاعر)- تفضلی ابراهیم (مهندس)- تفضلی مهدی (مهندس الکترونیک)- تقی لو سیف اله (شاعر)- تمجید شبستری حبیب (معلم بازنشسته- فعال فرهنگی)- توتونچیان دکتر ایرج (استاد دانشگاه الزهرا)- ارزاده وحید (معلم موسیقی)- جعفرزاده دکتر حسین (متخصص بیهوشی)- جعفرزاده رضی (بازاری)- جعفری حسین- (مهندس مکانیک)- جعفری مهناز (هنرمند)- جعفری شریفه (شاعر- مدیر انتشارات پینار)- جعفری دکتر (دکترای علوم سیاسی- استاد دانشگاه)- جلیلی سیروس (آزاد- نویسنده)- جمالی منوچهر (آزاد)- جهانگیری پرویز (دکترای شیمی)- جوهری مجید (کارشناس ادبیات)- چاووش اکبری رحیم (مدرس دانشگاه)- چراغی محمد (نویسنده)- حاتمی زنوز حسن (بازنشسته)- حاج حسینی محمد (نقاش)- حافظی حشمت (شاعر- مدیر داخلی فصلنامه آذری)- حب وطن محمد (کارشناس ارشد منابع آب)- حسن زاده چنگیز (پیمانکار)- حسن زاده دکتر (محقق کودکان)- حسن نژاد جعفر (بازنشسته)- حسن نژاد مهدی (تکنسین انرژیهای نو)- حسن وند حمید (نقشه کش)- حسنی داود (عکاس)- حسنی شاهین (دانشجو)- حسینی سیدبشیر (روحانی)- حسینی حسین (معلم موسیقی- دبیر بازنشسته)- حسینی مجید (مهندس مکانیک-شاعر)- حصاری میرهدایت (نویسنده- محقق- دکترای افتخاری دانشگاه آذربایجان)- حلال خور دکتر (پزشک)- حمیده پاکیزه (نویسنده- شاعر)- حیدری دکترمحمد علی (دکترای روابط بین الملل)- حیدری حیدرعلی (کارشناس ارشد آبیاری و زهکشی)- حیدری فاطمه (شاعر- مقاله نویس)- خالط آبادی علی (ناشر)- خالقی مقدم دکتر محمد (دکترای جامعه شناس- استاد دانشگاه زنجان)- خانعلی زاده سعد اله (عاشق)- خسرو شاهی سید محمد (کارشناس ساختمان)- خلیلی محمدرضا (قاضی بازنشسته)- خوند فاطمه (شاعر)- خیاط زاده یوسف (دبیر)- خیاوی روشن (حقوقدان- محقق زبانهای اورال آلتائیک)- خیرابی دکتر جمشید (استاد دانشگاه)- خیراله زاده باربد (دانشجو)- خیرآبادی اسماعیل (دبیر)- خیری سعید (نویسنده- محقق)- خیری عادل (کارشناس زمین شناسی)- داداشی فیروز (کارشناس ارشد الکترونیک)- دادمنش سینا (مهندس)- دادمنش دکتر جعفر (دندانپزشک-استاد دانشگاه)- داغلی داود (مدرس

دانشگاه)- **دانشور دکتر بهمن** (پزشک)- **دانشور آراز** (آزاد)- **داودی سهیلا** (کارشناس جغرافیای انسانی)- **داوران ناصر** (مدرس دانشگاه)- **داورنیا عباس** (کارشناس ارشد علوم اجتماعی)- **داوری حسن** (مهندس عمران)- **دربندی جواد** (قاضی بازنشسته)- **درویش هاشم** (فعال فرهنگی)- **دهقان حمید** (روزنامه نگار)- **دهقانی آذر علی** (کارمند)- **دولتیاری طاهر** (کارمند)- **ذوالفقارپور جلال** (کارشناس علوم سیاسی- نویسنده)- **ذوالفقاری لیلا** (دانشجو)- **ذوقی فتح اله** (طلبه- دانشجوی علوم تربیتی)- **رئیسی یوسف** (کارمند صنایع کاوه)- **رادپور سمیه** (مترجم)- **رجب زاده دکتر آزیتا** (پزشک)- **رحم دار کریم**- - **رحیم زاده فریبا** (دانشجو)- **رحیمی علی** (کارگر)- **رحیمی نجف** (پیمانکار ساختمان)- **رزاقی مصطفی** (کارشناس ارشد اقتصاد)- **رستم پور عسگر** (پیمانکار ساختمان)- **رستمی دکتر شاه نساء** (دکترای زبان ترکی)- **رستمی فر** (دانشجو)- رسول زاده اکبر (معلم) - **رسولی بهزاد** (تکنیسن)- **رضائی روح اله** (دبیر)- **رضائی بهرامعلی** (کارمند)- **رضائی بابک** (فوق لیسانس)- **رضائی داود** (مدرس دانشگاه)- **رضائی اردشیر** (دبیر بازنشسته)- **رضائیان حجت** (دانشجوی دکترای عمران)- **رفاهی فیروز** (فارغ التحصیل زبان آذربایجانی)- **رفیعی حسن** (دبیر تاریخ)- **رنجبری حیدرباغی احمد** (طلبه)- **رهنما محمدصادق** (تاجر)- **روح زنده جمیله** (نویسنده)- **ریاضی حسن** (شاعر - روزنامه نگار)- **ریاضی راحله** (وکیل پایه یک دادگستری)- **ریحانی مقصود** (آزاد)- **زارع ناصر** (کارمند)- **زرخواه مهدی** (تولیدگر)- **زمانی جبرائیل** (کارمند شرکت)- **زمانی رحیم** (کارمند شرکت)- **زنجبری ابوالفضل** (مدرس دانشگاه)=- **زهنشید کرباسی غلامرضا** (بازنشسته داروسازی دکتر عبیدی)- **زینالی یاشار** (کارشناس ارشد عمران)- **سادات میررمضانی مزدک** (کارشناس ارشد کشاورزی و محیط زیست)- **ساعدی حسین** (مدرس دانشگاه)- **سبحانی امامعلی** (مهندس کامپیوتر)- **سپهری جلال** (کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری)- **سعادتپور عادل** (آزاد)- **سعیدی بهروز** (تکنسین)- **سعیدی ناصر** (لیتوگرافی)- **سلطانزاده دکتر فاطمه** (دکترای داروسازی)- **سلطانی حسین** (دانشجوی دکترای عمران)- **سلطانی محبت** (رنگ فروش)- **سلطانی سجاد** (پیمانکار)- **سلیم اوغلو محمد** (شاعر)- **سلیمانی علیرضا** (شاعر- طنزنویس)- **سلیمانی حسین** (دبیر)- **سلیمانی عزت** (تکنسین برق)- **سلیمانی روشن سیامک** (کارشناس ارشد ادبیات- شاعر)- **سلیمی یونس** (مهندس شیمی)- **سلیمی رستم** (آزاد)- **سلیمی قهرمان** (تکنسین تأسیسات)- **سهرابی عبدالله** (کارمند)- **سودی پرویز** (شاعر)- **سیاحتی زلیخا** (مدیر داخلی- دبیر ادبی، هنری نشریه موج بیداری)- **سیاهپوش احمدرضا** (کارشناس ارشدمعماری)- **سید فرشچی رفیع** (مدیر فروش)- **سیدزاده سید محمد** (دبیر هنر)- **سیدمحمدی نیره** (دانش آموز)- **سیف جمالی نقی** (بازیگر تئاتر و سینما)- **سیفی شاهپور** (دبیر)- **سیفی قنبر** (تولیدگر- کارخانه دار)- **شادی حیدر** (مدرس دانشگاه- کارشناس ارشد فلسفه)- **شافعی حمیرا** (لیسانس مامائی)- **شاکر میانجی ناصر** (سرهنگ بازنشسته نیروی هوائی)- **شالچی محمدرضا** (کارشناس شیمی)- **شاه محمدی ولی** (شاعر)- **شایا مینا** (شاعر)- **شایسته فرد جواد** (تکنسین)- **شجاع حیدری دکتر سعید** (دکتر دامپزشک-مسئول فنی کارخانه خوراک دام و طیور)- **شجاعی آیت** (شاعر)- **شرقی دکتر حسین** (مدیرمسئول ماهنامه خداآفرین- مشاوره بهزیستی- عضو انجمن روانکاری آذربایجان)- **شرقی لیلا** (کارشناس روابط بین الملل)- **شریفی بهروز** (دبیران موج بیداری)- **شعبانی اسداله** (شاعر و نویسنده)- **شعبانی علی** (کارگر فنی)- **شکاری دکتر میربهمن** (پزشک)- **شکوری شکوفه** (فعال فرهنگی)- **شکار هوشنگ**) مهندس- **شکوری علی** (دانشجو)- **شمیمی لیلا** (کارشناس ارشد تنوع زیستی و محیط زیست)- **شهبازی رضا** (گزارشگر نشریه)- **شهبازی فرامرز** (مهندس کامپیوتر-همکار مجله آذری)- **شهلائی یعقوب** (تاجر)- **شیرمحمدی میثم** (فعال فرهنگی)- **شیری توحید** (دانشجو)- **شیری زاغه بختیاری** (دبیر ریاضی)- **شیرین پور یوسف** (دانشجو)- **صابری حسین** (دبیر)- **صاحب قلم روح اله** (فنی)- **صادقی علی** (نویسنده)- **صادقی احمد** (ادب دوست)- **صادقی احمد** (شاعر- طنزپرداز)- **صالحی نقی** (مدیر مسئول پیک آذر) - **اکبر صالحی** (همکار مجله‌ی آذری)- **صالحی فرد رسول** (مدیر فرهنگی یکتا رصد)- **صالحی فرد فریبا** (کارشناس حسابداری- کارمند پیام نور)- **صامت سارا** (دستیار دانداپزشک)- **صبحی نازخند** (شاعر-فعال اجتماعی)- **صدر زاده دکتر پرویز** (استاد دانشگاه-مسئول آزمایشگاه دامپزشکی مرکز)- **صدیقیان امجد** (کارشناس مدیریت)- **صرافی علیرضا** (مهندس)- **صفری علی اصغر** (دبیر)- **صمدی عشقعلی** (آزاد)- **ضیایی زینب** (مدیر اجرائی «بهار زنجان) - **طالبی رضا** (تکنسین تأسیسات)- **طاهری محمد** (دبیر)- **طرزمی زکریا** (بازنشسته سازمان صدا و سیما)- **طهماسب زاده سرخوش** (شاعر)- **ظهیری صمد** (کارشناس ارشد علوم سیاسی)- **عاشیق موسی** (عاشیق)- **عبادی عبدالله** (تکنسین برق)- **عباس جوان عبدالله** (کارشناس ارشد معماری)- **عباسپور کمال** (مهندس)- **عباسی حسین** (کارشناس ارشد جغرافیا)- **عباسی دوست محمد** (دبیر ادبیات - نویسنده)- **عباسی کاظم** (دبیر)- **عباسی اباصلت** (کارمند)- **عباسی مهدی** (نویسنده- کارمند بازرگانی)- **عباسی محسن** (کارمند)- **عباسی رحیمه** (مدرس دانشگاه)- **عباسی شاپور** (شاعر)- **عباسی** (مهندس- مدیرعامل یارادان صنعت)- **عباسی سوسن** (کارشناس تغذیه)- **عبدالحسین وند حمیده** (تولیدگر)- **عبدالهی هلال** (مداح- بازنشسته)- **عبدالهی محترم**

(پیمانکار)- عبدی ناصر (دانشجو)- عزیزپور ملیحه (دانشجو)- عزیزی زهره (کارشناس ارشد مدیریت)- عزیزی حسین (کارشناس ادبیات)- عزیزی سعید (کارشناس کامپیوتر)- عسگرزاده عبدالرحیم (قماش فروش)- عشایری دکتر حسن (استاد دانشگاه- دکترای عصب شناسی)- عصفوری محمد رضا (طراح-گرافیست-مدیر موسسه فرهنگی «امید فردا) - عطاخانی پرویز (موسیقی دان)- عطازاده بهلول (دبیر زبان)- عظیمی صراف (آزاد)- عفیفی مرحمت (معلم)- عقیلی علی (کارشناس محیط زیست)- علی اکبری مجد قادر (کارشناس علوم پزشکی)- علی پور یحیی (شاعر)- علی پور محمد (آزاد)- علی پور محمد (بازنشسته)- علی پور مسعود (مدیر تأسیسات)- علی حسینی حسین (مدرس موسیقی)- علی زاده مهیار (گرافیست)- علی محمدی اکرم (کارشناس حقوق- شاعر)- علیائی آقازاده (آرشیتکت)- علیجانی فریبا (صفحه آرا و حروفنگار)- علیجانی حسن (کارگر برقکار)- علیزاده سخاوت (آزاد)- عمومی وایقان حسین (مهندس متالوژی)- غفار مروت (کارشناس ارشد فلسفه- فرهنگی)- غفرانی پناه علی (مهندس کشاورزی)- غنی لو توکل (کارشناس ارشد زبانشناسی- نویسنده) - فائزپور علی (مدیر عامل شرکت خدماتی)- فرجی حسن (کارمند)- فرجی ملیحه (دبیر)- فرجی قاسم (کارشناس تربیت بدنی)- فرحی حسن (عضو هئیت علمی دانشگاه)- فرشباف حبیب (دبیر بازنشسته)- فرشته خو صمد (قماش فروش)- فرور جیران (کارشناس ارشد معماری)- فرور دکتر محمدتقی (رئیس کمیسیون سیاستهای زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی- اتحادیه ی جهانی حفظ طبیعت)(I.U. C. N) - فصیحی مسعود (مهندس معمار- موسیقی دان)- فضلی خلف منوچهر (شاعر)- فقیه عبدالرضا (دبیر)- فلاحی منصور (کارشناس حسابداری)- فوقانی فرشیده (دستیار داندانپزشک)- فولادی بیژن (آزاد)- فیضی یدالله (کارشناس جامعه شناسی)- فیوضات مسعود (نویسنده- هنرمند)- قاسم پور رضا (سردبیر «موج بیداری)- قاسمپور رضا (سردبیر موج بیداری)- قاسملو ایرج (مدیر عامل شرکت فرایند فلز)- قاسمی علی (کارمند)- قاسمی فاطمه (کارشناس ارتباطات- روزنامه نگار)- قاسمی سعید (شاعر)- قاسمی زاده یاشار (دانشجو)- قبادی سعید (دانشجو)- قبه زرین محمود (بازیگر و کارگردان تئاتر)- قدرتی محمد (ادیب- محقق)- قدمی حسین علی (آزاد)- قربانزاده کریم (مدیرعامل شرکت گل باران کاران)- قصابان آصف (دبیر فلسفه)- قیاسی خلیل (دبیر)- کامرانی صالح (وکیل دادگستری- کارشناس ارشد حقوق) - کاوندی (کارشناس ارشد کامپیوتر- نویسنده)- کاویانی رحیم (شاعر- کارشناس ارشد ادبیات)- کاویانی صمد (خیاط)- کرمی علی (کارمند)- کرمی عینعلی (کارمند)- کریمی دکتر ناهید (متخصص ارتوپدی)- کلانتری کاظم- کلانتری معصومه (کارمند)- کیانفر مهرداد (کارمند)- یانیان خسرو (کارشناس مدیریت)- کاترین خدیجه (دکترای توسعه)- کرمانی دکتر نجیبه (روانپزشک)- کرمی یاشار (کارمند)-کریمی باغبان محمدرضا (مدیر فنی شرکت کالیسمین- محقق و نویسنده)- کریمی باغبان اولدوز (دانشجوی کارشناس ارشد)- کلانتری- گوهری احد (روحانی)- گیوه ای جمال (کارمند)- لطفی دکتر سیروس (دکترای مهندسی شیمی)- لطفی مصطفی (کارمند)- لیاحی علی (آزاد)- متولی مسعود (کارمند)- مجدفر مهندس مرتضی (فوق لیسانس صنایع- فرهنگی- نویسنده)- محسنی عزیز (نویسنده- دکترای افتخاری از دانشگاه آذربایجان)- محمدثانی اسماعیل (قاضی بازنشسته- وکیل دادگستری- شاعر)- محمدخانی فیروز (شاعر- و نویسنده)- محمدخانی رامین (وکیل دادگستری)- محمدزاده صدیق دکتر حسین (استاد بازنشسته تربیت معلم- استاد مدعو دانشگاهها- مترجم رسمی دادگستری)- محمدزاده صدیق اثلدار (کارشناس کتابداری-روزنامه نگار)- محمدنژاد علی (وکیل دادگستری)- محمدی- - محمدی نوید (دانشجو)- محمدی فریدون (مدیر مسئول نشریه هارای)- محمدی سعید (شاعر)- محمدی داور (مدیر شرکت بی. پی. اف)- محمدی قربانعلی- محمدی فرامرز (تکنسین)- محمدی ثانی محمدتقی (مدرس دانشگاه)- محمدی دوست علی (کارمند)- محمودی فرح (کارمند)- محمودی رحمان (حسابدار)- مددی سیاوش (حقوقدان)- مددی رسول (کارشناس ارشد ادبیات)- مرادی محمد (دبیر سرویس خبر- نشریه موج بیداری)- مرادی محمد (روزنامه نگار)- مرادی گل اوغلان (فیزیوتراپیست)- مرادی محرم (نقاش)- مرادی بهمن (تکنسین پروتز)- مرادی عبدالله (کارشناس بهزیستی- شاعر)- مرتضائی مهران (سردبیر بهار زنجان- کارشناس ارشد هنر)- مرتضایی سیداصلان (کارشناس ارشد مدیریت- روزنامه نگار)- مردی عباسعلی (طلبه)- مستشاری دکتر عبدالجلیل (شمیدان- استاد دانشگاه)- مشروطه چی (سونمز) کریم (شاعر- بازنشسته بانک ملت)- مصدق پور مهدیه (دبیر)- مطلب پور رضا (دانشجو)- مظلومی محمدتقی (مهندس عمران)- معتمدی اصغر (آزاد)- مغان استاد (شاعر- منتقد)- مغربی علی (آزاد)- مکملی دکتر سهیلا (متخصص بیهوشی)- ملائی ابوالفضل- ملائی شاهپور (برقکار)- ملت پرست مهیندخت (کارمند)- ملک آبادی رضا (تکنیسین فنی)- ملک پور (ناظر شرفخانه ای) محمدرضا (شاعر)- ملکی مهسین (دانشجو)- ملکی زنجانی ابوالفضل (شاعر -محقق ادبیات)- منظوری ناصر (مدرس دانشگاه- نویسنده)- مهداوی دکتر ابوالفضل (فوق تخصص قلب)- مهدوی عبدالله (نویسنده)=- مهرافروز (آزاد)- مهربانی حسین (بازنشسته بانک مرکزی)- موحد بابک (کارمند بانک)- موسوی سیدهادی (برقکار)- موسوی پور عزیز

(دبیر بازنشسته)- **موسی خانی فاطمه** (نرس داندانپزشکی)- **موغانلی انلدار** (شاعر- کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری)- **موغانلی سعید** (فارغ التحصیل حوزه علمیه قم-روزنامه نگار-نویسنده-شاعر)- **مولائی مهرداد** (مشاور حقوقی)- **میرزائی دکتر** (استاد دانشگاه دزفول)- **میرزائی فریدون** (تکنسین)- **میرزائی احمد** (شاعر)- **نائلی پور علی** (کارشناس اقتصاد- شاعر)- **ناجی کریم** (مهندس)- **نادری سپیده** (مشاور تربیتی)- **ناصر عباس زاده** (دبیر ادبیات)- **ناصر مجتبی**- **ناصری احمد** (دانشجو)- **نامدار عبدالرحمان** (عضو هئیت علمی دانشگاه)- **نجاری فرامرز** (مدیر مسئول نشریه موج بیداری)- **نجاری** سعید (مترجم زبان انگلیسی)- **نجاری بابک** (آزاد)- **نجاری فهیمه** (کارشناس علوم آزمایشگاهی)- **نجاری حسین** (مدیر اجرائی «موج بیداری»)- **نجفی مخمل** (شاعر)- **نخجوانی دکتر علیرضا** (دامپزشک)- **ندیری اصغر** (کارشناس ادبیات- فرهنگی)- **نسیمی هوشنگ** (فروشنده)- **نصیری امید** (شاعر)- **نصیری (ائلمان) امید** - شاعر- همکار موج بیداری)- **نصیری فرد تیمور** (کارشناس ارشد روابط بین الملل)- **نظری الیاس** (شاعر- دبیر ادبیات)- **نظری رسول** (دانش پژوه)- **نظری رحیم** (دبیر)- **نعمتی رسول** (معلم)- **نعمتی کریم**)- **نعیمی مهدی** (فوق لیسانس اقتصاد)- **نقی پور صالح** (کارمند)- **نقی پور طاهر** (کارمند دادگستری)- **نقی زاده ناهید** (کارشناس ارشد برنامه ریزی روستائی)- **نورائی مسعود** (کارشناس معدن)- **نوری** (کارشناس)- **نونام آمنه** (کارشناس عمران)- **نیایش امید** (روزنامه نگار- کارشناس)- **نیک خواه تیرداد** (پزشک)- **نیکفرزاد اردشیر** (شاعر)- **هادی اسماعیل** (قاضی سابق- وکیل دادگستری-نویسنده)- **هنربخش سیما** (دانشجو)- **وثوق محمد** (کارشناس)- **وحدت یوسف** (کارشناس فیزیک)- **وحیدی عباس** (دانشجوی ادبیات)- **وطن خواه صادق** (تاجر)- **وظیفه (ائل اوغلو) صدیار** (سردبیر و مدیر اجرائی ماهنامه خداآفرین)- **وفا غلامرضا** (شاعر)- **ولایت کاظم** (زرگر)- **ولی زاده دکتر علی** (داندانپزشک)- **یزدانی نوذر** (قاضی بازنشسته)

شورای اسلامی آذربایجان شرقی خواهان ایجاد کرسی زبان ترکی آذری در دانشگاه‌ها شد

شورای اسلامی استان آذربایجان شرقی با ارسال نامه‌ای به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری خواهان ایجاد کرسی زبان ترکی آذری در دانشگاه‌های این استان شد. در این نامه، به منظور پیشرفت علمی و تخصصی در زمینه علوم، تحقیقات و فناوری در استان آذربایجان شرقی موارد چندی از محمد زاهدی وزیر جدید علوم تحقیقات و فناوری خواسته شده است. توسعه مراکز تحقیقاتی مزبور و ایجاد مراکز تحقیقاتی جدید از جمله نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی و تحقیقات پلیمر، زلزله‌شناسی، تاریخ و فرهنگ و تمدن قفقاز و آسیای میانه، کرسی زبان ترکی آذری و تحقیقات توسعه و اقتصاد از جمله موارد پیشنهادی و درخواستی شورای اسلامی استان آذربایجان شرقی از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری است. در بخش دیگری از این نامه که با امضای دکتر لواسانی، رئیس شورای اسلامی استان آذربایجان شرقی رسیده از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری خواسته شده است که احیای مجتمع علمی، فرهنگی و تاریخی ربع رشیدی، بسترسازی پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های استان، تسریع در اجرای طرح جامع دانشگاه‌های مستقر در آذربایجان شرقی در دولت دکتر احمدی‌نژاد مورد توجه قرار گیرد.

روزنامه حیدربابا مورخ: ۱۳۸۴/۱۱/۶ ص. ۲ ←



آغـیر ایتگی

اؤلکه‌میز ایرانـئین پارلاق ادبی سیمالارئندان بیری، آذربایجانـئین شرفلی وَ دیرلی اؤغولو **اوستاد محمدعلی فرزانه** دؤنیایا گؤز یومدو.

اوستاد فرزانه گؤرکملی ادیب، یؤرولماز آراشدیرئیجئ، وئیجدانلئ عالیم ایدی. اونون اؤلوّمو، آذربایجان ادبیاتـئینا وَ ائله‌جه‌ده آذربایجان شوّناسلـئیق عـئلمینه آغـیر بیر ضربه ایدی. بو آغـیر ایتگی، وطنپروَر، عدالت سئور وَ موّترقی اینسانلارئ دا اؤرکدن سارسئیلتدئ.

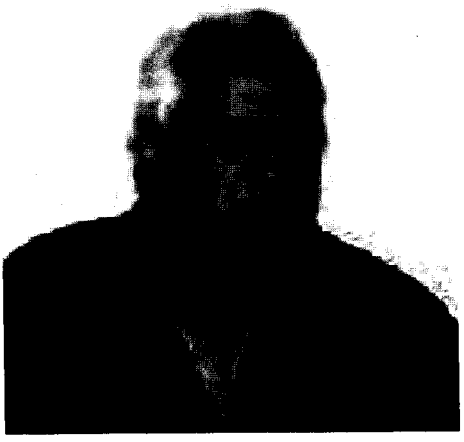
اؤ بوّتوّن معنالی عؤمروّنوّ پهلوی شؤوونیستلری ایله موّباریزه ده کـئچیردی. زیندانلارا وَ سوّرگوّنلره معروض قالدئ. آمما میللی وَارلـئیغـئیمـئیزئین قوّرونماسئ وَ ایجتیماعی عدالتین قورولماسئ اوغروندا اؤز موّقدس آمالـئیندان ال چکمه‌دی. اوستاد فرزانه بؤیوّک بیر اینامین، توّکنمز بیر سئوّگی‌نین ایشیغـئیندا، گـئجه-گوّندوز یوررولمادان قلم چالدئ وَ خالقـئمیز اوّچوّن بؤیوّک وَ زنگین بیر ادبی میراث قوّیوب گـئتدی. بو معنوی میراث ادبیاتـئمیزئین، میللی مدنیئتیمیزین تاریخینده اؤلاراق صحیفه اؤلاراق قالاجاقدئر.

بیز، اوستادمحمد علی فرزانه‌نین خاطیره‌سینی عزیز ساخلایاراق، بو آغـیر ایتگینی: حؤرمتلی فرزانه عاییله‌سینه، اؤلکه‌میزین قلم صاحیبلرینه، آذربایجان خالقـئینا باش ساغلـئغئ وئره‌رک، **اوستاد فرزانه** مزارین نورلا دولسون، یؤلون داوامليئ اؤلسون دئـییریک!

آذری

پروفسور م.ت. زهتابی‌نئین حیاتی‌ و

ادبی یارادیجیلیغی



محمّد علی نقابی

شبستر و یا گئچمیش قدیم آدی ایله دئسک «چی‌چئستر» دییاری یوز ایللر بؤیو ادبیّات سماسیندا بیر چوخ تانینمیش عاریفلر و ادبی سیمالار یئتیشدیرمیشدیر؛ او جوّمله‌دن شئیخ محمود شبستری، میرزا علی مؤعجوّز شبستری و دوقتور م.ت. زهتابی‌دن آد آپارماق اولور.

بو مقاله‌ده بؤیوک و داهی ادیب، رحمتلیک پروفسور زهتابی‌دن اطرافلی سؤز آچماق ایسته‌ییرم. آدی آپاریلان شاعیر، یازیچی، تاریخچی و دیلچی عالیم ۱۳۰۲/۱۰/۲۲ نجی گونش ایلینده، **آغ پاپاق** «میشوو» داغی‌نئین اتکلرینده یئرلشن، او زامانکی شبستر قصبه‌سی‌نین زحمتکشلر یاتاغی سایئیلان «چای محلله‌سی» نده زهتابی عائیله‌سی‌نین یاشادیغی گئنیش باغچالی اوده آنادان اولموشدور[1]. او اوز دوغما آتاسی **محمّد علی**[2]نین

---

[1] ـ بؤیوک ادیب‌ین آنادان اولدوغو ۱۲۰ ـ ایللیک سوّنتی اوین قوشا اوتاقلاری قیبله‌یه ساری ۱۱ دیرکلی، ایکی پنجره‌لی، تک دولابلی اولوب ها بئله بیر سیرا طاقچا و رفلره مالیک اولاراق گونوموزه‌دک گلیب چاتمیشدیر.

[2] ـ محمّدعلی‌نین: یوسفعلی، کریم، صفر و محمّدتقی آدلی دؤرد اوغلو و ایکی قیزی وارایدی.

وٓ شفقتلی آناسئ **سعادت** خانئمئن بیرلیکده قوردوقلارئ صفالئ عائیله اوٓجاغئندا بوٓیا - باشا چاتدئقدان سوٓنرا، ۱۳۰۹ نجی ایلده تازا آچئلمئش «گلشن راز» آدلئ دوٓولتی مدرسه‌یه (۱۳۰۵) گئدیر وٓ ۱۳۱۵ ده ۶ نجی کیلاسئن کارنامه‌سینی آلئر، سوٓنرا مادی ایمکانسئزلئقدان اوٓتروٓ تحصیلی ترک ائده‌رک، آتا - بابا پئشه‌سی اولان باغدارلئق ها بئله اوٓز ائولرینده دریچی‌لیک صنعتی ایله مشغول اولور.

ایکی ایل سوٓنرا شهریوٓر آیئ‌نئن اولرینده تبریز شهرینه گئدیر وٓ اوٓرادا بوٓیوٓک قارداشئ «یوسفعلی»نین منزیلینده یئرلشرک تربیت خییابانئندا اولان «فیضیات» اوٓرتا مکتبینده تحصیل آلاراق دوٓققوزونجو کیلاسئ قورتارئر وٓ ۱۳۲۰- نجی ایلده اوٓغلان دانئشسراسئ‌نئن ایکی ایللیک دوٓره‌سینی باشا چاتدئرئر، داها سوٓنرا «فردوسی» دبیرستانئ‌نئن ۱۲- نجی کیلاسئن دیپلوٓمونو آلماغا موٓوٓفق اولور.

گنج زهتابی درین اینامیلا وٓ سارسئلماز ایراده ایله «رشدیه» وٓ «ادب» دبیرستانلارئندا موٓقدس موٓعللیم‌لیک وظیفه‌سینی داشئیئر، موٓعللیم‌لیک‌له مشغول اولدوغو ایللرده بیر فداکار طلبه کیمی عربجه وٓ فرانسئزجا دیللرینی‌ده اوٓیره‌نیر.

جوٓان وٓ هوٓسکار موٓعللیم، ایلک قوٓشدوغو شئعرلرینی وٓ یازئلارئنئ تبریزده نشر اولونان «فریاد»، «خاوٓرنو»، «آذربایجان» وٓ هابئله جوٓانلار تشکیلاتئ‌نئن اوٓرقانئ اولان «جوٓانلار» روزنامه‌سینده چاپ ائتدئریب وٓ سئناقدان کئچیریر.

موٓتعهّد موٓعللیم ۱۳۲۵- نجی ایلده یئنی آچئلان تبریز اوٓنیوٓرسیته‌سی (دانشگاه)نئن ادبیات دانیشکده‌سینده تحصیل آلماغا باشلایئر، آنجاق قارقئنمئش فلک، خوٓش وٓ آزاد یاشایئشی آذربایجانئن زحمتکئش وٓ چالئشقان خلقینه روٓا گوٓرموٓر وٓ سرمایه آغالارئ‌نئن گوٓسته‌ریشی ایله شاه قوٓشونلارئ ۱۳۲۵-ین آذر آیئ‌نئن **۲۲**-ینده آذربایجان میللی حوٓکومتی‌نین مرکزی اولان تبریز شهرینی قاپیسایئر، دار گوٓروٓشلوٓ جاهئل

قارا قوّه‌لر هابئله الی سیلاحلئ شاه قوّشونلارئ «وحشی‌جه‌سینه» آغئینا ـ بوّزونا باخمادان ناحق ئیره گوّناهسیز خلقی موّهاجیر دئیه توتوب، دوستاق ائتدیلر، اوْ گوّن بیر چوْخ فیرقه ایگیدلری، شاه قوّشونلارئ‌نئین گوّللـه‌سینه قوربان گئتدی هابئله تبریزین گنج شاعیری محمّد باقر نیکنام آزادلئیق اوغروندا شهادته چاتدئ وْ علی فیطرت دوستاق اوْلاراق ۱۳۲۷- ده قاراداخمادا اوْز دوّنیاسئنئ دییشدی. بئلنچی قئیری اینسانی فاجیعه‌لره راضیلاشمایان شاه قوّشونو، ایرتیجانئین کوْمه‌یی ایله آنا دیلیمیزده چاپ اوْلان کیتابلارئ ساعات قاباغئنداکئ مئیداندا اود وْوروب یاندئردیلار.

اوْز خلقینه اوْرکدن باغلئ اوْلان ضیئالی زهتابی، تبریزده گیزلی یاشادئغئ حالدا، ایرتیجانئین توْرتدییی وْحشتی وْ تئروْرو اوْز گوْزلریله گوْروْب دویْغولانئیر وْ اوْخ دیْمیش آسلان کیمی کوْکره‌یئیر. بئلنچی بیر دهشتلی وْ واهیمه‌لی دورومدا «سن اوْسان، من ده بویام» درین مؤحتوالئ شئعرینی قوْشور وْ تانئیش- بیلیشلری آراسئندا پایلایئیر.

شئعردن بیر پارچا:

سو دئییبدیر منه اوْلده آنام. آب کی یوْخ
یوخو اوْیرتدی اوشاقلئیقدا منه خاب کی، یوْخ
ایلک دفه کی، چوْرک وْئردی منه، نان دئمه‌دی
ازلیندن منه دوزدانه، نمکدان دئمه‌دی
بلی! داش یاغسادا گوْیدن سن اوْسان، من ده بویام
وار سنین باشقا آنان، وار منیم باشقا آنام
اوْزوْمه مخصوص اوْلان باشقا ائلیم واردئ منیم
ائلیمه مخصوص اوْلان باشقا دیلیم واردئ منیم

باکئدا یاشایان خالق شاعیری صمد وورغون جنوبی آذربایجان خلقی‌نین اؤرک یانغیلارئنئ دؤیاراق، ائل- اؤبا دردینه شریک اؤلاراق بئلنچی های وئریر:

جلادا! سنین قالاق ـ قالاق یاندیردیغین کیتابلار
مین کمالین شؤهرتی‌دیر، مین اؤره‌یین آرزوسو
بیز کؤچؤروک بو دؤنیادان، اؤنلار قالیر یادیگار
هر وئرقه نقش اؤلونموش نئچه اینسان دویغوسو
مین کمالین شؤهرتی‌دیر، مین اؤره‌یین آرزوسو

پؤلاد اؤرکلی گنج زهتابی اؤز ترجؤمه-ی حالیندا بئله یازیر:[۳]

«۱۳۲۶ نجی ایلین سؤنلارئندا قاچاق [اؤلاراق] تئهرانا گئتدیم و نئچه آی سؤنرا عالی تحصیل آلماق هدفیله قاچاق سووئتلر ایتّیفاقینا گئدرکن، توتولوب **کلات-ی نادر** و مشهد شهرلرینده زیندانی اؤلدوم؛ آزاد اؤلدوقدان سؤنرا مشهدین قند کرخاناسیندا نئچه آی ایشله‌ییب پول توپلایاراق ۱۹۴۸ نجی ایلین دکابر آیی‌نین ۲۸ ـ نده عئشق‌آباد یئؤلو ایله سووئتلر اؤلکه‌سینه قاچدیم، بو گؤنلر عئشق‌آباد زلزله‌ده تام ویران اؤلموشدو. سرحدده و ماریئ [مرؤ] شهرینده سرحدی پؤزماق قانونونون ان چؤخ جزاسینا، اؤچ ایل زیندانا محکوم اؤلدوم و «کراسنوؤرئسکی» نین ایجباریئ ایش زیندانیندا ایشله‌دیم و سؤنرا چارجو، تاشکند «تاؤدا» شهری‌نین ایجباری ایش دوستاقخانالاریندا، مئشه‌لرده ایشله‌دیم. اؤرادان باکئدا اؤلان دؤستوم حمید محمّدزاده‌یه مکتوب یازیب وضعیئتیمی بیلدیردیم. اؤنون ایقدامیئ نتیجه‌سینده بیر ایل تئز زیندانیدان آزاد اؤلاراق دؤشنبه (تاجیکیستان) شهرینه (اؤ زامان ایستالین آباد) گؤنده‌ریلدیم.

---

۳ ـ شمس تبریز هفته‌لیئی نؤمره ۸۶ تبریز ۱۳۷۹

اوْرادا (۱۹۵۱ نجی ایللر) سیْیاسی مکتبده اوْخویاراق. دانیشگاها گیرمک ایسته‌دیم، لاکین اوْرتا مکتب دیپلوْموم اوْلمادیغئندان موْمکوْن اوْلمادیْ. بیر ایل توْخوجولوق کرخاناسیْندا ایشله‌ییب آخشاملار اوْرتا مکتبین سوْن کیلاسیْنیْ بیتیریب دیپلوْم آلئیب باکیْ اوْنیوْئرسیته‌سینه گیرمک اوْچوْن، باکیْ اوْنیوْئرسیته‌سینه گوْندردیم. بیر آیْ سوْنرا اوْرادان موْثبت جاواب آلدیْقدا باکیْیا گلیب اوْنیوْئرسیته‌نین ۵ ایللیک آذربایْجان دیل وْ ادبیْیاتیْ فاکوْلته‌سینده اوْخوماغا باشلادیم. فاکوْلته‌ده اوْخویان زامان بئشینجی کوْرسوْن اوْلینده همین اوْنیوْرسیته‌نین شرق شوْناسلیْق فاکوْلته‌سینده عرب دیلی وْ ادبیْیاتیْ تدریس ائده‌رک، عرب ادبیْیاتیْ اوْزره، ابونووْاسیْن حیْات وْ یاراداْیجیْلیْغیْ موْوْضوعوندا موْدافیعه ائدیب، دوْقتورلوق وْ نئچه ایل سوْنرا دوْسئنت (دانیشیار)لیْق دیپلوْمو آلدیم».

درین وْ حساس میللتچی‌لیک روحونا مالیک اوْلان فداکار ادیب، اوستاد م.ت.زهتابی گئچمیش شوْروی اوْلکه‌سینده بیر چوْخ چتین‌لیک‌لره معروض قالاراق ۱۳۵۰-نجی گوْنش ایلینده، عراق-ین موْسکوْ داکیْ سفیری «شاذل طاقه» جنابلاریْنین معنوی وْ گیزلی یاردیمیْ ایله، حیْات یوْلداشیْ خاوْر آسلان ایله بیرلیکده عراق وْطنداشیْ کیمی بغداد شهرینه یوْللانارکن، باکیْ دانیشگاهیْنین، دوْقتورا ارمغان ائتدیْی معنوی خزینه، بئیْنینده وْ دانیشیارلیْق مدرکی جیبینده ایدی. گوْجلوْ ایراده صاحیبی اوْلان شبسترلی دوْقتور زهتابی، بغداد دانیشگاهیْندا، آذربایْجان دیلینده درس وْئریب وْ فارس دیلی وْ اسکی توْرک دیللری خوْصوصوندا تدریسلر آپاریْردیْ. ـ ۸ ـ ایل موْدتینده عراق‌دا یازیْب یاراتدیْغیْ: «القواعد الفارسیْه»، «مستی نسیم»، «جنایْت ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهان»، «آیا زبان فارسی به زبانهای دیگر ایران برتریت دارد»، «پروانه‌نین سرگذشتی»، «ائل اوْغلو باغبان»، «بختی یانمیْش» وْ... اثرلری اساسیْندا پروْفسوْرلوق درجه‌سینه نایْیل اوْلموشدور.

گؤرکملی عالیمین: «بذ قالاسئندا»، «ایران تؤرکجه‌سی‌نین صرفی» و�“ «ارک مجلّه‌سی ۵ جیلد» آدلئ اثرلری «بئرلین» شهرینده هابئله «چئریک افسانه‌سی» وٓ گؤزلیم ایستانبول شهرینده چاپدان بوراخئیلمئیشدئر.

زهتابی ۱۳۵۸ نجی ایلده تیر آیئ‌نئین اؤچونده ایران دؤولتی‌نئین ایجازه‌سیله، اؤتؤز ایللیک آجئیلئ ـ شیرینلی گئچمیشینه هابئله وٓطن حسرتینه سؤن قؤیاراق دؤغما دیئارئ شبستره قاییتدئ. اؤ، همان ایلین بهمن آیئندان ایعتیبارن تبریز دانیشگاهئندا عرب وٓ آذری دیللرینین تدریسه باشلادئ وٓ بیر ایل سککیز آیٓ سؤنرا، گؤیا تؤرکیئه تؤرپاغئینا گئچمک ایسترکن، سلماس جوارئندا توتولاراق دوستاغا سالئندئ، نهایت دؤرد ایل سؤنرا بوراخئلدئ.

مؤباریز شاعیر یاشایئشئین بؤتؤن چتین‌لیک‌لرینه قلبه چالاراق، آذربایجان دیلینه وٓ هؤویئتینه سؤنسوز درجه اینام بسله‌میش وٓ حیاتئ‌نئین ان ثمره‌لی وٓ وئریملی ایللرینی صداقتله بؤ مؤقدس یؤلدا صرف ائتمیشدیر، ایراندا یاشادیغئ ایسلامی اینقیلاب دؤورؤنده ۱۰ جیلددن داها چؤخ اثری، اؤ جؤمله‌دن بؤیؤک حجملی «ایران تؤرک‌لری‌نین اسکی تاریخی ۲ ج» وٓ ها بئله یؤزلرجه ادبی مقاله‌سی چاپدان بوراخئیلمئیشدئر، هله‌ده چاپ اولمامئیش بیر چؤخ ادبی اثرلری اؤز ائویئنده حؤرمتلی ادیب مؤهندیس حسئین اقدسی طرفیندن قؤرونماقدادئر.

پ.کیریشچی، شبسترین معنوی هؤویئتینی اؤز شئعرلریله شرفلندیرن اؤلؤمسوز میرزا علی مؤعجوزوٓ یاد ائدیب آناراق بئله ترنّوم ائتمیشدیر:

ایندی آچاق سؤز دانئیشاق بیر قدر
میرزه علی مؤعجوزدن آ چؤسترلیلر
تک باشئینا جنگ ائله‌دی جهل ایلن

آخیره‌دک وٚوردو «ابوجهل» ایلن
ایندی ده هر بیر کوٚچه ده مؤعجوٚزوٚن
باخساز اگر یاخشئ گؤررسئز ایزین
سؤزلری هله ده قولاقلاردادئر
یاشلئ اوٚره‌کلرده ده قالماقدادئر
آز کی دئییل شئعرینی ازبر بیلن
شئعرین ائشیتدیکده اوٚرکدن گوٚلن
دؤزدوٚ اوٚ، ایللر بوٚیو جوٚر وٚ قمه
یاٚیدئ سیزین شؤهرتیزی عالمه
دوٚنیا جا سئومیش وطنین، هم ائلین
هیمّت ائدین تا قوٚیاسئز هئیکلین
موزه ائدین کوٚلبه-ی احزانئنئ
کامیل ائدین چؤستریزین شانئنئ.

*****

بو توٚپراقدا گئچمیش یاشئم
تانئشدئر منه، هم داغئم هم داشئم.

میصراعلارئنئ ترنّوٚم ائدن قوٚجامان شاعیر، ساچئنئ- ساققالئنئ آنا دیلی وٚ دوٚغما ائلی اوغروندا آغارتمیش وٚ بیر چوٚخ دوستاقلارئ طالئعسیزجه‌سینه باشدان سوٚواراق ۷۵ یاشئندا، آلمانیا سفریندن دؤندوٚکدن ۵ گوٚن سوٚنرا، سه‌شنبه گوٚنوٚ ۱۳۷۷/۱۰/۰۱ ده شبستر شهریستانئندا، یئنی تیکدیردیئی ائوده، اؤز ایش میزی‌نین آرخاسئندا سکته ائده‌رک ابدیئت کروانئنا قوٚشوٚلموٚشدوٚر. ایکی گوٚن سوٚنرا (پنجشنبه گوٚنوٚ) نیسگیللی وٚ آجئناجاقلئ

تۆرپاغا تاپشئیرما مراسیمینده تبریز، تئهران، اورمو، خوی، سلماس، اردبیل، مراغه، زنگان، همدان، قۆشاچای ها بئله باشقا یئرلردن گلن صداقتلی دۆستلار، اؤیره‌نجیلر و یئرلی قۆهۆم ـ طایفا، تانئیش- بیلیش، باش‌ساغلئغئ وئرمک و جنازه‌نی سۆن منزیلینه یۆلا سالماق اۆچۆن شبسترین آشاغئ قبریستانئندا حۆضور تاپمئشدئلار. فداکارلئق سیمبۆلو پروفسۆر زهتابی‌نین جانسئز گۆوده‌سی توتقون سسلر و گۆز یاشلاریئلا بیرلیکده، سۆیۆق اۆزلۆ قارا تۆرپاغا تاپشئیرئلدئ و بئله‌لیکله اۆنون بخت اولدوز، ماوی سمانئین سۆنسوز اۆفۆقلرینه ساریئ آخئیب گئتدی. آذربایجان ادبیاتی اۆغروندا کۆنۆللۆ اۆلاراق جاندان مایا قۆیان ادیبین قاپیسئز ـ باجاسئز قارانلئق منزیلی باسدئرئلئیب، سولاندئغئ آنلاردا، مدنیئت اۆجاغئ شاعیرلرینده بیری اۆلۆمسۆز زهتابی‌نین معنوی حۆضورووندا دایانئیب، سس‌سیزجه کدره بۆغولموش اۆره‌ییندە آشاغئداکئ قۆشمانئ ترنّۆم ائدیردی:

اۆلمه! تۆرپاقلارا وئرمه‌رم سنی
یئرین قۆللارئمئن آراسئندا دئر
طبیعی سولارلا، ئومارام سنی
سویۆن گۆزلریمین قاراسئندادئر.

گر چی اوستاد فیزیکی جهتدن ابدی اۆلاراق بیزیم آرامئزدان آیرئلمئشدئر، آنجاق اۆنون معنوی وارلئغئ و خاطیره‌سی بۆتۆن آذری ادبیاتئنئ سئوئنلرین و ها بئله قۆهۆم - طایفا و دۆستلارئنئن چئرپئنان اۆره‌کلرینده یاشایاجاقدئر و ائله‌جه قۆیوب گئتدییی معنوی ایرث، پارلاق بیر اولدوز کیمی ادبیاتئمیزا مایاک اۆلاجاقدئر. خاطیره‌سی ابدی و مزارئ نورلو اۆلسون.

آذری قـیزیئنا

م. ت. زهتابی



گـئدیردی آغناداراق زوّلفدن شلاله‌سینی،
نسیم اوْپوّردوّ موّلاییم اوّزوّنده ژاله‌سینی.
جفا ائدیردیسه فرهادا- سوْیْله‌دیم، شیرین،
ائشیتدی عاشیقئ‌نئین بیستوندا ناله‌سینی.
چیچک تیکانسیز اوْلارمی؟ طبیعت ایندی- دئدی-
قوْیوب منیم باشیما حوّسن‌دن کلاله‌سینی.
سوْلار بو گوّل، قوْخونانلار اودار- دئدیم- آخـیر،
آلـیبدئ هر کیمه وئرمیش زامان قباله‌سینی.
قورور ایله یارار آخشام سمانئ آیئ قایـیغئ،
آلار الیندن اوْنون، دان سوْکوّلسه، هاله‌سینی.
گوّنش ضیاسئ گر اوْلمازسا، اوْلماز آیئ قدحی،
جاوانلـیق اوْلماسا، سنیدیر مئـیین پیاله‌سینی.
باهار گلنده فقط لاله قالدیرار قدحین،
عوْمرّ کـئچنده داغـیتماز مئ حوّسن لاله‌سینی؟!
همیشه بوسه حوّاله اوْلار مئ ائرته گوّنه؟!
سوْزوّنده صادیق اوْلان هئچ دانار حوّاله‌سین؟!
گوّلمسه‌یب دئدی: گوّلشنده آذری قـیزییام،
ایتیرمز آذری قـیز کـئچمیشین سوّلاله‌سینی.

دیلیم، دیلیم، ائیْ دیلیم!..

کند اوشاغئ

تاریخ اینسانئ یاراتدئ، اونا دانیشماغئ اؤیرتدی. دوم ــ دورو دیل، آیدان آریئ، گؤندن دوروا!.. سؤنرا بیر تاخیم اؤزؤنؤ بیلیجی سانان اؤخوموش آدام تاپیللدئ. (بونلار هامیسیدا شهرلی‌ایمیشلر، بیز کندلی‌لره هئچ دخلی یؤخموش!). بو ائللجن بیلن اؤخوموش‌لار (داها دؤغروسو: قؤخوموش‌لار!) قاپئ- قؤنشودا هر نه گؤلؤنج سؤز تاپیب گتیردیلر، دؤلدوردولار خالقئین دیلینه! البتّه بئله‌سی سؤزلر اؤز یئر- یوردلارئندا گؤلؤنج دئییلمیشلر. آنجاق بیزیم دیلیمیزده یاد اؤلاراق چؤخ دادسیز- دوزسوز، گؤلمه‌لی گؤرؤنؤرلر. نئجه کی، بیزیم آدئ گؤزل کندیمیزده یاراشیقلئ- دوروشوقلو بیر بئ اؤغلان‌دیر. شهره گئدنده اونون پاپاغئنا سؤز آتیرلار، چاریغئنا گؤلؤرلر! دئمک قؤنشو دیل‌لر بیزیم دیلیمیزی دیشنمه‌میش، آممات عئییه‌جر ائله‌یه بیلمیشدیلر! گؤلؤنج گؤرؤنن قؤناق سؤزلرین بوتایداکئ‌لارئ ایله تانیشیش‌سیز: یئککه یئمک/ باش چیخارتماق! (هؤیوقماق/ آیاغئ یره یاپیشماق/ قوروییوب قالماق/...). بو اونا یئمیر (اویمور/ توتمورلار/ یاراشمیر/...) پس آلماق (گئری آلماق/ قایتارماق/...). هاواسینئ ساخلاماق (آرخا دورماق). چؤخ‌تر (داها چؤخ) و...

بوردا داها چؤخ اوتایداکئ گؤلؤنج‌لردن دانیشماق ایسته‌ییرم. گؤرؤنؤر کی، تکجه دیلین رسمی اؤلوب اؤلماماسئ اونون ساغلام قالماسینا یئتمز ایمیش، دیلینده باغچا کیمی فؤرماسئ گرک‌دیر!

قؤل چکمک: ایمضالاماق/ ایمضا آتماق/ ایمضا قؤیماق (بلکه، داها دا دؤزگؤنؤ: جیزما/ جیزمالاماق!!)

بللی‌دیر ایمضا وئرنده ال- قؤل ایشله‌ییر، آممات «قؤل چکمک» سؤزؤنؤن، قؤلا دخلی یؤخدور. عربجه‌نین «قول» (قؤول/ سؤز/ وعده) لفظیندن گلیر. چؤنکی قؤول وئرن آدام سؤزؤنه «ایمضا» قؤیمالئ‌دیر!!

اوجبات: (جهت/ سبب). قدیمدن بری اوج «جهت» معناسیندا ایشله‌نمیش‌دیر:

سرگشته‌لییم کاکؤل-ی مؤشکینین اوجوندان/ آشؤفته‌لییم زؤلف-ی پریشانئین اوچؤندورا!-

فضولی.

(منجه بو اوج »اوز/یوز» سؤزوْنوْن دؤنوْشوْمؤدوْر. بونونلا یاناشیْ عربجه‌نین «بابت» سؤزوْ ده گلمیش. اوْ بابتدن/ اوْ جهتدن...). ایندی بو ایکی‌سینی قوراشدیرئیب «اوجبات» (اوج + بابت = اوجبات) دوْزتمیشدیلر کی، له‌لش اوْنون اوجباتیندان دوْیونجا گوْله بیلیم!

خارابا بازار (بازارا- زادا دخلی یؤخ، خرابه‌زارئین پوْزولموشودور!!) خارابابازارا چئویردی: وْثران قوْیدو/ داغئیتدیْ/ آلت- اوْست ائله‌دی/...

برپا ائتمک: قورماق/ سالماق/ تیکمک/ ساهمانلاماق/...

موْحاریبه: ساواش. بو ساحه‌ده‌کی کلمه‌لریمیز ماشاللا باشا گلن دئییل. یئری گلدیکده آشاغئیداکیْ‌لاردان بیرینی گوْتوْرمک اوْلار: دوْیوْش/ وْوروش/ توْققوشما/ چئیرپئشما/ آتئیشما/ دیدیشمه/ دالاشما/ بوْغوشما/ گیریشمه/...

تقدیم ائتمک: تانئیتما/ تانئیشدیرما

ایش گوْذار: یارارلیْ/ فایدالیْ/ بارلیْ/...

پرستیش‌کار: سئوْن/ ایستک‌لی/ ایسته‌ین/...

آزار کئش: آرخا/ وْورغون/ یانداش/...

پئشه‌کار (حرفه‌ای): ایشلک (ایشی بودور، چوْخ ایشله‌میش). ایشلک یازار (نویسنده‌ی حرفه‌ای).

خوْصوصی تعیینات: اوْزل گوْج/ وْوروجو گوْج/ قوْرویوجو گوْج/ سئچکین گوْج

روبلیکا: مئیدان/ صحنه

پیروْقنازلاشدیرماق: اوْن گوْرمک

خسته‌خانا: مریض اوْی/ سایریْ اوْی/ سایریلیق (سایریْ: مریض. خالق دیلینده: ساغ/ صاف گوْنوْن سایریسیْ دا اوْلور)

ائعمالاتخانا: ایش یئری. («ایشلیک» داها دا اویغوندور. ـ لیک/ ـــ لیق یئر اکی‌دیر: آلمالیق/ اریک‌لیک/...)

وْ...

هر حالدا بونلاریْ له‌لش نوْمونه اوْچوْن گتیردیم، یوْخسا سایماقلا بیتمز! دئمک شهرده‌کی‌لر دیلی یامان گوْنه سالمیش‌لار، خبریمیز یوْخموش. بللی اوْلور کی، شهرده هئچ نه تمیز قالمیر، هاوادان توتدو: سو، یئمک، دیل، بئییین... هر نه کیرلنیر! آمان شهرلی‌لرین الیندن!



سککیز لیک لر

رسول حمزت اوف

چئویرن: توفیق بایرام

داغئستانئین دونیا شؤهرتلی خالق شاعیری، رسول حمزت‌اوفون **سککیزلیک‌لری** و **منیم داغئستانئیم** آدلئ کیتابئ، اونو ۲۰-نجی عصیر دونیا ادبیاتی‌نئین گؤرکملی نوماینده‌لری‌نین سئراسینا قوشموشدو.

سککیز لیک لر- سککیز سطیر،
داغدان آخان سککیز چایئیم.
سیزه شئعرین عؤممانئینا
قووشماغئ آرزولایئیم.

سککیز لیک لر، سکیکز داغلئیم،
قاناد آچئین یوز دییاردا.
آنجاق داغلئ پاپاغئنئ
ایتیرمه‌یین بو یوللاردا !

من اثوه دؤننده قریب اؤلکه‌دن
اؤغولسوز آنالار سؤروشور هرگون:
اوزاق ساحیللرده، اؤغول، بلکه سن
داغئستان ائلیندن بیر جاوان گؤردون؟

یالاندان دئییرم:«اؤردا بیری وار».
اؤمید ایشئیق اؤلوب گؤزلرده یانئیر.
- او منیم اؤغلوم‌دور- دئییرآنالار،
یاخشئ کی، هامئیسئ بیردن اینانئیر.

۱- رسول حمزت اوف – آذربایجانئین مشهور رسّامئ طاهیر صالاح اوغلون اثری.

****

گۆنش- آغ بالیقچئ‌دیر، ظۆلمت- قارا بالیقچئ،
سحر بیری تۆر قورور، آخشام بیری تۆر آچیر.
حیات دا بیر دنیزدیر، شاعیرین نظرینده:
اینسانلار بالیق کیمی هئچ اؤزۆرلر درینده.

****

بور دادا بالیقچئ‌لار سازلایئیب تیلۆۆنو؛
تۆر آتیب گئجه- گۆندۆز آختاریر اؤز اؤزۆنو
حیات بیر گۆن منیده همین تۆرا سالاجاق.
گۆرن تئزمی اؤلاجاق، گورن گئج می اؤلاجاق.

****

اؤتن اوشاقلیغئ گۆرۆرم هردن
سئوینجله، کدرله دۆلور گۆزلری
اؤنو وار سسیم‌له چاغیریرام من
اؤنا یالوارئرام، قایئتمیر گئری

****

گۆرۆرم قۆجالیق گلیر قاباقدان
اللریم تیتره‌ییر،گۆزلریم چاشیر
اؤنا یالوارئرام، بیر گۆزله، دایان
آغارا- آغارا اؤ، یاخئینلاشیر.

****

ائوه قایئیداندا هر آخشام چاغئ
قۆرخاردیم داشلارا دیئیب- دۆلاشیم.
اوزاقدان یاندیریب آنام چیراغئ
قۆیمازدئ یۆلومو ایتیریب- چاشیم

****

یۆز اؤلکه گۆرمۆشم، یۆز ائل گزمیشم
دۆشمۆشم توفانا، گیرمیشم سئله
همین اؤ چیراغئین نورو همیشه
سالامات ئیتیریب منی منزیله.

****

منیم سعادتیم هارداسان، دیللن؟
- هله قالخمادیغئین آسیمان دایام
- قالخدیم آسیمانا تاپیلمادیغن سن
-هله اؤزمه‌دیئین بیر عۆممانداییام

****

گزدیم یۆز عۆممانئ تاپمادیم سنی
- هله قۆشمادیغئین نغمه‌لرده‌یم
-قۆشدوم اؤ داستانئ تاپمادیم سنی
- هله گل دالیمجا، من سفرده‌یم.

قوزقون

هیند حیکایه‌سی

مانوچ کومارقوسوای
چئویرن : م. امین مؤید

بو «گونو» ایدی کی، خبر گتیرمیش دی. اؤ خبر وئردی کی، چایئین اؤ بیری تایئیندان بیر ماشئین گئچیر. آمما «توتو»، «رودا» وَ «کون» اؤنا اینانمادیلار. آخیر توتو آدام اله سالماق دا اوستا ایدی. آنجاق بیر ایکی دقیقه‌دن سونرا «بوتو» نفس وئورا-وئورا یئتیشدی. اؤدا بیر ماشئین گؤرمؤشدؤ کی چایئین اؤ تایئیندا حرکت‌ده ایمیش. گرک دؤز اؤلموش اؤلا بو دؤرؤرؤرده بیر ماشئین گل-گئت ائدیب. بونون باشقا بیر معناسیدا واردیر. نئچه ایلدن سونرا بیر ماشئین اؤنلارین کندلرینه یاخئین‌لاشمیش ایدی. اؤنلار اؤچؤن بیر مینیک ماشئینئ گؤرمک سانکی بیر خیال دؤلو یوخو ایدی. گئچمیش‌ده بیر زامان عؤمومی سئچگی‌ده بیر کاندیدا تبلیغ اؤچون ماشئین‌لا اؤنلارین کندلرینه گلمیش ایدی، ماشئین دا ایلشه‌نلر کؤک اؤکوزه بنزه‌ییردیلر. ماشئین بوتو عایله‌سینین اثوی قارشیسیندا دایانمیشدی. اؤنا گؤره‌ده بوتو اؤچؤن اینانماغا یئر یوخ ایدی.

سؤز یوخ کی بیر سؤرو ماشئین گلیب‌دیر.

اؤنلار ایسته‌میردیلر خبری کیمسه بیلسین. «لالو» البتّه دئمه‌لی ایدیلر. لالونون دالیئنجا گزیب آنجاق اونو دالیَ محوطه ده تاپدیلار کی نئچه دنه کال موزیَ دیشینه چکیردی. لالو شیشمیش گؤزلرله بوتو یا قولاق آسدی. بوتونون سؤزو قوتاران کیمی، اؤ بیر سیرا بؤش سؤزلر دئدی اؤ بؤش وَ یابانچی دانیشیقلارلا حؤرمت قازانمیشدی دانیشیغی دا بؤیؤک‌لره اؤخشایئیردی. لالو یاشئیل موز آغزیندا ایکن دئدی کی، گرگ گئدک، ماشئینی گؤرملی‌یئیک. وَ آز سونرا سانکی اؤزو ایله دانیشیردی: آمما ماشئین هارایا گئدیر. سویون کناریندا یؤل چؤکؤب وَ خاراب دیر.

«رودرا» نظر وئردی: اؤلا بیلر کی «ناهارانی» یا پؤلیس گلمک‌ده‌دیر.

– بلی اؤلا بیلر کی اؤلن‌لرین سایئینی بیلمک اؤچؤن گلیب‌لر.

– بو گؤن آتا– آنامین دانیشیغینی ائشیتدیم. دده دئییردی ناهارانی دا دیری قالان یؤخدور.

بورا کیمی هامی بیلیردی. دؤرد گئجه بوندان قاباق آروَاد کیشی سسی ایله یوخودان اؤیانمیشدیلار. یاری گئجه ایدی. گؤرمؤشدؤلر کی چایئین گؤنئی قیراغیندا گؤللهلر گؤیؤ ایشیقلاندیریردیلار. صاباح سحر بیلمیشدیلر کی کند بؤتؤنلؤکله بؤشالیب‌دیر دؤنن سحر ائشیتمیشدیلر کی، گؤنئی طرفیندن گلن‌لر ناهارانی دا هامینی اؤلدؤرمؤشدؤلر آمما بو خبرلر

اؤنلارئ عکس‌العمله ساریٔ آپارمادئ. هله لازئم گلیردی کی، اؤلؤمؤن دهشتین قانسئنلار. آنجاق باشا دؤشؤردؤلر کی داها آتالار بازارا گئتمیرلر. رودرانئین بؤیؤک قارداشئ چاپئین گؤنئی طرفیندن هله‌ده قاپئتمامئشدئر. بیر ایکی جنازه سودا اثنیب قالخئردئ گئدیردی یئمک آزالمئش و اؤنلار آنجاق سحر تئزدن بیر شئی تاپئب یئمیشدیلر کی، گئجه‌نین آجلئغئین سؤندؤرسؤنلر. چتین‌لیک‌له گئجه بیر یئمک تاپماقلا قاپئلارئ آرالادئلار و هامئ اؤلرده قالدئلار. کند قبریستانا بنزه‌ییردی.

ماشئین بؤیؤک ایدی، بوتو، لالو یئنه‌ده سؤردو تشویق اثتدی: بیر ایش گؤرک! چاپئین انین انجیر آغاجئ ایله گئچیب خاراب اؤلموش یؤلا چؤخ تئز چاتاریق. بئلنچی بیر وسوسه‌لی مصلحت قارشیسیندا دایانماق اؤنلار اؤچؤن چتین ایدی. آمما ایندی کی دوروم دا بؤیؤک کیشی‌لرده کندین سرحدین آشماغا جؤرأت اثتمیردیلر اوشاقلار کی اؤز یئرینده قؤرخوردولار. گونو گئتمه‌لی‌دیر. پؤلیس دالیمیزجا گلسه او اؤزؤن قورتارا بیلمز. رودرا دئدی و چالیشدئ گونونو راضیٔلاشدیرسئین. گونونون جاوابئ اثله بیر قاش قاباق ایدی کی مجبور قالدیلار اؤنودا اؤزلری ایله یؤلداشئ حئساب اثتسینلر. آخئ قؤرخوردولار آرتیق چتینلییه معروض قالالار. گونو تازا دؤرت یاشئین قورتارمیشدئ اؤنلار اؤز سفرلرینی قامیشلئیق‌لاردا قوروموش قامیش یاپراقلارئ اؤستؤنده و ایلان کیمی مین بیر بوجاقلئ یؤل ایله باشلادیلار. هامیسیندین یاشئ اؤنا یاخئین ایدی. گونو آنادان اؤلما لؤت ایدی. لالو کؤهنه ترلیک گئیمیش ایدی کی، اینین‌دن چئیخارتدئ. داها گئیمک مؤمکؤن اؤلمازئدئ.

سس سیز، صداسیز یؤل قؤرخولو ایدی. اؤنلار یؤلدا بیر آداما راس گلمه‌دن راضی ایدیلر.

بیر چؤبانئین ماهنئ اؤخوماغئ، اؤتای دا بیری‌نین فیشقا چالماسئ، قاپئغئین سویو یاریب ایره‌لی‌لمه‌سینین سسی، بؤتؤن بو تانیش سس‌لر آرادان گئدیردیلر. آغیر سؤکوت هر یئره قلبه اثتدی.

قیش ایدی و چاپئین سویو آزالمئش دئ. گؤن اؤرتایدئ، چاپئین ایچریسیده آیاق یئرلری قورواموشدو.

اؤتن گئجه نارین یاغیش یاغمیشدئ. ماشئین لاستیئی جاده‌ده ایری خطلرله ایز قؤیموشدو. اوشاقلار سرخوش ایدیلر و بؤیؤکلر ساپاغئ دانیشیق‌لارا باشلادیلار: ماشئین نه اندازه‌ده اؤلا بیلر، اؤنون سؤرعتی نه قدر گرک‌دیر اؤلسون!

سؤنرا یئنه ده هر یئری سؤکوت بؤرؤدؤ، قؤرخولو بیر سؤکوت. داها قوشلارئین جؤککؤلتؤسؤ قولاغا چاتمیردئ. یؤلو آزسئین‌لار. هئچ بیر اینسان دان اثر یؤخودو. وحشت‌دن علاوه بیر اؤکؤزله چکیلن آرابادا چؤنؤب یئیخئیلمیش ایدی. لاپ دان کون قیشقیردئ: بیر آدام! اؤنلار، بیر کیشی گؤردؤلر کی، نئی مئشه‌سینین قورتاراجاغیندا اؤزؤقویلو دؤشمؤش و بیر نئیزه اؤنون کؤرپئنده

یئرلشمیشدی. قان لکه‌لری اؤنون کؤره‌یینده وئ چمن‌لر اؤزرینده گؤرؤنؤردؤ. اللری وئ قؤللاریئ آچیئق ایدی. اؤلا بیلسین کی اؤلؤم آرزو ائدیرمیش.

لالو وئ یؤلداشلاریئ سس‌سیز داپانئیلار تیتره‌یئردیلر. گؤزلرین اؤ کیشی‌دن دؤلاندیئردیئقدا جنازه‌لر گؤردؤلر کی اینسانئین وحشی‌لیئی ایله اطرافدا تؤکؤلمؤشدؤلر. ائولر، آغاجلار یاریئ یانمیش بیر قادین اؤلؤسؤ زیئق وئ پالچیئغا باتمیش وئ لؤت بیر جاوانئین جنازه‌سی باش‌سیز بیر اوشاقدا نئیزه ایله مؤز آغاجینا تیکیلمیش ایدی.

حئیرت له دؤلو گؤزلرله وئ سس‌سیز صداسیز ایره‌لییه گئشتدیلر. باشا دؤشه بیلمیردیلرکی نه اؤچؤن بو آداملاریئ اؤلدؤروبلر. اؤلابیلسین کی اؤلن‌لرده بیلمیردیلر نه اؤچؤن اؤلؤبلر.

توتو حئیرتله سسلندی: اؤدورها ماشئین! چایئ قیراغیئندا بیر یؤلا چاتیئردیئ کی آنجاق اؤکؤزله چکیلن آرابایا مؤناسیب ایدی. اؤرانئین آشاغیئ‌سیئندا آچیئق بیر یئرده بیر جیپ دایانمیش‌دیئ. اؤنلار قاچیئپ جیپه چاتدیلار. بو آن دا جیپ دن نئچه نفر ائندیلر.

قاباقدا آچیئق بیر چیمن کیمی محوطه ده نئچه اوشاغئین جنازه‌سی گؤرؤنؤردؤ. اؤنلاریئن بدنلرینده آغیر یارا گؤرؤنمؤردؤ.

بو همان اوشاقدیر کی بالیئق قارماغیئ الینده اؤنو همیشه گؤرمؤشؤک. اوشاغئین صیفتی اؤنلارا چؤخ تانیش ایدی وئ اؤنو گؤرمؤشدؤلر کی سحردن آخشامادک چایئین اؤ تایئیندا قارماق الینده اؤتورواردیئ. باشقا اوشاقلار کیمی بؤیؤک‌لرین وئ کیشی‌لرین دالیئنجا دئییل ایدی. سودادا اؤزمزدی. بالیئق‌دا دوتا بیلمز ایدی، آمما چؤخ ایراده‌لی ایدی وئ هدف دالیئسیئجا ایدی. ایندی ده اؤلؤ صیفتینده باخیئشیئ قودرتلی ایدی. سانکیئ هر آن اؤلابیلسین کی آیاغا قالخیئب، بالیئق قارماغئین گؤتؤره‌رک سالالانا- سالالانا چایئ قیراغیئنا ساریئ یؤلا دؤشؤب گئده.

جیپ‌دن ائلن کیشی‌لرین بیری توتو یؤلداشلاریئنیئ گؤره‌رک زارافاتلا: هئیئ بونلار هانسیئ ماوی گؤیدن دؤشدؤلر بلکه‌ده بو اوشاقلارئین روحلاریئ‌دیر - دئدی. اوجا بؤیئ آریئق بیر کیشی دیقّت‌له اوشاقلارئین چیمن اؤسته داغیئلمیش جنازه‌لرینه باخیئردیئ. اؤچ آپارات جیپینه‌دن آسمیش ایدی.

- راگو چؤخ دهشتلی دیر هه؟

- من بونلاردان دهشتلی‌سینی ده آرتیئق‌دا گؤرمؤشم، عئینک‌لی کیشی کی راگو آدلانیئردیئ- دئدی.

- سانکی اؤندا بیر اثر قؤیمامیئشدیر سانجایئ اؤ دفه مالدا یادیئندادیئرمیئ؟ من چکدیئیم شکیل‌لر بؤسبؤتؤن هیندؤستاندا آداملاریئ حئیران ائتمیشدی. "هارادام بابو" اؤ قدر هیجانا گلدی کی شؤشه شامپانیئ بیزه هدیه ائتدی.

- سانجایۆ آدلانان اسمر کیشی جاواباینده باش دبرتدی. تر آلیشیدان آخیردیۆ، دئمه‌لی حتّا تئز- تئز دسمال چیخاردیب تر سیلمک اوچون یوروردو.

- عجب بورکودور. آیۆ آللاه بو بورکوده، بورادا نه ساياق ياشايیرلار؟ بو ياخیشلاردا سرین ایچگی ساتان دوکان یوخدورمو؟ - سانجایۆ حوصله‌سیز وۆ یورغون حالدا میزیلدادیۆ. گولمه‌لی سوزلر دانیشیرسان، بورا سیزین بوستون شهری دئییل. نیویورک تایمزدا یازا بیلرسن بو دونیادا هله یئرلر واردیر کی، یئرمی مایل جاده‌دن اوزاقدیر وۆ برق گورمک اوچون داها اللی مایل دا گئتمک گرگ.

اوجا بویۆ آریق کیشی سویله‌دی جیب‌دن ائلن آداملارا بیر باخیشلا باشا دوشمک اولاردیۆ کی، اونلار باشقا بیر دونیادان‌دیلار. دانیشیق گولوش وۆ رفتارلاریۆ گونو وۆ یولداشلاریۆنا بیگانه ایدی. رنگلی عئینک گوزلرینده وار ایدی. گئییم‌لری‌نین کولگه‌سی تیترک پارلایئردیۆ. آپاراتلار وۆ ضبط‌لر اونلارین چیینلرین‌دن آسیلیۆ ایدی وۆ گونشین ایشیغیۆ فیلیزلرده قایتاریلیردیۆ. - شکیل‌لرینیزی تئز چکین گئجیک‌سک آغاجلارین کولگه‌سی اوجالار.

- ایشیق تفاوتلو اولسا شکیل یاخشیۆ ایشیق چیخماز. - راگودا ائحتیاط اوزره دئدی. اونلار سورعتله ایشه باشلادیلار. اوجا بویۆ آریق کیشی مهارتلی اللری ایله آپاراتیۆ ایشه سائیب وۆ نیشانه توتدو. باهالیۆ آپاراتلار پاریلدادیلار.

- شانس واریمیزایدی کی، تئز یئتیشدیک. جنازه‌لرین قوخوسو صاباحا قدهر خئیلی آرتار وۆ اونو تحمّول ائتمک اولماز. لیما بئله دئییل‌می؟

- خوشحالام کی، قوخودان هله خبر یوخدور؛ من دانا بیلمرم. آندرا پرادش طوفانیندا ایکی گون هئچ نه یئیه بیلمه‌دیم هامن، یادیندادیرمیۆ؟

- هامن اولموش اوشاق قارشیسیندا آغلایان کیشی یادیندادیر؟

راگو دا اوجادان سوردو:

- اولموش اوشاق اونون اوغلو ایدی. حیات یولداشیۆدا اولموش ایدی. اوزو منه دئدی...

- او کیشی دن شکیل چکدین. آرول؟

گنج کیشی جاواب وئردی: - بلی راگودا.

- آزجا دوز. یقین ائده بیلمیرم اوشاق اولوب یوخسا هله دیری‌دیر. نئجه اولوبدور بو اوشاق. بدنینده ضربه اثری یوخدور. آرون بیر ایش گور. او اوشاغین یاخینیندا اولان کیشی‌نی اوخ قارنینا سوخولوب چک یاخینا تئز اول! بهاتا جنابلاریۆ وعده وئریب ناگاااون‌دا بیزی گوزله‌سین، ایچگی‌ده بیزیم حاضیرلایاجاق.

- راگودا یادئندا وار بو حادیثه‌یه بنزه‌ر لئیشخاسئیرام‌دا اوز وئرمیشدی. - لیما آدلانان قادئین دئدی.

- یوخ دوستوم شارمانئین دوربینی چوخ حادیثه‌لر گؤروبدور. اونلاردان نئچه‌سی یادئنده‌دیر؟

- معلوم اولدوغونا گؤره گنج کیشی چتین‌لیئه راست گلمیش‌دی. او، چالئیشئیردئ اوشاقلارئین جنازه‌لرینده‌ن بیر یئرده شکیل چکسین... آلنئ‌نئین قئیرئیشلارئ گؤستریردی، اولا بیلمز. دوزگون زاویئه‌نی تاپا بیلمیردی.

- هامندا، جنازه‌لرین نئچه‌سین آرادان گؤتوروب بورادا یئرلشدیرک. چون هر زاویئه‌دن بوش یئر قالئیر کامیل تصویر جنازه‌لرله دولو اولمالئدئیر کی، صحنه‌نین نه قدر قورخولو اولماسئین گؤسترە بیلسین. جنازه‌لر شکیلین ائنین دولدورمالئدئیرلار. راگودا بئله دیرمی؟

- یوخ موطلق یوخ اونلارئ اورتادان گؤتورمک اخلاقی ایش دئییل آمما جنازه‌لرین اورتاسئیندا یئر بوش قالئیرسا، شکیل جماعتی وحشته سالابیلمز.

سانجو آدلانان کیشی باغئیردئ.

هامئ کیشی‌لر ساکیت اولوب فیکیرلشدیلر راگودا کیمی کؤهنه‌کار آدام‌دا جینله‌نیب، آپاراتئ چیئینیندن آسدئ.

- لیما آدلئ قادئین گونو و یوللداشلارئینا گؤز تیکمیش ایدی. او دئدی: هامندا قولاق آس بیر فیکیر ذئهنیمه گلیب آمما...

آسام لئ‌لارا اوخشاییشئ اولان کیشی و باشقالارئ لیمایا یاخئینلاشدئیلار. لیما اونلارئن قولاغئینا بیر سوزلر دئدی کی، اونلارئن اوزلری ایشئیقلاندئ و راحات‌لاشدئیلار. راگودا اونون کوره‌یینه ال چالدئ و ممنونییتینی بیلدیردی.

هامن اوز چئویردی اوشاقلارا ! اوشاقلار. بورایا گلین قورخمایئین اوغلانلار گلین بورایا آسامئ دیلینده سوییله‌دی.

- گونو لالونون الیندن موحکم دوتدو. قلب‌لری دویونده قورخدولار.

آرون دئدی: طیفیل‌لر قورخدولار، فیکیر ائدیرم قاچالار.

- قاچمازلار، گلرلر، گرکدیر گله‌لر.

- هامندا الینی سالدئ بیر کیسه‌یه و نئچه دنه آلما چئیخارتدئ آلمالار یئتیشمیش و قئیپ قئیرمیزئ ایدیلر، گونش ایشئیغئیندا پارلایئیب اوشاقلارئ وسوسه ائدیردیلر.

- اوشاقلار گلین بورایا بونلارئ گؤتورون.- ایناندیرئیجئ و دوست ساییاغئ اونلارئ سسه‌لدی. هیپنوتیزم اولانلار کیمی لالو ایره‌لیئه گئتدی، رودرا اونون آردئجا و سونرا، بوتو، گونو و... معده‌لری اود وئریردی و گوزلری قئیزئل آلمالارا تیکیلمیشدی.

- یاخشیؤ هر بیرینیز بیر آلما گؤتؤره‌جک‌سیز، لاکین اوّل یاخشیؤ اوشاقلار کیمی چیمن‌لر اوّسته اوزانئین.

- آرون، لیما وؤ راگودا، تقریبن اوشاقلاریؤ وؤ یؤلداشلارینئؤ، مجبور ائتدیلرکی، اوّلوّلر کیمی چیمن‌لر اوّسته دؤشسوّنلر وؤ اوّنلار سؤزسوّز بو ایشی گؤردوّلر اوّنلار بالیق قوللابیؤ هوّسکارلارئینئین کنارئیندا اوزاندئیلار. اوّلن اوشاقلار همیشه‌لیک اوّلاراق گئتمیش ایدیلر. گونو وؤ بوتونون پالتارلاریؤ جئیرئق وؤ کؤهنه ایدی وؤ اوّز- گؤزلری قوّرخموش، اوّنلار ساده‌جه جنازه‌لرله بیر اوّلدولار.

- آپارات بو منظره‌نین اوّزرینده کی آدامئین توّکلری بیز- بیز دورووردو دایاندیؤ.

- بیر زامان گودارئین بیر فیلمینی گؤرمه‌یه گئتدیم. اوّرادا عئینی بو بیر صحنه وّارایدی. مدرسه اوّتوبوسو چؤنموّش وؤ تصادوّف ائتمیش ایدی وؤ اوشاقلار ضربه اثرینده هنده‌وّره داغئیلمیئشدئیلار. اوّنلارئین بیری هله مدرسه چانتاسیؤ الینده ایدی. درس کیتابلاریؤ وؤ فوّتؤکوّپولار قان ایچریسینده ایدیلر. چوّخ دهشتلی! آخیؤ گودار یاخشیؤ بیلیردی کی صحنه‌نی نه سایاق یاراتسئین؛ راگودا آرام دئدی، بو خاطیره اوّنو آنجاق راحات قئیزدیردیؤ.

- گودارئین آخیرئینجیؤ فیلمی "خانیم کر حاققیئندا هر مطلب"ی گؤروّب سوّزموّ؟

گونو وؤ دوّستلاریؤ آیاغا قالخدئیلار. لالو بالیق قارماغینیؤ هوّسکاریؤنئین کنارئیندا اوزانمیئشدیؤ. آیاغا قالخاندا اوّ حرکت‌سیز بدنه گؤز تیکدی وؤ سوّنرا اوّز بدنینه دیقّت‌له باخدیؤ وؤ سوّنرا گونوّیا، بوتوّیادا، اوّلابیلسین کی ذئهنینده برابرلیک فیکرینده ایدی.

- اوجابوّیؤ گنج اوّنلارئین هره‌سینه بیر آلما توّلازلادیؤ وؤ ائله بیل کی ایستیر دنسین کی، داها گئدین!

- آرون داها گئجیکیرسیز، بهاتا بیزی گؤزله‌مکده عصبی اوّلاجاق، بعلاوه اگر ایستیریک لارئیقات‌لا گؤروّشک کی یاواش یاواش کؤره‌لنیردی- دندی.

لیما خانیم گوّلوّمسوّنرک اوّنون دندیئین ایصلاح ائتدی: لارئیقات یوّخ، لارئیقات. آدلاردا آداملاریؤ گیجه‌للندیریرلر. بونلار خوّشبخت‌دیرلر، بئله اوّلماسایدیؤ بو کندلرین آدئینیؤ دوّنیا تانیماز ایدی. ایندی، بونلارئین آدیؤ قزئت‌لرین اوّن تیتری‌دیر.

جیپ یوّلا دوّشدوّ.

گونو وؤ یؤلداشلاریؤ حئیرت‌له دوّلو گؤزلری ایله گؤردوّلر کی، جیپ نئجه قارر- قورر، ائدیر، نئجه، تیه‌رلری نئجه حرکت ائدیر وؤ نئجه سوّرعتله اوزاقلاشیر. جیپ گؤزدن ایتدی، وؤ کند یوّلونون بیکر توّرپاغیؤ بولاندیؤ.

- گونونون الینده آلما یاواش- یاواش کیچیلیردی. اوّنلار اوّ زامانادک آلما دادمامیئشدئیلار. جیپ چایئین دوّنوّموّنوّ آشیب گؤزدن ایتدی آلمالاردا اوّنلارئین الینده آرادان گئتدیلر. اوشاقلارئین یوخولو گؤزلری ائوّه ساریؤ دوّندوّ. دیل‌لرینده گوّوّنمه‌لی بیر ایمتیحان، ساده ذئهن‌لرینده بیر جیپ خاطیره‌سی.



قـیسا بیر موّصاحیبه

عمران صلاحی

– بیزیم‌له موّصاحیبه انـتمه‌یه حاضیرسیز؟

– حاضیرام، آنجاق بیر آز قوّرخورام.

– نه‌یه گوّره؟

– اوّنا گوّره‌کی تـئلوّیزیوّن فیلم‌لری‌کیمی بیز بیر سوّز دانـیشاریق آنجاق آغزیمیزدان آیریئ بیر سوّز چـیخار.

– آرتـیق ایضاح ائده بیلرسیز؟

– دئمه‌لی بیر دفه بیر موّصاحیبه‌ده سعدی‌دن بیرشئعر اوّخوموشدوم، موّصاحیبه چاپ اوّلاندان سوّنرا، گوّردوّم‌کی صاییب-ین شئعری آغزیمدان چـیخـیبدیر. بیر دفه‌ده بیر موّصاحیبه‌ده دئمیشدیم، فیلان شئیدن خوّشوم گلمیر، موّصاحیبه چاپ اوّلاندان سوّنرا گوّردوّم‌کی، فـیلان شئیدن ائله یامان خوّشوم گلیر. بیرده کی، بو موّصاحیبه‌نی هارا اوّچوّن ایسته‌ییرسیز؟

– سیزین اوّچوّن نه فرقی وار؟ **گوّنش** آدلیئ بیر روزنامه اوّچوّن البته اوّندایاجان تعطیل اوّلماسا. تعطیل اوّلسادا موّصاحیبه‌نی وئرریک مهتاب آدلیئ شب‌نامه‌ده چاپ اوّلار؛ یاداکیئ موّصاحیبه‌نی ایکی ئـره بوّله‌ریک یاریئسیئنی وئرریک بونا، یاریئسیئنی‌دا وئرریک اوّنا.

– نهایئت موّصاحیبه‌میزی گوّرمک اوّچوّن هانسیئ روزنامه‌نی آلاق؟

گوّن اوّرتا آدلیئ روزنامه‌نی، البته هله ده بیلینمیر.

– بیز سیزی هارادا تاپا بیله‌ریک؟

– بیزی تاپماق لازیم دئییل. بیز اؤزۆموز تئز- تئز تاپیلاجاییق. اصلن بیزی نه اۆچۆن تاپماق ایستیرسیز؟

– بیر پارا ایضاحات وئرمک اۆچۆن.

– نه ایضاحاتئ ؟

– میثال اۆچۆن: بیز «مصلح‌الدّین سعدی»دن دانیشاندا، سیز «صلاح‌الدّین ایوبی»دن یازمایئین.

– ایندی ایجازه وئریرسیز سیزدن عکس سالام؟

– سالیئن، آنجاق منیم گؤزۆم سو ایچمیر!

– نه اۆچۆن؟

– اۆنا گؤره‌کی بیردفه، بیزیم عکسیمیزین یئرینه «موسا چؤمبه»نین عکسین چاپ ائتمیشدیلر، گؤرۆنۆردۆ کی، اۆ عکسین آلتیندا یازمیشدیلار: آغا شکرچییان گۆجه‌نمک‌ده دیر.





بیر سۆگی،

بیر عۆمۆر

حبیب فرشباف

زئینب به‌یم- حبیب فرشباف (کاغالاکندی)-۱۳۴۶

زئینب به‌یم الرینی دیزلرینه سۆیکه‌یب، ایکی پیللەنی آغیر- آغیر یوخاریئ قالخدیئ. اۆ، قاپئنیئ آچیب ایچری کئچین‌جن، کۆلک قاریئ دۆکانا دۆلدوردو. دۆکانچیئ تئز دوروب قاپئنیئ باغلادیئ. زئینب به‌یمین گۆزلری قارانلیقدا هئچ نه‌یی گۆرمۆردۆ. بیر نفر اۆنون قۆلوندان توتوب- آنا گل قیزیئش- دئیه، اۆنو اۆدون پینجی‌نین یانیئنا چکدی.

زئینب به‌یمین گۆزلری یاواش- یاواش قارانلیغا آلیشدیئ. اۆ، دۆکانداکیئ آداملاریئ تانییا بیلمه‌سه‌ده، تۆسدۆ- دومان ایچیندن بیرآز اۆنلاریئ سئچه‌بیلیردی. کندین قۆجالاریئ سککی‌یه دۆزۆلۆب تنبه‌کی ائشیردیلر؛ گنج‌لرسه پینج باشیئنا توپلاشیب، آیاق اۆسته توخوم چیرتلاییئردیلار.

زئینب به‌یم بیرآز ایسینیب، سۆنرا تره‌زییه ساریئ یۆنلدی. اۆ، کالاغای‌سئینین اوجونا دۆیۆنله‌یب الینده برک- برک توتدوغو ایکی یومورتانیئ ائهمال آچیب تره‌زییه قۆیدو.

- بیرینه قند، بیرینه‌ده «جاهان» چایینیئ وئر- دئدی.

اۆ، قندی، چایینیئ یئنه کالاغای‌سئینین اوجونا دۆیۆنله‌یب دۆکاندان چیخدیئ. بو آن قۆجا بختییار سینه‌سینین تۆسدۆسۆنۆ بۆشالدا- بۆشالدا فلک‌چرخیوه قادام، زئینب‌ده قۆجالدیئ ! دئدی.

باهادیر آدلئ بیر گنج اؤزؤنؤ قؤجالارا توتوب سؤروشدو:

– دایئ! بونون اری‌نین باشینا اؤتایدا نه‌گلدی؟

سلیم دایئ نئچه دفه اؤ اؤسگؤرندن سؤنرا:

– بالا نه دئییم نبی‌نین دوشمانئ قورتاران دئییلدی. اؤ، خانلارا قان اؤتدوردو. فیرقه قاچاندان سؤنرا بیر زامان جاماعات اؤردا- بوردا اؤنو گیزلتدیلر. ترلان خانئین بالالارئ ال چکمه‌دیلر. نبی بئزارئیئب آداخلیسئینئ‌دا بوراخیب قاچدئ.

بیردن سارخان کیشی:

– ایه! نبی قاچاندان سؤنرا دا ال چکمیردیلرکی! نئچه دفه آدام گؤندردیلر نبی‌نین آروادینئ قاچیرسینلار. زئینب توتوق وئرمه‌دی. بیر دؤنه‌ده الینه دؤندؤیؤم زئینب ایکی آتلئینئ چکیب آت‌دان سالیب اؤزلرینه توپوردو. اؤنلاردا: تودابانا- دئییب قیشلاغاجان داللارئینادا باخمادیلار.

سردار آدلئ بیر باشقا گنج سؤروشدو.

– دایئ نه دن نبی‌نین اؤلؤمؤنؤ زئینب به‌ییمه خبر وئرمه‌دیلر؟

سلیم‌دایئ‌دان قاباق مشه‌مؤروؤت:

– ایه! اؤندا زئینب به‌ییم بئش آیئین گلینی‌ایدی، نه‌کی دئدیلر اینانمادئ.

باققال نؤمسی‌ده سؤزه قاریشدئ:

– دایئ! دئییرلر زئینب یامان‌دا گؤزل‌ایمیش؟

– ایه! زئینب‌کیمی ماحالدا گلین وارایدی؟! هم ایگید کیمی ایگید ایدی، هم سؤنا کیمی گلین. ماحالدا ریئیس قالمادئ‌کی، اؤنا ائلچی گؤنده‌رمه‌سین. آنجاق‌کی، زئینب «نئت کی نئت» دئدی:- «نه‌قدر نبی‌نین آدئ اؤستؤمده‌دیر اؤتوروب گؤزله‌یه‌جه‌یم».

آتا کیشی الینده‌کی چه‌لییین گؤیه قالخیزاراق:

– ایه! اسی‌کاتدانئ نییه دئمیرسن؟ بئچارا قؤجا واختیئندا دا اؤندان ال‌چکمیردی.

سس‌دن قولاق توتولوردو.

بؤتؤن دؤکانداکئلار قؤجالئ- جاوانلئ زئینب حاققیئندا سؤزه قاریشمیشدیلار.

– بونون بیر سسی وارایدئ، بیر سسی وارایدئ...

– دئییرلر نبی‌نین تؤفنگینی هله‌ده ساخلایئیر.

– پاپئرلا، ده‌لی قنبر بیر گئجه دووارئیندان آشماق ایسته‌یه‌نده، اؤنلارئ قاتئیب قاباغئینا کؤوشنه قده‌ر قؤومؤشدور...

– دئییرلر– امنیه‌ یئیسی بیرکیسه قئیزئل گؤنده‌ریر. زئینب سؤیؤش وئره– وئره کیسه‌نی گئری قایئتارئر.

– دئییرلر نبی اسی‌کاتدانئ تؤیله‌یه سالاندا، زئینب قاققا چکیب گؤلمؤشدؤ...

– دئییرلر...

– دئییرلر...

***

زئینب به‌یئم قالئیش‌لارئنئ سؤروؤیه– سؤروؤیه، قار جئیغئیرئ ایله گلیب ائؤینه چاتدئ. اؤ، داشئین آلتئیندان آچارئ گؤتؤروب قاپئنئ آچدئ. ایچری گیرنده سارئ آناج‌لا بؤز پیشیک اؤنون ال– آیاغئینا دؤلاشدئلار. زئینب‌به‌یئم:

– بئی! جانئیز ئانسئین چکیلین گؤروم! ال– آیاغئیم دؤندو. – دئییب، تئز قاپئنئ باغلادئ. اؤ، تندیرین آغزئندان دووااغئینئ کنارا چکیب قاراچایدانئ ارسین‌له چئیخارتدئ.

تزه آلدیغئ «جاهان» چایئیندان بیرآز آتئیب، دمه قؤیدو. دؤننده باشئ ئامان آغرئردئ. سؤتؤل چایدان ایکی ایستکان سؤزوب، پؤفله‌یه– پؤفله‌یه ایچدی. ائله بونا بندایمیش، باشئ‌نئین آغرئیسئ آزالدئ. اؤزؤنؤ تؤیوغا توتوب:

– آغزئن شیرین اؤلسون قئیزئم! چایئینئ ایچدیم باشئیم تؤخدادئ– دئدی.

تؤیوق ایرلی گلیب دؤز اؤنون قاباغئیندا دایاندئ.

زئینب به‌یئم باشئینئ تومارلایا– تومارلایا اؤنو اؤخشاماغا باشلادئ:

– ککیلینه‌ده قوربان، اؤزؤنه‌ده، قارا سؤرمه‌لی گؤزؤنه‌ده...

«قارا سؤرمه‌لی گؤزؤنه‌ده» سؤزؤ اؤنو آجئ خاطیره‌لر، گئچمیشینه آپاردئ– آخئ اؤ، بو شئعری «شکیل» آدلئ فئریئینه اؤخویاردئ.

– آخ! ایندی شکیل‌ده قالسایدئ داها نه قمیم اؤلاردئ؟ اؤنون‌دا یومورتاسئنا نؤوؤت آلاردیم، ساپ آلاردیم، – الی قوروسون اسی‌کاتدانئین – دئییب. دریندن بیر کؤکس اؤتوردو.

نبی تازاجا قاچمئشدئ اسی‌کاتدا اؤنون قاپئسئنا گلیب.

– ریئس سنه پول گؤنده‌ریب – دئییئنده. زئینب‌به‌ییم:

– ریئس آنلامایئیب: اؤ، یئستیم قؤیدوغو اوشاقلارئین قئیدینه قالسئین. منیم الله‌ریم چؤلاق دئییل‌کی– دئییب. اؤ گئنجه دان یئری سؤکؤلؤنجه نه جهره‌سی‌نین نه‌ده حزین سسی‌نین آردئ– آراسئ کسیلمه‌میشدی.

اسی‌کاتدا– قالئیب– قالئیب یومشالارسان– دئیه قایئیتمئشدئ.

ایل‌لر– ایل‌لردن اؤته– اؤته زئینبین گؤموش پوللو یلینی، خؤرامان یئریشینی‌ده اؤزلریله آپارمئشدئ‌لار. اسی‌کاتدا اؤندان تاماه دیشینی چکسه‌ده، هله‌ده اؤنون آزار– اذییتیندن بیر آن بئله ال چکمه‌میشدی.

هله سحر تزه– تزه آچیلئیردئ زئینب‌به‌ییم یوخودان دوروب تندیر سالماغا باشلامئشدئ. قاپئ چالئیناندا– کیم سن؟ – دئییب، جاواب آلدیقدا، اسی‌کاتدانئ سسیندن تانئیدئ. زئینب‌به‌ییم قاپئنئ آچمایاندا، اسی‌کاتدا:

– آروادا! تاختا چکمیشیک سنه دؤشؤب! قوناغئمئز وار تئز اؤل اؤچ نفرلیک ناهار حاضئرلا گتیر– دئییب، گئری دؤنمؤشدؤ.

زئینب‌به‌ییم شکیل تؤیوغون یومورتاسئندان بیر یاخشئ قایقاناق پیشیریب، بیر نئچه تزه ال چؤرئی‌ده سینی‌یه قؤیوب، اسی‌کاتدانئین اؤنینه آپاردئ.

امنیه، قایقاناغئ گؤرن کیمی دؤلو سینی‌نی اؤنون باشئنا چالئیب، سؤیؤش وئره– وئره

– گئت تؤیوق گتیرا – دئدی.

زئینب‌به‌ییم علاج‌سئز قالئیب اؤنینه قایئتدئ. گؤزؤنؤن آغئ– قاراسئ اؤلان تکجه تؤیوغونو باغرینا باسئیب، اسی‌کاتدانئین اؤنینه آپاردئ.

اسی‌کاتدا تؤیوغو آلان کیمی قانادلارینئ آیاغئ‌نئین آلتئنا قؤیوب پیچاغئنئ آچدئ. بو آن زئینب‌به‌ییم گؤزلرینی یوموب اؤزؤنو یانا چئویردی. گؤزلری‌نین یاشئنئ کالاغای‌سئنئین

اوجو ایله سیلیب- اسی بالان قانئینا بلشسین- دئییه، اؤینه قاپئیتمئیشدئ شکیلین آجئ خاطیره‌سئ زئینب‌به‌ییمین قانئینئ قارالتدئ. اؤرتی یامان سئیخئیلدئ. چاپئینئ یارئیمچئیق قوْیوب، آیاغا قالخدئ. قاپئینئ آچئیب، بایئیرا باخاندا هله‌ده، هاوا ایشئیق‌ایدی. – دوروم اوْدن چئیخئیم- دئدی. گئدیب یوْرغان دوْشه‌ییین آلتیندان بیر دوْیوْنجه‌نی گوْتوْروْب اوْدن بایئیرا چئیخدئ.

***

قارکسمسه‌ده شاختا پیچاق‌کیمی کسیردی. قاپئینئ دؤیئنده ارکناز ننه قاپئینئ آچئیب اوْنو ایچری آپاردئ.

میرزه ممی کوْرسوْنوْن توْوْوندا اوْتوروب کیتاب اوْخویوردو. اوْ، زئینب‌به‌ییمی گوْزلوْیونوْن اوْستوْندن گوْرن کیمی، گوْلوْستان کیتابینئ قاتلایئیب، زئینب‌به‌ییمه – خوْش گلدین- دئدی.

- اوْلمایا نبی‌دن یئنه مکتوب آلمیسان؟! سوْروشاندا

زئینب‌به‌ییم چنه‌سینی سینه‌سینه ساریْ آپاریب، دوْیوْنجه‌نی اوْنا اوزالتدئ.

میرزه‌ممی هله دسمالی آچمامیش اوْجا سس‌له مکتوبو اوْخوماغا باشلادئ. آخئ اوْ قئیرخ ایلدن آرتئیق دیرکی، بو مکتوبو هر نئچه گوْندن بیر زئینب‌به‌ییمه اوْخویوردو. زئینب‌به‌ییم گوْزوْنوْ کوْرسوْنوْن اوْستوْنده‌کی جئجیمه زیللەمیشدی...

نبی دام اوْستوْندن اوْنا قند آتیردئ. ایندی یاخئینا گلیب اوْنون آتئ‌نئین اوْزنگی‌سینی باسدئ. گئت به گئت میرزه ممی‌نین سسی، آرازیْن سسینه قاریْشیردئ. نبی هر نئچه آددئمدان بیر گئری دوْنوْب اوْنا ال ترپه‌دیردی...

- عزیز سوْگیلیم من تئزلیک‌له وطنه قاییْداجاغام. اوْرییْن نه ایستیرسه منه مکتوبوندا، یاز سنه گوْنده‌ریم.

زئینب‌به‌ییم هر زامان تکجه مکتوبون بو سوْن سطرینه دیققت‌له قولاق آساردئ. ایلک دفه مکتوبو اوْخویاندان سوْنرا میرزه ممی‌دن ایسته میشدی‌کی، مکتوبون جاوابینئدا نبی‌یه بایاتئ یازسئین. میرزه ممی‌ده:

کوْشکوْ بالابان آرازا باخار

آرازئین سویو گؤزلردن آخار
سن اؤ تایداسان، من بو تایداییام
هیجرانئین منئ یاندئیرار، یاخار
یازمیشدئ.

مکتوب قورتارماق هامان زئینب‌به‌یم دیک آیاغا قالخدئ. میرزه ممی اپریمیش کاغاذئ یئنه دؤرد بؤکؤب، دسمالا باغلاییب زئینب‌به‌یمه قایتاردئ. ارکناز ننه نه‌کی یالوارئدئ زئینب‌به‌یم شاما قالمادئ.

***

زئینب‌به‌یم ائوینه گیرنده یئنه ایکی عزیزی اؤنو قارشیلادئ. هاوا تزه- تزه قارالیردئ. زئینب‌به‌یم فنارئ یاندئریب- یاغئ قورتارماسئن- دئیه، خؤدونو آلدئ. سؤنرا سؤفره‌نی گتیریب خئیر- خئیردا چؤرکلری دؤغرایئیب تؤیوغون قاباغینا آتدئ. تؤیوق بیرآندا چؤرکلری اودوب، یئنه بویلانیب گؤزلرینی اؤنون اللرینه تیکدی. زئینب‌به‌یم:

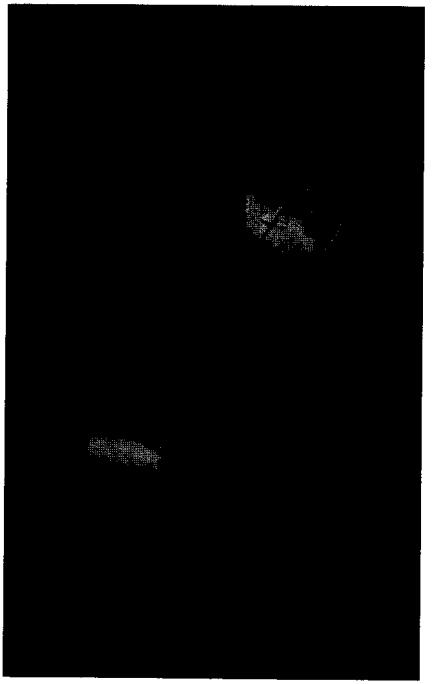
- یاناسان سنی! به گؤرمؤرسن چؤرییم یؤخدو؟ کئچ، گئت، یات داینا- دئییب، تؤیوغو الی ایله ایتله‌دی. سارئ تؤیوق ایستر- ایستمز یانلارینئ باسا- باسا اؤتاغئین بوجاغئنداکئ نینه یؤللاندئ.

زئینب‌به‌یم میتیل دؤشکچه‌نی تندیرین قیراغینا چکیب، قیچلارینئ تندیره سالالدئ. پیشیک گلیب اؤنون یانئندا اوزاندئ. اؤ، پیشییی تومارلایاندا، پیشی‌یین سؤموکلری دری‌نین آلتیندان الینه تؤخونوردو.

- بو گؤن‌ده آج قالدیق- دئییب، قؤللارینی قوجاقلاییب، حزین- حزین اؤخوماغا باشلادئ. بیر آزدان پیشیک اؤنون سسی‌نین آهنگی ایله یؤخویا گئتدی. فناردا سانکئ یاواش- یاواش مؤرگؤله‌ییردی. نهایت فناردا گؤزؤنؤ یومویب زئینب‌به‌یمی تک قویدو. زئینب‌به‌یم قارانلیقدا هله‌ده حزین- حزین اؤخویوردو:

کؤشگؤ بالابان آرازا باخار
آرازئین سویو گؤزلردن آخار
هاردا قالمیسان وفالئ یارییم
هیجرانئین منی یاندئیرار یاخار

اوزئییر حاجئ بئ اوؤ۱۲۰یاشئندا



آذربایجانئن وؤ بوتون شرقین
موسیقی عالمینین داهی شخصیتی
اوزئییر حاجئ بئیین،
معنالئ حیاتئنا،
بیر
باخیش

پروفسور دوکتور بهروز شکوری

آدئ دونیا مدنیت تاریخینه دوشموش، پارلاق ایستئعدادا مالیک، ابدیئته قوودرتلی صنت‌گرلر آزدیر. بونلاردان بعضی‌لری صنتین بیر ساحه‌سینده اوستادلئق مرحله‌سینه یئتیشرلر. همین ساحه‌نئین یارادیجیلئق حؤکمرانلئغئنئ اؤز الینه آلیر وؤ آلئنماز زیروه‌لری فتح ائدیر. صنت زیروه‌سینده پارلاق گونش کیمی یانان وؤ یاندیران بئله اینسانلار، ایستئعدادلار عصرلر بوئو یاشایئر، هم یاشادیغئ دوورون اینسانلارینا، هم‌ده گله‌جک نسیل‌لره معنوی سعادت بخش ائدیر. ائله صنت صاحیبلری‌ده وارکی، بیر نئچه ساحه اوزره قودرتلی اوستادلئق مرحله‌سینه یئتیشیر، هر طرفلی یارادیجیلئق صاحیبی کیمی تاریخه داخیل اولور. بئله اینسانلار تکجه منسوب اولدوقلارئ نسیل دئییل، حتّا گله‌جک نسل‌لرینده اینکیشافینا دوام وئریر. یاشادیغئمیز

[1]- اوزئییر حاجئ بئ اوؤ- رسّام طاهیر صالاح اوف.

یئتر کؤره‌سی‌نین هاراسیندا اؤلورسا اؤلسون بئله اینسانلار عؤموم بشری تکامؤل عامیلینه چئوریلیر. و اینسانلار طرفیندن بؤیؤک محبتله قارشیلانیر و اؤرک‌لرین ابدی ساکینینه چئوریلیر.

اؤدلار یوردو اؤلان گؤنشلی آذربایجان‌دا بشریئتین مدنیئتی‌نین خزینه‌سی بؤیؤک صنت‌گرلر، دیرلی یازیچی‌لار، اؤد اؤرک‌لی، اؤد نفسلی شاعیرلر، وؤقارلی عالیم‌لر، مؤحتشم رسّام‌لار، عظمتلی هئیکل‌تیراشلار وئرمیشدیر. گؤنشلی آذربایجان اؤز قؤینوندا بؤیؤک فیلسوفلار، نؤمایئیش نامه‌نویس، بسته‌کار و خانندەلر و صحنه اوستادلارین یئتیرمیش و اؤنلار اؤچؤن تؤکنمز ایلهام منبعی اؤلموشدور. عؤمومیئتله شرق دؤنیاسی بشریئته اؤلمز صنت‌گرلر، عالیم‌لر، یازیچی‌لار و فیلسوفلار تقدیم ائتمیش و تاریخ اؤچؤن چؤخ زنگین ایرث‌لر قؤیموشلار. بونلارین ایچری‌سینده بشری مدنیئته چؤخ بؤیؤک خیدمت‌لر ائتمیش، دؤنیا مدنی خزینه‌سینی گؤروَلمز اثرلر ایله زنگین‌لشدیرمیش، شرق دؤنیاسی‌نین ایلک اؤپئراسی‌نین یارادیجی‌سی شؤهرتلی بسته‌کار و یازیچی اؤزئیر حاجی‌بی‌اؤف خؤصوصی یئر توتور. او وؤسعتلی، زنگین، افسانه‌وی، چؤخ ساحه‌لی یارادیجیلیغا مالیک، تاریخی شخصیئته چئوریلمیش، پارلاق ایستئعداد صاحیبی اؤلموشدور.

بشری مدنیئت اینکیشاف ائتدیکجه، کامیل‌لشدیکجه اؤزئیر خلق ایچریسیندن چیخمیش و دایئم اؤنون ایستکلرینی ترنوم ائتمیشدیر. خلقه یاخین اؤلماسی اونون چؤخ ساحه‌لی ایجتیماعی و ادبی فعالیئتی، تؤکنمز یارادیجیلیق ایمکان‌لارینی داهادا زنگین‌لشدیرمیش و اونا عصریمیزین گؤرکملی صنت جرگه‌سینده دیرلی یئر آیئرمیشدیر. آرتیق آلتمیش ایلدیرکی، بو عظمتلی شخصیئت دؤنیاسین دیئیشمیش و ابدیئته قوَوشموشدور. بونا باخمایاراق او خلقین ان سئوَیملی، لیاقتلی و عظمتلی اوغلو اؤلاراق اؤرتینده یاشایئیر و مین‌ایللر گئچدیکجه‌ده یاشایاجاقدیر.

مشهور آذربایجان شاعیری صمد وورغون هله ۱۹۴۸_نجی ایلده اؤزئیر حاققینداً دانیشاراق دئمیشدیر: مؤعاصیر آذربایجان مدنیئتی‌نین ان گؤرکملی و قاباقجیل بیر سیماسی اؤلان اؤزئیر حاجی بی‌اؤفون آدی‌ایله بؤتؤن خلقیمیز فخر ائدیر.

بسته‌کارین مؤعاصیر اؤلان بؤیؤک شؤروی موسیقی‌شوناس ل. م. رادوَیوف وقتی ایله یازمیشدیر: «اؤزئیر حاجی بی‌اؤف آذربایجان صنت آختاریش تاریخینده گؤرکملی شخصیئت‌لردن بیری‌دیر. او آذربایجان خلق موسیقی‌سینی دریندن بیلیر، بو موسیقی اینجه‌لرینه آنا دیلینده بلددیر». مشهور ایران ادبیات شوناس عالیمی تئهران اونیوئرسیته‌سینین اوستادی دوکتور سعید نفیسی، اؤزئیر حاجی بی‌اؤفون اثرلری‌نین فارس دیلینده نشری باره‌ده دئمیشدیر: «اوزئیر

حاجئ بئ اوفون اثرلری فارس دیلینده ترجومه ائدیلمیش و ایراندا اوینانمیشدیر. اونون موسیقی پارچالارئ ایران گنجلری‌نین ازبری‌دیر. آذربایجان موسیقی جهتدن شرقین ایتالیاسئ‌دیر».

اوزئییر حاجئ‌بئ‌اوف ۱۸۸۵ نجی میلاد ایلینده آذربایجانئین آغجابودی قصبه‌سینده قصبه‌نین میرزه‌سی عبدوالحوسئین کیشی‌نین عائیله‌سینده آنادان اولموشدور. بؤیوک قارداشئ ذولفقاردان سونرا ایکینجی اوشاق‌ایدی. طالئع ائله گتیردی‌کی، ایکی قارداش بؤیوبوب باشا چاتدئ و سونرالار آذربایجان مدنیتینه، اونون موسیقی‌سینه ابدی شؤهرت گتیردیلر. هئچ کس فیکر ائتمیردیرکی، قصبه‌ده بیر داخما دا بؤیا چاتمئیش اوزئییر گله‌جک‌ده آذربایجان اوپئرا و اوپئراسینئین یارادیجیسینا چئوریله‌جک‌دیر و اوز فیطری ایستئعدادئ ایله آذربایجانا دونیادا شؤهرت گتیره‌جک‌دیر. اصلینده او بوتون شرق اوپئراسئ یارادان بسته‌کار ایدی و دونیا مدنیتت تاریخینه بئله داخیل اولدئ. اوزئییر هله اوشاق یاشئیندا عائیله‌سی‌ایله بیرلیکده آذربایجان مدنیتت بئشیئی اولان شوشا شهرینه کوچدو و تاریخ بویو قاراباغ خانلرینین یوردو اولان بو گوزل شهرده مسکونلاشدئ.

اونون سونراکی حیاتئ بو موسیقی اوجاغئیندا نغمه‌لر قوینوندا فورمالاشدئ. ایلک یاشلارئیندان موسیقی‌یه بؤیوک ماراق گوسترن اوزئییری ایکی کیلاسا مالیک اولان روس ـ تاتار مکتبینه قوئیدولار، او ۱۸۹۹ ـ نجی میلاد ایلینده همین مکتبی بیتیردی و سونرا ایسه سئمینارئیایا (عوموی اورتا مکتب) داخیل اولماق اوچون گورجوستانئین قوری شهرینه گلدی. او دؤورؤده بوتون مودئرن و یاخشئ مکتب قوری شهرینده ایدی. اوزئییر موفقیت‌له قبول ایمتیحانلارئنئ وئردی، موعللیم‌لر بو یئنی یئتمه اوشاغئین ایستئعدادئنا حئییران قالدئیلار. او سئمینارئیانئین موسلمان بؤلمه‌سینده اوخوماغا باشلادئ. آرتئق اوزئییرین حیاتئ‌نئین مرحله‌سی باشلاندئ. او عئلمین الیفباسئین حوصله ایله اؤیرنیر و گونلرین کیتابخانادا کئچیریردئ، روس و آوروپا مشهور یازئچئلارئین اثرلری ایله تانئیش اولوب حیاتئین معناسئنئ، مورکب‌لیینی درک ائتمه‌یه سعئ ائدیردی. سئمینارییادا موسیقی درس‌لری‌ده آپارئلئیردئ. اوزئییر ایلک گوندن بو درس‌لره بؤیوک ماراق گوستریردی. موسیقی عالمینده ایلک آددئملارئ آتئیردئ. اوزئییر شوشادا اولارکن شرق موسیقی آلت‌لری اولان تار و کامانچا ایله تانئیش اولموش و حزین اوشاق سسی ایله حتا اوخوموشدور لاکین سئمینارئیادا اورکئسترله تانئیش اولدو، ویئالون و باریتون دا چالماغئ اؤیرندی و موعللیم‌لری اوندان چوخ راضئ ایدیلر. شیرین و آجئ خاطیرلرله دولو تحصیل دؤورو باشا چاتدئ بو خاطیره‌لر اوزئییرین یاددداشتئیندا همیشه‌لیک حک اولدو. اوزئییر دایئمن موسیقی تحصیلینی آرتیرئیردئ و بونونلا یاناشئ او هم ادبی ایستئعدادئنئ اینکیشاف ائتدیردی و هم تحصیلینی باشا وئریب موعللیم‌لیک صنعتینی منیمسه‌دیکدن سونرا ایش‌لمک اوچون گنجه شهرینه

گلدی وٓ اوٚنو جبرائیٚل وٚیلایٚتی‌نین هاروت قصبه‌سینده مکتبده درس دئمه‌یه گوٚندردیلر. اوٚ موٚعللیم‌لرینه یازدیٚقلاریٚ مکتوبلاردا کند مکتبینده تدریس اثستمه‌یی بوٚیوٚک ایفتیخار حیسی‌ایله قئید ائدیردی.

اوٚزئیٚرین کند مکتبینده تدریسی چوٚخ موٚددتلی اوٚلمادیٚ. آرتیٚق اوٚنو باکیٚ‌نئین مطبوعات عالمی ماراقلاندیٚریٚردیٚ. نهایٚت اوٚ پاکیٚ‌یا گله‌رک ۱۹۰۴–نجی ایلدن «کاسپی»، حیٚات، ایرشاد، ترقی، حقیقت، ایقبال قزئت‌لرینده ایشه باشلادیٚ اوٚنون چوٚخلو مقاله، فلیٚه‌تونلاریٚ وٓ ترجوٚمه‌لری چاپ ائدیلیردی.

اوٚزئیٚر موٚعللیم‌لیک ایشین‌ده بوراخمادیٚ، ۱۹۰۵–نجی ایلده باکیٚ‌نئین بی‌بی هئیبت منطقه‌سینه موٚعللیم کیمی گوٚندریلدی.

آرتیٚق تدریس وٓ مطبوعاتدا فعالیٚیت اوٚنون حیٚاتیٚنیٚ اصل معناسی ایدی. اوٚ یازدیٚقلاریٚ مزه‌لی فیلیٚه‌تونلاریٚ «فیٚلان کس»، «بئهمان کس»، بیر شخص، موٚستعار آدلاریٚ ایله نشر ائدیردی. اوٚزئیٚر موٚختلیف وٚقت‌لرده باکیٚدا نشر اوٚلونان «ترقی»، «حقیقت» وٓ «یٚئنی ایقبال» قزئتلری‌نین رئداکتوٚرو اوٚلموشدور. اوٚنون ژوٚرنالیست قلمی ایتی وٓ گوٚلوٚشوٚ کسگین ایدی. اوٚ دوٚوٚرده باکیٚ شهر کیمی سوٚرعتله اینکیشاف ائدیر وٓ موٚعاصیر اوٚصولدا تیکیلیردی، باکیٚ‌لیٚلار تئاتر وٓ سیرک گوٚرموٚش وٓ آرتیٚق اوٚپئرا صنتی ایله ماراقلانیٚردیٚلار. اوٚزئیٚر بیر ایلدن آرتیٚق داهیٚ فضولی‌نین اوٚلمز اثری اوٚلان لیٚئیٚلی وٓ مجنون اوٚپئراسیٚ اوٚزرینده ایشله‌یٚیردی. نهایٚت ۱۹۰۸– نجی ایلده ایلک تاماشا حاقدا مطبوعاتدا ائعلانلار گئتدی، اوٚزئیٚر بو اوٚپئرانیٚ اوٚن ایل گرگین امک نتیجه‌سینده یٚارادا بیلمیشدی. ۱۹۰۸– نجی ایلین یٚانوار (ژانوار) آیٚ‌نئین ۱۲–سی آذربایٚجان مدنیٚت تاریخینه قیٚزیٚل حرفلرله یٚازیٚلدیٚ. بو گوٚن ایلک میللی اوٚپئرا «لئیٚلی وٓ مجنون» اوٚپئراسیٚ صحنه‌یه گلدی. بو تکجه اوٚزئیٚرین بوٚیوٚک قلبه‌سی دئیٚلیدی، اوٚ هم ده اوٚرکئستئرین رهبری عبدالرحیم‌بیٚ حق وٚئردی‌اوٚف، قورولوش کارگردانی حوٚسئیٚن عرب‌ایلن اسکی، تارزن قوربان پریم اوٚفا وٓ باشقا مدنیٚت فداییٚ لرین قلبه‌سی‌ایدی. اوٚ گئنجه مجنون روٚلوندا حوٚسئیٚن‌قولو سراب اسکی، لئیٚلی روٚلوندا ایسه چایچیٚ شاگیرد عبدالرحیم فرج‌اوٚف صحنه‌یه چیٚخدیٚلار.

بو آذربایٚجاندا یٚارانان ایلک اوٚپئرا ایدی. سوٚنرالار صحنه‌دن صحنه‌یه یوٚل تاپدیٚ وٓ اوٚزئیٚره ابدی شوٚهرت قازاندیٚردیٚ. بیرینجی اوٚپئرانیٚن صحنه موٚفقیٚیتی اوٚزئیٚیری چوٚخ روحلاندیٚریٚدیٚ وٓ اوٚنون بیر اثری «شئیٚخ صنعان» اوٚپئراسی اوٚزرینده ایشله‌مه‌یه باشلادیٚ ۱۹۰۹–نجی ایلدن اثعتیبارن ایرلی قزئت‌لر بو حقده خبرلر یٚایدیٚلار وٓ صنت سئوٚرلر صبیرسیزلیک ایله همین اوٚپئرانیٚن صحنه‌یه چیٚخماسیٚن گوٚزله‌یٚیردیلر. نهایٚت ۱۹۰۹–نجی ایلین نوٚیابر (نوٚوامبر) آیٚیٚن ۳۰دا «شئیٚخ صنعان»

اوپئراسیۀ صحنه اوزۀ گؤردۀ. اۀ دۀوۀرۀن ان گؤرکملی صنتگرلری بو اوپئرانئین یارانماسئینا بؤیۀوک هۀس ایله ایشتراک ائتدیلر. اوپئرایا ۀ اورکئستره حاجیۀ بیۀ اوف شخصن رهبرلیک ائدیردی.

«لئیلی ۀ مجنون» ۀ «شئیخ صنعان» اوپئرالارینیۀ بؤیۀوک مۀوقفیئتلرینی گؤرن بسته‌کارئن اوپئرانئین یارانماسیۀ حاقدا فیکیرله‌شیردی. نهایت چۀوخ بؤیۀوک امک ۀ فداکارلئیق نتیجه‌سینده ۱۹۱۱-نجی ایلده اوئلمز ایران شاعیری فیردۀوسی‌نین شاه داستانیۀ اوئلان «رستم ۀ سهراب» اوپئراسئینیۀ یاراتدیۀ ۀ همین ایلین نۀیابر (نۀوامبر) آیئینئین ۱۲- سینده اثر صحنه‌یه چئیخدیۀ. بو اوپئرا دا «شئیخ صنعان» کیمی بیر نئچه صحنه عۀمرۀ یاشادیۀ اوپئرالاریۀنئین مۀوقفیئتینی گؤرن اۀزئیئر حاجی بیۀ اوف بونونلا کیفایئتله‌نمه‌دی، اونون بئیئنینده یئنی پیئلانلار یارانئیردیۀ ۀ یارادایئجیلئیق ایمکانلاری گؤنۀ گؤندن پارلاق ۀ مضمونلو اوئلوردو. آرتئیق اۀ «شاه عاببابس ۀ خورشید بانو» اوپئراسیۀ اۀزرینده چالئیشئیردیۀ نهایت ۱۹۱۲-نجی ایلین مارت (مارس) آیئینئین ۱۲- سینده اوپئرانئین ایلک تاماشاسیۀ اۀ دۀوۀرۀن گؤرکملی آکتۀرلاریۀ ۀ اوپئرا اوستالاریۀ طرفیندن ایجرا اوئلوندو.

۵ ایل عرضینده بو ۴- نجی اوپئرا ایدی بؤیۀوک داهی اۀزئیئرین زحمتی ۀ فداکارلئیغی نتیجه سینده صحنه‌یه گلیردی ۀ بسته‌کاری تکجه آذربایجان دا دئییل بلکه اونون سرحدلریندن چۀوخ کنارلاردا تانئیئتدیرئیر ۀ اونا ایفتخار وئریردی.

لئیلی ۀ مجنون اوپئراسیئندان سۀونرا یارانان اوپئرالار اوزون صحنه عۀمرۀونه مالیک اوئلمادیلار. تنقیدلره معروض قالدیلار. حاجی‌بیۀ اوف اۀزۀ ده باشا دۀشۀردۀ کی بو اثرلرده نه سه چاتمیر. اۀ ائله بیر اوپئرا یاراتماق ایسته‌یئردی کی، لئیلی ۀ مجنون اوپئراسیۀ ایله بیر سۀویئه‌ده دورسون ۀ اوزون صحنه عۀمرۀونه مالیک اوئلسون. بسته‌کارئن چۀوخ جیددی آختاریئشلاریۀ اۀز ثمره‌سینی، وئردی «اصلی- کرم» اوپئراسیۀ بؤیۀوک زحمتین اوغورلو نتیجه‌سی اوئلد و. نهایت ۱۹۱۲- ده مایۀ آیئینئین ۱۲سینده اصلی- کرم اوپئراسیۀ ایلک دفه صحنه‌یه چئیخدیۀ. بو اثر اۀزئیئره بؤیۀوک ایفتیخار بخش ائتدی ۀ اونون شرفینه آلقیشلار یاغدیرئیلدیۀ.

اوئلگه قزئت‌لری اثری مۀذاکیره ائد رک اونون اوغورلو اوئلدوغونو گؤستردیلر ۀ تعریفله دوئلو مقاله‌لر درج ائتدیلر.اثر ایلک گؤندن کۀتله‌لر طرفیندن سئویلدی ۀ اوزون حیاته وثیقه آلدیۀ. اثر یارانان گؤندن ایندیه‌یه قده‌ر بؤیۀوک صحنه اوستالاریۀ حقیقت ریضا یۀوۀا، جهان تالیشینسکایا، سارا قدیم اوۀا ۀ رۀبابه خانئیم مورادی کیمی تجرۀبه‌لی ۀ ماهیر ایفاچیلار بیری- بیریندن فرقلی اصیل اصلی یاراتدیلار. کرم رۀولوندا شۀهرتلی صحنه اوستالاریۀ حۀسئین سراب اسکی، حاجیۀ بابا حاجیۀ بابا بیۀ اوف، علی اوۀسط صادیق اوف، قولو عسگر اوف، اصلی- کرم اوپئراسیئنیۀ یاراتدیلار. اصلی- کرم اوپئراسیۀ خالق داستانیۀ اساسیئندا مئیدانا چئیخدیۀ ۀ خالقئین بؤیۀوک

رغبتینی قازاندیﺉ. ۱۹۵۰-نجی ایلده اوزئییر هارون وﺉ لئیتلی «اوپئراسینیﺉ یاراتدیﺉ. لاکین اثرین ادبی متنی چاپ اولوندو اوزوﺉ ایسه صحنه‌یه چیخمادیﺉ. اوپئرا صنتینده بؤیوﺉک مهارته مالیک اولان اوزئییرحاجیﺉ بیﺉ اوف ۱۷- ایل فاصیله‌دن سونرا ۱۹۳۲-۱۹۳۷- نجی ایللرده یئنی بیر اوپئرا یاراتدیﺉ. او اوزئییرین شاه اثری کؤراوغلو اوپئراسیﺉ ایدی کی، مدنییتیمیزین قیزیل فوندونا داخیل اولدو. ۱۹۳۷-نجی ایلین آپریل (آوریل) آیئینئین ۳۰-دا میرزه فتحعلی آخوندوف آدینا آذربایجان دؤولت اوپئرا وﺉ باله تئاتریﺉ «کؤراوغلو» اثرین صحنه‌یه چیخارتدیﺉ. صحنه آچیلان کیمی اینتیظاردا اولان تماشاچیلار ائعجازکار بیر عالمه دؤشدولر. صحنه‌ده قیلئینجلار پاریلدایئیردیﺉ میضرابلار دؤیؤشؤردوﺉ — اوزئییرین ائعجازکار موسیقی‌سی صداسیﺉ آلتینا چؤخلو صحنه منظره‌لری جانلانیردیﺉ. کؤراوغلی نعره چکیب قیرآت ایسه کیشنه‌یه‌یردی. آذربایجانئین اوپئرا تاریخینده اصلی- کرم اوپئراسیندان سونرا کؤراوغلو اوپئراسیﺉ ایکینجی بؤیؤکﺉ وﺉ تاریخی بیر حادیثه کیمی باش وئردی. بو اثر اوزئییری اوپئرا صنتینی زیروه‌سینه قالدیردیﺉ وﺉ اونا مدنییت تاریخینده ابدی یئر وئردی.

اوپئرانیﺉ او دؤورون چؤخ مهارتلی هونر پیشه‌لر ایجرا ائتدیلر کؤراوغلو رولوندا آذربایجانئین دونیا شؤهرتلی خاننده‌سی بولبول چیخیئیش ائدیردی وﺉ او حقیقی کؤراوغلو سیماسینیﺉ یاراداابیلدی. او گؤندن ائعتیبارن کؤراوغلو اوپئراسیﺉ اوپئرا وﺉ باله تئاتریﺉنئین نومایئیشنامه وثیقه آلدیﺉ وﺉ هر ایل اوپئرا تئاتریﺉ ایلک صحنه‌سینی کؤراوغلویا وثریر وﺉ اونون عضمتلی اوورتوراسیﺉ سسله‌نیر.

اوپئرا صنتی ایله یاناشیﺉ اوزئییر حاجی بیﺉ اوف اوپئرا تالارین‌دا یاراتماسیﺉ آرزوسو ایله یاشایئیردیﺉ. اونون ایلک موسیقی‌لی کؤمودیاسیﺉ حاقدا قزئتلر خبرلر درج ائدیردیلر. نهایت ۱۹۱۰- نجی ایلین مایﺉ (مه) آیئینئین ۲۴-ده اوزئییرین ایلک موسیقی‌لی کؤمودیاسیﺉ «ار ـ آرواد» صحنه‌یه گلدی تماشاچیلار وﺉ تنقیدچی‌لرین راضیﺉلیغئین قازاندیﺉ. دؤورون بؤیؤک صحنه اوستالاریﺉ موسیقی‌لی کؤمودیانیﺉ ایفا ائتدیلر اورکئستری اوزئییر اوزوﺉ ایداره ائدیردی. بو اثر ایجتیماعیاتئین راضیﺉلیق حیسّی ایله اوزلشدی. بئله لیکله اوزئییرین موسیقی‌لی کؤمودیانا نؤوه‌ونده یاراتدیغیﺉ ایلک اثر حیاتا وثیقه آلدیﺉ. اوزئییر ایسه مؤوضوجه اثرلر یاراتماق آرزوسوندا ایدی. نهایت بؤیؤک زحمت وﺉ فداکارلیق حسابینا بیر ایل مؤددتینده اونون اولمز اثری دونیا صحنه‌لرینی بزه‌میش «او اولماسین بو اولسون» (مشهدی عیباد) اثری یاراندیﺉ وﺉ صحنه‌یه کئچدی. اثر ایلک دفه ۱۹۱۱-نجی ایلده آپریل آیئینئین ۲۵- ده اوینانیدیﺉ. قزئتلر یازیردیﺉ همین گون حقیقتن مؤعجوزه باش وئردی. بو اثر دؤورونون مشهدی عیبادلاریﺉنیﺉ، رؤستم به‌یینی، حؤسئینقولو به‌یلرینی، ضیاالیﺉ حسن‌لری وﺉ قوچو عسگرلری بئله ساتیرا ایله دامغالادیﺉ. بونا او دؤورؤده هر صنتگرین

گؤجؤ و جسارتی چاتماز ایدی، محض بؤیؤک صنت صاحیبی و جسارته مالیک اولان اؤزئیر بی بونون عؤهده‌سیندن گلدی. اثری تاماشاچیلار بؤیؤک گورولتولو آلقیشلارلا، قارشیلادیلار. اثر اوزون ایللر تئاتر صحنه‌سیندن دؤشمه‌دی. اونون ایکینجی حیاتی ۱۹۶۵-نجی ایلده ایکران حیاتی ایله باشلاندی. جعفر جابارلی آدینا آذربایجان فیلم ایستودیوسو ثابیت رحمانین سئناریوسو اساسیندا بدیعی فیلم یاراتدی. آذربایجانین قؤدرتلی صحنه اوستالاری: علی‌آغا آغایئف، آغا صادیق گرای‌به‌یلی، ایسمایئیل عؤثمانلی، مؤصطافا مردان‌اوف و باشقالاری اؤزئیر تیپ‌لرینین ایکران حیاتینی یاراتدیلار. بونلارین اؤیونلاری بسته‌کارین جاذیبه‌لی موسیقی‌سی ایله مؤشاییعت ائدیلیردی و سونرالار بو اثر مؤختلیف دیلره ترجومه ایدیلدیکدن سونرا ۵۰-دن آرتیق اؤلکه‌لرده تاماشایا قویولدو.

دؤرد اوپئرا و ایکی موسیقی‌لی کؤمودیا یاراتمیش اؤزئیر به‌ئی همیشه بیر مسله چؤخ ناراحات ائدیردی. او اساسلی موسیقی تحصیلی آلمامیشدی. موسیقی تحصیلی آلماق اوچون ۱۹۱۲-نجی ایلین سئنتیابر آیینده مؤسکو شهرینه گئتدی. اورا دا بیر سیرا گؤرکملی روس موسیقی شوناسلاری ایله گؤروشدو اونلاردان موسیقی عئلمی‌نین اینجه‌لیک‌لرینی اؤیرندی، لاکین بودا اونون اوچون کفایت ائله‌مه‌دی. بیر ایل سونرا موسیقی تحصیلینی داوام ائتدیرمک اوچون پئتروقیراد شهرینه گلدی. پئتروقیراد روسیئانین عئلم و مدنیئت مرکزی ایدی. اورادا آوروپا مدنیئتی حاکیم ایدی. اؤزئیر مشهور روس بسته‌کاری قیلازونوفون رهبرلیک ائتدیئی کونسئرواتوریا یا داخیل اولدو چؤخ جیددی چالیشماغا باشلادی.

پئتروقیراد کونسئرواتوریاسی روسیانین و شرقی آوروپانین بؤیؤک موسیقی اوجاقلاریندان ایدی. روسیانین گؤرکملی موسیقی خادیملری بورادا تحصیل آلمیش و موسیقی دونیاسی‌نین زیروه‌لرینه چاتمیشلار. اونلار دونیانین موسیقی داهی‌لری‌نین:

بئتهوون، موسارت، باخ، هایدان، شوبئرت، چایکوفسکی، مؤسورگسکی، قیلازونوف، رحمانین اوف، شوپئن و باشقالاری‌نین اثرلرینی اؤیرنمیش شرق- قرب موسیقی سنتزینی یاراتمیشدیلار اؤزئیر حاجی بی اوف بورادا موسیقی‌نین بؤتون نومونه‌لرینی خوصوصیله بسته‌کارلیق نؤوعونو اؤیرنمیش و دایم بیلدیئینی آرتیرمیشدیر. تحصیل ایله یاناشی اؤزئیر بیر موسیقی‌لی کؤمودیا اوزه‌رینده ایشله‌ییردی، اودا آذربایجانا دونیادا شؤهرت گتیرن آرشین مال آلان موسیقی‌لی کؤمودیاسی ایدی. بو دیر لی موسیقی‌لی کؤمودیاسینین جذاب موسیقی‌سی پئتئرزبورگ دا نئوا چایی کناریندا بسته‌لندی. اؤزئیر بی ۱۹۱۳-نجی ایلین اییون (ژوئن) آیینین ۳۰دا بؤیؤک هونرپیشه حوسین‌قولی سراب اسکی‌یه یازدیغی مکتوبدا دئییردی «... من داهی بو حالدا بیر طرفدن اوخوماقدا، بیر طرفدن ده آرشین مال آلانی یازماقدایام آممما چؤخ قریبه

موسیقی‌لی کۆمودیا اۆلاجاقدیر» بسته‌کار اۆل‌دن یازدیغی اثرین مۆۋفقیتینه اینانیردی، گله‌جک گۆستردی کی، اۆ هئچ‌ده یانیلمامیشدی. اثر ۱۹۱۳-نجی ایلین سئنتیابر آیینda نجات جمعیتی هۆنرپیشه ایختیارینا وئریلدی و دۆۋرۆن گۆرکملی صحنه اوستالاری بیر آی مۆددتینده مشق‌لر گئچیردیلر. نهایت همین ایلین اۆکتیابر(اۆکتوبر) آیینین ۲۵-ده ایلک تاماشا صحنه‌سینده جانلاندی و چۆخ بۆیۆک مۆۋفقیتیت قازاندی. هله اۆ وقته قده‌ر اۆزئییرین هئچ بیر اثری بو مۆحتشم موسیقی‌لی کۆمودیانیا قده‌ر تاماشاچی طرفداری قازانمامیشدی. بو موسیقی‌لی کۆمودیا ماراقلی مۆۋضوسو، کۆمئدی ادبی نۆۋعونون طلباتینا جاواب وئریردی. ایللر گئچدیکجه بو مۆحتشم داها چۆخ صحنه‌لر گۆردۆ، اۆ چۆخلو دیللره ترجۆمه اۆلوندو و چۆخ اۆلکه‌لرده اۆیناندی ۱۹۱۶-نجی ایلده آرشین مال آلان موسیقی‌لی کۆمودیاسی ایلک دفه فیلمه کۆچۆرۆلدۆ؛ لاکین بعضی سبب‌لردن اۆ فیلم چۆخ دا صحنه حیاتی یاشامادی. ۱۹۴۵-نجی ایلده موسیقی‌لی کۆمودیاسی باکی سینما ایستودیاسیندا ایکرانلاشدیریلدی. اثرین سیناریۆسو یازیچی ثابیت رحمان طرفیندن یازیلدی و دۆۋرۆن باجاریقلی هۆنرپیشه‌لری چکیلیشده ایشتیراک ائتدیلر. رشید بئهبود اۆف، لئیلا خانیم بدل‌بی‌لی، علی‌اکبر حۆسئین‌زاده، لۆطفعلی عبدالله اۆف و باشقالاری چکیلیشده ایشتیراک ائتدیلر. بو فیلم در حال روس دیلینه ترجۆمه ائدیلرک شۆروی میقیاسیندا نۆماییشه قۆیولدو. ماراقلی ایدی کی، فیلم تاماشایا قۆیولدوقدان سۆنرا روسیا و باشقا جۆمهوری‌لرده گنج‌لر اۆنون موسیقی‌سینی ترنۆم ائدیردیلر. اثرین مۆۋفقیتی دۆنیه‌وی اۆلدو. اۆ ۷۰- اۆلکه‌ده نۆماییشه قۆیولدو. اۆزئییرحاجی‌بی اۆف و فیلم هۆنرپیشه‌لری شۆروی‌نین دۆولت مۆکافاتینا لایئق گۆرۆندۆ. بو فیلم آذربایجان مدنیتینه شۆهرت و شرف گتیردی، هله بو گۆنه قده‌ر ده صحنه‌دن دۆشمۆر. رشید بئهبود اۆف و باشقا صنتگرلر اونودولماز بیر اثر یاراتدیلار. آرشین مال آلان آذربایجان مدنیتینین قیزیل فۆندوندا ابدی قالاجاقدیر.

قافقاز- اۆرتا آسیا جۆمهوری‌لرینین ساکین‌لری اۆزئییرین یارادایجیلیغی ایله تانیش اۆلدولار. ۱۹۱۷-۱۹۱۸-نجی ایللرده آرشین مال آلان موسیقی‌لی کۆمودیاسی بیر قوروپ هۆنرپیشه‌لر طرفیندن ایرانا آپاریب، رشت، انزلی و باشقا شهرلرده نۆماییش ائتدیلر. اۆزئییر صنتی ایراندا دا بۆیۆک شۆهرت کسب ائدیر. ایرانلی تاماشاچیلار اۆزئییرین قۆدرتینی، باجاریغینی موسیقی‌سینی آلقیشلادیلار. آرشین مال آلان فیلمی ایسه ۱۹۴۵-نجی ایلدن سۆنرا ایران صحنه‌لریندن یئیغیلمیردی.

روسیا دا باش وئرن اۆکتیابر اینقیلابی کیچیک میللت‌لرین مدنی اینکیشافینا شرایط یاراتدی. بو دۆۋرۆده اۆزئییر حاجی بی اۆفون شۆهرتی خئیلی آرتدی، اۆنون اثرلری فیلملره چکیلرک خاریجی تاماشاچیلاری حئیران ائدیردی. ۱۹۳۸-نجی ایلین آپریل آیینda مۆسکۆ

شهرینده کئچیریلن آذربایجان ادبیاتئ و اینجه صنتی اؤن گؤنلؤک اؤتئیر شؤهرتینه گئنیش اؤفؤقلر آچدئ. بو گؤنلرده بسته‌کارئن کؤراؤغلو اؤپراسئ و آرشئین مال آلان موسیقی‌لی کؤمؤدیاسئ مؤسکؤواناشین مؤحتشم بالشؤوی تئاترئندا نؤمایئیشه قؤیولدو. هله اؤ وقته قده‌ر آرشئین مال آلان موسیقی‌لی کؤمؤدیاسئ دؤنیانئین بیر سئرا اؤلکه‌لرینده اؤ جؤمله‌دن آمئریکادا (نیئؤیؤرک) اینگیلیس‌ده (لندن) فرانسه‌ده (پاریس) آلمانیادا (بئرلین) و بیر سئرا باشقا اؤلکه‌لرده نؤمایئیشه قؤیولموش و شؤهرت قازانمئشدئر. روسیا دا خؤصوصی ایله مؤسکؤ شهرینده تاماشالار چؤخ مؤوفقیئت‌له کئچدی و قزئت‌لر بونا چؤخ تعریفله دؤلو مقاله‌لر حصر ائتدیلر. مؤسکؤ دا کؤراؤغلو اؤپراسئ دا چؤخ بؤیؤک مؤوفقیئت‌لر قازاندئ. دؤنیا شؤهرتلی بسته‌کارلار موسیقی خادیم‌لری اثره بؤیؤک دیقت وئردیلر. کؤراؤغلو اؤپراسئ شؤروی مدنیئت خزینه‌سینده اؤزونه مخصوص یئر توتدو. اثر شؤروی سؤسیالیست جؤمهوری‌لری‌نین دؤولت مؤکافاتئنا لایئق گؤروندو. بو اؤزئیر صنتینه، آذربایجان مدنیئتینه وئریلن چؤخ بؤیؤک دیقت ایدی. اؤزئیر حاجئ بئ اؤف خالقئنا حددیندن آرتئق عزیز و یاخئین ایدی. اؤنون صنتگر ایلهامئ چؤخ درین کؤک‌لرله خالق محبّتینه باغلانمئشدئ. اؤزئیر بئ موسیقی ساحه‌سینده کی، مؤحتشم ایشلری ایله برابر ایجتیماعی ایشلرده ده وار گؤجو ایله چالیشئردئ، محض اونون بو خیدمت‌لری خالق طرفیندن یؤکسک قیمت‌لندیریلدی. او یاشادیغئ دؤورؤده بؤتؤن وارلئغئ ایله آذربایجان خالقئنئن مدنیتینه، اونون میللی قوروروننون یؤکسه‌لیشینه خیدمت ائتمیشدیر. اونون رهبرلیئی آلتیندا ۱۹۲۰-نجی ایلدن سونرا کی دؤورؤده باکئ دا موسیقی مکتبی تشکیل ائدیلمیشدیر آذربایجانئین گؤرکملی موسیقی کادرلاری همین مکتبین فارغ‌التحصیل‌لری اولموشلار. ۳- ایلدن سونرا همین مکتبین بازاسیندا موسیقی دانیشسراسئ یارانئدئ و بو موسیقی اوجاغئنئن ایلک رئیسی اؤزئیر حاجئ بئ اؤف اولموشدور. زامان کئچیردی، میللی مدنیتین اینکشافئ ایله علاقه‌دار موسیقی مدنیتی‌ده گئنیش‌لنیردی، بؤیؤک موسیقی ایختیصاصلئ کادرلارا ائحتیاج‌لار وار ایدی کی، بودا عالی موسیقی اوجاغئنئن یارانماسئنین ضروری ائدیردی. نهایت اؤزئیر بئین زحمتی و فداکارلئغئ نتیجه‌سینده ۱۹۲۶-نجی ایلده آذربایجان دؤولت کونسئروا‌توریاسئ یارانئدئ و اؤزئیر بئ اونون رئیسینه مؤعاوین سئچیلدی. بیر آز سونرا او کونسئروا‌توریانئین رئیس وظیفه‌سینه تعئین ائدیلدی. باکئ دؤولت کونسئروا‌توریاسئ ایلدن- ایله گئنیش‌لندی، موسیقی‌نین بؤتؤن نؤولری بورادا تمثیل ائدیلدی و بوگون تاریخیمیزین گؤرکملی موسیقی شوناسلارئ دؤنیا میقیاسئنا چئخمئش قارا قاراییف، فیکرت امیر اؤف، جهانگیر جهانگیر اؤف، سعید رؤستم اؤف، نیازی سولطان حاجئ بئ اؤف، رئوف حاجئ اؤف، بؤلبؤل، عاریف ملیک اؤف، باکیخان اؤف، امین ثابیت اوغلو، شؤوکت خانئم محمد اؤوا، شؤوکت خانئم علی‌اکبر اؤوا، رشید بئهبود اؤف،

مۆسلۆم ماغاماییئف، لۆطفیئار ایمانۆف، پۆلاد بۆلبۆل اۆغلو، وَ باشقالاریَ بو مۆحتشم عئلم اۆجاغیئندا داهی اۆزئییر بیئین رهبرلییئی آلتیئندا دۆنیئانییئن، خۆصوص‌ایله روسییا وَ اۆکرائییئنا، اۆرتا آسییا موسیقی شۆناسلاریَ آذربایجانا گلمیش وَ آذربایجان دۆولت کۆنسئروا‌توریاسییایله همکارلیئق ائتمیشلر. دۆنیا شۆهرتلی بسته‌کارلار شئستاکۆویچ، قلیر، پروکۆفی اۆف، شاپۆرین، کابالۆواسکی، دئرژینیسکی، خاچاطوریئان، کۆوال، مورادئللی، مۆسکۆوۆن وَ باشقالاریَ دفه‌لرله آذربایجاندا اۆلموش وَ آذربایجانییئن موسیقی مترلری ایله همکارلیئق ائتمیشلر.
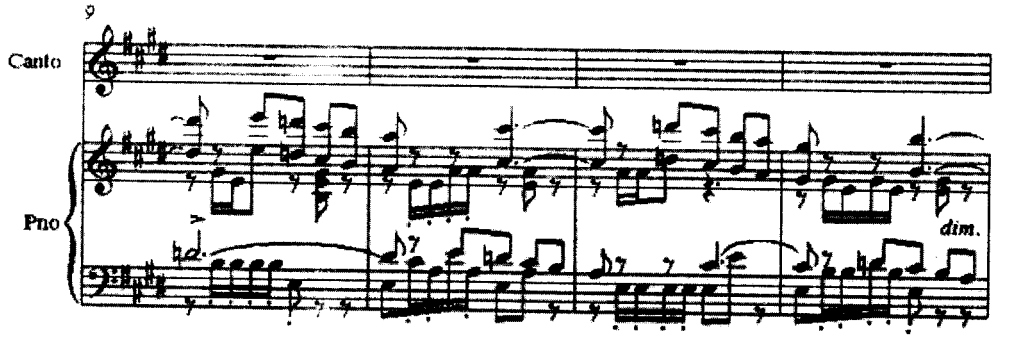
اۆزئییر حاجیَ بییَ اۆف ۱۹۳۰-نجی ایلده آذربایجانییئن میللی سورودونو یازمیشدیر. ۱۹۳۴-نجی ایلده شۆرویَنین بۆتۆن جۆمهوریَلرینده بۆیۆک ایران شاعیری فیردۆوسییَنین مین ایللییئی بۆیۆک طنطنه ایله قییئد اۆلونوردو. اۆزئییر بیَ بو مۆناسبتله چۆخ مۆحتشم بیر کۆوانتاتا یازمیشدیر. اۆ موسیقی نظریئه‌سی، موسیقی مکتبلری اۆچۆن درس‌لیک وَ ۱۹۴۵-نجی ایلده آذربایجان خلق موسیقی‌سینین اساس‌لاریَ کیتابیَنیَ نشر ائتدیرمیشدیر. اۆ وَطن مۆحاربه‌سی (۱۹۴۱-۱۹۴۵) قهرمانلاریَنا چۆخلو موسیقی اثرلری بخش ائتمیشدیر. اۆزئییر بیَین بۆیۆک زحمت‌لری نتیجه‌سینده آذربایجان میللی موسیقی آلتلری موسیقی قوروپو، دۆولت سیمفۆنیک اۆرکئسترینی، آذربایجان کۆر قوروپو یاراتمیش چۆخلو کۆوانتاتالار وَ فانتازییالار بسته‌له‌میشدیر.

بوگۆن اۆزئییر بیَین یاراتدیغیَ دۆولت کۆنسئروا‌توریاسیَ چۆخ گئنیش‌لنرک موسیقی آکادئمییاسیَنا تبدیل اۆلموش وَ بورادا مین‌لرله طلبه دۆنیا موسیقی‌سینین بۆتۆن نۆمۆنه‌لری اۆزره تحصیل آلاراق اۆلکه‌نین موسیقی شۆهرتین آرتیئرلار.

موسیقی‌نین اۆلکه حیاتیَندا اهمییئتی‌نین آرتیئلماسیَ ایله علاقه‌دار موسیقی تحصیل اۆجاقلاریَ گئنیشله‌نیر، اۆلکه‌ده چۆخلو موسیقی مکتب‌لری فعالییئت ائدیر وَ موسیقی‌چی‌لری حاضیرلاییئر. میللی موسیقی‌میزین گله‌جک اینکشافیَنیَ تأمین ائتمک قصدی ایله آرتیئق ۳-ایلدیرکی، میللی موسیقی کۆنسئروا‌توریاسیَ فعالییئت ائدیر. اۆلکه‌ده سیمفۆنیک اۆرکئسترلر، اۆنلارلا خالق چالغیَ آلتلری، موسیقی قوروپ‌لاری، کامئرا اۆرکئستری، کۆر قوروپو، جاز قوروپو، مۆختلیف موغام موسیقی دسته‌لری یارانمیش وَ داییم گئنیش‌لنمک ده دیرلر. بۆتۆن بونلار اۆچۆن آذربایجان خالقیَ اۆزۆنۆن بۆیۆک اۆغلو، ایستئعدادلیَ بسته‌کاری اۆزئییر حاجیَ بییَ اۆفا بۆرجلودییلار.

بو ایل بسته‌کارییَن آنادان اۆلماسییَنییَن ۱۲۰-ایللییئی مۆناسیبت‌له آذربایجاندا حاجیَ بییَ اۆف ایلی اعلان ائدیلمیشدیر. بو مۆناسیبت‌له آذربایجانییَن بۆتۆن شهر وَ کندلرینده حاجیَ بییَ اۆفون شرفینه مراسیم‌لر کئچیریلمیشدیر. اۆنون آنادان اۆلان گۆنۆ یۆنیسکۆدا دا مراسیم ایله آنلانمیشدیر.

سن‌سیز ماهنی‌سی : شئعر: حکیم نیظامی، چئویرن: جعفر خندان، بسته‌کار: اوزئییر حاجی‌بی‌اوف، موغنی: بولبول



غرامت است، غرامت، شبی که بی توگذارم،
ملامت است، ملامت، دمی که بی تو بر آرم.

بنا گریزی وصلت، که نیست از تو گریزم،
به بیقراری هجرت، که نیست بی تو قرارم.

نه چشم آنکه ببینم، نه بخت آنکه بیابم،
نه پا ی آنکه بیا یم، نه دست آنکه بر آرم.

طلب کنم چو تویی را، تو این صواب ندانی،
طلب کنی چو منی را، من آن امید ندارم.

به نزد من تو بزرگی، منم که پیش تو خردم،
به پیش من تو عزیزی، منم که نزد تو خوارم.

تو فا رغی ز نظامی، منم که در هوس تو،
به روز طا لع گیرم، به شب ستاره شمارم.

هر گئجه‌م اؤلدو کدر، قوصّه، فلاکت سنسیز،
هر نفس چکدیم، هدر گـئتدی اؤساعت سنسیز !

سنین اؤل جلب ائله‌یه‌ن وصلینه آند ایچدیم اینان،
هیجرینه یاندیئ جانـئیم، یؤخ داها طاقت سنسیز !

باشقا بیر یاریئ نـئجه آختاریم، ائی نازلیئ ملک،
بیلیرم، سن ده دئدین: «یؤخ یارا طا قت سنسیز!»

سن منیم قلبیمه حاکیم، سنه قول اؤلدو کؤنؤل،
سن عزیزسن، من اوجوز، بیر هئچم، آفت، سنسیز !
نه گؤزؤم وار آرایـئیم من سنی، بختیم‌ده کی، یؤخ،
نه ده بیر قاچماغا وار منده جسارت سنسیز !

سن نیظامی‌دن اگر آرخایـئین اؤلسا ن دا، گؤلؤم،
گـئجه – گؤندوز آرایـئیب، اؤلمادیئ راحت سنسیز!



تاختالئ کؤیدن مکتوب‌لار

عزیز نسین
چئویرن: ایسمایئیل شیخلئ
کؤچورن: بابک آرش

سئویملی دوستوم

من ائله بیلیردیم کی، باشیئما گلن ایشلرین سونودور. آمما من دئمه گؤرجکلی گونلریم قاباقدا ایمیش. اینان کی، اؤلومدن گؤزونو قورخوتماق فیکیریم یوخدور. هئچ نه اویدورمور، هئچ نه شیشیرتمیرم.

یوخسا بو دهشتلی اؤلومدن سؤز آچدیئغیئما گؤره قانیئن قارالیئر؟ منیم تاختالئ کؤیدن سنه مکتوب یازماغیئمیئن بیر مقصدی‌ده سنین اورییندن اؤلوم قورخوسونو سیلمک‌دیر. هامئ بیلیرکی، بوتون یاراناناللار اؤله‌جک هئچ کیم هئچ واخت اؤلومدن یاخا قورتارا بیلمه‌یه‌جک، بئله اؤلدوغو طرزده اؤلومدن قورخماغیئن نه معناسئ وار؟ تاختالئ کؤیدن یازدیئغیئم مکتوب‌لارئ اوخویارکن اؤلومو مزه‌لی گولمه‌لی بیر گزینتی‌یه چیئخماق کیمی باشا دوشه بیلرسن.

گلک مطلب اوسته. ییولدا ماشینیشمیزین سویو قورتاردی و موتور قیزدی. سو قاینادی شهر کناریندا اولدوغوموزدان ماشینین ایچینده‌کی‌لر دوشوب سو دالیسنجا هره بیر طرفه داغیلدی. بیردن کؤمک‌چی:

- تاپدیم! دئیه قیشقیردی. بورادا گؤلمه‌چه وار.

قابلاری دولدوروب سو گتیردیلر. آمما صؤحبت‌لریندن باشا دوشدوم کی، گتیردیک‌لری سو دئییل، پالچیق. گؤلمه‌چه سویونو ماشینا تؤکن کیمی قاینامیشا باشلادی. قاینار سودا پؤشله‌نن قورباغا بالالاری بوخارلا برابر هاوایا فیرلاندیلار.

بیر تهر بیر چشمه‌یه قدهر گله بیلدیک. سو گؤتوردوک. بیر آز گئتمیشدیک کی، بئنزین قورتاردی. بئنزین تاپاندان سونرا تهیر بوراخدی. اونو دولدوردولار. یئنه بیر آز گئتمیشدیک کی، تهیر پارتلادی. کؤمک‌لشیب یامادیلار. قالین- قالین کیتابلار یازیلاسی ماجرالاردان سونرا نهایت ان یاخین بیر خسته خانایا گلدییمیز زامان گئجه یاری‌دان کئچمیشدی. خسته خانادا نه قدهر آختاردیلارسا، نؤوبت‌چی حکیمی تاپا بیلمه‌دیلر. یارالی ایله منی یئره، داشین اوستونه یاناشی اوزاتمیشدیلار. باجی‌سی فاصیله‌سیز قان ایتیرن یارالی‌یا باخدی:

- بو نه واخت یارالانیب؟ - دئیه سوروشدو.

بو سوزلری ائشیدن شوفئر یارالی‌یا کؤمک ائده‌جک‌لرینی ظن ائدیب سئویندی:

- گؤن اورتادان اوول. دئیه جاواب وئردی.

- بس ایندی‌یه قدهر نییه گؤزله‌میشینیز؟

- کیم گؤزله‌ییب سحردن ییولاردا ییئیق. دئیه شوفئر جاواب وئردی.

- بو زاماندا کیمین تله‌سیک ایشی وارسا گرک ماشینا مینمه‌سین.

طیب باجی‌سی:

- بو آدامین قانی ائله سحردن بری بئله‌جه آخیرمی؟ - دئیه سوروشدو.

– بلی– دئیه – شوفئر جاواب وئردی.

طیب باجئ‌سئ .قادیئن‌لارا خاص اولان بیر طرزده بارماق‌لاریئنئ ایستولا وورووب، کنارا توپوردو.

– ماشاالله، گوز دیمه‌سین، کیشی‌نین نه چوخ قانئ واریمیش.

خسته خانادا نؤوبت‌چی حکیم تاپیشلمادیغینا گؤره یارالیئیا هئچ بیر کؤمک گؤسترمه‌دیلر. باشقا خسته خاناپا گئتدیک. یارالیئنیئن بختی وارمیش. بیر ساعات آختاریشدان سونرا نؤوبت‌چی حکیمی تاپا بیلدیلر. یازیئق حکیم یارالیئنئ موعاینه ائتدیکدن سونرا بؤیونو بوکدو:

– واللاه بو یازیغا هئچ بیر کؤمه‌ییم دیمه‌یه‌جک. خسته خانامیزدا نه قانئ ساخلایان، نه ده آخیدا بیلن درمان وار. آسپیرین وکیندن باشقا شئییمیز یوخدو. ایسته‌ییرسینیز وئریم لازیم اولار.

شوفئر سؤیله‌دی:

– کیشی گؤزوموزون قاباغیندا اؤلور... هئچ اولماسا تعجیلی یاردیم خسته خاناپا چاتدیرا بیلسه‌یدیک یاخشئ اولاردئ. اؤلن‌ده‌ده اورادا اؤلردی.

– یا اورا یا بورا، نه فرقی وار؟ – دئیه حکیم اونا جاواب وئردی.

– هئچ اولماسا اورادا داها راحات اؤلردی. – دئدی.

– نه واخت یارالانیب؟

– گون اورتادان اوول.

– او واخت‌دان بونون قانئ بئله‌جه آخیر؟

– یوخ. بیر ساعات بوندان اوول قانئ داها چوخ آخیردئ. قانئ آخا– آخا آزالدیغیندان ایندی اوولکی قدەر آخمیر.

– بو حکیم‌ده باشقالارئ کیمی:

– ماشاالله! نه چوخ قانیڭ وارمیشش. دئدی.

بورادان‌دا باشقا خسته خاناڭا گئتدیک. تاکسی شوفئری آخیردا بلدیڭه خسته خاناسیئندان پولونو آلا بیله‌جه‌ڭینه اؤمید ائتدی‌ڭیندن بیزدن ال چکمیردی. خسته خانالاردا اؤلوّ قبول ائتمه‌دیک‌لریندن منی‌ده اؤزلری‌ایله بورادان اؤرا، اؤرادان بوراڭا سؤروڭوّردولر.

بو دفه ڭارالیڭنیشن بختی گتیردی. خسته خانادا نؤوبتچی حکیم طیب‌باجیڭسیڭ و لازیم اؤلان درمان‌لار تاپیشلدیڭ. حتتا نؤوبتچی حکیم:

– بونلاریشن اوّچوّنوّ بیر ڭئرده تاپماق چوخ چتین ایشدیر. آمما سیز خوّش بیر ساعات‌دا بوراڭا گلیب‌سینیز. دئدی.

ڭارالیڭنیڭ موّعاڭینه ائتمه‌دن اوّول اوّنون کیم‌لیڭینی آیدیڭنلاشدیرماق اوّچوّن دفترخانا موّدوّروّنوّ آختاردیشلار، آمما تاپا بیلمه‌دیلر. شوّفئر اوّنلاریڭ باشا سالماغا باشلادیڭ:

– کیشی اوّلوّر، اوّنو جرّاحیڭه اوّتاغیشنا آپاریشن دردینه بیر علاج ائله‌ڭین. سوّنرا موّشخصاتیڭنیڭ ڭازارسینیز.

حکیمین اوّنا آجیڭغیڭ توتدو.

– ڭارالیڭ موّشخصاتیڭ اوّلمالیڭدیر. ڭوّخسا هئچ کس اوّنا الینی‌ده وّورا بیلمز. درمان‌لاریشن کیمه صرف ائدیلدی‌ڭینی بیلمه‌سک، بیزی اوّغورلوق‌دا تقصیرلندیررلر. دفترخانا موّدوّروّنوّ آختارماغا گئدنلرین اوّزوّ قئیب چیڭخدیڭ و بونو گؤرن شوّفئر داهادا عصبی‌لشدی.

– بئله بیلک، ڭارالیڭنیڭ لاپ دالیڭمیڭزدا ایلک ڭاردیڭم خسته خاناڭا آپاراردیڭق.

ائله بو واخت موّشخصاتـ ڭازان مأمور ڭاتاق اوّچوّن اوّز اوّیندن خسته خاناڭا گلدی. اوّز ایشیندن زهله‌سی گئدن آدام‌لار کیمی آغیر–آغیر ڭازیڭ ماساسیڭنیشن آرخاسیڭندا اوّتوردو. تنبل‌جه‌سینه قلمی الینه آلدیڭ. عئیڭنه‌ڭینی گؤزوّنه تاخدیڭ. سوآل–جاواب باشلادیڭ:

– ڭارالیڭنیشن آدیڭ؟

شوّفئر:

– نه بیلیم. آغا –دئدی– من بلدیئه ایداره‌سی‌نین تعجیلی یاردیئم ماشیئنئ‌نیئن شوفئری‌یم. بو آدامئ ماشیئن ازمیشدی منده یوْل‌دان گؤتوْردوْم. یوْل‌دا ماشیئن خاراب اوْلدو. سحردن یوْللارداییئق. ایندی بورایا گلیب چیئخمیئشیئق.

مأمور:

– لاپ یاخشئ، لاپ یاخشئ –دئیه– سؤزوْنه داوام ائتدی– یازاریئق کی، شخصیئتینی آیدیئنلاشدیئرا بیلمه‌دیک والسلام شوْت تامام.

کؤمک‌چی شوفئردن سوْروشدو:

– آغا سحردن ائله بوندان اوْتوْرموْ بو اذییئت‌لری چکیردیک؟

نؤوبت‌چی حکیم اوْنلاریئن سؤزوْنوْ کسدی.

– هر شئ‌ئ قایداسیئندادیئر. آمما یارالئ‌یا کؤمک ائده بیلمه‌یه‌جه‌ییک. گرک خسته‌نی اوْرْلجه رئزئیدنت‌دن عکس گؤتوْرن دسگاهئ ایسه ایشله‌میر. عکس اوْلماسا هئچ بیر شئ‌ئ گؤره بیلمه‌ریک.

– مادام کی، عکس گؤتوْن یوْخ ایدی بس نییه بو قدەر واختیئمیئزئ آلدیئنیئز؟

طیب باجئ‌سئ جاواب وئردی:

– موْشخصات باشقا شئ‌دیر. موْعالیجه باشقا، هر آئ‌ خسته خانامیئزا گلن خسته‌لرین سیئاهی‌سینی ناظیرلییه گؤندریریک. اگر موْشخصات یازئلماسئ، سیئاهی توتا بیلمه‌ریک. سیئاهی اوْلماسا، ایلین آخیئریئندا خسته خانامیئزا نه قدەر آدامیئن موْراجیعت ائتدییینی‌ده بیلمه‌ریک.

موْشخصات یازان مأموردا دیللەندی:

– خسته خانامیئزیئن عکس سالان دزگاهئ ایشله‌میر آمما موْشخصات یازا ایشیمیز چوْخ قایداسیئندادیئر.

تعجیلی یاردیئم ماشیئنئ‌نیئن شوفئری اوْزوْنوْ تاکسی شوفئرینه توتدو.

– آرخاداش. –دئدی– هر حالدا سن بو یارالیئنین بیر قوهومونو تاپیب زحمت حاققینئ اوندان آلاجاقسان. بیزی سحردن بری، بیر خسته خانادان اوْ بیری خسته‌خاناییا گتیریبسن. آللاه عؤمرونو اوزون ائله‌سین ایندی گل یاخشیلیغئ آخیرا قده‌ر ائله. بیزی تعجیلی یاردیم خسته‌خاناسینا آپار.

– من یارالیئنین قوهومونو هاردان تاپاجاغام، جانیم پولومو وئرین.

– آرخایین اوْل ائله بیل پول جیبینده‌دیر.

تاکسی شوفئری سئوینه– سئوینه ماشینئ سوردو.

– سحردن بری خسته خانالارئ گزیریک. گاه حکیم تاپیلمیر گاه طیب باجئسئ. حکیم‌له طیب باجئسئ تاپیلاندا درمان تاپیلمیر. بونلارئ تاپاندا عکس سالان دسگاه اوْلمور. عکس سالان دزگاه اوْلانلادا خاراب چیخیب ایشله‌میر.

– تعجیلی یاردیم خسته‌خاناسینا گوْیا بونلاریئن هامیسئ اوْلاجاق؟

– تاپیلار. بونلاریئن هئچ بیری تاپیلماسادا یارالیئنین قانینئ کسمک اوْچون بیر پارچا ایپ، ملحفه، چیت تاپارلار. یارالیئین قان آخان یئرینی ساریییب، لاپ یارالیئنئ بوْغوب اوْلدوْررلر، آمما قوْیمازلار داها قانئ آخسین.

تاکسی شوفئری جاواب وئردی.

– منی ماشینئین پولو اوْ قدر ماراقلاندیرمیر. اگر سایغاجئ آچسایدیق ایکی یوْز لیره یازاردئ. من هر شئ بیلمک ایسته‌ین آدامام سیزی سحردن بری بیر خسته خانادان اوْ بیرینه آپارماقدادا بیرجه مقصدیم وار. بیلمک ایسته‌ییرم، گؤره‌سن ائله بیر خسته‌خانا تاپاجاییق مئ کی اوْرادا هم حکیم اوْلسون، هم طیب باجئسئ، هم ساز عکس سالان دزگاه، همده داوا درمان، یوْخسا چوْخدان سیزی ماشینئندان دوْشوْره‌ر وْ چیخیب گئده‌ردیم.

ایلک یاردیم خسته خاناسینا گلدیک. ماشینئین ایچینه قان آخماسین دئیه آیاقلارئ پنجره‌دن بایئرا چیخاریلمیش یارالیئنئ اوْوْلجه آشاغئ اندیردیلر.

آمما منی یاددان چیخاردیب یوّک یئرینده قویدولار. نه ائده بیلردیم؟ «من بورادایام» دئیه باغیرسامدا اوللوّ اوللدوغومدان سسیمی ائشیدمزدیلر. من نه ائدهجه‌یئیمی دوشونوردوم. یارالیئنیدا یئنیجه خره‌یه قویموشدولار ائله بو واخت گوّرولتوّ قوپدو، سیئغنال‌لار وئریلدی سیرئنا وئیئیلدادیئ. یوّکلوّیوّن آرالیئ قاپاغیئنیئ بیر آزجا قالدیریب نظره چارپمادان باخدیم گلن‌لر پوّلیس ماشیئن‌لاریئ ایدی. چاتان کیمی ماشیئندان توّکوّلموّش پوّلیس‌لر خره‌یی دوّوّره‌یه آلدیلار. پوّلیس‌لردن بیری:

– ترپه‌نمه‌یین! –دئیه باغیردیئ.

باشقاسیئ:

– ترپنمه‌یین! –دئدی.

اوّچوّنجوّسوّ:

– الری یوخاریئ! دئیه قیشقیردیئ.

خره‌یی آپارانلار اللرینی یوخاریئ قالدیراندا خرک یئره دوّشدوّ وّ یارالیئ بیرده یارالاندیئ. موّحاصیره‌یه آلیئنمیئشدیئق. بیزی ایحاطه ائدنلردن بیری:

– آخیرکی عدالتین پنجه‌سینه کئچدینیز! –دئدی.

– نه زامان کئچمیشیک عدالتین پنجه‌سینه؟ – دئیه شوّفئر سوّروشدو.

پوّلیس رئیسی اوّنون اوّستوّنه قیشقیردیئ:

– تئز اوّلون گوّسترین گوّرک کسدیئینیز قاطیئر هارادایئر؟

شوّفئر:

– هانسیئ قاطیئر، نه قاطیئر؟ – دئیه ککله‌دی.

– قاطیئر، آت، یادا ائششک، نه فرقی وار بیز سیزی هاچاندیئ ایزله‌ییریک. قانیئن ایزینه دوّشوّب گلدیک وّ آخیرکی تاپدیئق. ایستامبولون بوّتوّن کوّچه‌لرینی قانا بولامیئسیئنیئز. دئمک کی قاطیئرلاریئ، ائششک‌لری کسیب ایستامبولدا قوزو اتی یئرینه جاماعاتا ساتان سیزسینیز.

شۆفئر:

– نه قاطیئر، نه آت، نه ائششک جانیئم، واللاه اینسان....

– نه؟ اینسان؟ وایْ جاناوارلار!

مسله‌نی پۆلیس رئئیسینه باشا سالدیئلار. اۆ ساکیت‌لشدی وْ :

– ماشاللاه آدام‌دا دا بو قده‌ر قان اۆلارمیئش! – دئدی.

مملکت‌ده‌کی حیات طرزی‌نین ئۆزگسکلی‌ئین ثوبوت ائدن بو نۆمونه‌وی وْطن‌داشیئمیزیْ خره‌یه قۆیوب ایچری آپارارکن پۆلیس رئئیسی دسته‌سینه مۆراجیعت ائتدی:

– بورایا قده‌ر گلمیشیک، الی بۆش قاییئدا بیلمه‌ریک. گرک بیر ایش گۆرک، تئز اۆلون ماشیئنیْ آختاریئن!

آختاردیئلار وْ ئۆزک ئثرینده بیر اۆلۆنۆن اۆلدوغونو گۆردۆلر.

– بو نه‌دیر؟ –دئیه سۆروشدولار.

– گۆرۆرسۆنۆز اۆلۆدۆر. آمما چۆخ بدبخت اۆلۆئیمۆش باشیئمیئزا بۆتۆن بلالار اۆنون اۆجیباتیئندان گلدی.

ئارالیئنیْ باشقا ئثره گۆتۆردۆلر. بئله‌لیک‌له ئۆلداشلاریئمدان آیریْ دۆشدۆم.

منیم اۆلۆ اۆلدوغومو ئقین ائتدیکدن سۆنرا ئوماغا گۆندرمک اۆچۆن خسته‌خانانیئن بیر زیرزمیسینه آتدیئلار. ماشیئن منی ائله ئۆرموشدو کی، داش دۆشه‌مه‌نین اۆستۆنه دۆشن کیمی ئوخویا گئتدیم.

آه سئۆیملی ائششک آریْسیْ، اگر بیر آزجیئق آغلیئن اۆلسا «دۆنیادان بئزمیشم» دئیه اۆلمه‌یه چالیئشما. باشیئما گلن‌لری اۆنا گۆره ئازیئرام کی، اۆ گۆزل دۆنیادا قال وْ ئاشاماغیئن لذّتینی گۆر. سنین– منیم کیمی‌سینه ئاشاماق چتین‌دیر، آمما هر حالدا گۆزل‌دیر.

سالام‌لار ائحتیرام‌لار

اۆلمۆش ائششک آریئسیْ

نقش «الف» در نشان دادن مصوت‌ها در آغاز کلمه

در زبان فارسی اصوات کوتاه (ـَ ـِ ـُ) و اصوات بلند آ، او، ای) در ارتباط با صامت‌ها تظاهر می‌کند. به این شرح: اصوات کوتاه نوشته نمی‌شوند. حروف صامتی که حال این اصوات هستند به طور سماعی شناخته می‌شوند.

مثل: حسن، مهمان، اتوبوس.

در مورد استثنایی مصوت (o) به شکل (و) نوشته می‌شود. مشروط بر اینکه پیش از آن حرف صامتی وجود داشته باشد: اتوموبیل.

کسره‌ی آخر کلمه را با (ه، ـه) نشان می‌دهند: تشنه.

نشانه‌های «ا، و، ی» را که جزء حروف صامت هستند، مشروط بر اینکه قبل از آنها حرف صامت آمده باشد، به طور سماعی به جای مصوت (A, U, İ) به کار می‌برند: کوه، پیر، پاک.

حال اگر این مصوت‌ها در آغاز کلمه قرار گیرند چگونه باید آن را در نوشتار نشان داد؟ زیرا، قبل از آنها حرف صامتی وجود ندارد و کلمه با این اصوات آغاز شده است.

راه حل این مشکل را چنین اندیشیده‌اند که از نشانه‌ی «همزه- ء» به جای حرف صامت ماقبل مصوت استفاده کنند و چون همزه به تنهایی نوشته نمی‌شود و باید بر پایه‌ای سوار شود، لذا «ا» را پایه‌ی آن قرار داده‌اند. نمونه: أحمد، أحسان، أتاق، أو، أیران. به مرور نوشتن «ء» متروک و محذوف گردیده و «ا» باقی مانده است و فعلاً مرسوم است: احمد، احسان، اتاق، او، ایران.

نتیجه اینکه: چون در ردیف الفبایی عربی / فارسی حروف مشخصی برای نشان دادن مصوت‌ها وجود ندارد، برای نشان دادن این اصوات در نوشتار، در آغاز کلمه از «الف» استفاده می‌شود که جانشین حرف صامت قراردادی (أ) است که صوت در ارتباط با آن صامت تظاهر می‌کند.

آنچه که در بالا گفته شد در املای زبان آذربایجانی هم از طریق نفوذ زبان‌های عربی و فارسی به طور متعارف رواج یافته است.

در الفبای شیوه‌ی آوانگاری برپایه‌ی حروف عربی- آذربایجانی، برای نوشتن مصوت‌ها هم حرف تعیین شده است. مثلاً ؤ=ö، ۋ=ü...)

در این صورت این حروف بدون هر نوع شرطی علامت صوت معینی است و اگر در آغاز کلمه هم قرار گیرد نیازی به نوشتن الف اضافی نخواهد بود.

حروف مصوت پیشنهادی عبارتند از:

«آ= A، ا، ه= Ə، ئـ = E، و= U، وّ= Ü، وٗ= O، وٗ= Ö، یـ = İ، یـ = I»

هر گاه این اصوات در آغاز کلمه بیایند برای نشان دادن آن در نوشتار، نوشتن حرف مشخص کافی است:

مال، آلما، اکین، یئتمک، وشاق، وٗتاق، وزون، وٗتوّ، ینام.

توضیح اینکه:

- مصوت «A» و «ə» در ابتدای کلمات آذربایجانی مانند زبان فارسی به صورت «آ» و «ا» نوشته می‌شود.

- مصوت «ı» «یـ» در ابتدای کلمات آذری نمی‌آید.

- واژه‌های آذری که با مصوت‌های «e- ئـ ، u و، o وٗ، ü وّ، ö وٗ، i یـ» آغاز گردد، به تبعیت از املای فارسی با الف زاید نوشته می‌شود: ائـ اوٗ، اوّ، اوٗ ایـ).

با قبول حروف مشخص برای نشان دادن اصوات نامبرده نه فقط ضرورتی برای نوشتن الف زاید نیست بلکه نوشتن الف زاید خلاف قاعده است.

بنا بمراتب، اصولاً در املای آذربایجانی از نوشتن حرف الف زاید در ابتدای کلماتی که با مصوت شروع می‌شود باید پرهیز کرد.

این قاعده در املای بخش ترکی فرهنگ‌های «فارسی- آذربایجانی» و «آذربایجان دیلی‌نین یضاحلیٗ لوّغتی» به کار برده شده است.

اگرچه در فصلنامه‌ی «آذری» مصوت‌های نامبرده در بالا با همراه الف زاید نوشته می‌شود ولی پیش‌بینی می‌گردد که به منظور حفظ استقلال زبان آذربایجانی و عدم ضرورت استفاده از الف زاید در آینده به تدریج الف زاید حذف خواهد شد.

بهزاد بهزادی

حکایت مردی که «نه»می‌گفت

سیاوش کسرایی

بود در کشور افسانه کسی
شهره در «نه» گفتن:
نام می‌خواهی؟ ـ نه.
کام می‌جویی؟ ـ نه.
تو نمی‌خواهی یک تاج طلا بر سر؟ ـ نه.
تو نمی‌خواهی از سیم قبا در بر؟ ـ نه.
مذهب مارا می‌دانی؟ ـ نه.

نه، به هر بانگ که برپا می‌شد،
نه، به هر سر که فرو می‌آمد،
نه به هر جام که بالا می‌رفت،
نه، به هر نکته که تحسین می‌شد،
نه، به هر سکّه که رایج می‌گشت.

روزی آیینه به دستش دادند:
ـ می‌شناسی او را؟
ـ آه، آری، خود اوست،
می‌شناسم او را.
گفته شد دیوانه‌ست،
سنگسارش کردند.

«یوخ» دئیه‌ن کیشی‌نین حئکایه‌سی

چئویرن: علی کاتبی

افسانه یوردوندا واریمیش بیری
شؤهرتی یاییلمیش « یوخ» دئمک‌لییه:
آد ـ سان ایسته‌ییرسن؟ ـ یوخ ایسته‌میرم.
کام آلماق ایستیرسن؟ ـ یوخ ایسته‌میرم.
ایسته‌ییرسن آلتین بیر تاج باشینا؟
ایسته‌ییرسن اینینه گؤموش بیر قبا؟
یوخ او دئمیشدیر یوخ، ایسته‌میرم من.
بیزیم یول ـ یولاجاغی بیلیرسن‌می؟ ـ یوخ.
بیزیم الیازیمی اوخورسان‌می؟ ـ یوخ.

یوخ دئیه‌ردی او هر قوپان سس ـ کؤیه.
یوخ، هر ایطاعتله ائیلن باشا،
یوخ، هر بیر ساغلیغا قوزوزانان جاما،
یوخ، هر بیر سؤزه‌کی آلقیشلاییردی،
یوخ، هر الدن اله گزن سیککه‌یه.

بیرگؤن سه، الینه گؤزگؤ وئردیلر:
تانییییرسان اونو؟ ـ تانیرام بلی.
بو کیشی دئدیلر: دلی دیر دلی!
داش ـ قالاق ائتدیلر او یوخ دئیه‌نی.



ترکی جغتایی
و
آثار نوایی

دکتر حسین محمدزاده صدیق

از امیر علیشیر نوایی یکه تاز میدان سخن پروری در ترکی جغتایی، ۲۹ اثر منظوم و منثور در رشته‌های گوناگون ادبی و علمی بر جای مانده است که در این گفتار کوتاه ضمن اشاره به تاریخچه‌ی ترکی جغتایی، برخی از این آثار را برای خوانندگان فصل نامه وزین آذری معرفی می کنیم.

ح. م. صدیق

در نوعبندی گویش های زبان ترکی، گویش چاغاتایی«جغتاتی»، در گروه گویش های آسیای میانه، یا گویش های شرقی داخل می شود که تا یکصد سال بیش از ایسن به عنوان گویش ادبی و لهجه‌ی کبار ترکی شرقی کاربرد داشت و امروزه جای خود را به اوزبکی و اویغوری نوین وا سپرده است.

این گویش ترکی سده های میانه که ادامه‌ی منطقی ترکی قاراخانی یا خاقانیه و سپس ترکی خوارزم بود، در دوران جانشینان امیر تیمور به اوج شکوفایی خود رسید و به زبان سیاسی، ادبی و رسمی دولتهای ترکستان شرقی و آسیای میانه تبدیل شد و اعتباری جهانی یافت. پس از اشغال و تصرف ولایات بخارا(۱۸۶۸)، خیوه(۱۸۷۳)، خجند(۱۸۷۶) از طرف دولت تزاری روس، این گویش به تدریج اعتبار خود را از دست داد و از سال ۱۹۲۱، لهجه‌ی عوام شهرهای اوزبکستان بعنوان گویش دولتی برگزیده شد و جای آنرا گرفت.

نام چاغاتای منسوب به پسر دوّم چنگیزخان به همین نام است.

چنگیز خان پیش از فوت خود، امپراتوری گسترده‌ی خویش را میان فرزندانش تقسیم کرد، ماوراءالنهر و ترکستان شرقی را به چاغاتای داد و بعد ها، چانگوریه، اویغور، کابل و غزنه نیز جزو متصرفات وی در آمد. کشور تحت فرمان او «چاغاتای اولوسو» نام گرفت، از او به فرزندش «قاراهلاکو» و از وی به «طواخان» و سپس به «قازان خان» رسید. پس از مرگ قازان خان، به دو بخش

ماوراءالنهر و مغولستان تقسیم شد و تنها امیر تیمور توانست میان این دو بخش، دیگر باره وحدت ایجاد کند و تحت یک پرچم در آورد.

نام «چاغاتای» به عنوان نام رسمی این امپراتوری از زمان طواخان رواج یافت و همه‌ی ایلات و عشایر ترک آن سامان در مقابل مغولان، چنین نامیده شدند.

منظور از اصطلاحات «ایل جغتای» و «خیل جغتای» ترکان تحت فرمان امپراتوری امیر حیدر هستند که در متون تاریخی فارسی مانند «ظفرنامه» از شرف الدین علی یزدی و متون ترکی مانند «بابرنامه» فراوان به کار رفته است.

گویش ترکی چاغاتایی در متون ترکی عصر تیموری به صورت ترک تیلی، ترک الفاظی، ترکی تیلی، ترکی لفظی، تورکجه تیل و یا به صورت اختصاری ترکی و تورکجه نامیده شده است. اما نوایی آن را به صراحت «چاغاتای تیلی» نامیده است.

میرزا مهدی خان نیز اصطلاح "لغت ترک" را درمقابل آن قرار می‌دهد و منظور وی شیوه‌ی گویشی است که در آثار نوایی، لطفی هروی، با بر وسلطان حسین بایقارا به کار رفته است و امثله و شواهد را نیز از آثار آنان ذکر می کند.

در قرن گذشته ترکی پژوهان اروپا از جمله هـ. وامبری با تالیفات خود، به این اصطلاح اعتبار علمی دادند[۶]. بدینگونه گویشی که در فاصله‌ی قرن هفتم تا دوازدهم هجری در آسیای میانه برای تالیف و تصنیف متون اسلامی به کار می‌رفته است «چاغاتای» نام گرفت و بر همین اساس «شیخ سلیمان افندی» یکی از لغت نویسان اواخر دوره‌ی عثمانی فرهنگی با نام «لغات جغتایی و ترکی عثمانی» نوشت[۷].

از سوی دیگر برخی مستشرقان روسی نظیر و. رادلف این اصطلاح را فقط برای آثار ادبی باز مانده از دوران مابعد خاقانیه اطلاق کردند. و زبان رایج دوران تیموری تا سده‌ی اخیر در آسیای میانه را ترکی شرقی نامیدند[۸].

در روزگار ما مرحوم «**محمد فواد کوپرولو**» به تعریف اصطلاح زبان شناسی «گویش چاغاتای» (Çağatay Lhcesi) دست زد وتاریخ آن را به ۵ دوره‌ی زیر تقسیم کرد:

۱- دوره‌ی آغازین (سده های هفتم و شتم هجری)

۲- پیش از دوره‌ی کلاسیک (نیمه اول سده‌ی نهم هجری)

۳- دوره‌ی کلاسیک (نیمه‌ی دوم سده‌ی نهم هجری)

---

[6] -H. Vambery. Çagataısche Sprachstdıen/Leıpz/y.1864

۸- شیخ سلیمان افندی. لغات جغتایی و ترکی عثمانی، اسلامبول ۱۲۹۸ هج

[8] - w.radiof. Phohtik der nördlichen Türkes- prachen. Lelpzig. 1883. s280

۴- ادامه‌ی دوره‌ی کلاسیک (سده‌ی دهم هجری)
۵- دوره‌ی افول (سده‌ی یازدهم و دوازدهم هجری)

زبان شناسان دوره‌ی شوروی کاربرد اصطلاح «چاغاتای» را منسوخ کردند و به جای آن اصطلاح «اوزبکی» به کار بردند و تاریخ آن را به سه دوران تقسیم کردند:

۱- دوران نخستین (سده‌های چهارم تا هفتم هجری)- دوران تکوین زبان وادبیات ترکی.
۲- دوران اشرافی (سده‌های هشتم تا پانزدهم هجری) – دوران زبان و ادبیات کلاسیک.
۳- دوران معاصر (سده‌ی دوازدهم هجری به بعد) – دوران تسلط گویش اوزبکان.

ژانوس اکمن Janos Eckmann با بررسی عمومی دیدگاههای متفاوت فوق، در تقسیم بندی علمی خود، تاریخ زبان ترکی شرقی در آسیای میانه را اول به سه دوره‌ی اصلی زیر تقسیم می کند:

۱- دوران ترکی قاراخانی یا خاقانیه (سده های پنجم تا هفتم هجری)
۲- دوران ترکی خوارزم (سده‌ی هشتم هجری)
۳- دوران ترکی چاغاتای (سده‌ی نهم تا سده‌ی چهاردهم هجری)

و دوران زبان چاغاتای را نیز در سه دوره زیر قابل مطالعه می داند:

۱- دوره‌ی پیشین (از اواخر سده‌ی هشتم تا اوایل قرن نهم هجری). از نمایندگان ادبیات این دوره می‌توان سکاکی، لطفی، عطایی، کمال خجندی، سید احمد میرزا، حیدر خوارزمی، یوسف امیری، یقینی، احمدی و گدایی را نام برد.

۲- دوره‌ی میانی (از اوایل سده‌ی نهم تا سده‌ی دهم هجری). از نمایندگان ادبیات این دوره می‌توان سلطان حسین بایقارا، امیرعلیشیرنوایی، حامدی، شیبانی، عبیدی، محمدصالح، مجلسی، بابرو بایرامخان را نام برد.

۳- دوره‌ی نوین (از سده‌ی دهم هجری تا ۱۹۲۱سال تاسیس جمهوری ازبکستان شوروی). از نمایندگان این دوره می‌توان ابوالغازی بهادر خان، بابارحیم مشرب، صوفی یار، طردی، هویدا، مونس، خوارزمی، محمدرضا آگاهی، نادره، محزونه، اویسی، کلاهی، غمخوار، مقیمی، عبیدالله ذوقی، عثمان خواجه زاری و شوقی نمنگانی را نام برد.

براستی که در بیان سنخوران فوق در تمامیت تاریخ ادبیات عمومی ترکی از نظر گستره‌ی تاثیر ادبی و کثرت آثار و احاطه به علوم عصر، مانند و نظیری برای امیرعلیشیر نوایی نمی‌توان یافت. نقش او در گسترش و تکامل زبان ادبی ترکی کم نظیر است.

وی در عصر خود مبلّغ فداکار اعتنا به زبان و ادبیات ترکی و مشوق جوانان به خلق آثار ادبی در این زبان بوده است. در کتاب «محاکمه اللغتین» دو زبان ترکی و فارسی را رو در رو می‌نهد، و آن دو را باهم مقایسه می کند و نشان می‌دهد که ترکی، از هر نظر توانائی‌های فراوانی دارد و احساسات بسیار رقیق و ادراکات عمیق بشری را می توان در این زبان بیان کرد. برای اثبات این ادعا، خودپیش قدم شد

و در مقابل آثار معروف منظوم و منثور فارسی، نظیر آنها را با حفظ خودویژگی های خلاقه ایجاد کـرد. این آثار در زمینه‌های مختلف به شرح زیر بر جای مانده است:

۱- مذهبی و اخلاقی:

۱-۱ مناجات
۱-۲ چهل حدیث(۸۸۶هج)
۱-۳ نظم الجواهر(۸۹۰هج)
۱-۴ لسان الطیر(۹۰۴هج)
۱-۵ سراج المسلمین (۹۰۵هج)
۱-۶ محبوب القلوب(۹۰۶هج)

۲- تاریخی

۲-۱.تاریخ انبیاء و حکماء(۸۹۰هج)
۲-۲ تاریخ ملوک عجم (۸۹۰ هج)
۲-۳ زبده التواریخ

۳.رجال و انساب

۳-۱ حالات سید حسن اردشیر (۸۹۶ هج)
۳-۲ خمسه التحیرین (۸۹۸ هج)
۳-۳حالات پهلوان محمد (۹۰۰ هج)

۴.تذکره

۴-۱. مجالس النفائس (۸۹۷ هج)
۴-۲. تسائم المحبه من شمائم الفتوه (۹۰۱ هج)

۵.زبان و ادبیات

۵-۱. محاکمه الغتین (۹۰۵ هج)
۵-۲. میزان الاوزان
۵-۳. رساله‌ی معما (۸۹۸ هج)
۵-۴. منشآت (۸۹۷ هج)

۶. خزائن المعانی یا چهار دیوان ترکی

۶-۱. غرائب الصغر (۹۰۴ هج)
۶-۲ نوادرالشباب (۹۰۴ هج)

۳-۶ بدایع الوسط (۹۰۴ هج)
۴-۶ فوائد الکبر(۹۰۴ هج)

۷.دیوان فارسی(۹۰۲ هج)

۸ خمسه

۱-۸. حیرت الابرار(۸۸۸هج)
۲-۸ فرهاد و شیرین (۸۸۹هج)
۳-۸ لیلی و مجنون (۸۸۹هج)
۴-۸ سبعه‌ی سیاره (۸۹۰ هج)
۵- سد اسکندری (۸۸۹هج)

۹.اسناد

۹- ۱ وقفیه (۸۸۶هج)

اینک برخی ازآثار وی را د زیر معرفی می کنیم:

خزائن المعانی

«خزائن المعانی» مجموعه‌ی چهار دیوان ترکی امیر علیشیر نوایی را در بر می گیرد.

نخستین دیوان وی، وقتی ۲۵ سال داشت از سوی سلطان علی بن محمد مشهدی در سال ۸۷۰ هج تدوین یافت. این نسخه‌ی نفیس در سال ۱۹۶۸ با عنوان «نخستین دیوان» و بصورت فاکسمیله از سوی «حمید سلیمان» دانشمند اوزبکستان در شهر تاشکند انتشار یافت. این دیوان حاوی ۳۹۱ غزل، یک مستزاد، یک معما و ۴۱ رباعی است.

امیر علیشیر نوایی خود، میان سالهای ۸۸۲ -۸۷۴ به تشویق سلطان حسین بایقارا، دیوان اشعار خود را با عنوان «بدایع البدایه» مرتب کرد. کهن‌ترین نسخه‌ی این دیوان در کتابخانه‌ی ناسیونال پاریس به شماره‌ی ۷۴۶ نگهداری می‌شود که در فهرست بلوشه معرفی شده است[۹].

وی، دومین دیوان خود را با عنوان «نوادر نهایه» در سال ۸۹۳ تدوین ساخت که دارای ۳۲۸ غزل، سه مستزاد، سه ترجیع بند، پنج قطعه، ۴۶ رباعی، ۶معما، ۱ لغز و یک تویوق است. از این میان ۴۶۰ مورد جدید است و مابقی از نخستین دیوان و «بدایع البدایه» اخذ شده است.

نوایی پس از تدوین این دیوان، سالها به تدوین شعر نپرداخته است. و در پنجاه سالگی به توصیه‌ی سلطان حسین بایقارا به سر و سامان دادن به دیوان های خود آغاز کرده است و همه‌ی اشعار

9 -Blochet ,cat.mss.turcs,2.p.51

خود را یکجا گرد آورده و با نامهای زیر در چهار مجلّد تدوین ساخته است و هر چهار مجلّد را یکجا «خزائن المعانی» نامیده است.چهار مجلد دیوان های ترکی وی عبارتند از ۱۰:

غرائب الصغر (اشعار سروده شده میان ۲۰-۸ سالگی)

نوادرالشباب (اشعار سروده شده میان۳۵-۲۰سالگی)

بدایع الوسط (اشعار سروده شده میان ۴۵-۳۵سالگی)

فوائد الکبار (اشعار سروده شده میان ۶۰-۴۵سالگی)

بنا به تحقیقات ژانوس اکمن janos eckmann، در این تدوین های نهایی، برخی شعرهای دوران گوناگون زندگی نوایی دچار جابجایی هم شده است.

نوایی یک سال پیش از وفات خویش در سال ۹۰۵ هج. دیباچه ای بر دیوان های چهار گانه خود نوشته و علت تدوین آنها را شرح داده است.

تعداد انواع اشعار دیوانهای چهارگانه‌ی فوق به شرحی که «آگاسیرری‌لوند» بر شمرده، چنین است: غرائب الصغر دارای ۶۳۶ غزل، یک مستزاد، ۳ مخمس، ۱ مسدس ۱ترجیع بند، ۱مثنوی، ۳۴ قطعه، ۱۳۱ رباعی.

نوادر الشباب دارای ۶۴۷ غزل، ۱مستزاد ۳ مخمس، ۱مسدس، ۱ترجیع بند، ۱ترکیب بند، ۵۰قطعه ۵۲ معما.

بدایع الوسط دارای ۶۳۸ غزل، ۱مستزاد، ۲مخمس، ۲مسدس، ۱ترجیع بند، ۱قصیده، ۵۸قطعه، ۱۰الغز، ۱۳تویوق.

فوائد الکبر دارای ۶۲۷ غزل، یک مستزاد، ۲مخمس، ۱مسدس، ۱مثمن، ۱ترجیع بند، ۱مثنوی، ۴۸قطعه و۸۴ مفردات.

ترتیب غزلیات در چهار دیوان فوق به این صورت است که در آغاز همه‌ی قوافی حروف، تمحیدیه، مناجات، نعت و یک غزل عرفانی آورده و سپس غزلهای غنایی و گاه تعلیمی خود را مرتب ساخته است. درحالی که تاروزگار وی تمحیدیه نعت فقط در قافیه الف می‌آمده است.

ویژگی دیگرآنکه در کنار ۲۸ حرف سیستم الفبای ترکی، قافیه های حرف (پ، چ، ژ، گ)را نیز داخل ترتیب غزلها کرده است.هر یک از حروف قوافی را هم چنین شروع کرده است.

الف حرفی نینک آفت لاری نینک. ابتداسی

بی حرفی نیتگ بلالری نینک. بدایتی

دیوان فارسی

11- Eckman,

از امیر علیشیر نوایی گذشته از چهار دیوان ترکی جغتایی، یک دیوان فارسی نیز بر جای مانده است. این دیوان ۱۲۰۰۰بیت و شامل ۶قصیده، ۴۶۸غزل، ۱مسدس، ۱ترجیع بند (درمرثیه)، ۳۶قطعه، ۶۷رباعی، ۱۶ماده تاریخ، ۳۴۱معما، ۶لغز است.

دیباچه‌ی دیوان فارسی با قطعه‌ی زیر شروع می شود:

بیت القصیده ی --- خیل سخنوران شه بیت جنس نظم همه نظم گستران
مدح و ثنای پادشهی دان که از رهش یک پاره سنگ شد گهر عالی افسران

پس از دیباچه متناسب با «جهات سنّه» شش چکامه سروده و آنها را چنین نامیده است:

چکامه‌ی نخست: روح القدس توحید حضرت باری در ۱۳۰ بیت با مطلع:

زهی به خانه‌ی قدرت مصور اشیا هزار نقش عجب هر زمان از اوپیدا

چکامه‌ی دوم عین الحیات – نعت نبوی در ۱۵۰ بیت، با مطلع:

حاجبان شب چو شادروان سودا افکنند جلوه در خیل بتان ماه سیما افکنند.

چکامه‌ی سوم: تحفه‌ی الافکار تتبع دریای ابرار، در ۹۹ بیت، با مطلع:

آتشین لعلی که تاج خسروان را زیور است اخگری بهر خیال خام پختن در سر است

چکامه‌ی چهارم: قوت القلوب – مواعظ سودمند و نصائح دلپسند، در ۱۱۳ بیت با مطلع:

جهان که مرحله‌ی تنگ شاهراه فناست در او مجوی اقامت که راه شاه و گداست

چکامه‌ی پنجم: تحفه النجات تتبع خاقانی، در ۱۳۸بیت با مطلع:

زهی از شمع رویت چشم مردم گشته نورانی جهان را مردم چشم آمدی از عین انسانی

چکامه‌ی ششم: نسیم الخلد – تتبع مرات الصفا، در ۱۲۸ بیت با مطلع:

معلم عشق پیر عقل شد طفل دبستانش فلک دان بهر تادیب وی اینک چرخ گردانش

پس از قصاید سته، غزلیات نوایی با مناجات، حمد و نعت آغاز می شود. مطلع نخستین غزل:

ای خاک سر کوی تو گشتن هوس ما بر پایگهت بوسه زدن ملتمس ما

پس از بخش غزلیات تسدیس برغزل جامی با ردیف «کاشکی» که جامی، خود آنرا نظیر بر غزل ترکی نوایی ساخته بود آمده و سپس ترکیب بندی با عنوان «مرثیه حضرت مخدوم» در رثای عبدالرحمن جامی آمده است که چنین شروع می شود.

هر دم از انجمن چرخ جفایی دگر است هر یک از انجم اوداغ بلایی دگر است

پس از این مرثیه، بخش قطعات، رباعیات، ماده تاریخ ها، معما ولغز ها می آید.



مهستی گنجوی

هئچ پؤزان اؤلمادئ قضا- قدەری
دؤغرادئ اؤمیدی عئشقین خنجری
عئشقین بادەسینی ایچدیم جان وئردیم.
هئیهات ا... تاپئلمادئ عئشقین گؤزهری

سن یادا دؤشنده اؤرتیم یانئر
قانلئ گؤز یاشئلا اؤزؤم ایسلانئر
عطرین مست ائدیکجه هر یاندان منی
صبریمین کؤینەیی هئچ پارچالانئر.

بازارا گئتمیشدیم بیر جؤمه گؤنو
گؤردؤم کهلیک آلئیب سارئن اؤستونو
تئز- تئز دئییر اونا:« جفا وئرەنین
بیرگؤن بئله قالخار گؤیلره اؤنو».

هؤنرین صفاسئ آجئ دیر مؤدام
اؤدور هؤنر سویو ایچمیر بیر آدام
آلچاق آدام لارئن جهالت اؤدو
هؤنری کؤلەیه وئرمیشدیر تامام

خالقئین باشئندا گر اؤلساندا بیر تاج
آغلادار سنی ده بیر گؤن ائحتیاج
خالقئین دردینه قال، اونا یاخئین اؤل
قؤرخ اؤ گؤندن اؤزؤن اؤلاسان مؤحتاج

دامئن هر کرپیجی هر ائوین تاغئ
بیر شاه کللەسی دیر وئزیر بارماغئ
حئیوانئین باسدئغئ هر قارئش توزپاق
گؤزل ساچلارئدئیر، جانان یاناغئ.



خورشید بانو ناتوان

قۆیوبدور اینتیظارئندا نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
همیشه آه-ۆ- زارئندا نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
اۆزۆلدۆم کاروانئیمدان، ال اۆزدۆم خانئیمانئیمدان
فلک اینجیر فغانئیمدان، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
گئدیب‌دیر قافیله سالار، اۆلوبدور گۆزلریم خونبار
نه بیر یار ۆ نه بیر قمخار، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
کۆنۆلده آه -ۆ- زارئیم وار، نه صبر- ۆ- نه قرارئیم وار
دئمز بیر دیل فیکارئیم وار، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
اۆ زۆلفۆ نرگیس-ی - مسته، کۆنۆل چۆخداندئ پا بسته
منی هیجران ائدیب خسته، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
سر-ی- کویۆن گزر کۆنلۆم، گۆلۆ رویۆن سئۆر کۆنلۆم،
وئیصالئین چۆخ دیلر کۆنلۆم، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
آلئیبدئر جانئیمئ هیجران، اۆلوبدور گۆزلریم گیریان
اۆ مهۆش نازنین جانان، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
منه هیجران مشقّت‌دیر، فراقئین درد ۆ مۆحنتدیر
نیگارئیم خئیلی مۆدّتدیر، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
عزیزیم گۆزیاشئیم قاندئیر، ایشیم فریاد ۆ افغاندئیر
اۆ یارئیم هاردا مئهماندئیر، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
یانار جانئیم فراقئیندان، توتار کۆنلۆم سۆراغئیندان
کی، چئیخسئین یار اۆتاغئیندان، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
الیمده ایختیارئیم یۆخ،گئدیب صبر ۆ قرارئیم یۆخ
یانئیمدا گۆل‌عۆذارئیم یۆخ، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
صبا، اۆل مه‌لیقا دیلبر، آلئیبدئر جانئیمئ یئکسر
کۆنۆل آنجاق اۆنو ایستر، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟
یئتیب عرش اۆزره دادئیم، توتوب دۆنیانئ فریادئیم
منیم اۆل سرۆ-ی آزادئیم، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز ؟
قالئیبدئر ناتوان نالان، گئجه - گۆندۆز اۆلور گیریان
اۆنون یۆخ دردینه درمان، نه اۆچۆن گلمز، نه اۆچۆن گلمز؟



گونئی آذربایجان ادبی دیلینده رسمی اوسلوب

دوقتور فیروز رفاهی

firuzrefahi@yahoo.com

آذربایجان ادبی دیلی‌نین یارانماسیندا رسمی اوسلوبون اوزونه مخصوص یئری وار. رسمی اوسلوب قانونی بیر چرچیوه ده ایشلنمه‌یی طلب ائدیر. رسمی اوسلوبون باشقا اوسلوبلاردان کؤکلی فرقی اوندان عیبارتدیر کی، بورادا عالی سویه‌لی بیر دیلی طلب ائدیر. اونون قارشیسیندا دوران موخاطیب‌لر، دینله‌یئجی‌لر حؤکومت آداملاری، ایجراچیلار و حوقوقی آداملار اولور. ائله بونا گؤره‌ده دیلین قورو، ایصطیلاحلی، ثابیت قلیبلی اولماسی واجیبدیر. رسمی اوسلوبون اساس ایشلک فورماسی یازیلی فورمادیر. آنجاق موعیّن چرچیوه‌ده او شیفاهی شکیلده ده چیخیشی انده‌بیلر. میثال اوچون محکمه سالونلاریندا، رسمی گؤروشلر و دانیشیقلاردا دانیشیق دیل رسمی اوسلوبدا اولمالیدیر. آذربایجان دیلی‌نین قانونی شکیلده فعالییت گؤسترمه‌سی ایله میللی ادبی دیل فورماسی‌نین مئیدانا گلمه‌سی عئینی شرایطی طلب ائدیر. بوندان علاوه دیلین قانونی بیر موقئعییت‌ده ایشلنمه‌سی اونا بین‌الخالق بیر دون گئتیریر. جنوبی آذربایجاندا دیلیمیزین قانونی بیر شکیلده ایشلنمه‌سی اونون رسمی اوسلوبونون اینکیشافیندا لنگیتمه یارادیر. دوزدور دیلیمیز موعیّن دؤورلرده خالقیمیزین دئموکراتیک ایستکلری‌نین تأثیری آلتیندا قانونی صورتده ایشلنمه‌یه قادیر اولوبدور. آنجاق همین دؤورون قیسا اولدوغو اوچون رسمی اوسلوب ایسته‌نیلن کیمی ایره‌لیله‌مه‌میشدیر. دیلیمیزین قانونی موقئعییت‌ده ایشلنمه‌سی او دئمک دئییل کی، رسمی اوسلوبوموز یوخدور. پروفسور نیظامی جعفر اوف گونئی آذربایجان ادبی دیلینی آراشدیرارکن گونئی‌ده موجود اولان رسمی اوسلوبا توخونمامیشدیر. اونون فیکرینجه گونئی‌ده فعالییت گؤسترن ایشلک اوسلوبلار یالنیز بدیعی، مطبوعات و علمی اوسلوبلاردیر. قئید ائتمک لازیمدیر کی، همین آراشدیرما اینقیلابین ایلک ایللرینین ماتئریاللاری اساسیندا حاضیرلانمیشدیر و سوسیوراکی دؤورلری‌نین ایجتیماعی، سیاسی و مدنی حیاتی‌نین سیماسینی عکس ائتدیرمیر[1]. باشقا بیر دیلچی‌میز پروفسور توفیق حاجی‌یئف ده ادبی دیلیمیزدن دانیشارکن گؤسترییر کی، آذربایجان ادبی دیلی شیمالدا یارانمیش شرایطه گؤره اونون بوتون اوسلوبلاری فعاللاشیر و اونون قیدا قایناغی دا همین موحیط و شرایطدن اولور. اونون فیکرینجه «جنوبدا یازانلارین دیلینده نه اینکی کلاسیک ادبی دیل اولچوسونده تکمیل‌لشمه آپاریلمیر. حتّا بو عنعنه محللی‌چیلیک عونصورلر دولدورولماسی ایله خئیلی ضعیف‌له‌دیلیر. آرتیق بو زامان جنوب نورماسی

[1]- آرتیق معلومات اوچون باخ: جعفروف نیظامی، جنوبی آذربایجاندا ادبی دیل: نورمالار، اوسلوبلار، علم، باکی، ۱۹۹۰

اؤزۆ اۆچۆن ایستینادگاه لهجه سئچیر، اؤز گوینه‌سی ایله فعالیئت گؤسترییر»[۲]. حاجی‌یئف گؤنئی‌ده رسمی اۆسلوب ۆ اۆنون وارلئغئندان بیر سؤز آچمایئیر. آنجاق گؤنئی‌ده رسمی اۆسلوب قدیمدن فعالیئت گؤسترییر. چۆنکۆ رسمی اوسلوبون گئرچک شکیلده ایشلنمه‌سی دیلین ایشله‌نیلمه وظیفه‌سی ایله باغلئدیئ. آذربایجان دیلی‌نین ایشله‌نیلمه وظیفه‌سی عئثینی بیر وارلئق اؤلوب ۆ ایکی دیللی بیر مۆحیطده یاشایئیدیئر.

رسمی اۆسلوب گؤنئی‌ده مشروطییئت دؤورؤنده، خیئابانی حرکاتئیندا ۆ ان اساسلئ‌سئ «میللی حؤکۆمت» دؤورؤنده داها چئۆیک اؤلور. «میللی حؤکومت» دؤورؤنده آرتئیق قانونی مؤوقئعییئت قازانئیر ۆ قانون وئریجی ۆ ایجراچئ تشکیلاتلاردا فعالیئت ائدیر. ائله بونا گؤره ده دئمک اؤلار کی، گؤنئی‌ده رسمی اۆسلوب بۆتۆن تفرۆعاتئ ایله حیئات سۆرموش ۆ تجرۆبه سئیناغئندان کئچه‌رک اؤز کیملیک دامقاسئنئ ادبی دیله باسمئیشدیئر. همین دؤورلرده ۆ سۆنرا کی چاغلاردا رسمی اۆسلوب ایکی شکیلده فعالیئت ائدیبدیر؛ شفاهی ۆ یازئلئ فۆرمادا.

دیلچیلرین فیکرینجه آذربایجان ادبی دیلی‌نین رسمی اۆسلوبو ایکی مۆحیطده اؤزۆنۆ گؤسترییر: ۱- دؤولت تشکیلاتلارئندا، ۲- شخصلر آراسئندا یازئشمالار، دانئشئقلار، مۆقاویله‌لر، کبین شهادتنامه‌لرده، وقفنامه‌لر، مۆراجیعت‌نامه‌لرده ۆ ساییره..

گؤنئی آذربایجاندا رسمی اۆسلوبون بیرینجی ایشلک مۆحیطی هله‌لیک مۆوجود دئییلدیر. آذربایجان خالقئ بو مۆحیطین برپاسئنا جان آتئیر ۆ ضییالئلارئمیز اؤنو حؤکۆمتدن طلب ائدیرلر. بو مۆحیطین یارانماسئ اۆچۆن قانونی بازا مؤوجوددور. ایران ایسلام جۆمهوری‌سینین آنا یاساسئندا فارس دیلی یانئندا باشقا دیللردن یارارلانماق اۆچۆن یاسلاقلارئ لغۆ ائدیبدیر. بو دا خالقئن دئموکراتیک طلب‌لرینه جاواب اۆچۆن باش وئریبدیر. هله‌لیک ده مۆختلیف سبب‌لره گؤره بیزیم دیلداشلارئمیز بو آرزولارئنا چاتمایئیبلار.

رسمی اۆسلوبون ایکینجی ایشلک مۆحیطی اؤرتادادیر ۆ گؤنۆ-گؤندن گؤجله‌نیر. بو اۆسلوب شیمالداکئ قارداشئندان خئیردا فرقلری وار. یعنی یالنئز اؤنون ایشلک مۆحیطی ۆ دایئره‌سی شیمالا گؤره بیر آز داردیر. بونلارئن آراسئندا ایشلنمه جهتدن هئچ بیر فرق یۆخدور. قوزئی آذربایجاندا رسمی اۆسلوب هانسئ خۆصوصییئتلره مالیک اؤلسا، جنوبدا کی، اۆسلوب‌دا همین خۆصوصییئتلره مالیک‌دیر. آنجاق بورادا عئثینی‌لیک بۆتۆن معنادا آپاریجئ دئییلدیر. رسمی اۆسلوبون گؤنئی‌ده اؤزۆنه مخصوص خۆصوصییئتلری وار. بو خۆصوصییئتلر ایکی‌لیک یاراتمایئیر؛ بیر-بیرینی تاماملایئیر. بورادا ائله ایشلک دایئره‌لری وار کی، همین دایئره‌لر آرتئیق شیمالدا یۆخدور؛ آنجاق بورادا کی اؤرانئ تاماملایئیر. میثال اۆچۆن بیزده کبین کسمه‌نین شیفاهی فۆرماسئ کند ۆ اؤبالارئمیزدا آذربایجان دیلی مۆحیطینده باش

---

[۲]- حاجی‌یئف تۆفیق، آذربایجان ادبی دیلی تاریخی، ۲-نجی کیتاب، مۆعاریف، باکئ، ۱۹۸۷، ص.۲۰۱

وئریر؛ حال بوکی بئله فؤرما شیمالدا قانون چرچیوه‌سینده زاکس اؤنلنمک سندلرینده قئید اولونور. رسمی اوسلوبون ایشلک موحیطینه بیر گؤز گزدیرک.

۱- رسمی اوسلوبوموز بیرینجی تظاهور موحیطی مطبوعاتئیمیزین کیملی‌ییینی گؤسترن حیصّه‌ده اؤزونو ایفاده ائدیر.

۲- رسمی اوسلوبوموزون ایکینجی تظاهور موحیطی رسمی چاغئیرئشلار، ائعلانیئه‌لر، ایستک‌نامه‌لردیر.

۳- رسمی اوسلوبوموزون باشقا بیر تظاهور موحیطی شخصی مکتوبلاشمالاردیر. موختلیف شخصلر آراسیندا، نشرییئه‌لره یازیلان مکتوبلار و سایئر بو اوسلوبون گؤستریجی‌لرینی داشیئیرلار. مطبوعات و نشرییه‌لره یازیلان مکتوبلاردا مکتوب یازان قارشی‌سیندا اولانلارئ رسمی شخصلر کیمی خیطاب ائدیر و یازیشماسیندا موعیّن قالیبدن کنارا گئتمییر. بورادا یازیشمالارین، موعیّن باشلئغئ، باشلانغئیج سؤزلری، اساس سؤزلر و نهایت سؤنلوقلار یا یازانئین آرزولارئ، ایستک‌لری اؤزونو گؤسترییر.

۴- رسمی اوسلوبون باشقا بیر تظاهور موحیطی رسمی یا قئیر-ی رسمی شخصلر آراسیندا اولان آنلاشمالاردیر. بو آنلاشمالار مضمونوندان آسیلئ اولمایاراق هر جور اولا بیلرلر. میثال اوچون وقف‌نامه‌لر، سو پایئیندان ایستیفاده ائتمک، شرط‌نامه و سایئری گؤسترمک اولار. دیلیمیز قانونی صورتده ایشلنمه‌سه ده بیز اونون بو اوسلوبوندان اؤز دیلداشلارئمیئز آراسیندا یارارلانا بیلریک. مثلن شریعت قانونلارئمیئزین اساسیندا ایکی موسلمان آراسیندا (موعیّن شرطلر اساسیندا) هر جوره آنلاشما، شاهیدلرین حوضورووندا یازیلا بیلر. بورادا «شریعتی‌میز» آنلاشمانئین دیلی باره‌سینده هئچ بیر ثابیت قرار قوئیمایئیر. بورادا بیر میثالا نظر سالاق:

«بیز، یعنی شوشالئ و قاراباغلئ ایبراهیم خان اؤز آدئمدان، واریث‌لریم و وئیعهدلریم آدئندان ایران و یا هر هانسئ بیر دؤولتین و اسالئیغئندان و یا هر هانسئ آد آلتئیندا اولسا دا، هر جور آسیلئیلئیغئندان طنطنه‌لی صورتده همیشه‌لیک ایمتینا ائدیرم و بوتون دونیا قارشئ‌سیندا بونونلا بیلدیریرم کی، من اؤزوم و واریث‌لریم اوزرینده بوتون روسییانئین بؤیوک ایمپیراطور اعلیحضرت‌لرینین و اونون یوکسک واریث‌لری‌نین و وئیعهدلری‌نین عالی حاکمییتیندن باشقا هئچ بیر دؤولتین حاکمییتینی تانئمیرام، همین **تخت-تاجا** صداقت وعده ائدیرم، چونکی اونون صادیق قولویام و بو حاقدا، عادته گؤره، موقدس قورانا آند ایچیرم»[٤].

---

[٤] Treaty between the Khan of Karabakh and Russian Empire on transfer of power over the Khanate to Russia of May 14 th. 1805,shargh-gharb. Baku. 1992

۵- رسمی اؤسلوبوموزون تظاهؤر مؤحیطی‌نین بیر باشقا فؤرماسئ دا تبلیغات شکلیدیر. ندنسه بو فؤرمایا چؤخ بیگانه یاناشمیشیق و بو فؤرما چؤخ آز، یؤخ حالدا گؤزه چارپیر. مادام‌کئ، بیزیم تبلیغ ائدنلریمیز و نشریئه‌میزین دیلی آنا دیلیمیزدیر، اؤندا نه اؤچؤن تبلیغاتیمیز فارسجا اؤلمالیدیر. تبلیغات دیلی ایستر آل- وئر تبلیغاتی اؤلسون، ایستر مدنی، سیاسی خؤصوصیتلی تبلیغات اؤلسون گرگ هامیسئ آذربایجانجا اؤلسون. بو تابو سئینمالئدیر. رسمی اؤسلوبون بو شکلی‌نین اینکیشافی یئنی- یئنی سؤزلر یارادا بیلر، دیلیمیزین قابلییتینی یؤکسلده بیلر.

رسمی اؤسلوب دیلین قانونی شکیلده ایشلنمه‌سیندن آسیلیدیر. آنجاق، بو اؤ دئمک دئییل کی، اگر دیلین قانونی مؤوقعییتی اؤلماسا اؤندا همین دیل رسمی اؤسلوبدان کورلوق چکر. خئیر. اساس کؤرلوغو دیلین صاحیب‌لری اؤنا تحمیل ائدیرلر. بیز اؤزؤموز دیلیمیزین رسمی اؤسلوبونون ایمکانلارینداندان یارارلانمالییئیق. هر نه رسمی اؤسلوب گؤجلؤ اؤلسا، اؤنون قانونی شکیل آلماغا داها گئنیش ایمکانئ اؤلا بیلر. بیز هر یئرده کی، ایمکان تاپیرئیق گرگ بو اؤسلوبدان ایستیفاده ائدک. اگر ایداره‌لرده، ایجرایی نهادلاردا هله‌لیک بیزیم دیل ایشلنمیر، بیزیم ال قؤلوموزو نشریئه‌لرده، اینتئرنئت‌ده و سایئر یئرلرده باغلامایئیبلار. گلین رسمی اؤسلوبوموزو هر یئرده ایشله‌دک هر هانسئ چاغیرئش، ائعلانیئه، ایستک‌نامه و سایئری اؤنجه آذربایجانجا یازاق سؤنرا اونو باشقا دیللره ترجؤمه ائدک. بو ایش بو گؤنه قده‌ر عکسینه باش وئریر. بیزیم حؤرمتلی ضییالییلارئمیز بیانیئه‌لرینی اؤنجه فارسجا یازئرلار سؤنرا اونو اؤز دیلیمیزه چئویریرلر. بئله بیر حالدا دیلیمیزه بیر چؤخ آلیئنما سؤزلر، ایصطلاحلار و یاراشمایان قالیب‌لر داخیل اؤلور.

آرتیق اؤز دیلیمیزین بؤتؤن ایمکانلارئندان یارارلانماق زامانئ چاتیبدیر. بو ایمکانلاری الدن وئرمک اؤلماز. آذربایجانلئلار اؤچؤن هرجؤره رسمی یازئ آذربایجانجا اؤلمالیدیر.

منیم بالام هاردادئر

محمد قاضی

بئلی بۆکۆلمۆشدۆ گۆزلری یاخشئ گۆرمه‌ییردی. کۆچه‌ده گئدیردی... یاواش- یاواش گئدیردی، ائله یاواش کی، اۆنو گۆروب گۆرن کیمی، اۆز- اۆزۆمه دئدیم: بو ظالئیم فلک آنالارئن چیئین‌لرینه نه آغئر یۆک چاتئر؟

سۆنرا اۆنا یاخئینلاشئیب دئدیم:

ـ سلام لئیلا ننه!.

ـ سلام بابا!.

ـ لئیلا ننه یاخشئ سان‌مئ؟.

ـ یاخشئ؟ هه بالام یاخشئ‌یام... سن نئجه‌سن؟ آمما بیلیرسن من سنی تانئیمادئم ها؟!...

– لئیلا ننه من رحیمم... رحیم!.

لئیلا ننه دیل ـ دۆداغئ آراسئندا زمزمه ائتدی: رحیم... رحیم...؟! عۆمرۆنۆن ایلک باهارئندا، اۆ زامان‌کی نه گلین ایدی نه قئز؛ لئیلانئین اری اۆلدۆ. لئیلا ننه قالدئ بیرده یئتیم یئسیرلری. اۆ یئری اکدی، یئتیم‌لری بۆیۆتدۆ. یئتیم‌لر، قوشلارئن بالالارئ کیمی بیر- بیر قاناد آچئیب، اوچوب گئتدیلر. لاکین بیر قاراقاش ـ قاراگۆز بالا (آخئرئنجئ یئتیم) آنانئین یانئندا قالدئ تا ائۆین چئراغئ اۆلسون، داخمانئین کیشی‌سی اۆلسون. اۆ دئدی:

– آنا قۆرخما ایشله‌رم سنین زحمتلرینی اۆده‌رم، بیزده بیر گۆنه چئخارئق. آنا قئئرتلی بالانئ گۆروب گۆوندی، اۆرئی‌نین سۆلموش چیچکلری طراوتلندی. بالا ایشله‌دی، درس اۆخودو، یاخشئ‌دا اۆخودو، لاپ یاخشئ اۆخویان بالا، مدرسه‌ده فرانسه دیلینی اۆز یانئندا ائله

اؤیرنمیشدی کی، اؤنا اوشاقلار بعضن زارافات اوچون عبدالله یئرینه «فرانسه» دئییردیلر. لاکین بو خوش گؤنلر چوخ سوزمه‌دی. بیرگون ساواک مأمورلاری مدرسه‌ده اؤنو یاخالادیلار، آخی اؤ ضیددینه چیخیشی ائتمیشدی. ایکی ایل ساواکین «کمیته‌ی ضد خرابکاری» سئللؤللاریندا قالدی. بو مؤدّت آنا آغلار قالیب گؤزؤنو یؤللارا تیکدی.

بیرگون خبر گلدی عبدالله‌نی «اؤین» زندانینا آپاریبلار، آنا بالانین، گؤروشونه گئتدی:

ـ بالا عبدالله؟.

اؤغول گؤلدو:

ـ آنا یاخشی‌سان؟

آنا ـ بالا دؤیونجا آغلاشدیلار.

سککیز ایلدن سونرا بالا آنانین یانینا قایئیتدی، آنانین داخماسین ایشیقلاندیردی. لاکین بو چیراق سحره‌دک یانمادی... عبدالله یئنه‌ده یاخالاندی و بیر سحر عبدالله‌نی گؤللله‌دیلر، لئیلا ننه بو اؤلومو بیلمه‌دی.

منه باخیب دئدی:

ـ دئدین رحیم؟ هانسی رحیم؟ عبدالله‌نین یؤلداشی رحیم؟ منیم بالام هاردادیر؟ جواب وئر بالا، منیم بالام هاردادیر؟

بو سؤزه جاواب نه اؤلاردی، سوسدوم... ایچیمده یاندیم!!!

صمد وورغون ۱۰۰یاشیندا:



وورغونون شئعری اوتری باخـــیشدا

حسن ایلدیریم

صمدوورغون ۲۰-نجی عصرآذربایجان ادبیاتی‌نـین دونیا شؤهرتلی نوماینده‌سی و کـئچمیش شوروی ادبیاتی‌نـین گؤرکملی سیمالاری‌نـین بیری ایدی.

اونون اثرلری بدیعی فیکیرلری‌نین دولغونلوغو، بدیعی قورولوشونون ییـنی‌لیئی و گونجلو عوموملشدیرمه کـئـیفییـتـلری ایله، موعاصیر اینسانـین معنوی عالمینی زنگین‌لشردیرن اثرلردیر.

صمدوورغون اؤز یارادیجـیلـیق آختارشیلارییـندا، بؤیوک صنت اثرلریندن اؤیرنمیش، اونلارین موترقی کـئـیفییـتـلرینی منیمسه‌میش، دوغما خالقی‌نـین سؤز صنتی ایله هماهنگ سس‌لندیره‌رک اؤلمز اثرلر یاراتمیش دیر.

صمدوورغون اؤز یارادیجـیلـیغیلا، آذربایجان شئعرینی، دوورون ایجتیماعی، سیاسی، فلسفی ایدیال‌لارینی ترنوم ائدن میللی بؤیالی موعاصیر روحلو بدیعی حقیقته چئویرمیشدیر. او آذربایجان ادبیاتی تاریخینده ییـنی بیر مرحله آچاراق، **صمدوورغون ادبی مکتبی**نی یاراتمیش‌دیر. بو گونده، صمدوورغونون آدی ۲۰-نجی عصرین ان بؤیوک شاعیرلری‌نین آدی ایله قوشا چکیلیر. «**لوییی آراقون**» دئمیش‌کن: «صمدوورغون تکجه شوروی ادبیاتی‌نـین یوخ، بلکه دونیا ادبیاتی‌نـین‌دا فخری‌دیر.»

شاعیرین یارادیجیلیغی اوفوقلری گئنیش و سونسوز و موضوو داییره‌سی اوزلدوقجا ایحاطه‌لی‌دیر. اونون اثرلری ایستر موندریجه، فیکیر، احوال و روحییه چالارلاری و ایسترسه ده بدیعی قورولوشو و بیچیمی باخیمیندان رنگارنگ‌دیر. وورغون، ادبییاتین موختلیف نوولرینده، دیرلی، بیتگین نومونه‌لر یاردابیلمیشدیر.

اونون اثرلری قالدیردیغی مسله‌لرین درین‌لیی و دوشوندورجولوقو ایله اینسان معنویاتینا درین ایزلر بوراخیر. اینسانلارین روحونو چالخالاییر، اونلاردا یاشاماق و یاراتماق هوسی اویادیر. بو اثرلر اوخوجونون گوزلرینی آچیر، فیکیرلرینی آیدینلادیر، اوریین تمیزله‌دیر. ماکسیم قورگی دئمیش‌کن: «اینساندا اینسان اویادیر.»

صمدوورغون عئینی حالدا بدیعی یارادیجیلیقلا برابر، علمی- نظری مسله‌لرله ده مشغول اولموشدو. او گورکملی ادبییات شوناس کیمی اوز مقاله‌لری، چیخیش‌لاری، قئیدلری ایله دوورون ایجتیماعی فیکیرینه گوجلو تأثیر بوراخمیشدیر.

وورغون، سوزون حقیقی معناسیندا، اوز دوورونون اوولادی ایدی. اونون اثرلری موعاصیر حیاتین، موعاصیر دوورون آب - ی هواسی ایله نفس آلیردی. دئمک موعاصیرلیک اونون یارادیجیلیغینین اساس کئیفییتی، داها دوغروسو جوهری‌دیر.

شاعیرین ان چوخ موراجعیت ائتدییی موضولار اینسانلا باغلیدیر. قوروب - یاردان امکچی اینسانلا. سئوگی، محبت، دوستلوق و قارداشلیق دونیاسی یاراداندان؛ صولح و امین- امانلیق آرزولاری ایله یاشایان اینسانلا علاقه‌داردی. اینسانا لایق، عدالتلی، گوزل دونیا یاراتماق اوغروندا موباریزه ائدن موعاصیر دوورون اینسانی اونون شئعرلری‌نین باش موضوسو دور.!

من صوحبت آچسام‌دا یوز قرینه‌دن
بو گوندن آیریلا بیلمه‌یه‌جه‌یم

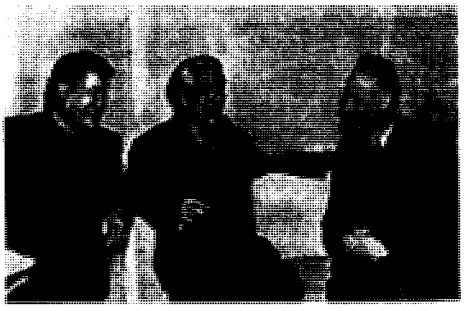
صمدوورغون شئعری‌نین یوکسک بدیعی عوموملشدیرمه قابیلییتی، حقیقی فلسفی درین‌لیی صنتی‌نین ایدییاللی اولماسیندان آسیلی‌دیر. اونون اثرلری‌نین ماهییتینی ایشیقلاندیران یالنیز و یالنیز بویوک ایدییال‌لار گونشی‌دیر. بو قوو، شاعیری محدود گوروش‌لردن، اوترگی حیس‌لردن اوزاق‌لاشدیریر. اونا، موعاصیر حیاتین درین‌لیک‌لرینه، نظرسالماق اوچون جورأت و جسارت باغیشلایی‌یر. شاعیرین کونلونده‌کی پارلاق اینام، جوشقون ائحتیراص‌لار اونون ایلهامینی گله‌جک اوفوق‌لره ساری قانادلاندیریر.

باهار دۆشۆنجه‌لری شئعرینده صمدۆورغون، طبیعتین باهارئ ایله، شاعیر اۆرئینی، بیر جۆت آینا کیمی قارشئ – قارشئیا قۆیاراق، اینسان- طبیعیت گۆزل‌لیک‌لریندن تۆره‌نن رۆمانتیک بیر دۆنیا یارادیر. بو دۆنیادا: اینسان آرزولارئ، دویغو وَ دۆشۆنجه‌لری، طبیعت گۆزلیک‌لرینده جانلانئیر وَ طبیعت گۆزل‌لیک‌لری ایسه، اینسان اۆرئینه، اینسان کۆنلۆنه یئنی –یئنی، دویغولار آشئلایاراق، اۆنلارئ بشریئتین آرزولارئنئین ترجۆمانئینا چئۆیریر:

بیر جۆت آلاگۆزلۆ گۆیرچین اۆلوب
گل یئرکۆره‌سی‌نین چیئینه قۆناق،
شئعرتک، دینله‌نیب، نغمه تک اۆتۆب
دیلدن – دیله دۆشک، ازبر اۆخوناق

بیر جۆت مشعل اۆلسون اۆرکلریمیز
بیرجۆت اولدوز کیمی باش – باشا یاناق
صۆلحۆن، سعادتین کئشیئینده بیز
گل قۆشا دایاناق، قۆشادا یاناق!

مین ایل عۆمۆر سۆرسک سنین‌له قۆشا
بیر جاندا دۆیۆنن ایکی اۆرک تک
مین ایل نفس وئرک تۆرپاغا، داشا
نسیل دن – نسیله تزه‌لشه‌رک



میخایئیل شولوخوف- صمد ورغون- میرزا تورسون زاده

صمدۆورغون یازیر: «هر صنتکار اۆرئینده آلۆولانان مسلک عئشقی اۆنا قۆل – قانادوئرن ان بۆیۆک قۆدرتدیر... بیز ده هر بیر حقیقی وطن‌داش، امللری‌نین، آرزولارئنئین قانادلارئ اۆزرینده اوچور، یۆکسه‌لیر، اینکیشاف ائدیر. یئنه‌ده یۆکسه‌لمک، یۆکسه‌لمک، یۆکسه‌لمک ایسته‌ییر. چۆنکی یۆکسه‌لیش عئشقی بیزیم اینسانلارئن فیطرتیندن دۆغان، اۆنو اینکیشافا آپاران، ان بۆیۆک عامیل‌دیر، بو عالی صنت، حیات حقیقت‌لرینده وَ بشریئتی صاباحئین آزادلئیق دۆنیاسئینا چاغئیران، بو شانلئ امللر، اینقلابی رۆمانتیکا دئییل می؟»

ایستیقبال ترانه‌سی شئعری بو فیکیرلرین ان پارلاق بدیعی ایفاده‌سی دیر. بو شئعرده شاعیرین ایشیقلئ، جۆشقون، دان یئری کیمی شفقلی دویغولارئیلا، زامانئین معنوی ایستک وَ

آرزولاریڭ ایله بیر- بیرینه ساریلیشیر وە اینسان کمالیڭنیڭ، اینسان ایدراکیڭنیڭ یاراتماغینا قادیر اولدوغو گۆزل بیر دۆنیانیڭ پارلاق سیماسیڭنیڭ بدیعی صورتینی یارادیر.

کۆنۆللر مۆلکۆنۆ تۆتموش، خۆراماندیر بۆتۆن دۆنیا...
امل، آرزو، خیال، سئۆدا
اۆتۆر بیر سازدا، بیر سیمده، بیر آهنگ بیر سعادتله
گۆلۆر تۆرپاق، گۆلۆر اینسان
اۆ چیئخمیش یاس لیباسیندان
سما شففاف
چیچکلر صاف
یئرین قلبینده تۆی - باییرام
گۆلۆر صنت
گۆلۆر ایلهام
گۆنش تک نورا قرق اۆلموش بۆتۆن خیلقت!

صمدۆورغون اۆلکهسینی، اۆبا - اۆبا، اۆیماق- اۆیماق گزن، ائللرین طالعی ایله یاخیڭیدان بلد اولان صنتکار ایدی. اۆ خالقیڭنیڭ گۆزل عادت وە عنعنهلرینی آلقیشلاییر. ایگیدلیک، آچیق اۆرکلیلیلیک وە قۆناق پروۆرلیلیک کیمی نجیب خاصیئتلرله ماراقلانیر. اۆلوردو. خالق ایچینده خیئیرخاهلیق، اینسان پروۆرلیک، محبّت وە صداقت کیمی حیسّ لرین گۆنۆ - گۆندن آرتماسینا سئۆینیردی. بئله لیکه، قوروب یاردان اینسالارین، تمیز نییتلری، خۆش امللری، وە فداکار ایشلری شاعیرین ایلهام منبعینه چئۆیریلیردی. اۆنلارین بدیعی لۆۆحهلرینی، یاردان شاعیر شئعرلرینی خالق قارشیسئیندا، شهرلرده، کندلرده اۆخوییور، اثرلریڭنین عکس صداالارینیڭ دینلهییر وە بدیعی دویغولاریڭنیڭ، خالقیڭین امل وە ایستکلری ایله آهنگدارلیغا، اۆیارلیغا دۆغرو یۆنلدیردی. بو اۆزدن شئعرلریڭنین ایفادهلری سادهلشیر، صافلاشیر، درینلشیر وە بوللورلاشیردیڭ. صمد وۆورغون شئعری بو یۆللا، خالق اۆرییینه یۆل تاپیر وە ابدی اۆلاراق خالق معنۆییاتیڭنیڭ بیر پارچاسینا چئۆیلیردی.

من ائللر اۆغلویام ائللر جانیڭیدیر
خیالیڭیم، صنتیم، هیجانیڭیمدیر
چایلاریڭ، آهنگی آخیر قانیڭیمدا

چیچکلر اؤپؤشؤر هر داستانئمدا

دؤغروداندا صمدوورغون صنتینین خلقیلیئینین مضمونو وَ ان باریز خوّصوصیئتلری، دؤغما خالقیئنئین حیاتیئنئین ترنّوموّنده اؤزوّنوّ تام معنادا گؤسترە بیلیر. وورغون شئعریئنین ایدیئا آیدینلئیغیئ، فکیر سرراستلئیغیئ، فلسفی گئرچکلیئی، آذربایجان خالقیئنئین، معنوی مدنیئیتینین زنگینلیئی، بشریلیئی، یؤکسکلیئیندن سو ایچیر. بوردا باشقا خالقلاریئندا، معنوی دؤنیئالاریئنئین، بؤیوّک وَ نجیب اینسانی آرزو وَ ایستکلریئنین پایئ آز دئییل. خالق ایله بشریئیتین آرزولاریئ اوّنون صنتکار قلبینده بیر– بیرینه قاریئشیر وَ ایدیئالاریئ ایله یوّغرولور، عوّمومیلشیر، شئعرلشیر:

قلبین اوّرتیین اوّدلاریئنا یانماسا بیر سؤز
دیللرده، آغیزلاردا، اوّ داستان اوّلا بیلمز

صمدوورغون شئعریئنئین بدیعی قایناقلاریئ دا، آذربایجانئین زنگین کلاسیک ادبیئاتیئ، رنگارنگ فولکلوّرخزینهسی وَ دوّنیا کلاسیکلریئنین اوّلمز اثرلریندن مایالانمیشدیر. شاعیر بو منبعلردن یارادیجیئ کیمی بهرهلنیب، اوّنلاریئ منیمسهییب، یاشاییب وَ یارادیجیلیئیق سوّزگجنیدن کئچیریبدیر. منیمسهنمیش بو تجروّبهلر وورغون ایستئعدادیئنئین، وورغون شخصیئیتیئنین ایشیئغیئندا، بیچیملنیب، وَ یئنی– یئنی اثرلر شکیلنده یارانیئیلار.

صمدوورغون اثرلری، حیاتیلیئی، درین معناسیئ، موّدروّک فلسفی فیکیرلری، درین مضمونلاریئ ایله بیرلیکده، همده گؤزل بیچیملریئله ده اینسانیئ مارا قلاندیریر.

وطن پروّرلیک صمد وورغون شئعریئنین ان موّهوّم کئیفیئیتلریندندیر. اگر صمد وورغون شئعرلریندن وطنله باغلیئ مضمونلاریئ، ایفادهلری چیئخارتساق، اوّنون یاردیجیلیئغیئنئین جانیئیئ آلمیشیق– ، دئسک، یانلیئیشماریئق؛ چوّنکی وطن سئوّگیسی، وورغون شئعرینین قانیئدیر. قانسیز اینسان یاشایارمیئ؟ صمد وورغون خیالیئنئین اوچوش نوّقطهسی وطن توّرپاغیئ، اوچوش یئری وطن گؤیلریدیر. وطن گؤزللیکلریندن قیئدالانان شاعیر، وطنی سعادتئین اوّجاغیئ، خوّشبختلیئین یوردو سانیئر. اوّنون خالقیئ یالنیز وطنی ایله معنا تاپیر. شاعیرین فیکرینجه وطن، اینسانئین یاشادیغیئ، یاراتدیغیئ بیر مکاندیر. اینسانئین آرزو، امللریئنین اینانج یئری، گوّونج اوّجاغیئدیر.

شاعیره گؤره وطن‌سیز، ییوردسوز اینسانلار عالمده مسلک‌سیز یاشایئیرلار. وییجدان دا، ناموس دا، مسلک ده هامیسئ وطن‌له معنالانئیر.

وطن ییوردو، دؤغما اؤجاق، بختییار اینسان
سنین قارتال قانادئنلا، من اوچاجاغام
حیات اؤچؤن دؤغولموشام، یارانئیشئیمدان
شئعر، صنت عالمینده نور ساچاجاغام.

صمدوورغون خالقئیندان صؤحبت آچاندا وطنی‌نین طالئعینی دؤشؤنؤر. وطنیندن دانئیشاندا ایسه، خالقئینئین ایستک‌لری، آرزولارئ، حیاتئ، معنوییاتئ اؤنون خیالئیندا‌جانلانئیر. شاعیر اؤچؤن، خالق ایسه وطن‌له داها باریز شکیلده کیم‌لییینی نؤمایییش ائتدیره‌بیلیر. اؤنون اؤچؤن وطن خالق ایله، خالق ایسه وطن ایله گؤزل بیر وحدت یارادیر. وطن آباد و بؤل نئعمتلی و خالق آزاد، خؤشبخت اؤلاندا، شاعیرده اؤزؤنؤ خؤشبخت سانئیر. شاعیرین گؤنلری گؤنشلئ، کؤنلؤ ایلهاملئ، اؤرییی سئؤینجلی اؤلاندا، پارلاق خیالی ایشئیق ساچاراق، سعادت نغمه‌سی اؤخوییور:

موغانا سوگلیر، میله سو گلیر
آخئیشئیب اؤز ائلی، اولو سو گلیر
تؤرپاغا اینسانئین آرزوسو گلیر
باغرئیما باسئیرام آنا وطنی
بو اؤلفت ایلهاما چاغئیرئیرمنی

بو شئعر، ایلان ملهئین موغان تؤرپاغئینئ حیات اؤجاغئینا چئوییرن و تؤرپاغا اینسان آرزوسونو گتیرن وطنداشلارئین محبّتیندن، اینسان آرزولو تؤرپاغئین بؤیؤک سئوگی‌سیندن

یاران‌میشدیر. ائله‌جه‌ده، بؤیؤک ایلهامئن، محصولو اؤلان و آذربایجان شئعری‌نین اینجیسی سایئیلان، وورغونون شاه اثری «**آذربایجان**» شئعری ده بئله ایلهام قایناغئیدان سو ایچیر:



ائل بیلیرکی، سن منیم سن
یوردوم، یووام مسکنیم سن
آنام، دوغما وطنیم سن
آیئیریلارمئ کؤنول جاندان
آذربایجان، آذربایجان

آذربایجان شئعری بدیعی بؤیالار، شیرین مثلؤدییالار، صمیمی نیدالاردان توخونموشدور. بو شئعر، شاعیرین، وطن‌پرورلیک دویغولاری‌نئین، وطن سئوگی‌سینین، جوشقوق، انحتیراصلئ بدیعی‌لشمیش ایفاده‌سینین سیمفونیک تجسومودور. آذربایجان شئعری خالقئین، وطنین، تاریخین، طبیعتین دونئنی‌نی، بو گونونو، صاباحئینئ ترنّوم ائدن بؤیؤک بیر منظومه تأثیری باغئیشلایان بیر اثردیر. آذربایجان شئعری شفق‌لی دویغو– دوشونجه‌لردن یوغرولموش و بؤیؤک بیر اورکده، ایللر اوزونو سونسوز محبّتین، تؤکنمزسئوگی‌نین،بؤیؤک‌ایدییال‌لارئن ایشیغئ ایله سیمفونی‌لشمیش دیر.

شئعرین هر بندی، اثرین، عومومی قورولوشوندا کی رولو ایله برابر، اوز – اؤزلؤیونده ده یئتگین و کامیل بیر شئعر تأثیری باغئیشلایئیر. بو بدیعی لؤحه‌لر، پارچالار بیر- بیرینه قوشولاندا، گؤزلریمیزین قارشئسیندا وطنین قوجاغئیندا باش وئرن تاریخی حادیثه‌لرین، معنوی ناییلییت‌لرین، طبیعی گؤزلیک‌لرین بؤیؤک منظره‌سینی رسم ائدیر. خالقلا وطنین بیر- بیرینه قووشماسیندان بدیعی بیر حقیقت یارانیر. شئعر، سانکئ بیر شاعیرین دئییل بیر خالقئین روحوندان قوپان حیس‌لر و دوشونجه‌لردیر. و یاخود وطن توپراغئ‌نئین دیل آچمیش گؤزل‌لیک‌لری‌نین نغمه‌سی‌دیر.

سۆنسوز سئۆگی ایله اۆرێی دۆێۆنن شاعیرده بۆێۆک یاشاماق هوسی وار ایدی. اینسانلارلا، بیرگه طبیعتین قۆێنوندا، گۆزل وٚ مئهربیان دۆشۆنجه‌لرین ایستی قۆجاغئیندا کئچن آنلارئ، شاعیر اؤز عۆمرۆنۆن ان خۆشبخت وٚ سعادتلی آنلارئ سانئیر. اؤ بئله آنلارئ عادی زامان اؤلچۆسۆندن چئیخاردیب، اؤز آرزولارئنئین اؤلچۆسۆنده بیچیم‌له‌مک ایسته‌ییر. اؤ، خیالئینئ داها اوزاق اۆفۆق‌لره، انگین فضالارا اوچوراراق، دۆنیانئین بۆتۆن گۆزل‌لیک‌لرینی، یاشادیغئ لحظه‌لره سئغئیشدیرماق ایسته‌ییردی. اؤ بو آنلار ایچینده، طبیعت گۆزل‌لیک‌لری‌نین، حیات عئشقی‌نین درین ماهییتینی درک ائده‌رک، کۆنلۆ یاشاماق عئشقی ایله آلۆولانئیردئ. اؤنو اؤترگی حیس‌لر، اؤترگی سس‌لر، بیر آنلئیق یانان هوس‌لر ایلهاما گتیره بیلمیر. شاعیرین باخئیشلارئ هر شئی‌ده حیکمت آرائیردئ. اۆرێی سعادت عئشقی ایله چئیرپئینئیردئ. درین فیکیرلری، سۆنسوز گۆزل‌لیک‌لری ترنّوم ائدن بۆێۆک صنت اثرلری یاراتماق سئۆگی‌سی اؤنون وٚجودونو بۆرۆمۆشدۆ. **من تلسمیرم** کیمی اؤلمز بیر نغمه‌ده بو بۆێۆک اۆرێین، بو بۆێۆک سئۆگی‌نین پارلاق بدیعی تجسّۆمۆدۆر.

قۆیٚ دۆنیا بۆێۆسۆن، زامان اوزانسئین
بیر گۆنۆن عرضینده، آیلارلا یانسئین
آل گۆنش، گۆزۆندن نوریاغا – یاغا
عۆمۆر کیتابئینئ تامام لاماغا
چۆخدا جان آتماسئین الیمده قلم،
من تلسمیرم! من تلسمیرم

صمدوورغون شئعرلری‌نین جۆهری، روحو، فلسفی درین‌لیئی، بدیعی قورولوشونون بۆتۆن گۆزل‌لیک‌لری اؤز تام‌لئیغئینئ، بۆتۆولۆێۆنۆ، بو شئعرده،- (**من تلسمیرم**) شئعرینده- تاپا بیلمیشدیر. بو شئعر، شاعیرین سۆن شئعرلریدن بیری‌دیر. بو شئعر صمد وٚورغون شئعری‌نین زیروه‌سی اؤلدوغو حالدا، آذربایجان شئعری‌نین‌ده نادیر اینجی‌لرین‌دیر. منیم ایندییه‌دک اؤخودوغوم،- ایستر آذربایجان، ایستر دۆنیا شئعرلری ایچری‌سینده- ان گۆزل شئعرلرین بیریسی دیر بو شئعر، منه ائله گلیر کی بو شئعرده منیم‌ده معنوی دۆنیام جانلانئیر، دیله گلیر. اؤدور کی هر ادبی مجلیسده من بو شئعری اؤخوماقدان بۆێۆک معنوی ذؤوق آلئیرام.

صمدوورغون سۆزۆن حقیقی معناسئیندا وٚورغون ایدی. گۆزل‌لیئی، طبیعتی، اینسانی، دلی‌جه‌سینه سئۆیردی. اؤنون اثرلرینی اؤخویان هر بیر کیمسه بونو آیدئین وٚ آچئیق دویا بیلر. اؤ یاشایئیردئ: یاراتماق اۆچۆن، یالنئیز وٚ یالنئیز یاراتماق اۆچۆن... بدیعی بیر دیل ایله، بیر چۆخ میصرالارئندا آچئیق آیدئین بو حیستی بیان ائدیردی، اؤ یاشایئیردئ دۆنیانئ درین‌دن درک ائتمک

اوچون، ان عادی بیر شئی دن توتموش، اوجسوز- بوجاقسیز عالم‌دن درین معنالار کشف ائتمک اوچون. اونون آچیق گؤرن فیلسوف گؤزلری تکجه گؤزللیک‌لری، یاخشی‌لیق‌لاری دئییل، عئیبه‌جرلیک‌لری، پیس‌لیک‌لری، آلچاقلیق‌لاریدا گؤرؤردو. یالانچی پهلوانلاری ، سئوگی‌سی، محبتی یالان اولان شؤهرت دوشگون‌لری‌نین آلچاق عمللرینی طنز آتشینه توتوردو. میللت‌لر، خالق‌لار، اینسانلار آرا دوشمن‌چیلیک توره‌دن منفور سیمالاری درین نیفرت حیسی‌لری ایله لعنتله‌ییردی. بؤیوک شاعیر هر شئیی یاخشی گؤرور، یاخشی سئچیر، یاخشی تانییاردی. حیاتین آجیلیق‌لاریني اودور، اوز ایچیینده یانیر، قوورولا- قوورولا اونلاری اورپی‌نین درین قاتلاریندا گیزلدیردی، هئچ کیمه آغارتمیردی. بو اوزدن اثرکن قوجالیردی. دردلر اونو ایچریدن یئسه‌ده، آمما او اوز اینامی‌نی ایتیرمیر، آیدین، اومید وئریجی، جان وئریجی نغمه‌لری ایله اینسانلارا اورک — دیرک وئریر و اونلاری سئومه‌یه یاراتماغا سسله‌ییردی. مشهور «شاعیر نه تئز قوجالدین سن شئعری» بئله آرخایین‌لیق‌لارین داخیلی سارسینتی‌لارین، معنوی آرخایین‌لیق‌لارین یئیغجام، بدیعی ایفاده‌سی‌دیر:

ساچ آغاردی، آنجاق اورک
آلووولودور اوّل کی تک
ساچ آغاردی آنجاق نه قم
الیمده دیر هله قلم...
بیلرم کی دئمییه‌جک
بیر سئوگیلیم، بیر ده وطن
شاعیر نه تئز قوجالدین سن

شاعیرین بو درین اینامی، اونون اورپینده بسله‌دیینی سئوگی‌دن دوغوردو. چونکی او، یاشادیغی عؤمروونو یالنیز و یالنیز خالقا، وطنه و بؤیوک آرزولارا حصر ائتمیشدیر. او دونیا مالیندان اوترو یاخود شؤهرت نامینه یوخ، تکجه خالق اوچون یاشاییب- یارادیبدیر. اونا گؤره وورغونون ان مونیس اورک همدمی اولان، دوغما خالقی، عزیز وطنی، گؤزل سئوگیلیسی اونو هامیدان یاخشی تانییاردی. شاعیر بو دویغولاری بو حیس‌لری دونه — دونه تکرار ائدیب، **«اونوتماز بو اوبا بو ماحال منی»**، **«وورغونو دا سالار یادا/ دوز ایلقارلی بیزیم داغلار»**، **«وورغون اولدو دئمه‌ین بیر ابدی صنتی وار»** دوغرودان دا بؤیوک شاعیر، اوز طالئعین اوزو هامی‌دان یاخشی یوزا بیلمیشدیر. طبیعی‌دیر چونکی او گله‌جه‌یی گؤرن شاعیردی.

وورغونون شئعرینده کی حیاتی‌لیک وَ بشری‌لیک دویغولاریٔ، سئوگی وَ محبّت حیس‌لری مؤدروک وَ نیک‌بین بدیعی فیکیرلر، ایندی ده دیلدن – دیله، ائلدن – ائله کئچه‌رک یاشاییئیر.

هر کسین معنوی عالمینده، اؤزونون ایدیئال‌لاریٔنا، خیال دونیاسیٔنا اویغون بیر شکلیده صمد وورغون جانلانیر. صمد وورغون ایندی بیر چوخ منظومه‌لرده، حیکایه‌لرده، رسم اثرلرینده، موسیقی پارچالاریٔندا، آشیقلاریٔن سازیٔندا، مؤغنی‌لرین آوازیٔندا، بسته‌کارلاریٔن ماهنیٔ‌لاریٔندا ییئنی‌دن بدیعی بیر صورت کیمی یاشاماقدادیر.

آذربایجانیئن بؤیوک بسته‌کاریٔ **فیکیرت امیر اوف** خاطیره‌لرینده یازیر : «۱۹۵۴-نجی ایللین یازیٔ ایدی، صمد وورغون‌لا، مهدی حوسئین، تئاتر سانّاتونوندا گزیردی، وورغون منی گؤرجک آیاق ساخلادیٔ وَ منی یانیئنا چاغیردیٔ: وَ اؤزونه مخصوص بیر صمیمییّت‌له دئدی: دؤنن سنین سیمفونیک **سؤیئتانیئنی** ائشیتدیم، لاپ **کپزین** باشیئنا چیخمیشدیئن. شاعیر منیم «**آذربایجان**» سیمفونیک **سؤیئتاما** قولاق آسمیشدیٔ. ییقین کی اونون «**چوبان بایاتی‌سی**» آدلانان ایکینجی حیصّه‌سیندن آلدیغیٔ تأثیری «**کپز**»ین باشیٔ آدلاندیریردیٔ. او واخت اوتاندیم، اؤرییمده اؤلان سؤزوٚ شاعیره دئییه‌بیلمه‌دیم. دئییه بیلمه‌دیم کی، بو اثری سیزه حصر ائتمیشم، اونو سیزین **آذربایجان** شئعرینیزین تأثیری ایله یازمیشام.»

بیر چوخ صنت کار صمد وورغونون دوهاسیٔ‌نیئن ایشئیغیئندا، اونون آچدیغیٔ بؤیوک یارادیجیلیئیق یوّل‌لاریٔندا آددیم‌لاییئیر. وَ صمد وورغون شخصییّتی‌نین، صنتی‌نین ساچدیغیٔ ایشئیغیئین شوعالاریٔ آلتیئندا ییئنی- ییئنی اثرلر یارادیر. ایندی او مین بیر قوّلو اؤلان بؤیوک بیر ایرماغا بنزه‌ییر، آخییر- آخییر، هارالارا، هانسیٔ ییئرآلتیٔ سولارا قوّشولاجاغیئنیٔ کیم بیلیر!

مقاله‌لری‌نین بیرینده وورغون یازیر: «منیم عزیزیم! من عصیرلر آراسیئندان سنی گؤرؤرم... من فیکرن سنین‌له یاناشیٔ آددیملاییئیرام، سانکیٔ سنین‌له نفس آلیئرام. ائله بیل سنین‌له ال- اله وئریب ایشله‌ییرم. من سنین اوزاق گؤرن گؤزلری‌نین شوعله‌سینده نه ایسه بیر یاخیئین‌لیئیق وَ دوغمالیئیق گؤرؤرم. منه ائله گلیر کی، ییئنه ده یاشاییئیر وَ یارادیرام.....»

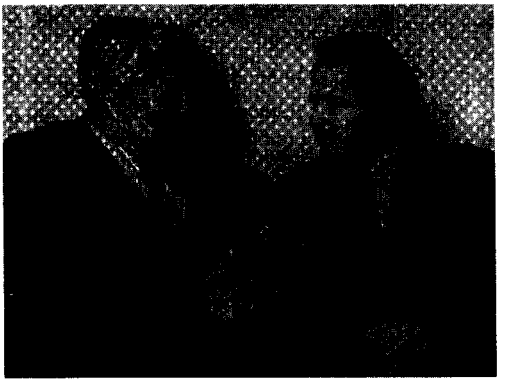
دۆغروسو بۆیۆک یازیچی **آلئکساندیر فادایئو** دئمیشکن: «دۆسلارا نه یاخشی کی، بو دۆنیادا صمد وۆرغون وار.» صمد وۆرغونون صمیمی دۆستو ناظیم حیکمت، شاعیرین اؤلۆمۆندن بیر ایل سۆنرا باکیدا گلیر و **صمد وۆرغونا** شئعرینی اؤ زامان یازیر:

صمد وۆرغونا

ناظیم حیکمت

نهایت شهرینه گله بیلدیم،
آمما گئجیکدیم.
گۆرۆشه بیلمه‌دیک

بیر اؤلۆم بۆیۆنجا گئجیکدیم.
ضبط اؤلموش سسینی
دینله‌مک ایسته‌مه‌دیم صمد
اؤلۆلرین، بۆسبۆتۆن اؤلمه‌دن،
شکیللرینه باخمارام.



ناظیم حیکمت- صمد وۆرغون

آمما گۆن گله‌جک
سنی ده سندن بۆسبۆتۆن آیئیراجاغام صمد.
عزیز خاطیره‌لردۆنیاسیئنا گیره‌جکسن
قبرین اؤسته گۆل دسته‌سی ده قۆیاجاغام
گۆزلریم یاشارمادان.
سۆنرا گۆن گله‌جک
سنینین باشیئنا گلن ایش
منیم ده باشیئما گله جک، صمد.

باکی ۱۹۵۷



گؤنشین تؤحفه سی

حشمت حافظی

سحردی. گؤزل بیر سحر. گؤیۆ دوم-دورو،گؤنش پارلاق وۆ دؤنیا آل- الوانـدیر. قـئیش یوخوسوندان آیـئیلان، آغاجلارئن، یام-یاشئیل یاپراقلارئ گؤنشده پارلایـئیر.

یاز موّزه‌لی بنؤوشه‌لر هریـئردن باش قالخـئیزئیب‌لار. قوش لارجه-جه‌لری لـه یـازئین گلیـشینی بیر-بیرلرینه گؤز آیدئینلـئیق وئریرلر.

- اوشاقلار! آ اوشاقلار! بورا باخـئین گؤرونۆ بیر نه اؤلوب!..

چارت-چارت... بیر شئیین چارتلاما سسی گلیر. بیز بو سـسی ائـشتمیریک. امـا خئیـردا بیـر قوش، بیردن- بیره سوساراق باشئینۆ آشاغا ساریۆ ائیر. اؤتوردوغو بـوداق‌دا اؤنـونلا ائیلیـر. سـانکۆ بـو خـئیرداجا قوش‌دا چارتلاما سسینی ائشیدیر.

سئیرانۆ دؤزؤلؤب باغچایا ساریۆ گئدن قارئشقلاردا بو سسی ائشیدیب‌لر. سئیرانـئین قاباغـئینداکۆ قارئشقا بئیغجـئیقلارئنۆ ترپه ده- ترپه ده، ایۆ چکه-چکه یؤلونو ائیب باغچانـئین یانـئیندان بیـر سـمته ساریۆ سالـئیر. دالـئینداکی قارئشقالاردا بئیغجـئیقلارئنۆ تـئز-تـئز ترپه‌ده‌رک اؤنون دالـئینجا گـئدیرلر.

هرنه وارسا، باغچانـئین بو بوجاغـئینـدادیر. دؤز گؤزؤموّزؤن اؤنؤنده ۆـئر چارتلایـئیر.

یؤخ... دؤزؤنؤ دنسک اؤل آداما ائله گلیرکی، ۆـئر یاریلـئیر وۆ تؤرپـاق بیـر آز قابـارئیر، سـؤنرا دا شیشیر، شیشیر...

بیردن- بیره بیر مؤعجوزه اؤز وئریر.

خـئیرداجا یاشئیل بیر یاپراق، تؤرپاقدان چـئیخـئیر. اوّل‌جه اؤنون نازیـک اوجـو، سـؤنرا یـاواش- یاواش ائـنلی یاپراقلارئۆ داها سؤنرا، اؤنون نارما- نازیک بوداقچاسئۆ تؤرپاقدان ائشییه چـئیخـئیر.

بو یاشئیل یارپاق یوخودان اویانمیش‌لار کیمی، یاشئیل قوللارئنئ آچا- آچا گرنشیر. آخ ائی! هاوا، نه گؤزل! نه ایشئق! نه ایستی‌دیر!

سؤنرا یئننده بؤیؤ آتیر. نئچه ساعاتدان سؤنرا بیر دنه ائنلی، یاشئیل یارپاغئین یئرینه، ایکی دنه یاشئیل نازیک یارپا ق گؤرؤنؤر.

دئمک بیر دانا یارپاق یؤخ بلکه، بیر- بیرینه یاپیشمیش ایکی اینجه یارپاق ایمیش‌لار گؤرسن، بیزیم بوخئیرداجا بیتگی، صاباح نه جؤر اولاجاق؟

صاباح بیتگی‌یه باش چکنده، گؤردؤک کی او بؤیؤ آتئیب بیر آزدا اوجالئیب و اؤنون ایلک یارپاقلارئندان یوخاریئ دا، ایکی دنه خئیرداجا یاشئیل یارپاق جؤجریب. بیزیم بیتگی سئوینه- سئوینه یاشئیل یارپاقلارئنئ یاز یئللینه وئره‌رک ائیلیب- دؤزه‌لیر.

آنجاق بیردن- بیره یاغئیش یاغماغا باشلایئیر و بیزیم یاشئیل‌جا بیتگیمیز اؤل‌جه تعجؤب ائدیر، سؤنرا سئوینه- سئوینه یاغئیشئین دامجئلارئندان ایچمه‌یه باشلایئیر.

گئتدیکجه یاغئیش شیدئرغئ‌لاشئیر. یاز یاغئیشئ‌نئین ایری دامجئیلارئ اونون باشئینا دؤیئور. چیک چیک...

صاباح سحر بیزیم بیتگی پالچئغا باتئیب سؤزالمیشدئ.

- آخ ائی! یازئق نه تئز سؤلدو.

- نه قئیساجا عؤمؤرؤ واریمیش!

بیزیم الیمیزدن نه گلیر؟- هئچ نه.- یاخشئ، گئدک اؤز ایشیمیزین دالئنجا.

آنجاق بونو بیلیریک کی تئزلیک‌له گؤنش چئیخاجاق، تؤرپاق قوروپاجاق، بیز قایئیداندا گؤره‌جه‌یئک کی بیزیم خئیرداجا بیتگی‌میز قالخئیب، سئوینه — سئوینه گؤنشین ایستی سینده قئیزئنماقدادئر.

نه زیرک بیتگی دیر! اؤ، هئچ واخت اؤمیدینی کسمیر. یاواش- یاواش یوموشاق یارپاقلارئنئ اؤخشایئیرام :- دؤغروسو، سن بو اینجه بدنین‌له نئجه بو یاپیشقان پالچئغئین آلتئندان چئیخابیلدین؟

آه، دئیه سن منیم سسیمی ائشیدیر. ائله بیل منه جاواب وئرمک ایسته‌یئر.

بونا باخ! سن نه خیال داسان، ائله بیلیرسن کی، قالئین تؤرپاغئ یارئیب چئیخماق آسان بیر ایشدیر؟

من بو گؤزل دؤنیانئ گؤرمک اؤچؤن گلمیشم. گؤنشی، آی، ایشئیغئینئ، یئللی، یاغئیشئ، قوشلارئ، رنگ‌به‌رنگ قانادلئ کپنک‌لری، بیر سؤزله دؤنیانئین بؤتؤن گؤزل‌لیک‌لرینی دویماق اؤچؤن گلمیشم!- سنه ائله گلیر کی بو یئل، بو یاغئیش منی یؤخ ائده‌بیله‌جک؟ آممما من دؤزه‌جه‌یم، بؤیؤیه‌جه‌یم.

دئدیی کیمی ده !.

اوْ قالـیر وْ بوْیوْیوْر
گوْنش... یاغـیش...
گوْنش... یاغـیش...
گوْندوْز... گـئجه...
گوْندوْز... گـئجه... گ...

ایندی معلوم اوْلدوکی، بیزیم بیتگی، **اوْت، گوْیرتی، گوْل کوْلو** دئـییل. اوْ **آغاج**دیر. کیچیک بیر آغاج. بیر فیدان!

یاْیْدیْ. ایندی اوْ، بوْیْ آتـیب وْ بوداقلارئنئ یام- یاشیل، یارپاقلار بوْروْیوْب.

***

بیردن – بیره پاْیـیز گلیب چاتـیر، کیچیک فیدان اوْزوْنوْ ایتیریر.

ایتی پاْیـیز یـئللی اوْنون یارپاقلارئنئ یوْلوب توْکوْر. اوْنو سوْیوق هاوادا چـیلپاق بوراخـیر.

اما اوْ یـئنه‌ده اوْمیدینی اوْزموْر. یان- یوْوْره‌سینده کـی، آغـاج‌لارئ چـیلپاق گـوْرن کیمـی اوْدا قمینی اونودور. باشلاْیـیر یاْواْش- یاْواْش قـیش یوْخوسونا دالماغا.

یاْز گلیب چاتـیر. بیزیم آغاج‌دا جوْانه وْئریر. آز سوْنرا جوْانه‌لـر، یاْشـیل وْ طراوتلـی یارپـاقلارا چئوْریلیر. بیزیم خـیْرداجا آغاج سئوْینه – سئوْینه گوْیه ساریْ بوْیْ آتـیر.

یـئنه ده پاْیـیز. یـئنه ده یاْز...
یـئنه ده پاْیـیز. یـئنه ده یاْز...

ایندی بیزیم جاوْان آغاج اممللی- باشلئ بوْیْ آتـییب قوْل- بوداقلانـیب، یارپاغـا دوْلـوب. هلـه، یـئنه ده بوْیوْیه‌جک.

اوْ یان- یوْوْره‌سینده کی، آغاجلار بوْیدا اوجالماق ایسته‌ییر. چـوْنکی اوجـا آغـاج‌لار، گوْنـشین قاباغـئنئ کسیرلر وْ قوْیمورلار گوْنشین ایشیغئ اوْنا چاتسئین، اوْدورکی بیزیم خـیْرداجا آغاج قوْصّه‌لنیر.

گوْن گله‌جک: بیزیم خـیْرداجا آغاج گوْنش خانـیمدان، گوْیده‌کی آیدان، اولدوزلاردان کؤمـک ایسته‌مه‌لی اوْلاجاق. اوْ، اوْز- اوْزوْنه دئـییر:

«باخ ائله لاپ بو گئجه اولدوزلاردان ایـسته‌یـه‌جـه‌یـم کـی، اللریمـدن توتـوب منـی یوْخـاریْ چکسین‌لر»

گئجه اوْلان کیمی گوْیلره باخـیر. گوْیده‌کی اولدوزلار اوْنا گوْز وْورور.

– یاخشیٔ بس بئله گؤرؤنؤرکی، اولدوزلاردا اؤنو سئویرلر. اؤ بیلیرکی اولدوزلار اؤنا آرخا چئیخاجاقلار. اؤ آرخایئین – آرخایئین اللرینی (بوداقلارئنئ) اولدوزلارا ساریٔ توتاراق دئییر: ائی اولدوزلار! گؤموش اولدوزلار سیزدن خاهیش ائدیرم منیم اللریمدن توتوب باشاردیغئز قدهر منی ده یوخاریٔ چکین کی، بلکه منیم بؤیوم اوجالسین. آخیٔ، من سیزه یاخئین‌لاشماق ایسته‌ییرم. اؤرییم ایسته‌ییر کی اوجالام، اوجالام، دؤنیانئین ان اوجا آغاجیٔ اؤلام. اولدوزلاردا اللرینی اؤنا ساریٔ اوزادیرلار. آمما هر نه قدهر اللرینی اوزادیرلار آنجاق اؤنا چاتا بیلمیرلر. چؤنکی یؤل چؤخ-چؤخ اوزاقدیر. خئیرداجا آغاج باشقا چاره قئیلمالیٔدیر.

صاباح اؤنو گؤرن کیمی، یئنه‌ده تعجؤب‌لندیک. چؤنکی اؤنون بوداقلاریٔ آغ چیچک‌لرله بؤرؤنمؤشدؤ. ائله بیل کی گؤیٔ اؤزؤنؤن اولدوزلاریٔ اؤنون بوداقلاریٔنئین اؤزرینه النمیشدیلر. بیزیم آغاج اممللی– باشلیٔ بؤیؤمؤشدؤ.

ایندی اؤنون‌دا بوداقلاریٔ، باشقا آغاجلارئین بوداقلاریٔ کیمی، اولدوزلارلا بزنمیشدیر.

بیزیم آغاج بیر ایکی هفته‌ده اؤرییٔ سئوؤن کیمی اولدوزلارلا بیرگه یاشاییئیر، دانیشئیردیٔ، اؤنلارا سو وئریردی، یئمک وئریردی. یئرین ان درین قاتلارئینا کؤک آتاراق، اؤرالارئین شیره‌سینی چکیر، جانئینداکیٔ نازیک لؤله‌لری له بوداقلارئنداکیٔ چیچک‌لره چاتدئرئردیٔ.

اؤ، گؤزل– گؤیچک چیچک‌لرینی چؤخ سئویردی. اؤنا گؤره کی، اؤنلار، اؤنون حیاتیٔنئین اولدوزلاریٔ و کیچیک بالالاریٔدیلار.

آنجاق یئنه ده تزه بیر حادیثه اؤز وئردی. بیر گؤن یامان بیر یئل اسدی و اؤنون بؤتؤن آغ چیچک‌لرینی یؤلوب دیبینه توکدؤ.

وای! وای! آخیٔ نه اؤچؤن بئله اؤلدو؟

بیزیم آغاج هئچ ائیلیب – دؤزلیردی بلکه اؤ بوداقلارئندان قؤپان چیچک‌لری ساخلایا بیلیسین آنجاق الیندن بیر ایش گلمیردی.

صاباح یئل اسمه‌سه‌ده، اؤنون بوداقلارئندا قالان تک– تؤک چیچک‌لرده قؤپوب توکؤلدؤلر. اؤنون بوداقلارئندا بیر چیچک‌ده قالمامیشدیٔ.

اؤ، دیبیند کی، چیچک‌لره باخئیب هئچ قؤصه‌لنیردی.

اؤ، آنجاق یئنه ده، اؤز اؤمیدینی اؤزمه‌دی.

فیکیرلشدی... فیکیرلشدی.

گؤنلر گلیب کئچدی، بیزیم آغاج هله‌ده چیچک‌لری‌نین توکؤلمه‌سینه فیکیرلشیردی اؤ ایسته‌ییردی کی، بوداقلاریٔ همیشه چیچک‌لی اؤلسون.

اؤ، اؤلدوقجا بؤیؤمؤشدؤ داها بؤیؤ آتمیشردی.

همیشه فیکیرلشیردی.

بیر گؤن صبری تؤکندی،

فیکیرلشدی کی: بو دؤنه ده گؤنش خانیمدان کؤمک ایسته‌سین. اؤنو هر گؤن اؤز ایستی‌سی ایله اؤیادان، مین- مین پارلاق ؤ ساریٔ اللری ایله اؤنو سالام‌لایان گؤنش خانیمدان!

بیزیم آغاج باشین قالخیزدی. گؤنش گؤیؤن اؤرتاسیندا نور ساچیردی. اؤ اللرینی یوخاریٔیا ساریٔ قالخیزیب دئدی:

ائی مئهربیان گؤنش! خاهیش ائدیرم کی منیم اللریمدن توتوب منی یوخاریٔ یا ساریٔ چکه‌سن. اؤرتیم، سنه یاخین‌لاشماق ایسته‌ییر.

مئهربیان گؤنش، اؤنون سسینی اوزاقدان ائشیدن کیمی، پارلاق ؤ ایستی اللرینی اؤنا ساریٔ اوزالتدی. گؤنشین، ایستی ؤ پارلاق اللری اؤنون بوداقلاریندان توتوب، اللریندن سیخیب ؤ یوخاریٔیا ساریٔ چکدیلر.

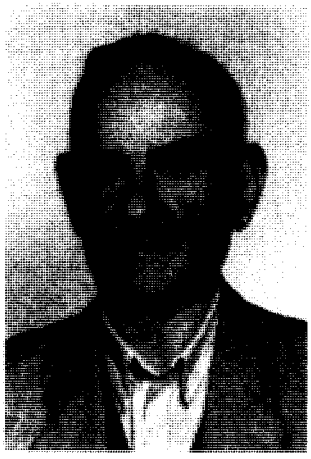
آغاج بیلمیردی کی، ایستی‌ده نه ائله‌سین. چالیشدیٔ، چالیشدیٔ سؤنرا گؤنشین حرارتیندن یانان اللرینه باخان کیمی، اللرینده: دؤیمه بؤیدا یومورو برک آغ دنه‌لر گؤرؤنؤردؤ. گؤنشین قیزمار ایستی‌سی بارماقلاریٔنیٔ قارسمیشدیٔ. اؤزؤنه دئدی:

- آیٔ آللاه! گؤره‌سن بو یومورو برک دنه‌لر ندیر؟

اؤ بیلمیردی کی، اؤ یومورو دنه‌لر خیئرداجا کال آلمالاردیلار کی، بو یاخین‌لیقدا گؤنشین ایستی‌سینده یئتیشیب، قیزاریب، شیرین‌لشیب ؤ اؤنون بوداقلاریندان آسیلاجاقلار.

بلی بو بیر مؤعجؤزه‌دی.

اؤ خیئرداجا فیدان دنه‌لر ایندی بیر آلما آغاجیٔ اؤلموش، آلما ایله دؤلو، بؤیؤک بیر آغاج کی، تئزلیک‌له آلمالار، خیئرداجا گؤنش‌لر کیمی اؤنون بوداقلاریندان آسیلاجاق ؤ دؤنیانین اؤزؤنه گؤلجک‌لر.



زیرؤه ده گؤنش

هاشم ترلان

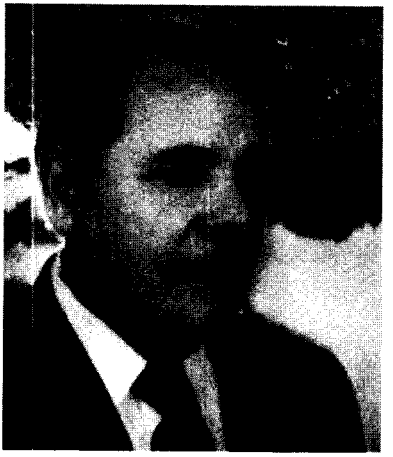
همیشه زیرؤه‌دن بؤیلاندئین منه،
باخمئیشام قاماشئیب گؤزؤم
ال چاتماز اؤلساندا، چاتماقچئین سنه
هله بئزمه‌میشم اؤزؤمدن، اؤزؤم

داغ دؤلار، سئل آخار منسه ترسینه،
آخمئیشام، داشمئیشام، ئاشا دؤلموشام
سن اصلی، من کرم، دؤشؤب ایزینه
دالئینجا سؤرؤنن کؤلگن اؤلموشام

فقط خئیالئیمدا اؤلدون سئیرداشئیم،
حسرتین اؤزؤمه قنیم کسیلمیش.
فئیرلانئیر دئیرمان داشئ تک داشئیم،
سنسیز اؤیؤتمه‌یه دنیم کسیلمیش.

ماهیر اؤؤچو ساندئیم اؤزؤمؤ اثرکن،
اؤؤوم کی اؤلمادئین، اؤؤلاندئیم سنه،
مین دفه اؤلسمده، دیریلسمده من،
سن حق‌سن، دئمه‌رم تؤؤلاندئیم سنه.
دئدیم:- گل قلبیمی ایسیندیرا! دئدین:
- ئالؤارئیب، سئیتقاماق ئاراشماز، ئارا.
سسله‌دیم:
- بودا اؤز سسیندیر- دئدین:
- طبیب‌سیز درد ایله بارئیشماز ئارا.

من هم اوزاقدایام، همده ئاخئیندا،
ئاخئینام دؤنمزه،
اوزاغام ئادا
منیم حسرتیمی چکمه بو آندا،
پؤلاددان چارئیغئین ئؤخسا دؤنئیادا.



من بۆرجلویام ائلیمه

قۆشان: عزیز محسنی

اۆغلوم باخـیر منیم یۆرغون اۆزۆمه،
دئـییر آتا! بو چالـیشماق بو الشمک نه اۆچۆندۆر؟
هئچ یازیرسان، هئچ پۆزورسان
بعضن بۆتۆن گـئجه‌نی صۆبحه‌دک یاتمایـیرسان.
بعضن گـئدیب گزیرسن اۆلکه‌نی قاریش- قاریش
قـیشئ، یازئ اوزاقدا چـیئنقـیل‌لئ- داشلئ یۆلدا
هیسلی قارا دام‌لاردا داغـیلمیش داخمالاردا
قـیۆراق، چئۆیک هر بیر یـئره چاپیرسان
باش چکیرسن، باخـیرسان، بیلمم نه آختاریرسان
گۆزۆم دۆشۆر بعضن سنین گۆزۆنه
ظن ائدیرم درین خیال دنیزینه باتـیرسان
سانکئ داها بو دۆنیادان کۆچمۆسن
انگین‌لیئه، سۆنسوزلوغا کـئچمیسن
اۆغلوم بیرباش سوآل وئریر دانـیشیر
اۆنون یالنـیز جاوابیندا بیر سۆز گلیر دیلیمه
اۆغلوم بونو سن یاخشئ بیل بیر باخ منیم اۆزۆمه
من بۆرجلویام ائلیمه.



گؤزللیک



مدینه گؤلگؤن

داش- قاشدا آختارما گؤزللیئی سن،
گؤزللیک چمنده، چیچکده اؤلار.
اینسانئین عؤمرؤنده مشعله دؤنن
بیر حلال زحمتده، امکده اؤلار.

گؤزللیک بیر شیرین کلامدا، سؤزده،
آلیشان اؤجاقدا، قیزاران کؤزده.
گؤزللیک قارانقوش نفسلی یازدا
گؤزللیک ان شیرین دیلکده اؤلار

گؤزللیک دئییملی اؤ داش، اؤ کسسک،
گؤزللیک دئییملی هر بؤیا، هر رنگ،
گؤزللیک محبّت، سئوگی رمزی تک
گؤللردن هؤرؤلمؤش چلنگده اؤلار.

گؤزللیک سئوگی‌نین، سئودانئین ایلکی،
هر یاشئل آغاجئین تؤرپاقدا کؤکؤ،
گؤزللیک بو حلال سؤفره‌میزده‌کی،
اؤ سودا، اؤ دوزدا، چؤرکده اؤلار.

گؤزللیک نغمه‌دیر، دینله اؤنو بیر،
گؤر نه‌لر سؤیله‌ییر بیزه سما، یئر.
سئوگی ده اؤرئین گؤزللیئی‌دیر،
سئوگی، سؤزده دئییل، اؤرکده اؤلار.

شیرین بیر لای‌لایام

داغلارئین دؤشؤنده بیتن چیچه‌یم،
هر اسن کؤله‌یه باش ایمه‌رم من.
شیرین آرزولارلا چارپان اؤرئیم،
اؤله‌رم، دؤنمه‌رم بو عملیمدن.

وطن تؤرپاغئیندا قایناز بولاغام،
آرخام اوجا داغدیر، اؤنؤم گؤی مئشه.
کیم دئییر دؤنیادا من بیر قؤناغام،
گله‌جک نغمه‌لی، سسم همیشه.

شیرین بیر لای‌لایام، دؤغما بیر سسم،
هر گؤن بئشیک‌لردن اوجالاجاغام.
من نغمه دئمه‌سم، اؤته بیلمه‌سم،
اؤ زامان، اؤ زامان قؤجالاجاغام.

بیر اؤزین گلینی، آناسیئام من،
بیر اؤزین اؤجاغئ، اؤدوئام دئمک.
همیشه، همیشه یاناسیئام من،
همیشه چیراغئیم شؤله‌له‌نه‌جک...



اینانما سوسدورا زامان قلبیمی،
اینانما دئسه‌لر اؤله‌جه‌یم من.
بو ائله باهارلا گله‌جه‌یم من...

دۆنیا

نامردلری عزیزله‌ییر
بوسعادت، ناز- وَ- نئعمت
یۆز- بیر سیما
مین بیر صیفت
بخش ائله‌ییر قۆجا دۆنیا
اوجالاریٔ آلچاتماقلا
گۆزلریمده هئیٔ کیچیلیر،
هئیٔ آلچالار
اوجا دۆنیا...
تکجه یئشییم، تکجه گئشییم
دردی‌دیر می بیزیم دردلر؟
جۆمرۆدلرین قارشیٔسیندا
نامرد آتئین چاپیب گئدیر.
قارئن تۆخلار آج الیندن
سۆن تیکه‌سین قاپیب گئدیر.
گۆردۆکلرین آددیم باشیٔ
دۆنۆر اۆرک قوبارئنا.
آرزوسۆنۆر، ایستک سۆنۆر،
بابالارئین یوردو دۆنۆر
اۆغرولارئین دیئارئنا،
آلیئش- وئریش بازارئنا.
هامیٔ آلیر، هامیٔ ساتیر،
هامیٔ حالال روزوسونا
گۆز گۆرتی حارام قاتیر



حکیمیه بیلوری

معنۆییت داغا چیئخیر،
مۆقدسات یۆخا چیئخیر.
تمیزلیکیدن، بوللورلوقدان،
دورولوقدان، اولولوقدان
بیر خبر یۆخ.
اولولارا، نورلولارا
بیرنظر یۆخ....
نامردلری، عزیزلئیب
بۆل سعادت، ناز- وَ- نئعمت
یۆز- بیر سیما
مین بیر صیفت
باغیشلایئین قۆجا دۆنیا،
اطرافیئنا بیر نظر سال،
قلبی نورلو اینسانلاریٔ،
تمیز، اولو اینسانلاریٔ،
آلچاتماقلا
گۆزلریمده
سن نئجه ده
آلچالیرسان اوجا دۆنیا !
کیچیلیرسن قۆجا دۆنیا!

ایکی یادداشت

مرتضی مجد فر

۱

۱۳۸۴ – جی ایلین مئهر آیی‌نین ۱۴ نجو گونونده دونیا مؤعللیم‌لر گونو عرفه‌سینده آذربایجانلی یازیچی و شاعیری «حبیب فرشباف»ین آلتمیش ایللیئی طنطنه‌لی بیر یئیغینجاقدا یوزلر شاعیر، یازیچی، صنتکار و هونرکارین ایشتیراکی ایله کئچیریلدی. بو یئیغینجاقدا، دانیشانلارین سیراسینا داخیل اولدوم. بو قیسا دانیشیغیمی بوردا اوخوجولارا تقدیم ائدیرم.

دان یئری ایشیقلانیر

سؤزومه حبیب فرشباف-ین زبان-ی حالینی سؤیله‌ین بیر شئعریله باشلایئیرام:

من دئمیرم خلقیمیزین گؤر سسی‌یم
گؤر سسلی ایمیش دؤورانلاردا منیم خلقیم
من دئمیرم اوجا داغلار زیروه سی‌یم
زیروه‌لی ایمیش عؤصیان‌لاردا منیم خلقیم

۲۶ ایل مؤعللیم‌چیلیک ائتدییمه گؤره، یئیغینجاق باشلانماندان ایندییه قده‌ر، دؤنه‌لرله کؤورلمیشم و گوزلریم یاشلا دولوب‌دور. گؤره‌سن باشقا مؤعللیم‌لریمیزه بئله – بئله مجلیس‌لر قورا بیله‌جه‌یئک؟!

مؤعللیم‌چیلیک خاطیره‌لر دونیاسی‌دیر. من بیر چوخ حئکایه‌لریمین مؤوضولارینی، مؤعللیم‌چیلیک گونلریمین و اوشاقلارین گوزل دونیاسیندان آلمیشام و ظن ائدیرم حبیب

مؤعللیم‌ده، شئعرلرینین جان مایاسئنئ، دؤستلار دئمیشکن، کندلرده ایشله‌دیئی گؤنلردن آلمیشدئ. آذربایجان کندلرینین ساده‌لیئی، بال دادلئ هاواسئ و اوشاقلارئنئن دؤزگؤن‌لؤیؤنؤ حبیب فرشباف- ئین دؤلغون شئعرلرینده گؤرمک اؤلور.

حبیب مؤعللیم سس‌سمیر- سمیرسیز ایللر بؤیو آذربایجان اوشاق ادبیاتئ اوغروندا چالیشان مؤعللیم‌لریندیر. او های — کؤیچؤ اؤلمایان و تواضوع‌کار اؤلدوغونا گؤره ایندیئه قدهر لایقینجه ائلیمیزه و ادبیاتچئ‌لارئمیزا تانئنمامیشدیر.

اونون ۱۳۶۰- نجی ایلینده «حبیب. ف» ایمضاسی ایله چاپ اؤلان قیئرمیزئ جیلدلی «دان ئئری» آدلئ کیتابئ او قدهر درین معنالئ شئعرله دؤلو ایدی کی، بیزیم اوشاق ادبیاتئمیزئن ئئنی ایشئقلاماغا باشلایان بیر اولدوزوندان خبر وئریردی. آنجاق حبیبین مؤعللیم‌چیلیک یاشایئشئ، اؤنو اؤزؤنؤ اؤزگه‌لره تانئندیرماغا مانئع یاراتدئ و حبیبین تؤپوغونا چاتمایان یازئچئ — شاعیرلر، نئثه- نئثه کیتابلار چاپ ائتمکله اؤزلرینی تانئدیردیلار.

ایندی سه حبیب آتمیش یاشیئنا چاتمیش سا دا هله ده روحو اینجه و اوشاق کیمی لطافت لی و اپیک کیمی یومشاق‌دیر. حبیب مؤعللیم‌ین دان ئئری، ایللر قاباق سؤکؤلمؤشسه‌ده ایندی ایشئقلانماق دادیر. او ایندی قاباقجادان قؤدرتلی و کئچن ایللردن ایراده‌لی، یازئب— یاراتماقدادیر. او اؤتوز نئثه ایل مؤعللیم‌چیلیک تجروبه‌سینی، هله ده بیزیم اوشاقلارئمیزا باغئشلاماقدادیر. اونون اثرلری بو یاخئنلئقدا بوراخئلماقدادیر. همده آذری نشریئه‌سینین اوشاقلار مجلّه‌سی یاخئین گله‌جکده حبیب فرشباف و بیر چوخ آذربایجان یازئچئ‌لارئ و شاعیرلری‌نین یاردیمئ ایله بوراخئلاجاقدیر.

من سؤزؤمه سؤن قویوم دئیه- حبیب مؤعللیم‌ین آتمیش ایلینی عزیزله‌یرک بؤتؤن دؤستلاردان ایسته‌ییرم آنا دیلیمیزی دیریلتمک اؤچؤن اوشاق ادبیاتئنئ یاددان چیخارتمایاق. بو گؤن اوشاقلارئن بیزدن اؤلکه‌لری، دیللری، مدنیئتلری و وارلئقلارئ حاققئندا، دؤنیالار قدهر سؤرغولارئ وار. بو سؤرغولارا تکجه اونلارئن اؤز دیللری و اؤز دؤشؤنجه‌لری ایله جاواب وئرمک اؤلار. بو ایشین یؤللارئنئ، حبیب مؤعللیم-ین اثرلرینده تاپا بیله‌ریک.

۲

۱۳۸۴- نجی ایلین آبان آیئنئین ایئیرمی آلتینجئ گؤنونده کرج شهرینده یئرلشن «کؤئر مدنیت اوی»نده، مرحوم اوستاد احمد شایا، «آلاوئون بیرینجی ایل دونومو مؤناسبتیله شعر و موسیقی آخشامئ کئچیریلدی.

بو یئیغینجاقدا، منده قیسا بیر ادبی قطعه اوخودوم. بو ادبی یازینئ، خبر فورماسیندا حاضیرلامیشدیم و یئیغینجاغئ ایره‌لی آپاران دوستلاردان ایسته‌میشدیم، منی تریبون آرخاسینا چاغیران واختئ یازیم اوزره تنظیم ائتسینلر. جالیب بو کی یازیمئ اوخویوب یئریمه قایئیتدیقدان سونرا منیم یانئیمدا اوتوران قوجا بیر کیشی یازیمین خیالئ اوزلدوغونو بیلمه‌یه‌رک منه دئدی: خوش خبر اولا سانا اؤمید کی، سن دئییه‌ن خبری، باشقا شاعیر یازیچئلاریمیز و تدقیقات‌چئلاریمیز حاققیندا دا انشیدک او یازیم بئله ایدی:

قوجامانلار

ساعات یئددی قیرخ بئش دقیقه – بوراسئ ایران رادیوئ تئلوئیزیاسئ استادیوسو؛ حؤرمتلی دینله‌ییجی‌لر! حؤرمتلی تاماشاچئلار! بو ساعاتئین خبرینی سیزه چاتدیریریق. خبرلر ایلک اؤنجه، بو گئجه رادیوئ تئلوئیزییامیزین شؤشه عیمارتین‌ده قورولان «قوجامان همیشه لیک یاشایان قهرمانلار» یئیغینجاغیندان و بیر قیسا خبرله باشلایئریق. بیزیم امکداشیمیز و مؤخبیریمیز آقایی آذربایجانئ شؤشه عیمارتین قاباغیندادیر و اوز راپورتونو بیزه ئوللایئیر. آقایی آذربایجانئ بویورون...

من‌ده سیزه حؤرمتلی دینله‌ییجیلریمیزه و عزیز تاماشاچئلارا سالام دئییرم. بو گئجه ساعات دوققوزدان، بورادا بویؤک و طنطنه‌لی بیر یئیغینجاق کئچیریله‌جک‌دیر. منیم آرخامدا گؤردوئونوزکیمی قوناق‌لار دسته- دسته گلمه‌کده دیر منیم الده ائتدییم خبرلره گؤره، بو گئجه قوجامان همیشه‌لیک یاشایان قهرمانلار یئیغینجاغیندا، ایللر بویو اؤره‌کلریمیزده یاشاتدیغیمیز

اوستادلارئمیز عزیزلنه‌جکلر. راپۆرتومو سیزه گۆندرمه‌میشدن قاباق الـه گتیـردییم خبـره گـۆره، بـو گـئجه ایلک اۆنجه اوستاد ساهیر، اوستاد شهریار وٓ استاد صـباحی، اۆچـۆ بیرلیکـده سـئن اۆسـتۆنه گله‌جکلر وٓ سالۆندا حاضیر اولان ایکی مین آذربایجانلئ یازئچئ، شاعیر صنتکار، عالیم وٓ هۆسـکار اۆز اوستادلارئنئ هۆسله آلقـئشلایاجاقلار.

بو خبره گۆره، بیزیم بۆیۆک شاعیر، عالیم وٓ لۆغت‌چیمیز اوستاد احمد شـایا– آلاوٓدان دا بـو گـــئجه اۆزل شـکیلده تقـدیر اولوناجاقـدیر. دۆنـن مـدنییت وٓیزارتخاناسـئ‌نـئین باشچئیـسئ ایلـه دانـئشئقدا، اوٓ «بۆنیاد–ی شایا»نین دۆزه‌لینمه‌سیندن وٓ بو بۆنیادا دۆولت طرفیندن باشلایئـش ایشلری اۆچۆن، ایکی یۆز میلیۆن تۆمن بودجه وٓئریلمکدن خبر وٓئـردی وٓ دئـدی کیرمـان تانـئیما بۆنیـادی بودجه‌سین کامیل جذب ائـتمه‌سه، اۆنون اۆچ یۆز میلیۆن تۆمن ایضافه بودجه‌سینی ده شایا بۆنیادئنـا وٓئره‌جه‌ییک. بو خبره گۆره، شایا بۆنیادی، گلن ایلین اۆرتالارئنا قده‌ر، آذربایجـان لۆغـت کیتـابئنئ، اۆچ جیلد ده بوراخاجاقدیر.

قۆجامان همیشه‌لیک یاشـایان قهرمـانلار یـئیغـئینجاغـئیندا، هـم ده پروٓفـسوٓر حمیـد نطقـی، پروٓفسوٓر زهتابی، دوٓکتور حمید محمدزاده، عاشیق حۆسئین جاوان، وٓ بیر چوٓخ همیشه‌لیک یاشایان آذربایجانلئ عالیم یازئچئ، شـاعیر وٓ صـنتکاردان تجلیـل اولوناجاقـدیر. بـو قۆجامـانلار، یاشـلئ وٓ عۆمومییت‌له خسته اولدوقلارئنا باخمایاراق، هامیسئ بو یـئیغـئینجاغا گلمه‌یه سۆز وٓئریبلر.

بو گـــئجه، دۆولـت، رادیـۆ – تـــئلۆیزیۆن، ماشـئین فابریکـالارئ وٓ نفـت شـیرکتی طرفینـدن اوستادلارئن هره‌سینه اۆن بئـش دنه بۆتۆن قـیزئل سـیکّه، بیـر گـۆزل تقـدیر لۆوحـۆ وٓ بیـر سـمند ماشئینئ حواله‌سی ایتحاف اولوناجاقدیر راپۆرتومون سۆن حیصّه‌سینده دئمه‌لییم کـی، بـو طنطنـه‌لـی مراسیم، بوندان قاباق بئش دۆوٓره، همین سالۆندا قورولان «چهـره‌هـای مانـدگار» یـئیغـئینجاغـئیندان گۆرکملی وٓ عظمتلی‌دیر.

ساعات دۆققوزدا، مۆستقیم اولاراق، یـئنده سیزینله اولاجایـئیق. هله‌لیک هامئینـئیزئ آللاهـا تاپشئیرئرام. خبرلرین آردئنئ، امکداشئیم سیزه اۆخویاجاقدیر...



کامان ناله چکیر:

هابیل کامانئ ایله وئیدالاشدئ

مجید تیموری‌فر(صفا)

(دونیا شؤهرتلی کامانچا اوستادئ هابیل علی اوغلون تبریز شهرینده ۷۰ – ایللیک سئیرداشئ ایله آیریلما مراسیمی نئجه کئچدی ؟)

هابیل موصطافا اوغلو (۱۹۲۵/۵/۲۹ میلادی- آغداش آذربایجان جومهوریسی- کامان اوستادئ آذربایجانئین خالق آرتیستی.

ایفاچیلیق فعالیتینه آصف زئینالللئ آدینا باکئ موسیقی مکتبینده اوخودوغو واختدان (۵۵-۱۹۵۱)جی ایللردن باشلامیشدیر.

۱۹۵۶ – جی ایلدن مؤسللؤم ماقومایئف آدینا آذربایجان دؤولت فلارمونیاسینین سؤلیستی‌دیر. موغاملارین (ستگاه، دوگاه، وَ سایره)، خالق ماهنیلارئ وَ تصنیفلرین وَ آذربایجان بسته‌کارلارئ اثرلرینین ماهیر ایفا چیلارئندان‌دیر.

کئچمیش شوروی‌نین بیر چوخ شهرلرینده، ها بئله خاریجی اؤلکه‌لرده اوْ جومله‌دن: (بلژیک، سوریه، فرانسا، ایتالیا، الجزایر، تورکیه، بریتانیا وَ ایراندا وَ... چیخیش ائتمیشدیر.

تبریز شهرینین پئتروشیمی آدلانان سالونوندا بیر گونلوک اونودولماز بیر موغام آخشامئ کئچیریلیر. ۱۳۸۴ –نجی گونش ایلی آذر آیئین ایکینجی گئجه‌سی‌دیر. آذربایجان موسیقی‌سینین

هوسکارلاریڭ اینتیظارلیڭ باخیشلارلا شرق موسیقی‌سینین قوجامان کامانچا اوستادیڭ هابیل علی اوفون یولون گوزله‌ییر.

سالوندان اوریه یاتان و صمیمی سس ائشیدیلیر، او چوخلو کونسرتلر وئریلیش‌لری‌نین حیاتا کئچیریلمه‌سی اوچون چالیشان و باجاریقلیڭ آپاریجیڭ «خسرو سرتیپی» جنابلاریڭ ییئنه‌ده باشلانیش اوچون «سئییید ابوالقاسیم نباتیڭ»نین «ندیر؟» ردیفلی قزلینی اوخویور، لاکین اونون بو گونکی سسین‌ده کدر حیس‌لری نیسگیل‌لی دویغولاریڭ دالغالانیر.

بئیله مستم بیلمزم‌کیم مئی ندیر مینا ندیر
گول ندیر، بولبول ندیر، سونبول ندیرصهبا ندیر؟

تئهران شهرینین وحدت تالاریڭ سالونوندا کئچیریلمیش اوچ گونلوک طنطنه‌لی کونسرتدن سونرا تبریز شهرینده ده کونسرتین داوامیڭ و تبریز اهلی ایلن گوروش‌لر کئچیرمک، هابیل علی اوف و اونون امکداشلاریڭ: مؤهلت مؤسلوم اوف، فخرالدین داداش اوف و ضابیط نبی‌زاده — نین ایسته‌ییی ایدی، لاکین هابیل مؤعللیمین بو گوروشدن باشقا بیر نییّتی وارایدیڭ، چونکی او اوریی‌نین پارچاسیڭ کامانیڭ ایله عهد ائله‌میشدی کی، ویدا لاشماق ایسته‌سه بو ایشی تبریز شهرینده حیاتا کئچیرسین و اونا گوره‌ده بو گونکو کونسرت، بو باخیمیندان کئچمیشلرده کی کونسرتلردن فرقلی‌دیر.

آپاریجیڭ، هابیلین ۵۰ ایلدن بری آذربایجان موسیقی‌سی حاققیندا یوروللمادان چالیشماسیڭ و موغاملاریمیزین اینکیشافی اوچون چتین‌لیک‌لره دوزمه‌سیندن دانیشیر:

هابیل علی اوف، دونیانین چوخ اولکه‌لرینه دعوت ائدیرلر و او گئتمک‌دن ایمتینا ائدیر. لاکین اوز دئدییینه گوره تبریز شهرینه گلمک اوچون هر واختدا موشتاق‌دیر.

بو واختدا اوستاد هابیل تاماشاچیلارین گورولتو آلقیشلاریڭ ایله صحنه‌یه دعوت اولونور و بو قوجامان صنت‌چی تبریزین موسیقی سئوَرلری ایله گوروشمه‌یه باشلاییر.

– ائی موغاماتین زیروه‌سی، خوش گلیبسن، صفا گتیریبسن، سن بو آخساق قدم‌لرینی گوزوموز اوسته قویوگیلن....

کامانین اورکلر اوخشایان سسی صحنه‌دن اوجالیر و سئگاهین نیسگیللی مئلودیالاریڭ چالینیر و هابیل‌ین اورک سوزلری‌نین مضمونونو آنلادیر. تبریزین گنج موسیقی‌چیسی «رضا نباهت» مهارتله اوستادیڭ ناغارا ایله موشایعت ائدیر. سئگاهین سوییله‌دییی نغمه‌لر بیر عاریفانه قزلین میصرالاریڭ کیمی اوز درین تأثیراتیڭ اینجه صنت و موسیقی وورغونلاریڭا بوراخیر و

اونلارئ موّوقتی اوْلسا دا مادّئ دوّنیادان اوزاقلاشدیرئر وْ آنا لایلاسئ تک روحلارئنا سئغال چکیر.

مشهور هابیل سئگاهئ دا هابیل علی اوْفون آدئ ایله باغلئدیر.

هابیل ایستکلی‌سی اوْلان صدفلی کامانئنئ، یوْرغون دیزلری اوْسته قوْیوب، چالئر وْ موغامئین موّختلیف حیصّه‌لرینده بیر نئچه اونودولماز خالق ماهنئسئ دا اوْخویوب، اوْرکلری چئرپئنتیئا سالئر...

نه دئییر کوْنلومو اوْیماقلا، اوْیولماقلا سئگاه
گوْزه، گوْز یاشلارئ تک بیر بئله دوْلماقلا سئگاه

.....

هابیل علی اوْف ۱۳۸۰ – نجی ایلده ده تبریزه گلیب، کوْنسئرت کئچیرمیشدیر. بو بوْیوْک صنتکار بیر موّصاحیبه‌ده موغاملارئمیز حاقدا بئله سوْیله‌میشدیر: (یادئمدادیر عاریف بابایئوْ ایلن بیرلیکده ایتالییا دا کوْنسئرت‌لر کئچیریلن زامان هر واختلار کیمی چوْخلو آلقیشلاندیق وْ روزنامه‌چی‌لر طرفیندن سوْرغو- سوآلا توتولدوق اوْنلار دئییردیلر: بو موغاملارئن موّاللیفی کیم‌لردیر؟ آدلارئنئ بیزه دئییین کی قئید ائدک.

دئدیک کی، بونلار بیزیم اولو بابالارئمیزدان قالان دیرلی میراثلاردیر وْ یارادانلارئ بیلینمز، نیه کی، عصیرلر بوندان اوّل یارانئیلار وْ بیزیم الیمیزده هئچ اساس یوْخدور تا دئیه‌بیلک. دئدیلر: بس سیزین خالقئنئز نئچه عصیر بوندان اوْنجه یارانمیش موغاملارئ نه یاخشئ قورویوب – ساخلایئیب‌لار! چوْنکی بیز بو گوْن بیرینجی دفه اوْلاراق بو موسیقی‌یه قولاق آسیب وْ حئسیران اوْلدوق وْ بو بوْیوْک بیر هوْنردیر. آنجاق بو نوْع ماراقلار تکجه ایتالییادا یوْخ، بلکه‌ده دوْنیانئین هر طرفینده اوْلور[1]).

بوگوْن کی موغام آخشامئنئین داوامئیندا موْهلت موّسلوْم اوْفون قوردوغو اوْچلوْک آنسانبیل «چارگاه» موغامئین ایجرا ائدیرلر. موْهلت موّعللیمین گوْجلوْ وْ دریـن تأثیرلر بوراخان میضرابلارئن سسی، فخرالدّین داداش اوْفون کامانئن‌دا سوْزن نغمه‌لر وْ شرق دوْنیاسئنئین باجارئقلئ موغام خاننده‌لرینـدن سایئیلان ضابیط نبی‌زاده‌نین گوْزل وْ ملاحتلی سسی تاماشاچئ‌لارئن کوْنلوْنه صفا وئریب وْ معنوی دوْنیالارئنئ بزه‌دی. «دیلکئش» چالئنئر، قاراگیله ماهنئسئ اوْخونور وْ تبریزین اوْتن ایللری خاطیره‌لرده جانلانئر...

۱- ائل‌سس درگی‌سی، دانیشگاه-ی صنعتی-ی سهند، بیرینجی سایئ، مئهر ۱۳۸۱

تبریزین کؤچه‌لری دؤلان با دؤلان
سن کی منی سئؤمه‌دین، گئت آیریئ دؤلان
نه منه قئیز قحط‌دیر، نه سنه اؤغلان

قارا گیله، دؤلان با دؤلان
قارا گیله، گئت آیریئ دؤلان
قارا گیله، نه‌سنه اؤغلان

دربند دارالئ
کؤنلؤم یارالئ
بیر گؤزل سئؤدیم - آئ بالام
تبریز مارالئ(۲)

قارا گیله ماهنئ‌سئینئ ایلک دفه اؤلاراق روبابه خانئیم مورادؤوا اؤخوموش‌دور.

۱۹۶۸ -نجی آذربایجانئین داهی بسته‌کارئ (**نیئازی**) بو اثری سیمفؤنیزه ائدیب و موسیقی دؤنیاسینا باغئشلامیشدئر. «قاراگیله» آذربایجانئین رمزلریندن بیریسی‌دیر. آذربایجانئین اونودولماز خانندەسی شؤؤکت علی‌اکبر اؤوانئین بو ماهنئسئ کؤر قوروپو ایشتیراکی ایله ایفا ادیب.

ضابیط نبی‌زاده‌نین اؤخودوغو«قارا گیله» ماهنئ‌سئ اؤز یئنی‌لیک‌لری ایله یئنه‌ده خاطیره‌لرده یاشایاجاقدئر. کؤنسئرتین آخئیر بؤلؤمؤنده هابیل علی اوف، (شوشتر) موغامینئین مؤختلیف حیصّه‌لرین ایجرا ائدیب و چؤخلو آلقئشلاردان سؤنرا، تماشاچئ‌لارا اؤز توتوب و دؤلوخسوناراق دئدی:

- «عزیز قؤهوم - اقربا، من، کامانچا ایله ایستئعفا وئرمیشم. منیم دؤستوم «خئیسروؤ» بئله مصلحت گؤردوکی، گئدک تبریزده بو ایستئعفانئ وئرک، آنجاق چؤخ ممنونیئت ایله سیزی زییارت ائله‌مه‌یه گلمیشم و سیزین‌له ده خوداحافیظلشیرم، من آرزو ائله‌ییرم کی، سیز نه قدر آرزولارئنئز وار، اونلارا چاتاسئز. اینشاالله. سؤنرا دا آرزو ائدیرم‌کی، سیزه‌لایئق صنت‌کارلار یئتیشسین و سیز اونلاردان راضئ قالاسئنئز.

منیم بو خوداحافیظلشمه مراسیمینده ایشتراک ائتمه‌ییندن، چؤخلو مینّت دارام و چؤخ راضئ‌یام...)

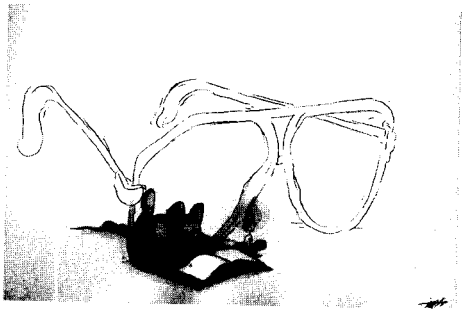
اوزون آلقئشلار یئنه ده باشلانئر و گؤزلریمیزدن یاشلار آخئیر. هابیل علی اوف بیر حالدا کی، کامانئ سؤل و آرشه‌نی ساغ الی ایله یوخارئ قالدئرئب، اوجا سسله آغلایاراق دئییر: «آیئیرئلارمئ کؤنؤل جاندان. آذربایجان؟» قؤجامان صنتچی‌نین گؤز یاشلارئ دایانمادان

آخاراق سسی تیتره‌ییر. مراسیمین سؤن دقیقه‌لری چؤخ کدرلی کئچیر، بو واخت هابیل‌ین حیات یؤلداشئ «شرقیئه» خانئیم‌دان، هابیله سالؤندا حؤضورو اؤلان صنتچی‌لرین بیرنئچه‌سی و اؤ جؤمله‌دن اوستادلار: **محمود شاطریان، علی فرشباف، خسرو نژادآریا، چنگیز مهدی پور، نعمت جوانشیر، حامد یزدانی** و ایرشاد-ی ایسلامی طرفیندن «معینی‌پور» جنابلارئیندان دعوت اؤلونور. صحنه‌یه گلیب و هابیل علی اوف و کؤنسئرتده ایشتیراک ائدنلر اؤچؤن گؤل و هدیه‌لر وئریلسین و «**اوستاد علی فرشباف «انجمن موسیقی آذربایجان»**ین **عئلمی دبیری** موسیقی‌چیلر طرفیندن قوناقلار اؤچؤن هدیه‌لر وئریر، هابیله بیر دیرلی صنتی اثر بارداغ شکلینده کی گؤی مچید طرحلری اؤنون اؤزرینده رسم اؤلونموشدور، تبریز ایرشاد-ی ایسلامی طرفیندن هابیل-ین عؤمؤر یؤلداشئ «شرقیئه» خانئیما وئریلدی و چؤخلو گؤل- چیچک چلنگ‌لری صنت‌چی‌لرین یؤنونا آسیلدئ.



علی فرشباف- هابیل علی اوف- مجید تیموری‌فر

مراسیم‌دن سونرا شرقئین بؤیوک صنت‌کارئنئین اللرینی سیخماق آرزو سؤندا اؤلانلارئین چؤخو، بو ایسته‌یه نایئل اؤلا بیلمه‌دیلر، چونکی قوجامان موسیقی‌چی بیر قدهر یؤرغون گؤرونوردو، لاکین درین و معنالئ باخیشئ‌لارئندا معنویئت آنلاشئیردئ و بیر گنج عاشیق کیمی، اؤز ایستکلی سئوگیلی‌سی اؤلان آذربایجان موسیقی‌سینه سؤن سوز محبتی گؤرونوردو، بو سئومه‌لی اوستادئمیزئ، تانرئیا تاپشیرئیب وئیدالاشدئق.



گؤلگؤ

روایت:رضا نؤه‌سی

اؤزده یؤخام

هامی‌نین زهله‌سی ایبیش بی‌دن گئتسه ایدی ده، ایبیش بی‌ین ده زهله‌سی نوروش بی‌دن گندردی. اؤ. نوروش بی‌-ی گؤرنده ائله بیل آناسی‌نین اؤیناشینی گؤرؤدؤ.

بیر گؤن آخشام چاغی یامان یاغیش یاغیر، نوروش بی یاغیشا دؤشؤر، الی- آمانی کسیلیر

اؤزؤنؤ بیر تهر ایبیش بی‌ین قاپی‌سینا چاتدیریر:

- آی اؤ یئیه‌سی، اؤییه‌سی آچ قاپینی!

ایبیش بی یوخولو- یوخولو قالخیب قاپی‌یا گلیر.

- ایبیش بی-ایبیش بی اؤزده سن؟!

- یؤخ اؤزده دؤییرم!

- باشماق‌لارین کی، قاپی‌نین آغزیندادیر.

- هه! منیم ایکی جؤت باشماغیم وار، اؤ بیری جؤتؤنؤ گئتمیشم.

- بس بئله! بو باشقا مسله- دییه نوروش بی یاغیش باشینا دؤیه-دؤیه یؤلا دؤشؤر.

اوزون عؤمؤر:

یوز یاشلی بیرکیشی‌دن سؤروشورلارکی، اؤ هانسی یؤللارلا بو قدهر یاشایا بیلیب؟

قوجا دئییر:

– منه بئله گلیرکی، منیم ئوز یاشئیما چاتماغئمئین سببی بودورکی، من آنادان اولان زامان عالیم‌لر میکروب‌لارئ تاپمامئشدئلار.

اوچ قارداش:

اوچ تنبل قارداش گیلاس آغاجئ‌نئین آلتئیندا یاتئیب موزگوله‌ییردیلر:

بیری دئییر:

– بیرآدام تاپئلایدئ، گیلاس‌لارئ دریب آتایدئ آغزئمئزا !

اوْ بیریسی دئییر:

– یاخشئ اولاردئ کی، گیلاس‌لار اوزلری دریلیب قوْیولایدئ بیزیم آغزئمئزا.

اوچونچوسو دئییر:

–آیْ قارداش‌لار، ئوْرولمادئز دانئشماقدان؟

هوْندوْر حاصار:

پادشاهئین سارایئ‌نئین دوْوره‌سینه اوجا حاصار چکیردیلر. موْللانصرددین اوْردان کئچیردی، بنّادان سوْروشورکی:

– آیْ اوستا بو هوْندوْرلوْکده حاصارئ نه اوچون هوْرورسن؟

بنّا دئییرکی:

– بوحاصارئ اونا گوْره هوْندوْر تیکیریک کی، اوْغرولار آشا بیلمه‌سینلر.

موْللانئین دوْداغی قاچا– قاچا دئییر:

– هاردان؟– ایچریدن، ئوْخسا چوْلدن؟

لوْوْغا دوْوْشان

دوْوْشان بیر جئیغئیرا دوْشوْب باش آلئیب گئدیردی. آز گئتدی– چوْخ گئتدی. آخئیردا قایئیتمالئ اولدو.

– گئری قایئیداندا اوز لپیرلرین گوْرن کیمی، باشلایئیر آتئیلئیب دوْشمه‌یه کی:

– اده بورا باخئین! پاه آتوْنان! بوردان بیر شئر کئچیب ها !

درد گلنده

کـئفین نـئجه‌دیر؟

–پیس‌دیر.آروادیم خسته‌دیر. اونا خیدمت ائـتمک اوچون قایـئین‌آنام کنددن گلیب دیر.

– داها دئمه، درد گلنده ایکیسی بیردن گلیر.

دیرلی مصلحت:

قصّاب بیر وکیلین دفترینه موراجیعت ائدیب و اونونلا مصلحت‌لشیر:

اگر بیر ایت منیم ایتیمی آپاریب‌سا، اونون صاحیبی ایتین پولونو اؤده‌ملی دیر یا یوخ؟

– سؤز سؤز کس اؤده‌ملی‌دیر.

– بئله ایسه منه ۲۰مین‌تومن‌وئرمه‌لی‌سن. چونکی منیم ایتیمی آپاران ایت، سنین ایتین‌دیر.

– باش اوسته. من موشاویره اوچون ۵۰ مین تومن آلـیرام.۲۰ مین تومنین چـیخ، قالان ۳۰مین تومنی قایـتار.

حکیم و خسته

حکیم خسته‌نی موعاینه ائدیب و سونرا دئـییر:

– سیز باش ایله باغلیق بوتون ایش‌لرینیزی ترگیتمه‌لی‌سینیز.

– ترگیده بیلمیرم.

– نه اوچون؟

– چون کی بو، منیم پئشه‌م دیر.

– دئمک سیز یازیچی سیز؟

– خـئـییر، من دلـله‌یم.

قاتاردا

آروات اوزونو ارینه توتوب دئـییر:

– یقین یـئنه‌ده چمدانـئین آچارلاری یادیندان چـیخـیب، اونده قالـیب هه؟

کیشی جیب‌لرینی آختارماغا باشلایـیر:

- یۆخ، آچار جیییم‌ده‌دیر آمما چمدانئین اؤزۆنۆ یاددان چئیخارتمیشام!

اینسا ن وْ شئیطا ن

یاز گۆنۆ بیر کیشی هراسان گئدیردی. بیردن گؤیْ گۆرۆلده‌دی، ایلدیرئیم چاخدیْ، شیدئیرغیْ یاغیش یاغماغا باشلادیْ. کیشی اؤیان- بویانا باخدیْ آمما دالدالانماغا بیر یئر تاپا بیلمه‌دی، آخیردا علاجیْ کسیلدی، سؤیونوب پالتارئینیْ بیر داشین آلتینا قۆیدو، اؤزۆده اؤتوردو داشین اؤستۆنده.

بیر آزدان سۆنرا گؤیده کی بولودلار داغیلدیْ، یاغیش آچدیْ. گۆن چیخدیْ. کیشی پالتارلارئینیْ گئیینیب یۆلا دۆشدۆ. شئیطان بیر اینسان جیلدینه گیریب کیشی‌یه یاناشدیْ، گۆرۆشدۆلر، کیشی سۆروشدو:

- کیمسن، آیْ قارداش! هاردان گلیب، هارا گئدیرسن؟

شئیطان دئدی:

- من شئیطانام، گئدیرم شهرده کی اینسانلاریْ یۆلوندان آزدیرام.

کیشی دئدی:

- آخیْ بو دۆغرو سؤزه اؤخشامیر! بیزه شئیطانیْ باشقا جۆره نیشان وئریب‌لر.

گویا شئیطان چۆخ عئیبه‌جردیر. اؤنون بیر گؤزۆ یۆخدور، یئنکه ده بورنو وار، اندامیْ تۆکلۆدۆر، هله قویروغودا وار.

شئیطان گۆلۆب دئدی:

- قلم دۆشمن الینده دیر. نه جۆر ایسته‌ییر، اؤجۆردا یازیر.

چۆخ شئیْ وارکی، من بیلمیرم. بودور: عالمی سو توتوب، من بو کؤکده، آمما سن قوب- قوروسان. من گرک بیر یۆز ایل باش سیندارم کی، بیلم، یاغیش آلتیندا سن نئجه اؤلوب کی، ایسلانمامیسان؟

اوزا آمئریکادئر

رضا کاظمی
RizaKazimi@gmail.com

قوْجا ننه، اؤز ائولرینده توْیْ توتماق‌لارئنئ گؤردوْ. اری ده وار ایدی. ایکی‌سی قاپئ آغزئندا دوروب، قوْناق‌لارا خوْش گلدین دئییردیلر. کیشی تئز- تئز اوْغلونا وْ گلینینه باخئردئ. بیر دؤنه اوْنون قولاغئنا ساچ‌لارئ قارا اوْلسایدی لاپ سنین جاوانلئغئنا اوْخشایئردئ- دئییه‌نده، قوْجا ننه گلینین اوزوْنه باخمئشدئ. ماغئل گؤردوْک‌لری یوْخو اوْلمایایدئ. اری اؤز توْیْ چاغ‌لارئ کیمی گنج اوْلموش، قوْجا ننه‌یه نه‌یه دوْشوْنوْرسن؟- دئییه- ال‌لریندن یاپیشئب، قوْناق‌لارلا بیرلیکده اوْتاغئن اوْرتاسئندا اوْینادئ. قوْجا ننه توْوشوْیوْب، اری کیمی ییئر گؤیوْ قاتا بیلمیردی. گلینی گوْلموْشدوْ، اوْغلو گوْلموْشدوْ وْ اوْنلارئن گوْلوْش سس‌لری اوْتاغا دوْلموْش کیمی، قوْجا ننه گؤزلرینی آچمئشدئ. ساعاتئن تیک- تاک سسی ایدی وْ گئجه‌نین قارانلئغئ.

اری‌نین اوْیناماغئ یادئنا گلدی. آللاه سنه رحمت ائله‌سین، ائله همیشه هامئدان باش‌ایدین، اوْغلوموزون توْیوندا دا وْ گلینین قیپاقه‌سینه فیکیرلئشه‌رک گؤردوْ بیر زاد یادئنا گلمیر. یوْرغانئ قئیراغا ایته‌له‌ییب، ائهمالجا آیاغا قالخدئ. ال‌لری اسه- اسه لامپانئین کلیدینی آختاردئ. سوْنرا، تاقچادان، اوْغلونون نئچه گوْن بوندان قاباق گؤنده‌ردیئی عکسینی گؤتوْروْب، لامپانئین ایشئیغئ آلتئندا گؤزوْنوْن اؤنوْنه توتدو. اوْل اوْغلونا باخدئ، گوْلوْمسه‌یرک قوْلونو قادئنئین بوْیونونا سارئمئشدئ. سوْنرا دا قوجاغئندا بالاجا آغ بیر ایت شؤنگه‌یین گلینینه. گوْن آلتئندا ایشئلداییان قئزئل ساچ‌لارئنئ چوْخ گؤده‌لتمیشدی. اوْنلارئ اوزادیب بئلینه کیمی یئتیرسه‌یدی، وْ بیر نفر آرخاسئندان اوْنلارئ هؤرسه‌یدی، داها گؤزل‌لشردی. قئزلار کیمی بزه‌نمیشدی. گلین‌لره هئچ اوْخشامئردئ. اوْغلو تئلفون دالئندا دئمیشدی یالنئز بالاجا قوْناقلئغئمئز اوْلدو آنا، نئچه نفر من چاغئردئم، نئچه نفر ده جوْلییا، اؤز یاخئین یوْلداش‌لارئمئزدان. اوْغلونون اوْزوْنوْ اوْپوْب، عکسی یئرینه قوْیدو. بو، اوْغلوندان تاقچایا قوْیدوغو اوْچوْنجوْ عکس ایدی. بیرینجی عکسی

گئتمه‌میشدن قاباق دئمیشدی ائله اؤزۆ قاب ائله‌ییب، تاقچا باشئینا قۆیسون. گۆزلری دۆلو اوزاق دۆشۆنجه‌لردن، آغ قارا بیر شکیل. ایکینجی‌سینی اۆچ آی گئدندن سۆنرا، اورادان گؤنده‌رمیشدی، الله‌ری جیب‌لرینده. کامئرادان اوزاق دورموش، گؤزلرینده هئچ بیر شئی اؤخونمووردو. ۆ اۆچۆنجۆسۆنۆ نئچه ایلدن سۆنرا، ایکی اۆچ گۆن بوندان قاباق یۆللامیشدی. بیر آز قوجالدیغینا رغمن، قۆجا ننه بۆتۆن بو ایل‌لرده، بونو آنلامامیشدی سسیندن. هاچان زنگ آچیردی، اؤنونلا دانیشاراق، ایکینجی عکسی قاباغینا قۆیوب اؤغلونون بۆیونا- پۆسونا باخیردی. کئشکه ایرانا گلیب بورادان ائولنئیدی. اؤزۆ یۆخ دئمه‌ین نه قدهر قیز تانیئیردی. آنجاق گلمه‌دی کی گلمه‌دی. ددهسی اؤلنده ده تئلفون دالیندا آغلاییب، دئمیشدی: تکی من اؤلوردوم، بورادا، بو قوربتده ۆ بو خبری ائشیتمیردیم.

قۆجا ننه، سالالانا- سالالانا مطبخه گئدیب، آذانا چۆخ قالاراق دستماز آلدی. قیزی دئمیشدی بورا گئنجه اؤلاندا، اؤرا گۆندۆزدۆر. فیکیرلشدی: ایندی اؤغلو قۆلونو سارئیئیب آروادئنئین بۆیۆنونا ۆ ایکی‌سی پارکدا گۆن آلتیندا ائله‌شیب‌لر ۆ... آللاه خۆشبخت ائله‌سین!

ناماز اۆسته، یئنن‌ده گۆردۆیۆ یۆخو یادئینا دۆشدۆ. ایندی‌یه‌دک، بیر کلمه‌ده گلینی ایله دانیشا بیلمه‌میشدی. ایت، قیزئین قۆجاغیندا هۆردۆ. آللاه ۆ اکبر، ۆ بورا گلسه‌لر، ایتی گرک حیطده باغلاسئین‌لار. اؤغلو، ایتین میندار اؤلماغینئ گلینه آنلادار. حتمن بو ایشی گؤره‌ر؛ نه جۆر اؤلسا، اؤز اوشاغئ، مۆسلمان بالاسئ‌دیر.

نامازدان سۆنرا اؤل ارینه دوعا ائله‌دی، سۆنرا اؤغلونا، قیزئینا، یئزنه‌سینه ۆ بالاجا نۆه‌سی کی، دۆنیایا گلندن بری قیزی ایله اری آرتیق اؤنو آز یۆخلاییردیلار. هامیدان سۆنرا دا اؤزۆنه. اؤلن‌لرین باغیشلانماسینا، قالان‌لارئن سلامت‌چیلیینه. اۆ گئنجه گلینینه‌ده خئیر دوعا ۆتردی.

پنجره دالئ آلاتورانلیق ایدی. قۆجا ننه صلوات چئویره- چئویره نامار بساطینئ یئیغیشدیردی. یاتاق اؤتاغینا گئدیب، ایشکافدان بۆیۆن باغینئ چیخاردی. دۆنن گئنجه اؤنو بۆیۆنوندان آچیب قۆیموشدو بورایا. گلین اؤلاندا رحمتلیک قایینآناسئ اؤنو بۆیۆنونا باغلامیشدی. بو بۆیۆن‌باغئ بیزیم ائوده همیشه بۆیۆک گلینه یئتیشیب. اؤنا الینی سۆرتدۆ. اؤغلو حتمن یادئیندا،

نئجه یاددان چیخارتسین؟ به‌یم بیر عؤمؤر اؤنو بؤیونومدا گؤرمه‌یب. ؤ اللشدی اؤغلو بو سؤزلری یاد دیلینده دئیه‌نده، گلینین قیپاقه‌سینی نظره گتیرسین.

بؤیؤن باغئ الینده، تئلفؤن بؤیروزنده ایلشدی. قیزیئنا زنگ آچماغئ ایسته‌دی، بورایا گلمه‌سینی، ؤ بؤیؤن‌باغیئنئ پؤست‌خانایا آپاریب اؤغلونون آدرسینه گؤنده‌رمه‌یینی. آنجاق هاوانئین ایشیقلانماسیئنئ گؤزله‌دی؛ قؤی قیزیئن اری ایشه گئتسین سؤنرا.

آمئریکایا فیرتانا گلن ایل، تئلؤیزیؤن اؤرائین اوچموش ائولرینی گؤرسه‌دیردی. خبرلر قورتارمامیش قیزیئنا زنگ ائدیب، دئمیشدی: بو اؤغلان نیپه زنگ ائله‌میر؟ ؤ دئمیشدی: اؤلمایا... او تئلفؤن دالیئندا آغلامیشدیئ. گئجه‌سئ قیزلا اری یانیئنا گلمیشدیلر. قیز دئمیشدی: آغا داداش اؤلدوغو ایالتدن هئچ فیرتانا کئچمه‌یب، اری دئمیشدی: تئلؤیزیؤنون دئدیک‌لرینه اینانما، او بؤیدا آمئریکادا یالنیز نئچه ائؤ خارابا قالیب. ؤ قؤجا ننه دئمیشدی: اؤزؤنه بیر زاد اؤلماسین، ائوی ده داغیلسا داغیلیب.

قیزیئ ایله ارینه باخیب دئمیشدی: هر نه ایسته‌سه گؤنده‌ررم،... لازیم اؤلسا ائؤیمی ده ساتیب پولونو...

یئزنه گؤلمؤشدؤ: ننه جان! اؤرا آمئریکادیر.- ؤ یئنی‌دن گؤلمؤشدؤ. قؤجا ننه اؤره‌یینده دئمیشدی هاراسیئ گؤلمه‌لی‌دیر؟ قیزی دئمیشدی: تؤیدا گؤلرلر ده.

قؤجا ننه اؤتاغیئن اؤرتاشیندا اؤیناییان قیزیلارا باخمیشدیئ. پنجره آرخاسیئندا، فیرتیئنا اسیردی ؤ قؤناق‌لار تئز- تئز ایچری گیریردیلر. گلین‌له بیؤ پیچیئلداشیب، گؤلؤردؤلر. نه اؤزلؤ گلین‌دیر ؤ قؤجا ننه دیل‌آلتیئ «و ان یکاد» اؤخودو. ایت، قؤناق‌لارین آیاق‌لاریئ آراسیئندان، اؤیان بو یانا قاچیردیئ. قدیم‌کی‌لر کیمی گنج اؤلموش اری، اونون قؤلوندان یاپیشیب، دئدی: یئنه نه‌یه دؤشؤنؤرسن.

سؤز اینجی‌لری:

امک حاققیندا

توپلایان: پزمان ائل قمی

امک، دونیادا بوتون یاخشیلیقلارین باشلانغیجیدیر، بوتون سئوینجلرین منبعی‌دیر.

ماکسیم قورکی

ایش، بیزی اوچ بلادان: آواراچیلیقدان، قباهتدن و ائحتیاجدان خیلاص ائدیر.

وولتئر

اینسانین لیاقتی اونون امه‌یی‌ایله موعیّن اولونور.

واگنئر

امک، اینسانی نجیب‌لشدیریر، اونو خئیرخاه ائدیر.

بئلینئسکی

امک، حیات لامپاسینا یاناجاق تؤکور، دوشونجه‌ایسه اونو یاندیریر.

ک. مارکس

بیزیم هر بیریمیز- اؤز امه‌ییمیزین اؤولادلاری‌یئیق.

سئروانتئس

اینسانین ماهیئتی یارادیجیلیق‌دیر. اونون داخیلی عالمی محض یارادیجیلیقدا داها آیدین معلوم اولور.

رومن رولان

حیاتین جوهری یالنیز امک‌دیر؛
زحمت‌سیز بیر اینسان نه‌یه گرکدیر.

نیظامی

امک دوستلوق یارادار.

قوته

ان بؤیوک حقیقت امک‌دیر، حیاتئین بوتون نشعه‌سی یارادیجیلیغی‌دیر. یاراتماق اولوموز اولدورمک دئمک‌دیر.

امیل زولا

زحمته قاتلاشسان موزادینا چاتارسان.

عاریف اردبیللی

امک‌له، آجیغ طالئعه قالیب گلرسن.

فنلاند آتالار سوزو

تارلادا ایزی اولمایانئین سوفره ده اوزو اولماز.

تورک آتالار سوزو

قایداسیز گؤرونن امه‌یین فایداسیز اولماز.

بولقار آتالار سوزو

خوشبخت‌لیک گؤزده اوچمور، او امکله قازانیلیر.

آلمان آتالار سوزو

خوشا گلن امک آداما چتین گلمز.

ویلیام شئکسپیر

امک‌سیز شن حیات اولابیلمز.

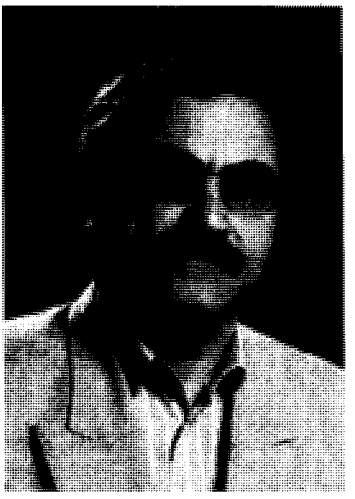
آنتوان چیخوف

اینسان زحمت‌سیز، اوز اینسان لیاقتینی ساخلایا بیلمز. بونا گؤره دیرکی، آوارا آدامیلار ظاهیری بؤیوک‌لوک قایغیسینا قالیرلار.

ل. تولستوی

قوی سنی دؤیدورسون چکدیین امک
سنه اوز هونرین اثیله‌سین کؤمک.

سعدی



باکئ خاطیره‌سی

جواد دربندی

چؤخدان ایدی باکئ‌نئ گؤرمک حسرتینده‌یدیم. آللاه هامئ‌نئین ایشین راست گتیرسین، آنجاق گئچن ایل نؤوروز باییرامئندا، باکئ‌یا گئتمک بیزه‌ده، قیسمت اولدو. حیات یؤللاشئیم، من، بیرده گؤل اوغلان و اونون عایله‌سی، باکئ‌یا یؤللاندیق.

اؤرک سؤزؤ، باکئ سفری، باکئ‌نئ گؤرمک، گزمک منه بیر آرزو اولموشدو. بختیم یار اولدو کی، عؤمؤرؤمؤن قوجا واختئندا آرزوما چاتام.

دؤغروسو اؤتای آذربایجان، گؤرمه‌لی، بیر اؤلکه‌دیر. اؤرانئ گزرکن، اوشاقلئیق چاغلارئم. یادئما دؤشدو. گؤزل- گؤزل، چؤللری، چایلارئ، چایلاردا چیمیشن، یاشئیل باشلارئ، قازلارئ، مئشه‌لری، الوان بیتگی‌لری، هرئیئر، یام ـ یاشئیل‌دیر، یؤل‌لار، دینج، سس‌سیز، گؤرؤلتؤدن اوزاق، نئچه ساعاتدا بیر مینیک ماشینی گؤررسن. دینج‌لیئی پؤزان، بئیئینه قؤوزا چکن، عصبی‌لشدیرن، مؤتورسیکلئت‌لردن خبر یؤخدور. چؤل‌لرده، یاماجلاردا، زمی‌لرده، آت، اینک، اؤتلایئیر. گؤزلرین سانکئ بیر رسسام تابلؤسونو سئیر ائدیر.

یؤل قیراغئندا، تندیرده پیشیریلن، ال‌چؤرک‌لرین، دادیندان لذّتیندن، یئمه‌سیندن دؤیمماق اؤلمور. نه باشئیزئ آغرئدیم، هاوا تپ ـ تمیز، سولار، دوم ـ دورو. بولودلار آغ ـ آپباغ، چؤللر یام- یاشئیل طبیعت. گئجه‌لر، گؤیلر آیلئ ـ اولدوزلو. بؤیؤک مؤغنی رشید بهبود اوفون باکئ‌نئین اولدوزلارئ ماهنئ‌سئ یادئنا دؤشؤر. آخئ بیز یاشادیغئمئز، تهران‌دا یازئق اولدوزلار دا، توستو

دومانئین قاتئ‌لئغئندا، بؤغولوب ایتیب باتئیبلار. خزر ئؤلو اوزونو، زمی- زمی‌دیر. هله زمی‌لر دووارلارلا، دؤستاق اؤلمامئش. چؤلؤ، ساحیلی، دیلیم ـ دیلیم بؤلؤب، حاصارلار ئایئیب‌لار.

آمما...

آممالار دا وار... آللاه‌دان گیزلین دئییل، سیزدن نه گیزلین، سیزدن اؤیانا سؤز اؤلماسئین. آیاغئمیزئ گؤمرؤکدن ایچری قؤیارکن مشدی عیبادئین فیلیمی ئادئما دؤشدؤ. گؤزؤمؤن اؤنؤنده جانلاندئ:

اششی واللاه، من چاپئلدئم، بیللاه من چاپئلدئم!...

هر باجادا، شیروان ئارئم، ئا ایکی شیروان «ترله گئچ» دانئشسان آغزئن اوچوقلار؟

بونون تاسؤفلندیریجی ئانئ اؤ ایدی کی، هانسئ داراقدا توخوئورسان توخو، اؤنمی ئؤخ. پول وئریب گئچه بیلرسن!... بو دا طبیعی کی، هر جؤره قانون ئؤزان، نادئهیم آداملار ئؤل آچا بیلر... بیر سئرا فؤرصت‌طلب‌لرین الینه دؤؤ دؤشؤر گل گؤره‌سن. دؤستوملا من بونا گؤره چؤخ تأسؤف‌لنیردیک، چؤنکی، بیلدییمیزه گؤره اؤ اؤلکه‌ده، هله‌لیک نئعشه‌دن، اؤیوشدوروجودان خبر ئؤخدور. آمما بللی‌دیر. بئله گئتسه، مین بیر فساد تؤره‌نر. گله‌جکده بو شؤوقریب (نعشه)ده، زلی‌کیمی خالقین جانئینا دؤشر، ایلیشیم کیمی هرئئری بؤروئر... گئچک.

... باکئیدا، حؤسئین حاجئ قولو اؤغلو ایله بیر گؤروشده، تانئیش اؤلدوم. هئچ منی تانئیمادان، بیلمه‌دن ناهارا قؤناق ائله‌دی. چؤخ ایسته‌ملی، خؤش‌صؤحبت، جانا ئاتان، قؤناق سئوئن، آشئق و آشئق صنتینه وورغون بیر کیشی ایدی. بو، دؤنیا گؤرموش مئهربیان آدام، ائوینی آشئقلار موزه‌سینه چئوئیریب، آشئقلارئن شکلی ایله بزه‌میشدی. اونلاردان منه بیر چؤخ ئادیگار وئردی.

ایرانئین بو گؤنکؤ ساز صنعتچی‌لریندن، ئالنئز، چنگیز مهدی‌پورون، ساز الینده‌کی، شکلی‌نی کیتاب جیلدیندن قؤپاردئب، دووارا آسمئشدئ. آمما چنگیزین‌ده کیم اؤلدوغونو، هارالئ اؤلدوغونو بیلمیردی.

- بو آشئغئین دوروشوغوندان، سیماسئیندان خؤشوم گلیر دئییردی.

چنگیزین ایرانلئ اؤلدوغونو، اونا تانئتدئردئم. حاققئندا معلومات وئردیم. «عاشئقلار دؤنیاسئ» کیتابئنئ‌دا اونا تؤحفه وئردیم. چؤخ سئوئندی. کیتابئن شکیل‌لرین گؤرنده آزقالئردئ قاناد آچئب. اوچا، حئییف اؤلسون، بیزیم الیفادا اؤخویا بیلمیردی...

اؤغلانلارئن، نؤه‌لرین باشئمئزا توپلادئ، چؤخلو حؤرمت ائله دیلر.

دادلئ- دادلئ ئئمک‌لر پیشیرمیشدیلر. اللری آغرئماسئین...

نؤوروز بایرامئ، ساز آواز ایله، شهرین هر بیر ئئرین‌ده حتّا کؤچه‌لرینده قارشئلانئردئ.

ئئنه ده اوشاقلئق چاغلارئم ئادئما دؤشدؤ...

سۆنرا، ساز- سۆز بایرامیئنسئین (ددە علسگرین) دیرلی اونودولماز آغئرلاما مراسیمی، اونودولمامالیئدیئ. زلیم‌خان دئمیشکن... عۆمرۆمه یازیلان دقیقه‌لردی...

آمما حسئیف اۆلسون کی، باکیئنسئین بو مئهریبان، قۆناق سئۆن آدامларیئنسئین، صنت اهلی‌نین، یازیچیلارئین، امکلرینی... بعضی پۆلیس‌لرین، قۆیدوغو داۆرانیشلاریئ، شیرین خاطیره‌لره آجیئلار قاتیرلار. تصادۆفی یۆخ، بیر قایدا یا دۆنمۆش گۆرۆنۆردۆ. قانونوموز، آدابیمیزا گۆره، بیزیم قادیئنلار، باش اۆرتۆلۆ ایدیلر. بودا بیزیم بو تایلی اۆلدوغوموزون نیشانیئ ایدی.

مئترۆیا مینرکن، بو قالابالیئق جمعییئتین ایزدیهامیئنسئین ایچینده، قریبه اۆلماغیمیز گۆزه وۆروردو.

پۆلیس، بوسقودا، یاتمیش اۆچو کیمی، اۆزۆنۆ بیزه یئتیریب سۆروشدو...

- ایرانلیئسیز؟

- بلی.

- پاسپۆرت.

- بویورون بودا پاسپۆرتلار.

- پاسپۆرتا باخیب، باهانا تاپانمادیئ.

- گلین، پۆلیس ایداره‌سینه.

- خیئر اۆلا قارداشیم، نه اۆچۆن؟

- اۆرادا بللی اۆلار!!

- هامیئنیز گلین...

- قۆیۆ من گلیم دئدیم.

- یۆخ، هامیز گلین.

ایکی قادین، ایکی کیشی، بیر کیچیک قیز اوشاغیئ. جان باسا- باسا. پۆلیس ایداره‌سینه ساریئ یۆللاندیئق.

... یئر آلتیئندا، اوزون وحشت وئریجی بیر، یۆلچولوق باشلاندیئ.

«گۆرن گۆناهیمیز نه‌دیر؟!»

- یئتیین اۆلون.

ـ باش اۆسته همشهری. گۆرۆرسن کی، بو قادیئنسئین قیئچلاریئ آغریئیر. بیزله آیاقلاشانمیر. ایذن وئرسن بورادا ایله‌شسئین، من سیزینله گلیم.

- اۆلماز.

اوزون سۆزۆن قیسسا‌سیئ.

بیر پۆلیس قاباقدا، ایکی قارایاخا پۆلیس‌ده آرخادا، چۆخلو پیلله ـ ائـنیب قالخانـدان سـۆنرا پۆلیس ایداره‌سینه چاتدیق.

گلیب گـئدنلرده، بیزلره مۆجریم‌لر کیمی باخـیردیلار.

دۆزۆ بیزه ده آغـیر گلیردی... گزمه‌یه گلدیک، گۆر هارا دۆشدۆک...

ایچری‌ده، بیر ساریٔ بـاش، گـۆیٔ گـۆز قـادین پـۆلیس، قـاپیٔنـین اۆنۆنـده، دوروب بیـزیم دۆزه‌میزه تۆپلاشدیلار.

ایراق اۆلسون ائله‌بیل‌کی، «آمریکالی‌لار، افغانیستانلیٔ مۆللاعۆمری گیره سالـیبلار».

ـ سیز گـئچین ایچری.- دئدیلر.

اۆنجه منله عیال ایچری کـئچدیک.

ـ یاشلیٔ بیر پۆلیس، پاسپۆرتلارا باخارکن قاشلارین دۆیۆنله‌ییب سۆروشدو:

ـ هاردان گلیب‌می‌سینیز؟

ـ ایران‌دان، آذربایجانلیٔ‌یـئیق، دئدیم.

ـ نه اۆچۆن گلیب‌می‌سینـیز؟

ـ گزمه‌یه، باکیٔنیٔ گۆرمه‌یه!

ـ آلـیش- وئریش‌چیٔ سینیز؟

ـ یۆخ، دۆولت قوللوقچوسویوق! بویورون، بودا مینم کیملیک کارتـیم.

کارتیٔ آلدیٔ باخدیٔ باش چـیخارتمادیٔ. معلوم، اۆلدو کی، بیزیم یازیٔنیٔ اۆخویانمـیردیٔ.

ـ قارداشـیم، اینگیلیس‌جه بیلرمی‌سینیز؟ کارتـین دالـیندا، اینگیلیس‌جه یازیلـیب، باخیٔنـیز! باخمادان سۆروشدو.

ـ دۆلار، نه قدر وارئیزدیٔ؟

ـ اۆنو نـئیلیرسن؟ - دئـیه سۆروشدوم - اۆچ‌یۆزه قدەر.

ـ جیب‌لری‌نـیزی بۆشالدین!

گۆز اۆسته،

سۆزۆ قـیسسالداق، جیب‌لریمیزده خـیردا پولدان توتدو، هر نه، شـیروان ـ مانـات قـیئۆیـئر— زیئویر، نارین ـ نورون وارئیدیٔ، بۆشالـتدیق میزین اۆستۆنه. ال کیف‌لرینیده ائله سینه.

ـ دایٔ بیر شئیٔ قالمادیٔ،- سۆروشدو...

ـ یۆخ، اۆزۆنۆزده باخا بیلیرسیز »،- دئدیم.

خۆلاصه، قۆلتوق آلتیٔ، شالوار ایچی، هئچ بیر بور- بوجاق قالمادیٔ کی بـاش چکمـه‌سـینلر، گزمه‌سینلر.

دؤلارلارا باخـیب. سؤروشدو: بونلار، ساختا (تقلّبی) دئـییل‌کی؟

ـ آخئ آغـئللئ آدام، ساختا دؤللارئ جیبینه قؤیارمی؟

سؤز اوزاندئ، تفتیش، سؤرغو سوآل، بیر ساعاتا قدر چکدی، مـاراقلئ‌سـئ بوراسـئ ایـدی: سرحددن گیررکن. ال قؤلوموزو سالـلایـئیب، گیرمیـشدیک! کیمـسه بیـزدن سؤروشمامیـشدئ، کـی چانـتانـیزدا، نه، وار!

آمما بورادا، دؤستومون آذربایجـان یـازیچیلار بیرلیییـی، عؤضـوؤ اؤلـدوغونادا، هـئچ محـل قؤیمادیلار. عرض اؤلسون آغامیز قوللوغونا!

بورنوموزدان گلدی، عیال ایسه کؤزه‌دیردی، عؤمؤرنده، بئله بیر صحنه گؤرمه‌میش ایدی اؤدا، آدام سئودیئی یـئرده. پؤلیس‌لرین اؤنؤنده، اؤجادان دئدی:

– خطا سن‌ده دیر، اؤز خارابامـیزدا، راحات اؤتورموشدوق، نه باکئ، بـاکئ دئـییرسن! بیـرده سن اؤلاسان، باکئ آدئ چکمه‌یه‌سن! بوییورا! بودا بـاکئ! گزمـه‌یـه گلـدیک. بـونلار بیـزی گزدیلـر. حققی‌ده وار‌یدی. دؤؤره‌میزی آلان پؤلیس‌لره باخـیب دئـییردی:

– ایراق اؤلسون، ائله بیل تئرؤریست گیره سالـیبلار. یا کـئفلی اؤستؤنه طلبه تؤکؤلؤب. سـن اؤل دای، باکئ حسرتی چکمه!

اؤزؤمؤ پؤلیسه توتوب:

– آ دؤستؤم نه دالیجا گزیرسیز؟ دئییین من سیزی راحاتلایـئیم.

ـ ایرانلـیلار، اؤیدوروجو، نـعشه گتیریرلر.... بیزده...

ـ چؤخ یاخشئ، بیزده، گؤمرؤکده، بو فیکیرده ایدیک. بس نییـه، گؤمرؤکـده آختارمـادیلار؟! اؤرادان دؤه جاهازیلان گئچیر سیز اؤرانی قؤرویون. بیرده منیم، دؤستومون کارتلارئن گؤرمه‌دیزمی؟ بو یاش‌دا، آداملارا، بو آروواد ـ اوشاغا ـ بئله ـ بئله ایشلر یاراشارمئ؟– دئدیم.

– پؤلیسیک، وظیفه‌میزدی!– دئدی.

گؤل اؤغلانا دا، بو حرکت چؤخ دیدی. آمما نـئجه دئمیشلر عاشیق معشوقوندا هئچ عئـیب بیلمز.

– اؤ اؤلسون جانـیم، هر گؤزلین بیـر عئـیبی اولار، بـودا بورانـئین عئـیبی‌دیـر، – دئـییب یاسالایـئیردئ. سؤز اؤرییمده پندام ائله‌دی. اؤزؤمؤ ساخلیانمادیم دئدیم:

– بیزیم اؤلکه‌میزه گلنده، سیزلری تؤرک، دین قارداشئ، بیلیب حؤرمت ائله‌میشیک. حتّا مـن اؤز نؤؤبمده، اؤزؤمه وظیفه بیلیب، سیزین اؤچ نفر یاخالانمئش موسیقی‌چیزه مؤفته– مجانئ وکالـت ائله‌ییب، آغـیر جریمه‌لرینی ده، اؤز جیبی‌میزدن وئریب حؤرمت‌له یـؤلا سالمیـشیق. بـودا بیـزیم «ال قؤلون ـ آغرییماسین» مؤکافاتئ‌دیر.

آتا بابالاریمیزین قیزیل سو ایله یازیلمالیق سؤزه دیققت ائدین.

عزیزیم دوست آشیق — دوست چؤرپی، دوست آشیق،

دوشمانین گؤللهسیندن — یامان اؤلار دوست، داشیق!

آیری بیر اؤلکهده، بیزه بئله یاناشسایدیلار، بئله آغیر گلمزدی.

نه تهر اؤلدو، بیر بئله گلیب گئدنلر آراسیندا تکجه بیزدن شؤبههلندینیز!

اؤتایلیق اؤلماق سوچمودور!

نه باشیزیق آغریدیم، دؤلارلاریمیزیدا، قایتاریب وئردیلر، اؤنلارا بیر شیق توخدامادیق. بلکه ده، بللی اؤلان، شانسین گتیرمهمهسیندن سامانلیغا دؤشمؤشدؤلر.

بو ماجرادان، اؤنلارا، بؤش ال، بیزه حئیرت قالدیق. گؤناهیمیزیدا بیلمهدیک؟!

آغزیمیز آجیق ـ آجیق ـ بوراخیلدیق.

و منیم سؤزلریم و آتابابامیزین بایاتیسی، اؤنلاردا اثر باغیشلادیق.

بیریسی، بیزی گتیریب یؤلا سالماق ایستهدی. آمما اؤلان ـ اؤلوب گئچن گئچمیشدی. سهند دئمیشکن: جالانان سو بیرده، کؤزؤیه دؤلماز...

بیزی یؤلا سالان پؤللیسدن تشکؤر ائلهییب دئدیم:

ـ نه باشیمیزیق سیندیرین، نه جیبیمیزه قوز دؤلدورون...

اؤردان قورتولاندان سونرا، عیال اؤنلارین اؤنونده دئدی:

دؤنیانیق وئرسهلرده بورادا، قالمارام کی ـ قالمارام. یؤک ـ یاپیق گؤتؤرؤب، ایندیجه یؤلا دؤشک.ـ دئدی.

دایق قایغیدان باش گلن باشین گؤزللیکلری گؤزه گلمیردی. اؤز اؤینندن کؤسن کیمسه تک چؤللر، گؤزللیکلر بیزه قاشقاباغین سالامیشدیر. آللاه قدیمکیلره رحمت ائلهسین دئییبلر: «عمیدن ـ دده ـ خالادان نهنه اؤلماز».

نئجه کی للهه دئییب: کرم سنین، عاغلین، هوشون اؤلسایدیق

اؤز یئرینده سؤلطانیغدین خانیغدین.

دالغا

مرضیه احمدی اسکوئی(دالغا)

خئیردا، اینجه آرخ ایدیم
مئشه‌لردن، داغلاردان
دره‌لردن آخئیردئیم
بیلیردیم دورغون سولار
اؤز ایچینده بؤغولار
بیلیردیم دریالاردا
دالغالار قوجاغئیندا
خئیرداجا آرخ‌لار اؤچؤن
یئنی حیات دؤغولار.
نه یؤلون اوزاقلئیغئ
نه قارانلئیق چوخورلار
نه دورغونلوق هؤسی
منی یؤلدان قؤیمادئ
ایندی قارئشمئیشام من
قورتولماز دالغالار
وارلئیغئمئز چالئیشماق
یؤخلوغوموز دایانماق

زامانئین قایداسئ

مهدیه مصدق پور

آی ایشئیغئیندا، قاپئیدا چئیخدئیم
باخدئیم چئیلپاق آغاجلارا
یئره تؤکؤلن ساریئ یاپراقلارا
ال آتئیب یئردن
بیر یاپراق گؤتؤردؤم
یاپراغا باخدئیم ... باخدئیم ...
بئینیمده سوآل‌لار قئیژیلئیب قالدئ!
یاپراق نییه سارالدئین؟
یاپراق نییه سؤلدون؟
عؤمرؤن قورتاریب؟
دؤوارنئین دؤنؤب؟
کی سریلیب‌سن یئره!
سوآلئیمدان اؤزؤمؤنده گؤلمه‌یئم گلدی
اؤز — اؤزؤمه دئدیم:
– سن‌مگر بیلمیرسن هر شئیئین سؤنو وار؟
دؤشؤندؤم ... دؤشؤندؤم ...
قارا گئجه سؤنا یئشته‌جک
ایشیئق دؤغاجاق
نور ساچاجاق !

عؤمؤرجه‌دیر آرزودایام!

ع. ن. چاپار

یاشایئیش جادالارئندا،
باخئیشلار اوزاندیقجا،
سؤزلر قئیسالاجاق.
قئیسالاجاق دانئیشئیقلار،
ناغئیلارا...
عؤمؤر،
کئچیدلریندن سؤزه‌ـ سؤزه‌ـ
اوجالاجاق.

آرزولار اوجالمایاجاق.
اوجالمایاجاق حسرتلر- ده.
عؤمؤر- ده، جالاناجاق،
یاشایئیش جادالارئندا،
باخئیشلار اوزونو،
بؤتؤن آرزولارـ
وئـ بؤتؤن حسرتلریله بیرگه!
...
...
بیلمم،
بلکم‌ده بیر یئنی تسللی‌دیر منه، بو.
بلکم‌ده بیر رؤیادئیر،
بلکم ده بیر یوخو!
ائه...
بو حسرت نه‌دیر کی-
اؤتؤرمؤر منی؟!
بو آرزو،
نه اؤچؤن سارئلئیب قانادلارئمدان؟!
باخئیش‌لارئم،
یاشایئیشئین جادالارئندا حسرته‌دیر.
کئچیدلردن سؤزه- سؤزه
عؤمؤرجه بیر آرزودایام.

آنا

غلامرضا خیّاطی

قارشئیدان بیر قادئین گلیر
سنه تانئیش
منه تانئیش
اؤنا تانئیش
سینه سینده قئیزئیل بئشیک
محبّتدن دئشیک- دئشیک
اوشاقلارا وئریر کئشیک
بؤتؤن دؤنیا اوشاقلارئ
اؤردان منه
اؤردان سنه
اؤردان بیزه
ال ترپه‌دیب گؤله- گؤله
سالام وئریر
او آنام دئیر
بیزه قارشئ
گؤلؤمسه‌ییب
سالام وئریر!

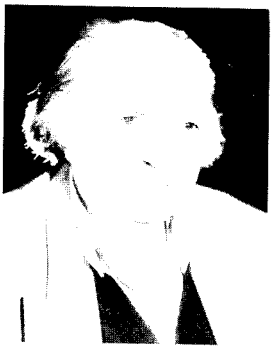




کرج شهری‌نین کؤچر آدلیٔ مدنییّت ائوینده، آبان آیی‌نئین ۲۶-سیندا ساهیر، صابیر، نباتی، ادبی انجومن‌لری، ایشیق گنج‌لری، اوستاد شاگیانئین دوستلاریٔ و عاییله‌سین‌نین ایش بیرلیئی ایله: آذربایجانئین گؤرکملی ادبی‌سیماسیٔ تانئینمیش شاعیر، ادیب و تدقیقاتچیٔ اوستاد احمد شایا (آلاز)نئین آنما مراسیمی کئچیریلدی. بو طنطنه‌لی مراسیمده ایشتیراک ائدن آذربایجانئین تانئینمیش عالیم، تدقیقاتچیٔ و شاعیرلری اوستاد شایانئین اثرلری‌نین عئلمی و ادبی دیرلری باره ده، ادیبین عئلمی سؤیئه‌سی حاقدا درین مضمونلو چیخیشلار ائتدیلر. اونلارین چوخو اوستاد شایانئین اوزون ایللر اوزه‌رینده چالیشدیغیٔ فارسجا- آذربایجانجا ایضاحلی لوغتی‌نین چاپ اولماسینیٔ خوصوصیله قئید ائتدیلر.

بیزده گؤرکملی شاعیر و عالیم اوستاد احمد شایا (آلاز)نئین خاطیره‌سینی عزیز توتاراق اونون چاپا حاضیرلانمیش اولان عئلمی- نظری اثرلری‌نین چاپ اولمامیش شئعرلری‌نین چاپ اولوب یاییلماسینیٔ اورکدن آرزولاییریق.

آذری



آلقیشلادیم حقیقتی آنانلارین عئشقینی
یئر اوزونده ائل دردینی قانانلارین عئشقینی
الی قابار، آلنیٔ آچیق، اینسانلارین عئشقینی
نغمه قوشدوم، ایللر بویو وطن دئدیم، دیل دئدیم
سینه گردیم، سؤزلریمی بم دئمه‌دیم، زیل دئدیم

آذربایجانئین سئویملی اوغلو ائل شاعیری اوستاد مرادعلی قریشی (قافلانتیٔ)ده آرامیزدان کؤچدو. بو نجیب، زحمتکئش، ساده و صمیمی شاعیرین اثرلری اونون **عوامور آیناسیٔ** ایدی. ائلیمیزین آرزو و ایستکلرینی ساده، آچیق و اوره‌یه یاتان بیر دیلی ایله ترنّوم ائدن شاعیر اوخوجولارا یاخشیٔ تانئیشئیدیٔ.

قافلانتیٔ‌نئین ساده ائوی گئنش اوره‌یی ایللر بویو بیر چوخ ادبیاتچیلارین اومید یئری اولموش و اونون ائوینده چوخلو شئعر آخشاملاریٔ و ادبییات گونلری کئچیریلمیشدیر.

آذربایجان‌نئین قئیرتلی و ائل سئور شاعیری اوستاد قافلانتیٔ‌نئین اولوموّ مونا‌سیبتیله، شاعیرین موحترم عاییله‌سینه، دوستلارینا، قلمداشلارینا و آذربایجان خالقینا باش ساغلیغیٔ وئریب، و اونون خاطیره‌سینی عزیز توتوروق.

آذری



قوپوز، ساز آفرینش
(اثر تحقیقی)
محمدپسندی حکم‌آبادی
ناشر: مؤلیف
سال: ۱۳۸۴
قیمت: ۱۰۰۰ تومن



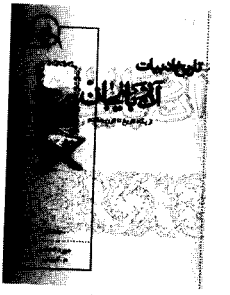
سؤرگؤن اللریم
(شعر)
ناصر داوران
ناشر: مؤلیف
سال: ۱۳۸۴
قیمت: ۱۲۰۰تومن



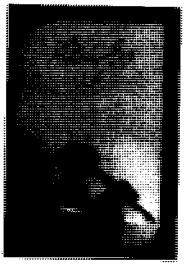
آذربایجان ادبیات تاریخیندن قیزیل یارپاقلار(ایکینجی جیلد)
تحقیق ادبی
عزیز محسنی
ناشیر: دفتر نشر نوید اسلام
سال: ۱۳۸۲
قیمت:۱۰۰۰تومن



یاشیل دؤزؤم
(حیکایه‌لر)
یوسف بهنمون(دالغین)
ناشر: یاز
سال:۱۳۸۴
قیمت: ۲۵۰۰تومن



تاریخ ادبیات آذربایجان ازپگاه تاریخ تا قرن هشتم(جلد اول)
م. کریمی
ناشر: دارلهدای قم
سال۱۳۸۴
قیمت:۷۰۰۰ تومن



دارتیلمامیش دنلر
(حیکایه‌لر)
حیدر عباسی(باریشماز)
ناشر: نشر اوحدی
سال:۱۳۸۴
قیمت:۱۵۰۰ تومن

حؤرمتلی صدیار وظیفه (ائل اوغلو) جنابلاری،

خداآفرین درگی‌سینی‌نین سردبیری، ایجرائیه مؤدیری و عزیز امکداشلیمیز: سیزی آذربایجان دانیشگاهی طرفیندن فخری دؤقتورلوق عؤنوانی آلماغیزینیز مؤناسیبتیله اؤرک‌دن تبریک ائدیریک.

آذری

اهدای کتاب به قرائتخانه‌های عمومی شهرهای آذربایجان

«کمیسیون اهدای کتاب»در گام بعدی خود تعداد یک دوره سه جلدی کتاب ارزشمند «آذربایجان دیلی‌نین یضاحلیْ لوْغتی» را علاوه بر آدرسهای قبلی هر یک از قرائت‌خانه‌های زیر ارسال کرد. امید است در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

ارومیه- داخل پارک ملت – (کتابخانه علامه طباطبائی)- **اشنویه**- دروازه ورودی شهر- بلوار بسیج – (کتابخانه عمومی)- **بوکان**- بلوار شهید بهشتی- داخل پارک کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری- **پیرانشهر**- خیابان سعدی غربی- روبروی مخابرات (کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری)- **تکاب**- خیابان شهید- داخل پارک‌شهر- (کتابخانه عمومی تکاب)- **چالدران**- خیابان ۱۷ شهریور- (کتابخانه شهید مطهری)- **خوی**- خیابان دادگستری – داخل پارک (کتابخانه ۱۵ خرداد)- **سردشت**- بلوار هفت تیر- پارک کردی- (کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری)- **شاهین‌دژ** – خیابان شهدا- روبروی مدرسه شاهد (کتابخانه علامه مجلسی)- **ماکو** – خیابان امام – جنب شهرداری- (کتابخانه امیرکبیر شوط)- **مهاباد**- خیابان امام – جنب صدا و سیما- کتابخانه مجتمع رهنگی و هنری)- **میاندوآب**- داخل پارک شهر- (کتابخانه علامه دهخدا)- **نقده**- انتهای خیابان شهید مسافری- (کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری)

اقدام «کمیسیون اهدی کتاب» با استقبال شایسته‌ای مواجه شده این کمیسیون در گام های بعدی خود: به یکصد کتابخانه عمومی آثار زیر فرستاده شده است.

۱- مجله آذری (از شماره ۱ الی۸) و «درباره‌ی نگارش زبان آذربایجانی»

۲- استاد **عزیز محسنی** از نویسندگان به نام و پرکار آذربایجانی نیز با همکاری کمیسیون اهدای کتاب ۷عنوان جلد از آثار خود را با هزینه شخصی خودشان ارسال کرده‌اند.

عنوان کتابهای استاد عزیز محسنی:

۱- چای آخیر- ۲- دده قورقود ۳- آذربایجان ادبیات تاریخیندن قیزیل یارپاقلار (ایکینجی جلد) ۴- نمونه‌هایی از شعر معاصر آذربایجان ۵- دینله منی ۶- شاعر و شعر ۷- یورد. این آثار به کتاب‌خانه‌های زیر ارسال شد.

قابل توجه

از تمامی اهل قلم و علاقمندان که مایل به فعالیت در این زمینه هستند. در صورت تمایل جهت اهدای کتاب می‌توانند به کمیسیون مراجعه کنند با خود شخصاً به آدرسهای زیر ارسال نمایند.

آذرشهر- خیابان امام- بلوار شهدا- کتابخانه آذرشهر- **آذرشهر**- روستای تیمورلو -کتابخانه تیمورلو- آذرشهر- روستای فیروز سالار- جنب مخابرات - کتابخانه فیروز سالار- **آذرشهر**- **گوگان** – خیابان امام جنب مسجد امام - کتابخانه گوگان- **آذرشهر**- ممقان- خیابان امام - کتابخانه ممقان- **اسکو**- خیابان امام- میدان مرکزی - کتابخانه اسکو- **اسکو**- ایلخچی- خیابان ۱۷شهریور- جنب پاسگاه کتابخانه ایلخچی- **اهر**- خیابان حزب‌الله - کتابخانه

شیخ شهاب‌الدین- اهر- بخش خاروانا- دهستان دیزوار مرکزی - کتابخانه خاروانا - **اهر**- بخش ورزقان- دهستان ازومدل - کتابخانه ورزقان- **اهر**- هوراند• روبروی گلزار شهدا - کتابخانه هوراند- **بستان‌آباد**- خیابان طالقانی- خیابان ۲۹ بهمن - کتابخانه بستان‌آباد- بناب- خیابان باهنر- بلوار شهید مدرس - کتابخانه بناب- **تبریز**- پشت باغ گلستان- خیابان خرمشهر- کتابخانه ملی (مرکزی)- **تبریز**- خیابان خاقانی- میدان دانشسرا- کتابخانه تربیت - **تبریز**- چهارراه مفتح- سه‌راه توکلی- کتابخانه امیرخیزی- **تبریز**- خیابان شهید بهشتی- کتابخانه رشدیه- **تبریز**- جاده ائل گلی- گلشهر- خیابان گلها – کتابخانه پروین اعتصامی- **تبریز**- سردرود- خیابان امام- محله سنگستان- کتابخانه سردرود- **تبریز**- باسمنج- خیابان امام- پاساژ ولی‌عصر- کتابخانه باسمنج- **تبریز**- خسروشهر- خیابان امام- اول کوی پاسداران- کتابخانه خسروشهر- **تبریز**- خسروشهر- روستای اسفهلان- کتابخانه اسفهلان- **تبریز**- بارنج- روبروی شرکت نفت- کتابخانه بارنج- **جلفا**- بخش مرکزی- پارک‌شهر جلفا- کتابخانه جلفا - **سراب**- خیابان بهشتی- کتابخانه عمومی سراب - **سراب**- مهربان- خیابان طالقانی- کتابخانه مهربان- **سراب**- شربیان- خیابان کمربندی- کتابخانه شربیان- **شبستر**- شندآباد- خیابان شهرداری- کتابخانه شندآباد- **شبستر**- وایقان- بلوار امام(ره)- کتابخانه وایقان- **شبستر**- تسوج- خیابان امام- جنب شهرداری- کتابخانه تسوج- **شبستر**- دریان- خیابان شهید جلال محمدنژاد- کتابخانه دریان- **شبستر**- خیابان شهید بهشتی- بالاتر از اداره اوقاف- کتابخانه شبستر- **شبستر**- صوفیان- خیابان امام – خیابان ولیعصر(ص)- کتابخانه صوفیان- **شبستر**- خامنه- خیابان شهدا- کتابخانه خامنه- **کلیبر**- خیابان امام – کوچه برق- کتابخانه برادران کلیبر(۲)- **کلیبر**- خیابان جاده- روبروی اداره راه‌و ترابری- کتابخانه خواهران کلیبر(۱)- **کلیبر**- خداآفرین- شهر خارلو- کتابخانه خداآفرین• **کلیبر**- خداآفرین- دهستان لاریجان- کتابخانه لاریجان- **مراغه**- خیابان معلم شمالی- ساختمان اول- کتابخانه مراغه(۲) خواهران- **مراغه**- خیابان معلم شمالی- کتابخانه(۱) برادران- **مرند**- بلوار شهید کسائی- پارک‌شهر- کتابخانه مرند(۱)پارک‌شهر- **مرند**- بخش زنوز- خیابان شهرداری- روبروی مسجد جامع زنوز- کتابخانه زنوز- **مرند** روستای یکان کهریز- کتابخانه یکان کهریز- **ملکان**- خیابان امام خمینی- روبروی بهداشت و درمان- کتابخانه ملکان- **میانه**- خیابان امام خمینی روبروی اداره راه و ترابری- کتابخانه میانه- **میانه**- کاغذکنان- آق‌کنده- جنب خدمات کشاورزی- کتابخانه کاغذکنان- **میانه**- ترکمن‌چای- خیابان امام خمینی- کتابخانه ترکمن‌چای- **هریس**- جنب دبیرستان شهید مدنی- کتابخانه هریس- **هریس**- خواجه- خیابان امام- خیابان ۳۵متری- کتابخانه خواجه- **هریس**- زرنق- بخش مرکزی- کتابخانه زرنق- **هشترود**- خیابان امام- جنب بیمه ایران- کتابخانه هشترود(۱) برادران- **همدان**- همدان- میدان فردوسی- ابتدای خیابانی طالقانی- جنب پارک کودک- کتابخانه آزادی- **همدان**- همدان- میدان شاهد- جنب پارک شاهد- کتابخانه شاهد - **همدان**- اسدباد- خیابان امام خمینی(ره)- پارک شهید رجائی- کتابخانه عمومی شهید رجائی اسدآباد - **همدان**- بهار- خیابان شهید مدنی- کتابخانه عمومی آیتا... بهاری- **همدان**- تویسرکان- میدان فرشید – بلوار معلم- کتابخانه رضی‌الدین آرتیمانی- **همدان**- رزن- خیابان شهید مفتح- شهرک فرهنگیان- کوچه ارشاد-

کتابخانه عمومی ملاحسینقلی - **همدان**- کبودر آهنگ- خیابان شهید باهنر- کوچه امامزاده- کتابخانه عمومی شهید اشرفی- - **همدان**- ملایر- بلوار ۱۵خرداد- کتابخانه عمومی علامه‌امینی ملایر- کدپستی- **زنجان**- زنجان — خیابان سعدی وسط- نرسیده به چهارراه انقلاب- کتابخانه سهروردی - **خرمدره**- کتابخانه-سیدجمال‌الدین اسدآبادی- **خدابنده**- سهرورد- کتابخانه شیخ‌اشراق- **ابهر**- کتابخانه علامه‌طباطبائی- **زنجان**- سایین‌قلعه- کتابخانه شهید مطهری- **زنجان**- سلطانیه- کتابخانه ولیعصر(عج)- **زنجان**- هیدج- کتابخانه حکیم هیدجی- **زنجان** - قیدار- سجاس- کتابخانه سجاس- **زنجان**- زنجان‌رود- قره‌بوطه- کتابخانه اندیشه- **زنجان**- طارم- آب‌بر- کتابخانه شهید بهشتی- **زنجان**- ماهنشان- کتابخانه شهید رجائی- اردبیل- چهارراه امام- جنب استانداری- کتابخانه شماره یک اردبیل- **اردبیل**- سرعین- کتابخانه عمومی سرعین - **اردبیل**- نمین- کتابخانه عمومی نمین- **اردبیل**- نیر- خیابان امام- روبروی فرمانداری- کتابخانه شماره یک نیر - **اردبیل**- خلخال — روبروی فرمانداری- کتابخانه شماره یک فرمانداری- **اردبیل**- هشتچین خلخال- کتابخانه عمومی هشتچین - **اردبیل**- کلور خلخال- کتابخانه عمومی کلور- **اردبیل**- مشکین‌شهر- خیابان امام- میدان آزادی- کتابخانه شماره یک مشکین - **اردبیل**- گرمی- جنب فرمانداری- کتابخانه شماره یک گرمی - **اردبیل**- آنگوت- کتابخانه عمومی آنگوت- **اردبیل**- پارس‌آباد- خیابان امام جنب دارالقرآن- کتابخانه عمومی پارس‌آباد- **اردبیل**- روستای اجیرلو- کتابخانه عمومی اجیرلو- **اردبیل**- بیله سوار- جنب هلال‌احمر- کتابخانه عمومی بیله‌سوار - **اردبیل**- عمبران نمین- کتابخانه عمومی عنبران نمین- **اردبیل** — لاهرود- جنب امامزاده مشکین‌شهر- کتابخانه عمومی لاهرود- **ردبیل**- روستای ثمرین اردبیل- کتابخانه عمومی ثمرین- **ارومیه**- داخل پارک ملت- کتابخانه علامه طباطبائی- **ارومیه**- جاده ارومیه- سلماس دهستان قوشچی- **اشنویه**- شهرک فرهنگیان — جنب مسجد- کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری- **بوکان**- بلوار شهید بهشتی- داخل پارک- مجتمع فرهنگی و هنری - **پیرانشهر**- خیابان سعدی غربی- روبروی مخابرات- مجتمع فرهنگی و هنری - **تکاب**- خیابان شهید بهشتی- داخل پارک‌شهر- کتابخانه عمومی تکاب- **چالدران**- خیابان ۱۷شهریور- کتابخانه شهید مطهری- **خوی**- خیابان دادگستری- داخل پارک- کتابخانه پانزده خرداد- **سردشت**- بلوار ۷تیر- پارک کردی- کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری- **شاهین‌دژ**- خیابان شهدا- روبروی مدسه شاهد- کتابخانه علامه مجلسی- **ماکو**- خیابان امام — جنب شهرداری- کتابخانه امیرکبیرشوط- **مهاباد**- خیابان امام- جنب صدا و سیما- کتابخانه مجتمع فرهنگی وهنری- **میاندوآب**- داخل پارک‌شهر- کتابخانه علامه دهخدا- **نقده**- انتهای خیابان شهید مسافری- کتابخانه مجتمع فرهنگی و هنری-

انتشار جلد اوّل از دوره‌ی ۶جلدی کتاب گرانسنگ«**تاریخ ادبیات آذربایجان**» اثر همکار پرتلاش ما: محقق گرانمایه جناب آقای **مهندس محمدرضا کریمی** گام نوید بخشی در زمینه ادبیات پژوهی آذربایجان است.

ما انتشار این اثر ارزشمند را به تمامی فرهنگ‌دوستان و ادب‌پروران آذربایجان تبریک می‌گوییم.

آذری

تاریخ ادبیات آذربایجان منتشر شد

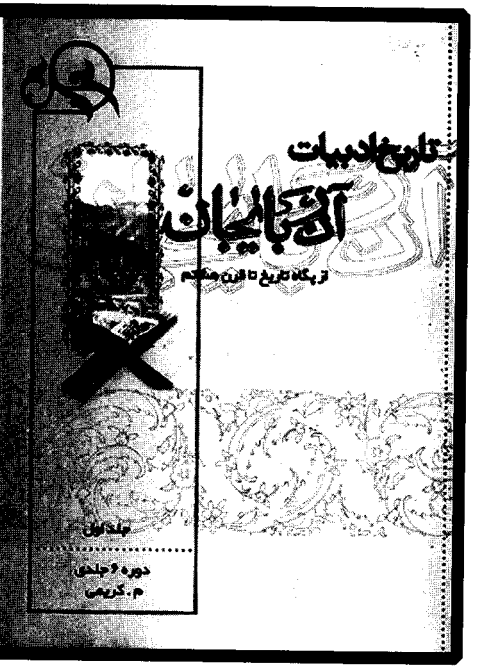
مرکز پخش : مؤسسه فرهنگی - هنری

یکتارصد زنجان

آدرس : زنجان - میدان دروازه رشت ، ابتدای خیابان بهشت ، پلاک ۱۷۵ ، طبقه فوقانی قنادی گلبن
تلفن تماس ۳۲۳۶۰۳۵

باتخفیف ویژه برای

دانشجویان ، مراکز دانشگاهی ، کتابخانه های عمومی و ارگان های دولتی



ماوی دیر

نبی خزری

بو گؤن هئچ بیلمیرم،
نه اؤچؤن، نه‌دن،
سما دا ماوی‌دیر،
تؤرپاق‌دا ماوی.
گؤزؤرم دؤنیانیٔ باشقا رنگده من،
آغاج دا ماوی‌دیر،
یارپاق دا ماوی.
اسیر هارادانسا سرین کؤلک‌لر
داغدان ماوی- ماوی،
دومان سؤرؤنؤر
ماوی کپنک‌لر،
ماوی چیچک‌لر
ماوی چمن‌لرده قشنگ گؤرؤنؤر.
سولارا یئل دییر،
سولار تیتره‌ییر.
یئرین ده منیم تک بؤیؤک سیرری وار.
سانکیٔ افسانه‌وی نغمه‌لر دئییر
ماوی دالغالار.

رنگی بام‌باشقادیر
چؤلؤن، دؤزؤن ده.
ماوی شفق‌لردیر چیله‌نن یئره.
اوچور گؤیٔ اؤزؤنده
بو ماوی طیّاره‌لر ماوی‌لیکلره.
من بلکه بیلیرم
نه اؤچؤن، نه‌دن،
دؤنیانین گؤندؤزؤ ماوی‌لشیب‌دیر؟
بلکه ده سن ماوی
گئییندییینندن
یئر اؤزؤ،
گؤیٔ اؤزؤ
ماوی‌لشیب‌دیر.
ائله بیل سنین تک بزه‌نیب عالم،
سما دا، تؤرپاق دا
سانکیٔ ماوی‌دیر!
بلکه خوشبخت‌لرین خوش‌بختی منم،
بلکه سعادتین رنگی ده ماوی‌دیر؟

ماوی است

ترجمه: محمدعلی مهمید

امروز هیچ نمی‌دانم،
چرا، به چه علّت،
آسمان ماوی است
خاک هم ماوی.
جهان به رنگی دیگر می‌بینم من.
درخت هم ماوی است
برگ هم ماوی.
از کجا بادهای خنک می‌وزند،
از کوه، مه ماوی
سینه‌خیز می‌آید.
پروانه‌های ماوی،
غنچه‌های ماوی،
در چمن‌های ماوی زیبا می‌نمایند.
باد خود را به آب‌ها می‌زند،
آب‌ها می‌لرزند.
زمین نیز چون من رازی بزرگ دارد
گویی امواج ماوی
نغمات افسانه‌گونه
برای ساحل‌های ماوی می‌خوانند.
شفق‌های ماوی است
رنگ صحرا و دشت
بالمرّه دیگرسان است.
که بر زمین فرومی‌پاشد.
بر پهنه‌ی آسمان
در این روز ماوی
هواپیماهای ماوی به سوی ماوی‌ها پرواز می‌کنند.
شاید من می‌دانم
برای چه،
به چه علّت
روز جهان ماوی شده است؟
شاید چون تو ماوی‌پوش شده‌ای
روی زمین،
پهنه‌ی آسمان
ماوی شده است.
گویی جهان مانند تو خویشتن آراسته است.
سما، خاکی نیز
گویی ماوی است!
شاید نیک‌بخت‌ترین نیک‌بختان منم،
شاید رنگ سعادت نیز ماوی است؟

یئنی کیتاب‌لارئن سیئاهیسی

ترتیب ائدن: یوسف قوسی (فرزانه)

۱- دمیر سئوگی- ملیحه عزیز پور مجموعه شعر- مولف
۲- احساسلی بایاتیلار- ولی‌خان کیشی‌زاده- انتشارات یاران
۳- سورگون الریم- ناصر داوران- مولف
۴- کلام بیضاعی اردبیلی- مرحوم میرزا صادق اردبیلی- نشر نیک امروز
۵- سککیز یوز ایل آذربایجان تورکجه غزلی تدوین پیام
۶- من ائل‌لرین شاعری‌یم- باباعلی جوان‌مرد- نشر ادیبان
۷- لیریک شعرلر- مروايد دیلبازی- یاز نشریاتی
۸- نگاهی به تاریخ جغرافیایی شبستر- تسوج- صوفیان- احمد سلیمی‌فرد- مولف
۹- آذربایجان تورکجه‌سینین نحوی- پروفسور محمدتقی زهتابی- نشر اختر
۱۰- نظام چهار بعدی زبان- ناصر منظوری- نشر اصلح
۱۱- مجموعه کامل آثار بهرنگی- جلد یک - دوم قصه‌ها و ترجمه‌ها برای کودکان- اسد بهرنگی- نشر بهرنگی
۱۲- دیوان صراف تبریزی- مصطفی قلیزاده- علیار- انتشارات فخرآذر
۱۳- آلبوم آذربایجان غربی- جواد پورصمد- نشر بنیاد فرهنگ و هنر آذربایجان
۱۴- آواوا- رمان – ناصر منظوری- نشر اندیشه نو
۱۵- حیف او سئوگیه- نصرت کسمنلی- نشر اختر
۱۶- زندان رضاشاه محاکمات دفاعیات و خاطرات میرجعفر پیشه‌ور- نشر شیرین
۱۷- دویغولارین بندی- قیسا شعرلر- تویوقلار- بهرام اسدی- یاز نشریاتی

ائل دیلی و ادبیاتی

۱۷

همکاران ثابت:

بهزاد بهزادی	سرپرست تحریریه
علیرضا صرافی	مسئول بخش ادبیات شفاهی مردم
اسماعیل هادی	مسئول بخش واژه‌های محلی و لهجه‌ها
جواد دربندی	مسئول ادبیات آشیغی
محمدرضا کریمی	مسئول بخش قصه‌ها و افسانه‌ها
ائل اوغلو(صدیار وظیفه)	مسئول بخش امثال و حکم (آتالارسؤزو)

ویراستار: م. رزاقی

حروف‌نگار: کاوس نصیری

بو سایـــئینـــئین ایچینده‌کی‌لر		صحیفه
فۆلکلۆر تۆپلاماق اوغروندا یـئنی آددئیم‌لار	بهزاد بهزادی	۳
آتالار سۆزۆ	رضا کاظمی	۵
آتالار سۆزۆ	ثریا بخشی	۹
بایاتـئیلار(۵)	ثریا بخشی	۱۱
لای لای لار(۴)	ثریا بخشی	۱۴
آتالار سۆزۆ	محمد قاضی	۱۷
«معجز»- وَن سئچیلمیش اثرلرینده مطبوعات وَ ... آدلاری	م. نقابی	۲۰
آذربایجان قدیم فۆلکلۆر رقص‌لری(۴)	کمال حسن اوغو	۲۶
یئنیم سئیدی	محمد رزّاقی	۳۱
نجف داستانی(۱)	علیرضا ذیحق	۳۶
قۆشا چایلی آشیق میکاییل	جواد دربندی	۴۶
گۆی مونجوق	اوروجعلی دوزنانی	۴۸
کلمات ترکی در عربی (۲)	حسین مسعودی	۵۲
ایسکندرین اوللوم ناغیلی	علی برازنده (تورک)	۶۱

فۆلکلۆر توپلاماق اوغروندا
یئنی آددئملار

شیفاهی ادبیاتئمیزین گۆجلو قولو اولان فۆلکلۆرلارئ توپلاماق اوغروندا گئتدیکجه یئنی آددئملار گۆتۆرولۆر.

آیدئن‌لارئمیز کۆنۆللو اولاراق، ایللر بۆیو چئشیدلی ساحه‌لرده فۆلکلۆر توپلاماغا ماراق گۆستریب‌لر، آنجاق بیر عیده‌سی توپلادئقلارئ فۆلکلۆریک اثرلری چاپ ائدیب یایا بیلمیش‌لر. بو یۆزده مطبوعاتئن فۆلکلۆرو موزون یایئلماسئندا اؤنملی رولو اولموشدور. آنجاق بیلدییئنیزه گۆره، فۆلکلۆرچو چالیشقانلار دا واردئرکی، توپلادئق‌لارئ آبیده‌لری بیر کیتاب کیمی یایماق مقصدی ایله توپلامئش‌لار، آنجاق، اونلارئ چاپ ائتمه‌یه ایمکان‌لارئ اولمادئغئندان قۆرویوب ساخلامئش‌لار. تجرۆبه گۆسترییر کی، چۆخ واخت‌لار بئله اثرلر آرادان گئتمک تهلۆکه‌سینده‌دیر.

سۆن زامانلار البیر چالیشمالار باشلاتئب آرتماقدادئر. نئچه نفرلیک بیرگه ایش‌لمک چۆخ وئریملی اولا بیلر. بئله کی، اونلار اؤز آراسئندا ایش بؤلگۆسۆ آپارئر. بیلیک وَ دۆشۆنجه‌لرینی بیر آرایا قۆیورلار، فۆلکلۆرون بللی بیر قولو وَ یا قۆللارئ اۆزره چالیشئرلار. برنامه ایله ایش‌لری ایرلی آپارئرلار. بئله بیرلیکده گۆروَلن ایشلرین اؤرنک‌لرینی «ائل دیلی وَ ادبیاتئ» صحیفه‌لرینده گۆرمک اولار.

جمعی چالیشما شکلینده فۆلکلۆر توپلاماق اوغروندا ایرلی سۆروَلن آشاغئداکئ آددئم‌لارئ دیرلندیرمک لازئم‌دئر.

۱- حسین محمدخانی (گۆنئیلی) وَ عسگر علیائی (یاشئیل) جناب‌لارئنئن ترتیب ائتدیک‌لری «فۆلکلۆر توپلاما قیلاوۆزو» کیتابئ بو ساحه‌ده چالیشانلارا یۆل گۆستریجی بیر اثردیر. نه یاخشئ اولار کی، فۆلکلۆریک اثرلر، علمی اوصول اۆزره وَ گرکلی وسایئط ایله داوام تاپسئین. لاکین هامئ امکداش‌لارئن مالی ایمکان‌لارئنئن چاتئشمازلئغئنا گۆره ایش‌لرده انگل تۆره‌نیر. دۆولتی اورقانلار دا بو ساحه‌ده یاردئم

ائتمیرلر... بئله چالیشمازلیق‌لاریٔ آرادان قالدیرماغا چالیشاراق، هله‌لیک، ایشی دایاندیرماق اؤلماز. الیمیزدن گلدییی قده‌ر ایش‌لری ایره‌لی آپارمالیٔیٔیق.

۲- برازنده خلیلی، کؤنؤل‌لؤلری « قلم» درنیی طرفیندن ۲۹/ دی/۱۳۸۴-ده قورولاجاق سیمپوزیؤم‌دا ایشتیراک ائتمه‌یه چاغیرمیشدیر. بو یئیٔنجاق فؤلکلؤر توپلاماق مؤوضوسونا حصر ائدیلمیشدیر. بئله بیر تشبّوث، اؤز نؤوبه‌سینده اؤنم‌لی سایئیلیر. اؤمید ائدیریک بو یئیٔنجاق بارلیٔ- برکتلی اؤلسون.

۳- «دیلماج» درگی‌سی سؤز وئرمیشدیر کی، قیش‌دا فؤلکلؤر باره‌سینده اؤزه‌ل سایٔیٔ نشرائده‌جکدیر. فؤلکلؤرچو امکداشیمیز صرافی جنابلاریٔنین بو ایشی‌نین ده دیرلی اؤلاجاغینا اینانیرئیق. فؤلکلؤر آبیده‌لریمیزی توپلاماق اوغروندا گؤتؤروَلن بئله آددیم‌لار اؤنملی‌دیر وَ فؤلکلؤر توپلاماق اوغروندا چالیشان امکداش‌لارا یؤل گؤستریجی وَ تشویق ائدیجی اؤلاجاقدیر.

بهزاد بهزادی

کیتابیٔن آدیٔ: فؤلکلؤر توپلاما قیلاووزو

حاضیرلایانلار: حسین محمدخانی (گؤنئیلی) وَ عسگر علیائی «یاشیل»

ناشیر: گؤنئیٔ مدنییت اوجاغیٔ

چاپ یئری: تهران، ۱۳۸۴



آتالار سؤزۆ

اردبیل وْ هنده‌وْرینده

ترتیب ائدن: **رضا کاظمی**

توْپلاْیانلار: **حسن فیضی، نوروزعلی فیضی، رضا کاظمی، محمود مهدوی، کاظم نظری بقا.**

بو گوْنوْن صاباحیْ دا وار.

بولوت آلتینئین گوْنی، یاشماغ آلتینتئین دیلی./ بولود آلتینئین گوْنوْ، یاشماق آلتینئین دیلی.

بوْیْنی سوْروشدوردوغ، صاباحا آللاه کریمدی./ بو گوْنوْ سوْوْوشدوردوق، صاباحا آللاه کریمدیر.

بؤیْیک آخماغ اوْلار، کیچیه چاخماخ./ بؤیْوْک آخماق اوْلار، کیچیک چاخماق.

بؤیْیگه ائحتیرام، کیچیئه حؤرمت./ بؤیوْگه ائحتیرام، کیچیئه حؤرمت.

بوْیْی وار پ...اجاغ سؤزی وار اوْخاجاغ./ بوْیْو وار پ...ادک سؤزوْ وار اوْخادک.

بی آغاجئین کؤلگه‌سینده مینی یاتار./ بیر آغاجین کؤلگه سینده مینی یاتار.

بی الینده دوْققوز قارپوز توتوب./ بیر الینده دوْققوز قارپیز توتوب.

بیْ اؤز توْیوندا اوْیْناسا اوجوزلوغ اوْلار./ بیْ اؤز توْیوندا اوْیْناسا اوجوزلوق اوْلار.

بی ایت بی درینی سوْریئه‌ر./ بیر ایت بیر درینی سوْروْیه‌ر.

بی ایْامدی ایت‌لر قائیب کوْچوْهلر دیللـه نئیْ./ بیر ایْامدیر ایت‌لر قائیب کوْچوْک‌لر دیلله‌نیر.

بیجور ائله، مامالچی بی ده قاپویا گلسوْن./ بیر جوْر ائلـه، مامـالچیٔ (الـده مئیـوه ساتان) بیر ده قاپئینا گلسین.

بی داشئین آلتئن قالخئیزسون مین آرواد تاپئلار، مین داشئین آلتئن قالخئیزسوْن بـی ننه چئخماز./ بیر داشئین آلتئن قالخئیزسان مین آرواد تاپئلار، مین داشئین آلتئن قالخئیزسـان بیر ننه چئخماز.

بی چاتاخدی بی سئشمه، ایکیسی ده آلیشئیب یانئیْ./ بیر چاتاقدیٔ بیـر سـئچمه، ایکیسی ده آلیشئیب یانئیر.

بیزیم پولیمیزین شیری دیشیدی./ بیزیم پولوموزون شیری دیشی‌دیر.

بی کؤینه گئییب کی بی ساپئین چهسون مین یاماغی تؤکوْلر./ بیر کؤینک گئییـب کی بیر ساپئین چکسین مین یاماغیٔ تؤکوْلر.

بئین یانئیننان ایت کیمی کئچ، ایتین یانئیننان بیْ کیمی.

پ

پاشا قاپئیسی پ...لیدی./ پاشا قاپئیسیٔ پ...لودور.

پایئز چئخدی، قیش چئخدی./ پایئز چئخدیٔ، قیش چئخدیٔ.

پئیغمبرین سؤزیدی: هاراییْ انوْلادئن پیسیننن، گؤزنن باشئین آغرئیـسئیننان؛ باشـیٔ سئیندئرماغ اوْلماز، گؤزی چئخارتماغ اوْلماز، اوشاغیٔ آتماغ اوْلماز./ پئیغمبرین سؤزوْدوْر؛ هاراییْ انوْلادئن پیسیندن، گؤزله باشـئین آغرئیـسئیندان؛ باشـیٔ سـئیندئرماق اوْلمـاز، گـؤزوْ چئخارتماق اوْلماز، اوشاغیٔ آتماق اوْلماز.

پرده‌نین اوْ اوْزی ده قریب‌لیکدی./ پرده نین اوْ اوْزوْ ده قریب‌لیکدیر.

پنیرین آرتئیخ قوْیئیْ./ پنیرین آرتئیق قوْیور.

پیچاغئیئین دالی دا کسئیْ قاباغی دا./ بئیچاغئیئین دالیٔ دا کسیر قاباغیٔ دا.

پیر منیم‌دی، کرامتین بیله‌رم.

پئسپیستئیا دئدیلر نییه قـره‌سـن، دئـدی خـالامئین گلینیـئم؛ کهلیئـه دئـدیلر نیئـه شاققئلدئیسان، دئدی بی‌بی مین گلینیئم./ پئسپئستایا دئدیلر نیئه قاراسان، دئدی خـالامئین گلینیئم؛ کهلیئه دئدیلر نیئه شاققئلداییرسان، دئدی بی‌بی‌مین گلینیئم.

پیشیگ اؤلدؤروب گؤز قؤرخودئی./ پیشیک اؤلدؤروب گؤز قؤرخودور.

پیشیگؤن اؤغلان دؤغوب./ پیشیئین اؤغلان دؤغوب.

پیلوئی آش ائله دیم، ئئروئی ئاش ائله‌دیم، تؤربؤئی بؤش ائله‌دیـم، سـنه نـه وار سارابلئ سؤنسوز اؤلدی ئا سؤننی اؤلدی./ پیلؤونو آش ائله‌دیم، ئئرینـی ئـاش ائلـه‌دیـم، تؤربانئ بؤش ائله‌دیم، سنه نه وار سارابلئ سؤنسوز اؤلدو ئا سؤنلو اؤلدو.

پیئادا آتلئیئا گؤلمه‌سه باغرئ چاتدییار./ پیئادا آتلئیئا گؤلمه‌سه باغرئ چاتلاییار.

-ت-

تاری ایکی قاپازی بی باشا سالماز./ تانرئ ایکی قاپازئ بیر باشا سالماز.

تاری چؤره وئرنده آغئیز وئرمه‌دی، آغئیز وئرنده چؤره وئرمدی./ تـانرئ چـؤرک وئرنده آغئیز وئرمه‌دی، آغئیز وئرنده چؤرک وئرمه‌دی.

تارئ سنه قانات- قویئروخ وئرمه‌سؤن./ تانرئ سنه قاناد- قویئروق وئرمه‌سین.

تاری کؤر قوشون ئویاسئین الینن قؤیوب./ تانرئ کؤر قوشون ئووآسئین الی ایلـه قؤیوب.

تانی منی! تانئماسؤن، بیرین مؤسللط ائله‌رم نه سنی تانئیار نه منـی./ تـانئ منـی! تانئماسان، بیرین مؤسللط ائله‌رم نه سنی تانئیار نه منی.

تاوا دلیه، تاس دلیه، بو دا گئتدی اؤسته‌لیه./ تاوا دلیک، تاس دلیک، بو دا گئتدی اؤسته‌لیک.

تئهراندا قازان، اردبیلده خشده./ تئهراندا قازان، اردبیلده خرجله.

ترازیده ئؤنگؤل، سؤزده چؤخ آغئیر./ ترزیده ئؤنگؤل، سؤزده چؤخ آغئیر.

ته قوش ئویا باغلاماز، قارتال اؤلسا دا./تک قوش ئووا باغلاماز، قارتال اؤلسا دا.

تؤپالنان گزن آخسییار./ تؤپالنان گزن آخسایار.

تۆرپاغئین اۆزی سۆیغ اۆلار./ تۆرپاغئین اۆزۆ سۆیوق اۆلار.

تۆرپاغئین اۆزی قره اۆلار./ تۆرپاغئین اۆزۆ قارا اۆلار.

تۆلکی حیئله‌گر اۆلار، کانا گیرنده تۆز اۆلار؛ دول آرواد فئل باز اۆلار، .../ تۆلکۆ حیئله‌گر اۆلار، کانا (یووااسئینا) گیرنده تۆز اۆلار، دول آرواد فئل باز اۆلار، ...

تۆلکی یاتار اسلان دالیندا دییشه‌ر اۆز کۆلگه‌مدی./ تۆلکۆ یاتار آسلان دالیندا دئشیه‌ر اۆز کۆلگه‌مدیر.

تۆۆوس قوشی شیشه‌ر، ایاغئینا باخار فیسی یاتار./ تۆۆوس قوشو شیشه‌ر، آیاغئینا باخار فیسی یاتار.

تۆیغون اوشدوغو داماجاغ اۆلار./ تۆیوغون اوچدوغو دامادک اۆلار.

تۆیغون گۆنۆنه بی باتمان داری وئرسۆن ائشینمه‌دن ال چهمز./ تۆیوغون گۆنۆنه بیر باتمان داریٔ وئرسن ائشینمک‌دن ال چکمز.

تۆیغون نۆنۆنۆن آغزیئن آچارسان، بئچه ده چیئخار، فئره ده./ تۆیوغون هینی‌نین آغزیئنیٔ آچارسان، بئچه ده چیئخار، فره ده.

تیکان اۆلوب ایاغا باتینجاخ، گۆل اۆل یاخیئیا سانجیل./ تیکان اۆلوب آیاغا باتینجاق گۆل اۆل یاخایا سانجیل.

تیکئینن دۆست اۆلان، ایللر بۆیی دۆشمن اۆلار./ تیکه ایله دۆست اۆلان، ایللر بۆیو دۆشمن اۆلار.

تیکه‌نی چئینه‌مه‌سۆن، اوتماغ اۆلماز./ تیکه‌نی چئینه‌مه‌سن اوتماق اۆلماز.

آردیٔ وار



آتالار سؤزو

زنجان

توپلایان: ثریا بخشی

هـ

- هارا خوشدو، اورا وطندی.
- هارانئ دئییم آغلاییم؟
- هاردا ایدی، هارا دوشدو!
- هاردان گلیرسن، چین-ی ماچینـدن، معلوم ایله‌ییر، پر-و پاچاندان.
- هاردا ییدین، اورادا یات.
- هامـاردا ییریئـه بیلمیـر، یاماج‌دا شیللاق آتیر.
- هامان آشدئ، هامان کاسا.
- هامئ اوز ائوینین، قیبله‌سین یاخشئ تانییار.
- هامئ اوزون بینمیر، ده‌وه ده دیزین.
- هامئ زادئ، هامئ بیلر.
- هامئ‌سئ بیر بئزین قیراغیدئ.
- هامئ‌سئ بیره دیمه‌ز، بیری هئچه.
- هامئ قوییون بالاسئین ایسته‌ییر، قارا قوییون گ...ون چیخاردار.
- هامئنئ برق توتار، بیزی ده ال چیراغئ.
- هامئنئ بزه‌ر، اوزو لوت گزه‌ر.
- هامئنئ قورد ییدی، آمما منیم تک بودارلامادئ.
- هامئئین تکه‌سی اوینایار، بیزیم ده دوبورومۆز.
- هامئنئ یاغئش ویئردئ(وورردو)، منیم کیمین ائوی داغیلان اولمادئ.

- هـامیٔ یـارا توختایـار، آمـان دیـل یاراسئیندان.
- هامیٔیا قان اوتدورور.
- هامیٔیا ننه‌دی، منه قایتانا.
- هانسیٔ سازیٔن ایله اوینایئیم؟
- هاوا یاغار، قار چیله‌ر، قاپئینیٔ کسیب ائلچی‌لر.
- هایاندا آشدیٔ، اوردا باشدیٔ.
- های - هایئ گئـدیب، وای - وایـئ قالیب.
- هـئچ باققـال، اوز قاتیغئینـا تـورش دئمه‌ز.
- هئچ بیری دئدی: ایـت آغـا، بویـور اوتاغا؟
- هـئچ کـسین چئیراغـیٔ صـوبحه‌دک یانمایئیب.
- هئچ کیم اوز آیرائینا تورش دئمز.
- هئچ کیم سحریندن خبری یوخ.
- هئچ گول تیکان‌سیز اولماز.
- هئیکلی چوخ، قئیرتی یوخ.
- هر آغاجا دایانماق اولماز.
- هر آغاجئین کؤلگـه‌سـی، یایـدا بیـر ائودیر.
- هر آغاران قار اولماز.
- هر آغیزدا بیر دوعا وار.
- هـر ائشـشه‌یـه مینـدیم گـوت آتـان چیخدیٔ.
- هر ائوده دیـرک وار، اورادا چـوبرک وار.
- هـر الیـنن وئـره‌سـن، او ال ایلـن آلارسان.
- هر اوت اوز کؤکونون اوسته بیته‌ر.
- هر اوچان ایله، اوچماق اولماز.
- هر ایگیت اوز آدیلان تانینار.
- هر باشدان بیر آواز گلیر.

آردیٔ وار

بایاتـــیلار(۵)

زنجان

توپلایان: ثریا بخشی

چیخدیم بالا خاناپا
باخدیم سرباز خاناپا
سربازلار مشق ائلیردی
قورخدوم قارداش تانیپا

گؤیدن گئدن قوشا باخ
دیمدیپینده داشا باخ
هاممیز یئره یاغیر قار
بیزه یاغان داشا باخ

نارینجیز سوپیمادیم هئچ
بوشقابا قویمادیم هئچ
یار مندن دویدو گئتدی
من یاردان دویمادیم هئچ

گؤیدن گئدن قوشا باخ
اوچور گؤیده قوشا باخ
عالمه یاغیش یاغدیز
منه یاغان داشا باخ

عزیزینم هارا باخ
تللرینی دارا باخ
من اوزوم یارالیپام
دایز سن وورما یارا باخ

کاغاذین آغینا باخ
اوره‌پین داغینا باخ
اگر منی ایسته‌سن
کندیزین باغینا باخ

سویا گئدن قیزا باخ
سوزمه‌یه باخ، نازا باخ
آی سوزدوزن نازلی قیز
دؤن بیر کره بیزه باخ

آغاجدا خزله باخ
دیبینده گؤزله باخ
آیاق یالین باش آچیق
سرگردان گزه‌نه باخ

گؤیه باخدیم آی دا یوخ
گؤزه‌للیین آی‌دا یوخ
گزدیم سنه تای تاپام
بیلدیم تاپمام؛ فایدا یوخ

آخشام اولدو آرام یوخ
قاشی گؤزو قارام یوخ
چارخی دؤنموش فلکدن
گؤینه‌مه‌ین یارام یوخ

بولبول اولدوم گولوم یوخ
اودلاییرام کولوم یوخ
یار آیریلیب گئدندن
آغلاماییان گولوم یوخ

بیر آت میندیم باشی یوخ
بیر چای کئچدیم داشی یوخ
آنام قریب اولوبدور
یائیندا قارداشی یوخ

باغلاردا بیته‌ر سؤیود
یارپاغی گؤم- گؤی سؤیود
بیر کیچیک یار سئومیشم
خودام سن اوزون بؤیود

عزیزیم اوچ گول آچار
اوچ یارپاق ، اوچ گول آچار
چاغیررام ابوالفضلی
ابوالفضل موشگول آچار

ساماوارین پاس ویرار
اوستونده میلچک دورار
من یاریمی تانیرام
آت اوسته گویچک دورار

ائویمیزده وار چینار
یارپاغی دینار دینار
منیم بیر تک بالامی
ساخلاسین پروردیگار

خییاوانی قازیبلار
آغ کاغاذا یازیبلار
قارداش باجین اوله‌یدی
سنی سرباز یازیبلار

گویده قارا بولودلار
پارا پارا بولودلار
منیم وضع حالیمی
آپار یارا بولودلار

قارداش‌لار ، آی قارداش‌لار
یاغیش یاغار قار باشلار
اولسه باجی لار اولسون
هئچ اولمه‌سین قارداشلار

عزیزیم قارا باغلار
آغ اوزوده قارا خاللار
یارامی یار باغلاسین
او یاخشی یارا باغلار

پوزولار نه‌دن باغلار؟
پروانا نه‌دن آغلار؟
اکمه نامرد زمی‌سین
نه بیتر ، نه دن باغلار

بو داغلار قوشا داغلار
چاتیب باش باشا داغلار
دایانیب‌سیز یولومدا
دونوب‌سوز داشا داغلار

آردیٔ وار

لایْ لایْ لار(۴)

ثریا بخشی

لایْ لاییْنام یات بالام
لایْ لایْ بالام گوْل بالام
گوْن ایله چیْخ بات بالام
من سنه قوربان بالام
من آرزیْما چاتمادیْم
قان ائیْله‌مه کؤنلوْمو
سن آرزیْوا چات بالام
گل منه بیر گوْل بالام

لایْ لایْ آهو گؤز بالام
لایْ لاییْنام گوْل بالام
لایْ لایْ شیرین سؤز بالام
تئل‌لری سوْنبوْل بالام
گؤزه‌ل‌لیکده دوْنیْادا
کپنک‌دن ، سئرچه‌دن
تکدی منیم اؤز بالام
یوْخوسو یوْنگوْل بالام

لایْ لاییْنام اؤز بالام
لایْ لایْ ککوْل‌لوْ بالام
قاشیْ قارا گؤز بالام
هوشلو ، فیکیرلی بالام
دیلین بالدان شیرین‌دیر
یار- یوْلداشیْن یانیْندا
دوْداغیْندا سؤز بالام
منیم شکیل‌لی بالام

لایْ لایْ دیلین دوز بالام
لایْ لایْ بالام ، بال بالام
دیل آچ گینان تئز بالام
یاناغیْ قیْرمیْز لالام
من اوْتوروم سن دائیْش
سحر تئزدن یئریندن
شیرین- شیرین سؤز بالام
دور آناوا وئر سالام

لای لایین اویاق اوللام
یاتمارام اویاق اوللام
سن گئجه‌لر یاتینجا
گؤز اوللام ، قولاق اوللام

لای لایین اویون گؤروم
دور یئری بویون گؤروم
تاریخ‌دان آرزیم بودور
اؤلمه‌یینم تویون گؤروم

لای لای داغ بویو دوزوم
آی کؤرپه املیک قوزوم
بانلادیلار خوروزلار
یوخلا آی‌دان ، اولدوزوم

لای لای گول بوتام اوغلوم
عطرینه باتام اوغلوم
آرزیم بودور اؤلمه‌یینب
تویونو توتام اوغلوم

لای لای گولوم گولابیم
آلما ، هئیوا ، گولابی‌م
درییا کیمین گئیینمیش
آیاقدان باشا آبیم

لای لای منیم زینتیم
سوموییوم ، قائیم ، اتیم
داغ کیمین داییاغیم‌سان
سن سن منیم جورأتیم

لای لای دئدیم ، جان دئدیم
یوخودان اویان دئدیم
سن یئری ، بیر من باخیم
جان سنه قوربان دئدیم

بالاما لای لای دئدیم
یاتمادی لای لای دئدیم
کوچه‌ده اویناییاندا
یئخیلدی ائی وای دئدیم

لای لای شکریم قندیم
لای لای اوجا سهندیم
دونیا گوزه‌للریندن
من بالامی بیندیم

لای لای گولوم ، باهاریم
قیش گونونده زوماریم
یاشیاییشین باغیندا
دادلی ، تاملی ، نوباریم

لای لای یاشیل چیناریم
شوهره‌تیم ، ایفتیخاریم
نارین نارین ، نارگولو
دیشله‌ری اینجی ناریم

لای لای دامیم دووواریم
سن سیز یوخدو قاراریم
سن سن گوللو چیچکلی
باخچا ، باغیم ، باهاریم

لای لای جانیم جییاریم
گوندوزوم گئجه یاریم
اوره‌ییمی سینه‌مدن
ایسته‌یه‌سن ، دئه یاریم

لای لای باجیم قارداشیم
قریب یئرده سیرداشیم
قملی قوربت ائلینده
سن سن منیم یولداشیم

لای لای عومور یولداشیم
لای لای باجیم ، قارداشیم
سن سن منیم توی پاییم
بوللو بوللو شاباشیم

لای لای اوزوم ، کیشمیشیم
باغدا گول بیتمیشیم
بیر آز دایان آغلاما
ایندی یانار پیشمیشیم

لای لای گوللو زانباغیم
گولشه‌نیم ، باخچا ، باغیم
آلماسیم ، بیریلیانیم
قولباغیم ، بویون باغیم

آتالار سؤزۆ

محمد قاضی

- آبئ دۆنوم پاریلدار،
باغئرساقلارئم قورولدار.
-آتا آنا تخت یاارادیب، بخت یاراتمایئب.
- آتاما یاتاق سالدیم گلدی قالایچئ یاتدئ.
- آتا چؤره‌یی مئیدان چؤره‌یی،
اۆغول چؤره‌یی زیندان چؤره‌یی.
- آت اۆسته کیم بیلیر گلینین قاشئ ایری‌دیر.
- آت آلمامیش نالئن آلیر.
- آت آتینان یۆلا گئده‌ر، سؤز آرپا کسمک‌ده‌دیر.
- آت ایشله‌ر ال اۆرگه‌نر، قیلینج ایشله‌ر قۆل اۆرگه‌نر.
- آت اۆله‌ر نالئ قالار، ایگیت اۆله‌ر نامئ قالار.
- آت دۆداغئ یئر سۆپۆره‌ر.
- آت قاچدئ پالانئ دۆشدۆ.
- آتینان یۆلا چیخان ائششیین وای حالینا.
- آت یئریش ایله، آدام بیلمک ایله.
- آتیلان اۆخ دالئ قاییتماز.
- آج الینه دۆشه‌نی یئیه‌ر، توخ آغزینا گله‌نی دئیه‌ر.
- آج توخون اۆزۆنه باخماقلا دۆیمماز.
- آج اۆلوب یئییه‌ن ناساز اۆلماز.
- آج، توخوغو دیشینده گۆره‌ر.
- آج قالارئق باش ایمه‌ریک دۆشمنه.
- آجلیغینان شوخلوق اۆلماز.
- آجلیق اۆلسون، کئف اۆلسون.

- آجلیقدان اؤلەن آز، تؤخلوقدان اؤلەن چؤخ.
- آج نه اؤلسا یئیەر، آجیئان نه اؤلسا دئیەر.
- آجیندان قوروت قاپیر.
- آچیق باشین قاچاغی بؤرک‌چؤ دؤکانی‌دئیر.
- آخشامین آیازی ایکیندی دن بیلینەر.
- آخوند آغاجی، گؤل آغاجی.
- آدام هر دؤشمک‌ده بیر عاغیل قازانار.
- آدام، باشین کئچمه‌ین یئره سؤخماز.
- آدام، مین آجینی بیر شیرین خاطیرینه اوتار.
- آدام دؤنیایا بیر دفه گلر.
- آدام‌سؤزدن اوشاق گؤزدن یانیئنار.
- آدام ایشی بؤیؤدەر ایش آدامی بؤیؤتمز.
- آدامین سفیهی یا پهلوان اؤلار، یا شاماخی‌دا طبیل‌چی.
- آدین دئمه آت اؤستؤمه.
- آدی بیچینده‌دیر اؤراغی قیرخ‌دا.
- آدین بیلمیرسن ائوینه نیئه گئدیرسن.
- آراچی، کؤیلؤ گن اؤلار.
- آرابا قیریلاندان سؤنرا یؤل گؤسته‌رن چؤخ اؤلار.
- آرپادان بوغدادان الیم چیخدی، اومود سنه قالدی، داری خیرمانی.
- آرپانین دنی قیزیل‌دیر، سامانی گؤموش.
-آرپا دئسم یات،بوغدا دئسه‌م چیخ.
- آرپا یئییرسن، سامان یئییرسن، یؤل یئریمیرسن؟
- آرخاسیندا کسر اتگینده یامار.
- آروادین قاریسی ایکی اللی (=۱۰۰) یاشار.

– آروادوار قاردان سؤیوق، آروادوار اؤددان ایستی.

– آروادوار اؤیدیاغئ، آروادوار اینجانا (؟) بؤیاغئ.

– آروادوار آروادددئر، آروادوار بربادددئر.

– آرئینئ دومان، اینسانئ ایمان یؤلا گتیره‌ر.

– آزادلیق آلمالئ‌دئر وئرمه‌لی دئییل.

– آز گل قیزئیم، ناز گل قیزئیم.

– آز وئرن جائیندان، چوخ وئرن مالئیندان وئره‌ر.

– آستا گئدن یؤل آلار، یؤگورن یؤلدا قالار.

– آغاج یئمیش ایله، آت یئریش‌ایله.

– آغاج ایئیلدی سئیندئ، ایگید ایئیلدی اؤلدو.

– آغاج قازاندا حالوا بیشمز.

– آغاج اسر مئه گلر، مئه اسر شئه گلر.

– آغجا اتیم گؤرسه‌نینجه،قئیرمئیزئ یاماغئیم گؤرسن‌سین.

– آغرئیلاردا گؤز آغرئیسئ، هر کیشی‌نین اؤز آغرئیسئ.

– آغلا گؤزلریم آغلا، نه گلن وار نه گئدن.

– آغئر قازان گئج قاینار.

– آغئر آیاق باشا دئر، یؤنگؤل آیاق داشا دئر.

– آغئر یؤک آلتینا گیره‌نین بئلی آغرئیار.

–آنائین اؤره‌یی یانار، للـه‌نین رنگی.

– آنادان بالانئ آییران، ائلیندن آیرئ دؤشه‌ر.

آناسئیندان قاباغا دؤشن قولانئ قورد یئییه‌ر.

– آنلامازا، یومورتانئ دؤیؤنله سؤز آندئر.

آردئ وار



«معجز»– وٚن سئچیلمیش اثرلرینده مطبوعات وٚ... آدلاریٔ

م. نقابی

۱– ابوٲب: ابوٲب‌الجنان: اصل معناسیٔ بئهیشتین قاپئلاریٔ اوٚلوب، کئچمیشده مذهبی درس کتابیٔ ایدی. رحلی قطع‌ده ۲۵۵ صحیفه وٚ ۱۲٦۷ هـ .ق ده چاپ اوٚلموش‌دور. اثرین موٚلّیفی «محمد رفع‌الدین‌المعروف بالواعظ المولی فتح‌الله»دئیر.

بئیٚت: ضاریب وٚ مضروب‌له اللشمه چوٚخ جبر اوٚخو، ابوٲب‌ده بیر نفع ئیوٚخ غ ا ص ۱٦۹، ۱۸۰ ؛ بهروز ص ٦۱–۱٦۲ ؛ شیدا ص ٤۹

۲– ابوٲب جنان: باخ، ابوٲب. سعادت ص ٦

۳ – اخلاق: اخلاق کیتابیٔ، «خواجه نصیرالدین طوسی»نین «اخلاق ناصری» کیتابئینا ایشاره‌دیر.

بئیٚت: «اخلاق» کیتابئیندا یازیٔر «خواجه نصیر»

جاییز دئییل قیز اله آلا، لوٚح وٚ میداد. شیدا ص ۱۲۰

٤- انجیل: (ئو) عهدی جدید، خوش خبرلر، موژده (Evangelion)، مسیحی‌لرین دین کیتابئ اؤلوب، متا، مرقوس، ئوحنا، لوقا آدلئ ٤ نوسخه‌دن عیبارتدیر. بهروز ص ٣٤ ؛ شیدا ص ۱۹۰

٥- پاشا پوژرت: پاساپوژرت(ایتا) گوذرنامه، خاریجی اؤلکه‌لره گئتمک اوچون موزرور تذکیره‌سی، کئچیش وئرقه‌سی، بندر کیملیئی (فا. کارت شناسائی بندری)

بئیت: پاشاپوژرت آلمئیش ایدیم، گلمه‌یه ائی نور-ی بصر
دئدیلر ئاخشئ دئییل ماه-ی محرمده سفر بهروز ص ٥٦-١٤٩

٦- پیتیک: بیتیک، ئازئ. بهروز ص ١١٤؛ شیدا ص ١٨٤، ٢١١

٧- تارتن: (عنکبوت) ١٣٠٤ هـ.ش ده تبریز شهرینده نشر اؤلان روزنامه‌نین آدئدئیر.

بئیت: به من «تارتن» حاجی گوید (همی)
نرفتم به مکه به حق شکور غ ا ص ١١٣

٨- تذکره: گوذرنامه، پاسپوژرت (٥-٣٢×٣٠/٥) سانتی‌متر ابعادیندا تک وئرقه رسمی سند. غ ا ص ١٣٦- بهروز ص ٤٩، ١٩٤ شیدا ص ٢٣

٩- تسکره: باخ، تذکره. بهروز ص ٥٥

١٠- تمر: تمبر(فر)، پوستخانه پولو. بهروز ص ٥٨

١١- تنبیه الغافلین: «حاج میرزا حسن رشدیه»نین تألیفاتیندان‌دئیر.

١٢- تورات: عهد-ی عتیق (قانون)، ئهودی‌لرین موقددس کیتابئ.

بئیت: به حق-ی موصحف و توراة و اینجیل- شبیستر کوفته‌سیندن ائیله‌ییم مئیل
بهروز ص ٣٤؛ شیدا ص ٩

١٣- جزء عمه: قورآندان «عم یتساءلون»دان «ناس» سوره‌سینه کیمی جلد اولونموش کیتاب. غ ا ص٢٣٩

۱٤- ژغرافی: جوٚغرافی (یو.) ژئوٚ (یئر) قئیرافی (یازماق)، تحریر وٚ الارض، مشهور علم. شیدا ص ٤۹

۱۵- جامع عباسی: «بهاءالدین عاملی (شیخ بهایی)»نین اثری اوٚلوب، شیعه فیقهی‌دیر. **۱۲۷۱**-نجی گوٚنش ایلینده تبریز شهرینده داش باسماسئ اوٚصولو ایله چاپ ائدیلمیشدیر. غ ا ص ۹٦

۱٦- جم عباس: باخ، جامع عباسی. غ ا ص **۲۳۹**

۱۷- جنابباس: باخ، جامع عباسی. غ ا ص ۱۸۰

۱۸- حبل المتین: روزنامه آدئ. بو روزنامه **۱۲۷۳**-نجی گوٚنش ایلیندن ائعتیبارن هیندوستائین «کلکته» شهرینده «مؤید الاسلام»ئین موٚدیریٚتی ایله چاپ اوٚلماغا باشلادئ وٚ ۳۷ ایل نشرینه ایدامه وئریب، بو موٚددتده ٤۳ دفه توٚوٚقیف اوٚلوندو.

بئیت: دئدی: بوراخ قزئتی، آل بو وٚیردی ازبرله

دئدیم: آخوند! منه «حبل المتین» لازئمدیر. غ ا ص ۱۳۰ ؛سعادت ص ۷،٦

۱۹- دختر نشان: کاغئذ آدئدیر. سئیغار بوٚیدا، اینجه خاریجی کاغئذ کی کئچمیشده یاٚرپاق توٚتوٚنوٚ ایچینه دوٚلدوروب ال ایله بوٚکه‌رک موٚشلوٚگه تاخئیب چکردیلر.

بئیت: عکس گیرمز مسجیده، ائیٚ بی حیا سئیغار کش

داخیل ائتمه کاغذی «دخترنشان»ی مسجیده

سعادت ص ۳۸، بهروز ص ۱٤۱

۲۰- سیوطی: کتاب آدئدیر. موٚألیفی «جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابوبکر» (۸٤۹-۹۱۱ هـ‌ق)دیر. سعادت ص ۸

۲۱- صافی: باخ. وصّاف. بهروز ص ٦۱

۲۲- صرف میر: کئچمیشده دیل بیلگیسیندن بحث ائده‌ن کیتابئین آدئ. سعادت ص ۸ بهروز ص ۸٤

۲۳- عوامل: مؤوضوسو نحوْ حاققیندادیر. بیر نئچه نفر مؤألیف عوامیل آدلئ کیتاب یازمیشدیر. اوْ جوْملهدن ملا محسن جورجانیدیر. سعادت ص ۸ ، بهروز ص ۸٤

۲٤- غازئت: (ایتا.) روزنامه. غ ا ص ۱۱۵، ۱۳۰

۲۵- غزته(gazette)(فر) روزنامه، حوادیث وْرقهسی، جریده. بهروز ص ۱۵۹

۲٦- غزیت: باخ غازئت. بئیت: بوْغدو قیزئلجا، بئش مین اوشاغئ
ائیلر غزیتلر، ائعلان عموْغلو شیدا ص ۱۲٦

۲۷- قرآن: موْصحفی شریف، عرب دیلینده ۱۱٤ سورهدن عیبارت اوْلان، موْسلمانلارئن دین کیتابئ.
بئیت: چوْن اوْخور طیفل-ی دبیستان موْصحفی ائیلر خراب
رسمدیر شیعه آتار یاغلئ قورآنئ مسجیده
غ ا ص ۲۲۱؛ سعادت ص ٦، ۳۸ ؛ بهروز ۱٤۱؛ شیدا ص ۵، ۱٦، ۸۰ ، ۱۹۰

۲۸- کافی: الاصول من الکافی؛ قدیم اوْصول مکتبلرده دینی طلبهلرین اوْخودوغو درسلیک کیتاب. موْألیفی «ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی» (؟ - ۳۲۹ هـق). بهروز ص ٦۱؛ شیدا ص ٤۹

۲۹- گلشن راز: «شیخ محمود شبستری»نین ان مشهور اثری کی ٦۷۹-نجی گوْنش ایلینده، خوْراسانلئ «امیر سید حسین هروی»نین عیرفان وْ فلسفه حاققیندا ۱۷ سوآلئینا جاوابدیر.
بئیت: اوْلوب شئیخ محمود جنت مکان
قالیب «گلشن راز» اوْندان نیشان غ ا ص ۱۰۳

۳۰- مثنوی: ایکی میصراسئ قافیهلی شئعر؛ «مولانا جلالالدین رومی»نین مشهور اثری.
بئیت: مثنویده خوْش دئییب موْللای مست

«دم سگ از ریش نادان بهتر است» غ ا ص ۱٦۷

۳۱- مصحف: یازیلمیش صحیفه‌لردن عیبارت کیتاب، قورآنی کریم.

بئیت: اؤخودو مؤصحفی عیبادؤالله بیلمه‌دی کی نه‌لر دئییر آللاه

غ ا ص ٦۸؛ سعادت ص ۳۸، ٥٦؛ بهروز ص ۱٤۱؛ شیدا ص ۹

۳۲- معجم: درسلیک کیتابی، کئچمیش ایران شاهلاریئین تاریخ کیتابیئ، مؤلیفی «فضل‌اله حسینی»دیر. غ ا ص ۱۸۰

۳۳- نصاب: نصاب‌الصبیان؛ عربجه لؤغت کیتابیئ اؤلوب ؤ کئچمیشده، اسکی اؤصول مکتبلرده درسلیک کیتابی ایدی. مؤلیفی «ابونصر فراهی»دیر. غ ا ص ۹٦، ۱٦۹، **۲۳۹**؛ شیدا ص ٤۹

۳٤- نموذج: نحؤ باره‌سینده کیتاب آدیئدیر. بو کیتابیئ «محمدبن عبدالغنی اردبیلی» تألیف ائتمیشدیر، ها بئله دینی طلبه‌لرین درس کیتابلاریئندانديئر.

بئیت: عئلم طیّاره واردیئر «نموذج» کیتابیئندا

اؤتوزونجو بابیئندا، باخ بیر اؤرا گؤرئیلی غ ا ص ۱۱۷؛ سعادت ص ۸

۳٥- وصاف: وصف ائده‌ن؛ «تاریخ وصاف» آدیئندا بیر دینی کیتابیئن آدیئدیر. بهروز ص ٦۱؛ شیدا ص ٤۹

۳٦- هؤپ-هؤپ: «میرزا علی اکبر صابر»ین مشهور شئعر کیتابیئدیر.

قطعه: اجل باغلاییب «صابر»ین گؤزلرین

قؤیوب یالقیز اؤغلانلارئین، قیزلارئین

دیری ساخلایان «هؤپ-هؤپون» سؤزلرین

قلم‌دیر قلم، بارک‌الله قلم! غ ا ص ۱۰٤

۳۷- یاسین: یس؛ قورآنین ۳٦-نجیئ سوره‌سی. بهروز ص ٥

ایختیصاری علامتلر

غ.م.ا. ۱۳۲۴ده. غلام محمدلی (ششگلانی) تبریزده نشر اولونان «میرزه علی معجز» سئچیلمیش اثرلری، ۲۵۲ص.

بریانی. ۱۳۳۲ده حسین بریانی طرفیندن تهراندا نشر اولونان «مرحوم میرزا علی معجزون سئچیلمیش اثرلری»۷۸ ص.

م . س. گؤیا ۱۳۳۸ده محمود سعادت طرفیندن تبریزده نشر اولونان «قسمت دوم، کلیات دیوان معجز» ۱۰۴ص.

بهروز. ۱۳۵۷ده تهراندا اوفسئت وئ تبریزده ساتیلان «میرزاعلی معجزشبستری- تازا تاپیلان شئعرلر» ۲۰۱ ص. (نشر بهروز- تبریز).

شیدا. ۱۳۵۸ده اوستاد یحیی شیدا طرفیندن تبریزده نشر اولونان «شبسترلی میرزه علی معجز تازا وئ چاپ اولمامیش اثرلری» اوچونجو جیلد۲۲۹ص.

غ. م. ۲. ۱۹۸۲میلادی ده باکیدا کیریل حرفلریله چاپ اولان «میرزه علی معجز- اثرلری» ۳۵۰ص. (یازیجیئ نشریاتیئ).

ئو. ئونانجا

ایتا. ایتالیانجا

فر. فئیرانسئزجا

آذربایجان قدیم فولکلور رقص‌لری(۴)

کمال حسن اوغو
کوچورن: پیام سرابلی

٤- قیتقیلدا:

قیتقیلدا بو رقصین ریتمینی یامسیلایان سسله‌ردیر. خوصوصن باکی‌دا چوخ سئویلن آذربایجان رقص‌لریندن بیریدیر. بونو آنجاق قادینلار ایفا ائدیرلر. اویناییانلار بیر- بیر چیخاراق قالانلاریئین ریتمیک چیپکلری آلتیندا بو و یا دیگر تیپی(پئرسوناژی) تصویر ائدیرلر. اونلاردان بیری اوتانجاق و قورخاق گلین‌دیر. او چکینه - چکینه رقص ائده‌رک قایناناسیئین گلیب- گلمه‌دییینی بیلمک اوچون قورخا- قورخا اطرافا باخیر. قایناتا گلیر. او قضب‌لی و اوتکم‌دیر. گلین تله‌سیک کئچیب دسته‌یه قوشولور. اونون روولو بوردا قورتاریر. قایناتا یوندم‌سیز گولونج حرکتله تئز- تئز اللرینی اویناداراق رقص ائدیر. او گلین‌دن ناراضی‌دیر. همیشه اونو هده‌له‌ییر. جاوان، توند خاصییت قونشو قادین گلینه هاوادار چیخیر. بئله‌لیک‌له اویناییانلار بیر- بیر چیخاراق بو و یا دیگر شخصی تصویر ائدیرلر. بعضن اویونا «موقه‌وا» دا داخیل ائدیرلر. او اوزونو ایکی تاختا قاشیقلا موشاییعت ائده‌رک موقه‌وا حرکت‌لریله اویناییار. «گلین»، «قونشو قیز» و آیری- آیری ایشتیراکچیلار موقه‌وا اولا بیله‌ر بعضن موقه‌وانی اوغلان دا اویناییر.

اولکه‌نین خالق آرتیستی مرحوم علی آغا آغایئو دانیشیردی کی، اوشاقلیقدا او قیتیقیلدا رقصینده تئز- تئز موقه‌وا روولوندا چیخیش ائتمیشدیر.

گؤردوژوژموژ کیمی بو رقص تیپلی(سوژئتلی)، اوژونلو رقص‌دیر. هر بیر رقصاص اوژوژنوژن رقص ایمکانلارئندان ایسته‌نیلن قده‌ر بدیهی حالدا نوژمائیش(ایمپروویزه) ائده بیله‌ر.آشاغیدا قئیتقئیلدانئین تیپلریندن بیر نوژمونه گؤستریلیر.

سئناریو: اوژتاقدا ایکی قئیز اوژتوروب بیرینجی قئیز کؤکس اوژتوژره‌رک دوژیوژ آرئیتلاییر. ایکینجی قئیز کده‌رله «کوژچه‌لره سو سپمیشم» اوژخویور. هر ایکی‌سی دارئیخئیر. تخمینن بئله بیر دیالوژ گئدیر.

-لاله! نه قملی- قملی اوژخویورسان آدامئین اوژه‌یی سؤکوژلوژر. – نئیله‌ییم. جمیله یامان دارئیخئیرام. هئچ یئره گئتمیریک هئچ کیمی گؤرموژروژک. بو حیات دئییل. حبس خانادیر.

- گل سن بیر شن ماهنئ اوژخو من ده اوژیناییم.

- ائه باجئ نه واختا کیمی من اوژخویاجاغام، سن اوژیناياجاقسان، سن اوژخویاجاقسان، من اوژیناياجاغام ؟ آنام بازارا گئدیب تاپشئریئب کی، ائودن بایئیراچئیخماییم. لاله اوژندا گل قوژنشو قئیزلارئ چاغئریئب صوحبت ائده‌ک. اوژخویاق – اوژیناياق چاغئیراق.

پنجره‌دن – «آئ قئیزلار مؤمینت، اولدوز، رفیقه، شفیقه بورا گلین» دئیه بیر- بیر قئیزلارئ چاغئیریر. صحنه‌نین آرخاسئیندان جاواب سسلری گلیر. بیر قده‌ردن سوژنرا صحنه‌ده بیر نئچه قئیز گؤروژنوژر. عوژمومی جانلانما.

قئیزلار سالاملاشئیر اوژپوژشوژب حال – احوال توتورلار. بیردن قاپئ دوژیوژلوژر هامئ قوروژیوب قالئیر. ائله بیلیرلرکی، ائو صاحیبه‌سیدیر. منی کیم چاغئیریردئ ؟ دئیه

سۆروشور. گۆلئۆم خالا بیز سنی چاغئیرمئیردئیق. هه... منی، گلمیشم سلام علئیکیم هاردا اۆتوروم؟

- بیز اۆیناماغا ییئیئیشمئیشئیق.

-اۆیاتماغا ؟ کیمی اۆیاتماغا ؟ کیم یاتئیب ؟

- اۆیناماغا!

اۆنو آپاریب کۆنجده خالچائین اۆستۆنده اۆتوردورلار. ۳- ۲ قیز اۆنو دۆۆره‌یه آلیر. اۆ بیری کۆنجده ماهنئ وئ چئغئیرتمائین تأثیری ایله قئیر ایختیاری اۆلاراق رقص عمله گلیر. ۲ قیز رقص ائدیر. سۆنرا اۆچۆنجۆ ده اۆنلارا قۆشولور. قیزلاردان بیری دئییر:

- دایائین، دایائین گلین هامئمیز بیر یئرده اۆیناياق.

- نه اۆیناياق ؟

- قیتقیلئیدا !

- یاخشئ بس بئ کیم اۆلسون ؟

- ایراده.

- بس ائلچی ؟

- اولدوز.

یئنه جانلانما. ایراده ائعتیراض ائدیر. اۆنو دیله توتورلار. باشقا رۆللارئ دا بۆلۆرلر. سۆنرا ایراده، ائلچی وئ بیر قیز باشقا اۆتاغا (صحنه آرخاسئنا) کئچیرلر. کۆنجده گۆلئۆم خالا دیری باشلئیقدا، ال قۆلونو اۆلچه‌رک ایسه دائیشئیر؛ برکدن ده اۆلار. بئله اۆلاندا گۆلئۆم خالائین رۆلونو اۆیناياان بیردن محله‌ده‌کی دئدی - قۆدودان دائیشمالئیدئیر.

لاله دئییر: قیزلار بس‌دیر. دئدی- قوْدویا قولاق آسدیق اوْندان یاخشیْ گلین رقص ائده‌ک.

۴-۳ قیز شن بیر رقص اوْیناییرلار. قالانلاریْ ال چالیر. بو گوْلشوْم خالائین خوْشونا گلمیر. اوْ ناراضیْ‌ئیقلا باشیْنیْ بولاییر وْ سوْنرا رقص ائده‌رنلره دئییر:

- یادیمدادیر ۳۰ ایل یوْخ قییرخ ایل بوندان قاباق من اوْیناییردیم. اوْندا رحمتلیک ممد تاغیْ آغا ایله. اوْ همیشه منی تعریفله‌یه‌ردی. من کپنک کیمی، قوش کیمی سوْزوْردوْم، باخ بئله.

دوروب قوْجا فندی بیر طرزده اوْیناییر. قیزلار گوْلوْر وْ ال چالیر گوْلشوْم خالا یوْرولوب اوْتورور.

- قوْجالمیْشام قیزلار. دئییرلر بیزیم محلله‌ده بیلقیس باجیئین قیزیْ فاطما یاخشیْ اوْیناییر، لاپ منیم کیمی. باخ بودور فاطما. اوْتوروب بوردا.

- فاطما! اوْینا.

اوْنو دیله توتورلار. اوْ اوْلجه ایسته‌میر. سوْنرا دورور. بو قیز چوْخ یاخشیْ رقص ائدیر. سربست قشنگ وْ جوْشغونلوقلا.

بو قورولوشدا بوْتوْن رقص‌لر «قیتقیلدا» موسیقی‌سی ایله گئدیر. رقصین قیزغئین بیر یئرینده قیز وْ یئنگه ایراده‌نی گتیریرلر. هامیْ اوْزوْنوْ بیلمه‌زلییه وْوروب تعججوْب‌له‌نیر. اوْ کیشی پالتاریْندادیر. بورنونون آلتیندا بیْغ چکیلیب. باشیْندا پاپاق وار. اوْ، موْقه‌وا کیمی یئرییئیر. الینده ایکی تاختا قاشیْق وار. اوْزوْنه دوْنوق بیر ایفاده وئریب. یئنگه وْ قیز «واغزالیْ» اوْخویوْرلار. های- کوْی. گوْلوْشمه. گوْلشوْم خالا حئیرتده‌دیر. اطرافیْنا باخیر بیردن قوْرخو ایچینده قیشقیریر. «وایْ عزرایئیل ؟» وْ دیزی اوْسته

چوکوب. اللری ایله اؤزؤنؤ اؤرتؤر. اؤنو ساکیت‌له‌شدیره بیلمیرلر. نهایت دئییرلرکی بو بی‌دیر. کیشیدیر. گؤلئؤم خالا دیققتله «ایراده»یه باخیر. سوسور ؤ چکینه- چکینه گؤلؤمسه‌ییر. «هه کیشیدیر! من اوتانیرام. کیشی ایله بیر اؤتاقدا اؤتورماق عاییبدیر. یاخشیمئ بودور من گئدیم.»

گؤلئؤم خالا گئدیر. یئنگه ؤ قیز اؤنو یؤلا سالیرلار. هامئ «بیی» تبریک ائدیر. یئنگه «بیین» اطرافیندا اؤینایییر. «بی»ین رقصی باشلانیر. ایراده رقص ائدیر. حرکتلر آذربایجان خالق حرکت‌لریدیر لاکین اؤنلار کسگین، جلد، مؤقه‌وا حرکت‌لری کیمی ایفا اؤلونور. اؤینایان دایما ایکی قاشیغئ بیر- بیرینه ؤورارق اؤیونونو مؤشاییعت ائدیر. بیر قده‌ردن سؤنرا قالان قیزلار دا اؤیونا قوشولور. عؤمومی رقص مؤقه‌وا، بی، گلین، ائلچی قاینانا، قونشو قیز – اؤنلارین هر بیری مؤعیّن بیر طرزده رقص ائدیر.

بیردن لاله پنجره‌دن کیمین گلدییینی گؤرؤر هامییا ایشاره ائدیر. اؤنلار گؤلؤشه‌رک تئز قاپییا قاچیرلار. لاله ؤ جلیله اؤز ییرلرینده اؤتورور ؤ اؤل کی کیمی بیری دؤیؤ آرییتلاییر. اؤ بیری ایسه نه‌سه تیکیر. پرده اؤرتؤلؤر.

بعضی مصلحت‌لر: چالانلار صحنه آرخاسیندا اؤتورورلار. اؤنلار گؤرؤنمؤرلر. لازیم اؤلان ییرلرده آنجاق «قیئتقیئلدا» موسیقیسینی چالیرلار. یالنیز «بی» گلن ییرینده باشقا. اؤ واخت «واغزالیئ» چالینیر. آتماجالار زامانئ چالیشماق لازیمدیرکی، هامئ بیردن دانیشماسین. هر بیر آتماجا آیدین ائشیدیلمه‌لیدیر. قورولوش رقصدن چؤخ اؤیوندور ؤ نه قده‌ر طبیعی اؤلسا بیر اؤ قده‌ر یاخشیدیر.

ایفاچیلار رقص زامانئ ریتم‌له چیرتما چالیب دئییرلر: «قیئتقیئلدا، قیئتقیئلدا».

یئتیم سئیدی

ناغیللین آدی: یئتیم سئیدی (زنگان روایتی)
ناغیل اوخویان: آشیق مسلم عسگری
ناغیل یازان: محمد رزاقی (زنگان)
یازما تاریخی: ۱۳۸۳-نجو ایلین اون بیرینجی آیینین اون دوردو

کئچن زامانلاردا تبریزده ایکی قارداش وار ایدی. بیرینین آدی سئیید محمّد اوْ بیریسی‌نین آدی سئیید احمد. زمانه بئله‌دیر کی بیر عیده‌نین مالی چوْخ، بیر عیده‌نین ده مالی آز اولار. سئیید محمّدین مالی چوْخ، سئیید احمدین مالی آز ایدی. احمدین بیر اوْغلو وار ایدی ایبراهیم آدیندا، محمّدین بیر قیزی وار ایدی نرگیز آدیندا. بو اوشاقلار اوْلان زامان بیر- بیرینه آداخلاندیلار. زامان کئچیر احمد اوْلوْر. ایبراهیم آناسیینان یاشاییر. بیر موّددتدن سوْنرا مالاری قورتاریر. ایبراهیمین ننه‌سی دییر:

- بالام گئت آختار اوْزوْوه ایش تاپ.

ایبراهیم جاواب وئریر:

- عمیم وارلی‌دیر و اوْنون قیزی منیم آداخلیم‌دیر. اگر عمیم قیزینی بیزه وئرسه مالی دا بیزه یئتیشر.

ننه‌سی دئدی:

- اوْغلوم عمین سنه قیزینی وئرمز.

آدام یۆللادیلار سئییید محمّدین یانئینا آنجاق قیز قبول ائله‌مه‌ییب بو سؤز دۆشدۆ یئتیم ایبراهیمئین قولاغینا. بیر مۆددت بو جریاندان سۆنرا ننه اۆغولا مذمّت ائله‌ییب اۆغلان دوروب گئتدی اۆزۆنه بیر صنعت تاپا. گئدیب گؤردۆ بیر عیدده آدام اللرینده چووال-تلیس گؤتۆرۆب گئدیرلر. دئدی:

- یۆلداشلار هارا گئدیرسیز؟

- بیز گئده‌ریک باغلاردان یارپاق یئیغیب ساتاریق.

اۆغلان یالوار-یاخار ائله‌دی بونو دا اۆزلریله آپاردیلار. اۆ گۆن ایشله‌ییب بیر قیران قازاندئ. گلدی گؤردۆ بیر دروَیش معرکه آچیب. معرکه قورتاراندان سۆنرا دروَیش دئدی:

- هر کس بیر قیران علی یۆلوندا منه وئرسه حضرت علی بیرده یۆز بو دۆنیادا، بیرده یۆزمین آخیرت‌ده وئره‌جک.

ایبراهیم اۆز-اۆزۆنه دئدی:

- یاخشئ سۆزدئر. بیره یۆز بو دۆنیادا بیره یۆزمین ده اۆ دۆنیادا قازانارام.

قازاندیغئ بیر قیرانئ دروَیشه وئردی. ایکینجی گۆن ۆ اۆچۆنجۆ گۆن ده قازاندیغئ پولو دروَیشه وئریب گلدی اوْه. ننه‌سی دئدی:

- ایبراهیم! بو گۆن نه قازاندین.

دئدی:

- بو گۆن ده قازاندیغیمئ دروَیشه وئردیم.

ننه‌سی ایبراهیمئ چۆخلو مذمّت ائدیب دانلادئ. ایبراهیم ناراحات پۆزغون اۆزدن چیخیب شرگردان دۆلانا-دۆلانا گئدیر. گئدیر گئدیر بیر مۆقئع گؤرۆر تبریزدن ائشیئه

چئخئیب. شهرین کنارئندا بیر داغئلمئش بورج وار ایدی. اؤزونو ئتیریب اؤردا، اؤ قدهر آغلادئ آغلادئ اؤزوندن گئتدی. ئوخوسونا کیملر گلدی؟ بؤرجلونو بؤرجدان قورتاران، گونو مغریبدن قاچتاران، آغالار آغاسئ، شاه-ی مردان. سسلندی: سئیدی! سئیدی گؤزلرین آچئب گؤردو بیر سئییید-ی نورانی باشئنئین اوستونده دایانئیب. دؤشندی آغانئین آیاقلارئنا. حضرت-ی علی(ع) اؤ مؤبارک الین چکیب بونون اوزونه؛ بئحئساب چونکی سئیدی بیر آز چیرکین ایدی، بو بابتدن ده همیشه قوصه ئئیردی و ائله بونا گؤره ده عمی قئزئیسئ بونو بینمه‌دی آللاه طرفی سئیدی‌ئه بیرگؤزه‌للیک پای وئریلدی کی، حددو حئسابدان آرتیق. حضرت-ی علی الینی سئیدی‌نین اوزونه چکندن سونرا دئدی:

- سئیدی! «گوورور رزم»-ین قئزئ پری خانئمئ سنه بوتا وئردیم. گئدرسن دالئجا آختارئب تاپارسان.

ایبراهئمئین آدئ کی، ایندیه کیمین ایبراهئیم ایدی بوندان سونرا اولدو سئیدی. آغا گؤزلردن قاییب اولوب. سئیدی بیلمه‌دی نئینه‌سین. دوروب ناچار گلسین ائوه. ائله کی وارید اولدو ائوه ننه‌سی بونو گؤرنده اول آز قالدئ تانئیمایا. آمما بیر آز دیققت ائله‌ینندن سونرا گؤردو اؤز اوغلو ایبراهئیم‌دئر آمما آللاه طرفیندن بونا بیر گؤزللیک عطا اولوب کی، ئئمه ایچمه خطّ-ی خالئنا تاماشا ائله. دئدی:

- اوغول بو گؤزه‌للیئی سنه هاردا وئردیلر؟

سئیدی جاواب وئردی:

- فیلان ئئرده پایلاییئردئلار من ده آلدئم . ننه‌سی بیر ساده آدام دونیا گؤرمه‌میش، نئینه‌سین ایناندئ. بویاندان سئیدی ائودن بیر آز ئون کالافئ گؤتوروب گلدی ارمنی‌نین توکانئنا. ایستیر ساز آلسئین. آخئ حضرت-ی علی(ع) بونون باشئنئین اوستونه گلنده اؤ

گؤزل‌لیک وؤ بوتادان ساواییؤ بونا شئعر طبعی ده وئرمیشدی کی، هرنمنه‌یه ایسته‌سه‌یدی سؤز دئیه بیله‌ردی. سینه‌سی دمیرچی کؤره‌سی کیمین جؤشور. یئتیشیب ارمنی سازبندین توکانئینا الینده اؤلان یونلاریئ قؤیدو میزین اوستونه. ارمنی دئدی:

- اؤغول بو نمه‌دی؟ نمه ایسته‌ییرسن؟

سئیدی دئدی:

- بونلاریئ گؤتؤر منه بیر ساز وئر.

اوستا باشئین سالیب آشاغیئ بونا بیر گؤلدو. سئیدی بو یؤل آلیر ساز- سؤزنن مطلبینی بیان ائله‌سین:

باشئینا دؤندوییؤم گؤل اوزلو اوستا — اوستا سازیئن دوزلت آللام گئده‌رم
مئیلیم بودور یئتیم وفالیئ دوستا — اوستا سازیئن دوزلت آللام گئده‌رم

اوستا بیر ساز وئرن گؤیلومه همدم — ال چکنده اونا قالمایا وئرم
باشئینا دؤندوییؤم اوستای دردمند — اوستا سازیئن دوزلت آللام گئده‌رم

بیر ساز وئرن قولاقلاریئ بیر پئیوند — ال چکنده دانیشا زیل وؤ بمده
خاجه مجلیسینده اؤلا دیل‌پسند — اوستا سازیئن دوزلت آللام گئده‌رم

بو کی دئییر «بیر ساز وئرن قولاقلاریئ بیر پئیوند» بونا گؤره‌دیر کی، قدیم بیر تئعداد سازلاریئ بئله دوزه‌لدردیلر قولاقلاریئ بیر- بیرینه پئیوند اؤلاردیئ؛ بیرینی بوروب سیمی کؤکه سالاندا اؤ بیری سیملر ده کؤکله‌نردی. سؤز قورتاردیئ. اوستا ناراحات اؤلدو. «آخیئ بیر جاوانی کی، دوننه کیمین قیپاقه‌سینه باخماق اؤلموردو، سؤز دانیشماق بجرمیردی

ایندی گلیب منی اله سالیر ساز ایستیر». دوروب بیر سیلله سئیدییه وئوردو. سئیدی قش ائله‌دی یئیخیلدیئ یئره. ارمنی سیلله وئوران آندا بیر سیلله قئیدبدن ارمنی‌نین قولاغینا وئورولدو ارمنی ده قش ائله‌دی. سئیدی دوروب گؤردو ارمنی دؤشؤب یئره، اؤزؤنؤن ده رنگی سارالیب. دئدی گؤره‌سن اوستایا نه گلدی. یاواش- یاواش اوستانیئ آییتدیئ. اوستا آییلیب دؤشندی سئیدینین آیاقلارینا. دئدی:

- باشیوا دؤلانانام جاوان! سن کیم سن؟ نه کاره سن؟ نه دینده‌سن؟ منی ده اؤز دینیوه گتیر من سنه تابئع اولدوم.

سئیدی جاواب وئردی:

- بیز مؤسلمانیق.

ارمنی دؤنؤب مؤسلمان اولدو بیر یاخشیئ ساز دا سئیدییه وئردی. سئیدی سازیئ آلیب گلیر.

چؤنکی بو بؤلؤمده یئریمیز یؤخدور گلن بؤلؤمده عرض ائله‌ریک کی، سئیدی‌نین عمی‌سی قیزیئ نئجه رأیه گلیر و سئیدی اونا نه جاوابیئ وئریر و نه جؤر پری خانیمیئ تاپیر و باشلاریئنا نه گلیر. فئلن ساغ- سلامت قالین.

نجف داستانی(۲)

علیرضا ذیحق

کئچمیش بؤلؤمؤن خؤلاصه‌سی:

ایصفهانلی محمد سؤزداگر و بئهبهانلی احمد سؤزداگر بیر دروئیشین الیندن آلدیقلاری آلمانی ایکی بؤلؤب هر پاراسینی اؤز قادینلاری ایله یئتیریلر. محمد سؤزداگرین نجف آدیندا اؤغلو، احمد سؤزداگرین پریزاد آدیندا قیزی اؤلور. محمد سؤزداگر اؤلؤم حالیندا اؤغلو نجفه وصیئت ائدیر بئشیک کسمه آداخلی‌سی پریزادی آلسین. نجف، آتاسی رحمته گئتدیکدن سونرا، گئدیر بئهبهانا عمی‌سی احمدی تاپیر و پریزادی آلیر. تؤی دؤیؤندن سونرا ایستیرلر گلسین‌لر ایصفهانا؛ پریزاد وطندن آیریلاندا اؤره‌یی درده گلیر؛ گؤتؤرؤر ساز- سؤزلن بو آیریلیق دردینی بیان ائتسین. ایندی ده داستانین قالانی:

قیز بئله سؤیله‌ییر:

آنا گئده‌ر اؤلدوم قؤربت ائللره — خالیق بئله یازدی یازیمی منیم
آتام یوخ، آنام یوخ قؤربت ائللرده — کیم‌لر چکه‌ر عیشوه نازیمی منیم
قاراواشلار سیزده قارا باغلایین — تؤکؤن آل‌لاریزی قارا باغلایین
هردن ده بیر یاده سالین آغلایین — گؤزلی یوردومون عالمی منیم
گؤزل‌لر سالیب‌لار اؤزه رؤبنده — چاتدیردین آرزوما ایلاهی سن ده
اؤلمایایدیم خان نجفه شرمنده — سئوه‌رلر ایگیت‌لر یاریمی منیم

کجاوه یاواش ـ یاواش یؤللانیر و گؤنش‌آدلی دایه‌نی ده وئریب‌لر پریزادین یانی‌سیجا. قدیم رسم ایدی کنیز- دایه اؤلاردی نازنین‌لر یانیندا. بئهبهاندان کؤچؤب

ایصفهانا طرف اوز قوْیوبلار. آز گلیب چوْخ گئدیب آشئیرمالارئ کئچیرلر و ئئنیش - ئوْخوش‌لارئ آشارکن چاتئیرلار اوْ ئئره کی، الخاچ چیمه‌نی‌دی. نجف دستور وئردی بو دوْشرگه‌ده دوْشوْب دینجه‌لرکن گئنجه‌نی بوردا قالئیب سحری گئده‌جه‌ئیک. گئجه‌نی ئئمک، ایچمک، خورد- خوْرک‌دن سوْنرا نوْوْبه گلیر یاتماغا. چادئرلار «لام الیف‌لا» کیمی کئچیب بیر- بیرینه. هامئسئ ایستیراحت‌لیئه مشغولدولار.

نجف اوز دوْلاندئردئ تاجیرلره کی، بو گوْن نیگهبان‌لئق منیم بوْینومادئر. تاجیرلر هامئسئ ئئردن قوْغزانئیب «آ نجف سن نیئه؟ بیئه بیز اوْلموْشوْک» دئدی‌لر. نجف دئدی: «آتامئن وصییّتی‌دیر. بو چادئر بو قافیله منه مربوط‌دو. آللاه ائتمه‌سین اگر بو کاروانا بیر شیکست‌لیک گلسه منیم عوْهده‌مه‌دی». هامئ قبول ائله‌دی. ایندی نوْوْبه یاتماغا چاتدئ.

واخت اوْ واخت‌دئ کی، گئجه‌نئین ایکی پاسئ کئچیب، اوْچوْنجوْ پاسئ گلمک حالئندادئ. نجفی بالا- بالا ئوخو کئریئخدئرئر.اوْز-اوْزوْنه دئئیر «گئدیم عمی قئزئیم‌لا دانئیشماغا کی، بلکه ئوخوم قاچدئ». نجف یاواش یاواش - یاواش اوْز قوْیور عمی قئزئ‌ئین چادئرئنا طرف. پریزادئ چاغئرئب اوْرتوْئوْ قوْغزاتئیر. باخئر گوْرور عمی قئزئ یاتئیدئ نه یاتئیب. دوْرد طرفدن یاسمن زوْلف‌لر سالئیدئ آرایا اوْنو و موْشک، عنبر، گوْلاب ایئی چادئرئ بوْروْئوْب‌دوْ. بیر آن دوْروخدو و اوْنو نه قئیلئق اوْیاتماق اوْچوْن فیکره دالدئ. اوجا سسله اوْیادئرسام دیکسینیب ائله‌ر، دوْداقلارئ چاتلار یا دا منی بیردن بیره گوْرورسه واهیمه‌ئه دوْشه‌ر. گرک کی، نازنان اوْیادام اوْنو.

آمما ائشیت فله‌ئین ایشیندن کی، دئمه‌ئه‌سن پریزادئن آتاسئ اوْنا بیر دوعا وئریب اوْ دوعانئ دا ایتمه‌سین دئئیه بوْینوندان آسئیب‌دئ. نجف بیر الینی قوْیوب اوْ اوْزه، بیر الینی بو اوْزه، بوسه ایله ایستیر عمی قئزئنئ آیئیلتسئن. بو آندا گوْزوْ بیرزادا

ساتاشیر. دؤش‌لری آراسیندان کی بیری هره‌ؤش‌دی بیری اره‌زن دوعانئ قیریب قؤپارئر. آچیر گؤرسؤن نه یازیلیب. دئمه‌گینه بو دوعانئین خاصیّتی‌دی هرکس بو دوعانئ آچیب اؤخویوب باشا چیخسا، تیلیسم جادودو بو دوعا؛ داش، قوش، پرنده، چرنده ؤ هر نه نظریندن کئچیرسه مؤمکندؤر اؤلا. نجف کی، پالتارلارئن چیخاریب یئرینه اوزانمیشدئ ال اوزادیر قلم‌تراش پیچاغئ جیبیندن چیخارئر ؤ خیار تکین دوعانئ آرادان یارئر. حؤروفات‌لارئن باشلایئیب اؤخویوب قورتول ها قورتولدا گؤزؤنده هاوا تیره وؤ تار اؤلور. ایلدیرئیم، چن، دومان هر یانئ بؤروییؤر ؤ نجف ده اؤلور بیر گؤیئرچین. دؤشؤر گؤیئرچین دؤنونا. چادیردا بویان- اؤیانا اوچارکن اؤنون شیققیلتئ‌سیئنا، قیز یوخودان آییئلیر. الین آتیر دوعایا گؤرؤر یؤخدو. «وای دده! نؤلایدئ، نؤلایدئ الین قوروییاندئ سنین بو دوعانئ یازدیغین یئرده. یاخشئ منی بختی قارا ؤ خانه خراب ائیله‌دین»- دئدی.

قیز نئیله‌دی؟ فؤرصتی فؤوت ائتمه‌دن دست به دست گؤیئرچینی ایسته‌دی توتسون. گؤیئرچین الیندن چیخارکن چادیرئین نفس‌کئش یئرینندن اوچدو ؤ قؤندو بیر آغاجئین باشئینا. قیز چیخدئ گؤرسؤن هارا گئتدی کی، سحر اؤلموشدو ؤ سوچودان، چؤباندان، نؤکردن هامیسئ ائشیکده ایدی. قیز گؤردؤ بو وضعیئت‌ده چیخسا ائشیئه نامحرم‌لر گؤره‌جک. گلدئ عمی اؤغلونون لیباسلارئنئ تئز گئیدی ایئینه. چؤن ایکیسی ده بیر آلمادان خلق اؤلونموشدو هئچ تانئینمازدئ اؤنلارئن اؤغلان قیزلیغئ. قیز « توّکؤل گؤزه گؤروّنمزه، گئدیم گؤروّم منی نجف ساناجاق‌لار یا یؤخ»- دئیه گئتدی دایه‌سی «گؤنش»ین یانئینا. دئدی گؤروّم اگر گؤنش منئ تانیدئ ائل یوخودان دورمامیش باش آلاق گئدک دده‌مین ویلایتینه. تانیمازسا اگر، باشیمین قضاسئ ندیر گرک کی چکه‌م.

اؤزؤن وئردی گؤنشین یانئینا. گؤنش آیئیلدئ گؤردؤ نجف‌دی، دوروب باشئینئین اؤستؤنده. سؤیله‌دی: «آ نجف منیم باش قولاغیم آچیق‌دئ،عایئیب‌دئ ائشیکده اؤلون» دئدی:

- «اؤندان هئچ نیگران اؤلما! عمی قئیزی‌مئین چادیرینداندان ایکی لؤطونو قؤوالایئیب توتانمادیم. هیرس‌دن بیلمه‌دیم نئیله‌یئیم ال آتدیم قیئینجا وَ ریزه‌ـ ریزه دؤغرادیم. دور آیاغا بو گلین‌لیک‌لری گئیَ هامئ سنی عمی قیئزئ ظن ائتسین گؤرک باشیمیزا نه گلیر.»

قیز اؤردان چیخدئ گئتدی گؤره نجف-ین قولامئ قره‌قول نه حالدادئ. اؤ دا بونو تانیئیئیر یا یؤخ؟ قره‌قول دا اؤنو نجف ساندئ وَ چیخدیلار داغلارا سئیرانگاها. طبیعتی سئیر ائله‌یرکن پریزاد کی، نجف-ین قیئیغینا دؤشمؤشدؤ بولودلاردان بئله خبر آلیر:

عرش اؤزؤنده گزن پاره بولودلار　　بولودلار خبریز وارئدئ یارئیمدان؟
اؤرک تک یارالئ پاره بولودلار　　بولودلار خبریز وارئدئ یارئیمدان؟

قره‌قول سسلندی: «آ نجف! باغیشلایاسان ها مگر بولوددان آداما سس گلر. بولود نه بیلسین سنین یارئین هاردادئ؟» دئدی:

- قؤلاغ‌آس گؤر قالائین نه‌دئییرم:

حسرت قالیم اولوسوما- ائلیمه　　بؤلبؤل تکین گؤلشنیمه گؤلؤمه
بولود قاتارلانیب گئدیر ائلیمه　　بولودلار خبریز وارئدئ یارئیمدان؟

پریزادئین اؤره‌یینی قهر- قؤصّه هر طرفدن چولقالارکن گؤرک داها نه دئییر:

سیز بولودلار هاوالاردا گزه‌رسیز　　یئرین وصف-ی‌حالئین گؤیده یازارسئز

مگر سئز ده وطنیزدن بئزارسئز بولودلار خبریز واردئ یارئمدان؟

قره‌قول باشئینئ توتولایئر کی، به‌به نه قریبه شئعرلر اوخویورسان. قره‌قولون بوساياق دائیشماسئ، پریزادئین دردئین بیر ایدی ائدیر مین. باخدئ قره‌قول باش تاپانمئر. آلئر گؤرک قره‌قولا سازلا سؤزله نه آنلادئر:

سحر- سحر زولفونه شانه وورواندا داغئلار زولف اوزه هامئدان قولای
اورک‌دن بیر ایگیت دیلک دیله‌سه آخئردا مطلبی هابولار- بولار
زومرود دهانئندا بیر دانه گؤردوم صررافئین دستینده دوردانه گؤردوم
دردیمی دیل بیلمز نادانه دئدیم آنلاماز باشئینئ هابولار- بولار
یاتمئیش ایدین سنی کیم یاده سالدئ اویاتدئ یوخودان کیم درده سالدئ
نجف ده سئوگی‌سین نه یئرده سالدئ آغلار فغان ائله‌ر هابولار- بولار

گؤردو قره‌قول درد اهلی دئییل. بوراجان دا هوس‌دی بس‌دی. قایئداق ائل ایچینه گؤرک تاجیرلر نه ایش گؤرورلر. پریزاد قره‌قولا بیرلیکده ائل ایچینه قایئدارکن تاجئرلر اونون ائحتیرامئینا آیاغا قالخئیب مونتظیردیلر. «نجف»ین دستورو ایله قاتار قافیله توپلانئیب کاروانلار یوردا ساریئ یولا دوشه‌رکن پریزاد دا اورک سؤزلرینی بئله اوخویور:

منیم شانسئیم ایله ایقبالئما باخ گئتدی قاره گؤزوم آغلاریئ قالدئ
گؤزل سئودیم فرح‌لندیم اوجالدئم چکدی صبریم اوسته داغلاریئ قالدئ
سحر- سحر گئتدیم یارئن لیباسئن اوستوندن قورشاندئم زری لیباسئن
بوش‌دا قویدو گئتدی دؤولت سراسئن ناشئ باغبان ایدی باغلاریئ قالدئ
سینه‌م اوسته‌ن اوچدو، دورغو گؤیرچین او دوشه‌ن یئرلره اولام بیر لاچئن

یۆل وئرین یاوَروما بولودلار قاچئن قارلار اریسه ده داغلاریٔ قالدیٔ

سۆزلری بیتدیک‌دن سۆنرا تاجیرلری باشئینا یئیغئیب دئدی: «بئهبهاندان آیریلماق، عمی قیزیم اۆچۆن چۆخ نیسگیل‌لی اۆلوب گئجه گۆندۆز یاش‌دیٔ کی، گۆزلرینـدن سۆزۆر. اۆنون اۆره‌یینی سئیخماماق اۆچۆن بو قراره گلمیشم کی، اۆنون کجاوه‌سینی خدم حشم‌له بیرلیکده بیر نئچه آتلی و�َ قره‌قولا قۆشام کی، بئهبهانا قایئیدالار. آللاه کریم‌دی، سۆنرا آنا باجئمیٔ دا گۆتۆررەم باشقا بیر فۆرصت‌ده بئهبهانا گئدیب اۆنو ایصفهانا قایتاررام.»

گیزلینجه گۆنشه گلین پالتاریٔ گئیدیریب بیر مکتوب دا آتاسئینا یازیب قره‌قولا دستور وئردی آتلیٔلاریٔ توپلایئیب کجاوه‌نن بیرلیکده بئهبهاندا احمد سۆلتاگرگیله یۆلا دۆشسۆن. پریزاد دا نجف قیلیغئیندا کاروانلا بیرلیکده ایصفهانا ساریٔ حرکت‌ده اۆلور. بیر مۆددت‌دن سۆنرا ایصفهانا چاتیب هره اۆز مال ماتاحئنیٔ دۆشۆرۆر. پریزاد دا آغئنا بۆزونا باخمادان نجف‌گیله گئدیب آناسیٔ اۆنو باغرئنا باسیب دئییر: «مۆددت‌دی گئدیبسن گۆزۆم قاپئدادیٔ. آللاه هئچ مۆسلمانیٔ گۆز یۆرغونو ائله‌مه‌سین، چتین‌دی واللاهیٔ!»

آمما نجفین بیر باجیسی وار پۆنهان آدیندا. باخدیقدا گۆرۆر سن اۆلمه‌یه‌سن بو قارداش قریبه قارداش‌دیٔ. آناسیٔ سسلندی: «قیز قاچ گل قارداشیٔنین بۆینونو قوجاقلا!» دئدی:

-«آناجان ائله‌بیل همن نجف دئییل بو.»

دئدی:

– «کؤپه‌ییین یئتیمی گؤزلرین کؤهنه‌لیب یا عاغلئین چاشئیب. نئجه یانئ اؤ نجف دئییل؟!»

ایسته‌دی قئیزئینئ وؤرسون کی، پؤنهان دئدی: «سنه اؤغول منه ده قارداش‌دئ! سئوینجیمدن اؤزومو ایتیریب نه دئدییئیمی بیلمیرم!» پؤنهان قؤلونو سالئیب پریزادئین بؤیئنونا اؤ اؤز بو اؤزوندن اؤپؤر، سؤنرا ایچری کئچیرلر.

اؤ زامان تاجیرلر سفردن گلنده هره اؤز آدئینا لایئق شاه عاباس اؤچون تؤحفه آپاراردئلار. بیر هفته کئچیب آمما «نجف»ین تؤحفه‌سی قالئیب‌دئ. آناسئ اؤز دؤلاندئیردئ دئدی: «اؤغول تامام تاجیرلر هامئیسئ شاه عاباس اؤچون تؤحفه آپاریئب‌لار. آتان رحمت‌لیکده همیشه سفردن گلنده شاه عاباسا تؤحفه آپاراردئ. سن نییه به قالئیب‌سان؟ ایراددئ بیزه. شاه دئدیجه‌ییین بیر الی اؤد بیر الی سو. قضبی توتار اینجیدر بیزی. دئدی:

– «آنا من نه بیلیم بئله بیر ایش‌لر ده اؤلار آخئ! سن بویئور من ده آپاریم دا!!»

خانئیم‌لار قیسمتی خؤنچایا دقیق وَ دیقّت‌لی اؤلار. دئییه‌جکسن نییه؟ خرج اؤزوندن چیخمیر آخئ. اؤ دورکی، قئیز اؤزونو وئریب بازارا، دربارا لایئق هرنه وار ایدی آلدئیق‌دان سؤنرا، بیر خؤنچا دؤزلتدی یؤللادئ دربارا. دئمه‌یه‌سن ایصفهان تاجیرلری هامئیسئ اؤتوروب شاه عاباسلا بیرلیکده صؤحبته‌ـ وَحدته کی، خؤنچانان بیرلیکده قئیز گیریر ایچری. سلام وئرندن سؤنرا تاجیرلرین هامئیسئ قؤوزانئیب شاه عاباسا باخدئلار. شاه عاباس دا مجبور حالئیندا اؤز یانئیندا اؤنا یئر گؤسته‌ردی.

ایله‌شرکن وَزیر دستور وئردی خؤنچالارئین اؤرتؤک‌لرین گؤتؤرسؤن‌لر کی گؤره‌لر تاجیرلرین هدییه‌سی نه‌دیر! نؤوبه گلدی چئخدئ «نجف»ین خؤنچاسئینا. شاه گؤردؤ اصلی درده دییه‌ن شئی‌لر، اؤ کی، دربارا لایئق‌دی بوردادئ. اؤز توتدو تاجیرلردن

خبر آلدیﺉ:« بو آغازاده کیم‌لردن‌دی؟ هئچ گؤرمه‌میشم تانـیمیرام بونـو!» تـاجیرلردن بیـر نئچه‌سی قۇوزائیب دئدیلر:« محمّد سۇوداگرین اۇغلو نجف‌دی».

شاه قۇلونو سائیب بۇیـنونا اۇ اۇزۇندن بو اۇزۇندن اۇپۇپ دئدی:« مین ماشالله ائۇلنمه‌لی اۇلوبسان ائله! آللاه آتانا رحمت ائتسین کی، چۇخ کیبـار ۇ درده دیـه‌ن اینـسان ایدی!»

خۇنچالارئین اۇستۇ آچئیلیب مراسیم سۇنا چاتارکن شـاه اۇز دۇنـده‌ردی ۇزیـره کی، «دۇغرودان دۇغروسو منیم بو جاۇاندان چـۇخ خۇشـوم گلـدی! لیاقـت، معریفـت، ثروت هامیسیﺉ جابه‌جادیﺉ آمما افسوس ...».

ۇزیر دئدی: «قوربان افسوس نه‌دیر؟»

دئدی: «افسوس بودو کی، کاش منیم بیر قـئیزیم اۇلایدیﺉ ۇئره‌یدیم بو جاۇانا.»

دئدی: «سنده یـۇخدو منده وار!»

تئزلیک‌له دربارئین قاضی‌سی حاضیر اۇلوب شـاه هـئچ دئمـه‌دی ائـولی‌سـن یـا سوبای؟ تکجه دئدی: «ۇزیرین قـئیزئن آلیرسـان یـا یـۇخ؟» پریـزاد دئمـه‌یـه بیـر سـۇز تاپانمادیﺉ. باشینیﺉ سائیب آشاغیﺉ دۇشۇنه‌رکن گؤردۇ یـۇخ دئـسه ایـشی یـاش‌دیﺉ. الـی اۇخوناجاق! دیلیندن چئیخار- چئیخماز دئدی: «هرنه پادشاه امر ائتسه اۇ اۇلور! آلیرام ۇ بو محبّته مینّت‌دارام.»

شاه عاباس دئدی:«بو جشن اۇزۇمه مربوط‌دو. هـم قـئیز طرفینـدن ۇکیلم، هـم اۇغلان طرفیندن. شیرنی‌سی لیباسیﺉ تۇیۇ خرجی هامیسیﺉ منیم بۇیـنومادیﺉ».

قـئیرخ گۇن قـئیرخ گئجه تۇیۇ دۇیۇن باشلانیب یـئمک- ایچمـک دیـزدن‌دی ۇ گۇن اۇ گۇندۇ کی، عروس- داماد گئجه‌سیدیر. واخت اۇ واخت‌دیﺉ کی، اۇنلاریﺉ ال- اله

وئریب‌لر. پریزاد گؤردوّ نئیله‌سین نئیله‌مه‌سین نجف‌دن ده هله خبر یئوخدو. هاردا اوللدوغوندان وّ باشینا نه گلدییئیندن خبرسیزدی. پریزاد باشلادیئ نامازا. وئزیرین قئیزیئ گؤردوّ بونون نامازیئ قورتولمادیئ وّ آیاق اوسته دورماقدان آز قالیر گؤزلرینه قره سو یئنه. اوّنا گؤره ایله‌شدی گؤز تیکدی اوّنا کی، هاننان گئجدن بودورکی نامازدان قورتولا. آمما خوّروزلار بانلادیئ یئنه قورتولمادیئ. وئزیرین قئیزیئ دیله گلدی کی، آ نجف بو نامار هاوّاخت قورتولاجاق؟! دئدی: «منی دانیشدیئردیئن نامازیئم پوّزولدو. گرک باشلایام تزه‌دن قیلام. آتامیئن وصیّتی‌دیرکی، الیم الینه ده‌یمه‌میش گرک کی، یئددی گوّنه‌جن نامار قیلام.»

(اینشا آلله گلن بؤلوّم‌لرده اوّخویارسئیز کی نجف نه جوّر تیلیسم‌دن چیخئیر وّ اوّوّچو احمدین قئیزیئن نه جوّر آلئیر وّ گلیر پریزادیئ بو مهلکه دن قورتاریر.)

حسن بیؒ هادی جنابلارئنئن

مجله‌نین دفترینه گؤندردیئی کیتابلارئن سیئاهیسی

آرئن I سؤزؤن اؤزؤ (انتیمولوژیک درلمه سؤزلر) ۲۰۰۵ A – J حرف‌لری	٤٧١- ۰ صحیفه	۳ نؤسخه
آرئن II K – N حرف‌لری	۸۵۰-۴۷۱	۳ نؤسخه
آرئن III O – Z حرف‌لری	۱۵٦۰ – ۸۵۱	۳ نؤسخه
آرئن II فارس دیلینده تؤرک سؤزلرین اؤیرنک؛ تؤرک انتیمولوژیاسئندان بیر نئچه سؤز. پئترؤس کیریشچیئان ۱۹۰۹ – ۱۸۴۰ فئرانسئزجادان قیسالمئش چئوریلمیش ۲۰۰۳ – ۱۳۸۲	۱۱۳ صحیفه	٤ نؤسخه
پئترؤس کیریشچیئان تؤرک انتیمولوژیاسئندان بیر نئچه سؤز (آمستئردام ۱۹۱۲) فئرانسئزجادان کؤچؤرن: حسن بیؒ هادی (۲۰۰۳ – ۱۳۸۲)	۸۰ صحیفه	۳ نؤسخه
فارس دیلینده تؤرک سؤزلری؛ تبریز ۱۳۸٤	۷۲ صحیفه	٦ نؤسخه
مؤغؤلجا بیر نئچه سؤز؛ تبریز ۱۳۸۴	۱۱ صحیفه	۵ نؤسخه
کاشغارلئ ماحمود؛ بو گؤن بیر نئچه سؤز	۲۲ صحیفه	٤ نؤسخه
اش آنلام سؤزلر	۲۸۵ صحیفه	۱ نؤسخه
دیوان لؤغات التؤرک اینجه لیک‌لری؛ دیوان لؤغات التؤرک‌دن درلنمیش انتیمولوژیک سؤزلر؛ تبریز ۲۰۰۵	۷۱۰ صحیفه	۲ نؤسخه
گؤیچه یازئلار فولکلؤر توپلوسو؛ تبریز ۱۳۸۲	۲۲۱ صحیفه	۱ نؤسخه
آرین انتیمولوژیک درلمه سوزلر تبریز ۱۳۸۲	۱۹۳ صحیفه	۲ نؤسخه
چالیش بو دونیادا یاخشیلیق ائیله آشیق یدالله شکیبی‌نین شعرلری؛ تبریز ۱۳۸٤	۳٤۷ صحیفه	۱ نؤسخه
آتالار سؤزؤ ائلین گؤزؤ تبریز ۱۳۸٤	۱۸۰ صحیفه	۱۵ نؤسخه

حسن بیؒ هادی قلمداشیمیزا ساغ اول دئیه‌رک، اونا اوغورلار دیله‌ییریک.

قوشا چایلئ آشیق میکاییل

جواد دربندی

آشیق میکاییل ۱۳۰۹-نجو گؤنش ایلینده قوشا چایئین «گؤل» کندینده، آنادان اولدو. اوشاقلیق چاغئندان سازا، سؤزه، آشیقلیغا هوس گؤستریب، نئچه- نئچه اورمیه ماحالئنین آشیقلارئندان و قوشا چایلئدا رحمتلیک قاشیق‌چیلئ آشیق حسن‌دن درس آلیب، آشیقلیغین سیرلرین اؤیرنمیشدیر. ایندییه قدهر قوشا چایدا، سهند داغئنین اتئینده کندلرده، اوبالاردا، چوخلو توپلار یولا سالمیشدیر. اونون زیل، ملاحتلی سسی، چوخلو داستانلار و آشیق هاوالارئنئ خوصوصن اورمو مکتبی‌نین هاوالارئنئ مؤکمل شکیل‌ده بیلمه‌سی، خالق آراسئ اونون ائتیبارئنئ و حؤرمتینی آرتیرمیشدیر.

او اوستادئ آشیق حسن‌ین آدینئ ائحتیرام‌لا آپاریب، اونون عؤمرو یاریم عصردن چوخ اولان سازینئ آبیده کیمی سینه‌سینده ساخلاییب ایندی‌یه قدهر قورومو شدور.

آشیق میکاییل، آشیق هاوالارئنین دئمک اولار هامئ‌سینئ، خوصوصن آشاغیداکئ آشیق هاوالارئنئ تام شکیل‌ده سازدا ایفا ائدیر:

۱- قوبا ۲- یدکلی ۳- شاهسونی ۴- موغامات ۵- شیکسته ۶- کئشیش اوغلو و ائرمنی کئشیش اوغلوسو ۷- سولدوزو ۸- یورغون کرمی ۹- احمدی کرمی ۱۰- حئیدری ۱۱- سایلی کرمی ۱۲- آغاخانی ۱۳- جعفری ۱۴- ستاری ۱۵- آقا بئیگی ۱۶- هیجرانی ۱۷- گؤزه‌للمه ۱۸- فصلی باهار ۱۹- دیوانی ۲۰- تجنیس ۲۱- دوبیتی ۲۲- خان امراهی ۲۳- تاجیری ۲۴- قوچانی ۲۵- هشتری ۲۶- کوراوغلو هاوالارئ ۲۷- بایاتینجئ ۲۸-

شکی ۲۹- تئللی شکی ۳۰- ایستانبولو ۳۱- قره عئینی ۳۲- قره گؤز ۳۳- اؤوچو گرایلئ‌سئ ۳۴- زئینال بئیگی ۳۵- قره‌باغی ۳۶- زیل قره‌باغی ۳۷- سالیانی قره‌باغی ۳۸- سونا سئتاری ۳۹- زیل سئتاری ۴۰- آلاچئیق هاوآسئ ۴۱- جمشیدی ۴۲- اورومیه بهمنی‌سی و ....

بو قوجامان آشیغئین آجئ خاطیره‌لریندن اؤنون ۲۷ ایل اؤنجه سازیئنا حؤرمت‌سیزلیک و سازیئین سیندیریلماسیدیر. بو خاطیره طعنه‌لی سؤز تکین اؤنون دردلی اؤره‌ییندە یارا باغلامیشدیر. بیز ده گؤیچه‌لی آشیق موسانین گرایلئ‌سیئلا اؤنون یاراسینا ملهم قویوروق.

تئللی سازین

مجلیس‌لری آباد ائله‌ر		یولدان چیخیب یولون آزمیر،
نه گوناهئ تئللی سازین!		ابلیس کیمی آرا پوزمور.
ملول کونول‌لر شاد ائله‌ر		فالچئ تکین جادو یازمیر
نه گوناهئ تئللی سازین!		نه گوناهئ تئللی سازین
ایکی شجر، ایکی دمیر؛		موسا دردین سویله‌ر سازا؛
آرا وورمور یالان دئمیر.		او چیچکلی گوللو سازا.
آند ایچمه‌یین، روشوت یئمیر؛		اوخشامازساز شئییت‌بازا
نه گوناهئ تئللی سازین!		نه گوناهئ تئللی سازین

گؤیڭ مونجوق

تؤپلایان: **اؤروجعلی دوزنانی**

کئچن بؤلؤمده عرض ائله‌دیک کی، قاری‌نئن اؤغلو کئچل، اوشاقلارنان گئتمیش ایدی اؤدونا، چؤلدن بیر گؤیڭ مونجوق تاپدی. بو مونجوقدان هر نه استه‌سه‌یدی اؤلوردو. کئچل مونجوغو تاپاندان سونرا آناسی‌نی یؤللاییر شاهئن قیزئینا ائلچی‌لیئه. شاه نئچه دنه اؤ لاپ چتین شرطلردن تعیین ائدیر. کئچل ده گؤیڭ مونجوق‌نان شاهئن شرطلرینی یئرینه گتیریر و شاه دا قیزئینی وئریر کئچله. تؤیڭ دان سونرا بیر عالی عیمارتده زیندگانلیق ائدیرلر. ایندی ده ناغیللین قالانی:

بیر نئچه آیڭ کئچدیکدن سونرا، بیر قارا قول اؤنلارئن خؤش گؤنلرینی پؤزدو. پادشاه قارا قولدان قیزئینا پایڭ یؤللاردی. قارا قول بیر گؤن پایڭ گتیردیکده پادشاهئن قیزئینا دئدی:

– بیلمیرم بو کئچل بیر بئله وارئ هاردان باش باغلادی. بو وارلیلیغئن سیررینی اؤیره‌ن، بلکه کئچلین وارئنڭ چئخاردیب ایکیمیز ائوله‌نیب باشقا یئره کؤچؤب شن یاشایاسیش سؤره‌ک. پادشاهئن قیزی قارا قولون یاغلی دیلینه آلدانیب دئدی:

– یاخچی اؤلار، من ده بو قؤجا قاپانامئن الیندن قورتولارام. چؤروکشموش اؤزؤندن زهلم گئدیر. شاهئن قیزی دئدی: من کئچلین وارلانماغئنئن سیررینی بیلیرم. اؤنون بیر گؤیڭ مونجوغو وار، اؤنو گؤزلرینین اؤستونه قویاندا، حؤکمی سؤلئیمان عئشقینه هر نه ایسته‌سه، حاضیر اؤلار. آنجاق کئچل یاتاندا اؤنو باغلایار بؤغازینا، آتار آغزیندا قالار. آلچاق، گیجیک‌لی قارا قول پادشاهئن قیزینڭ مونجوغو اؤغورلاماغا، آلقیشلایاراق دئدی:

– بو گئجه من گلیب قاپئیزدا دوراجاغام. سن ایستی‌اؤتدان زاددان کئچلین بورنونا توْک، کئچل آسقئردیقدا، مونجوغو بو اوْزه دوْشه‌جک. سن مونجوغو اوْنون بوْغازئندان آچ، سس سالمادان قاپئیا گتیر. من قاپئ‌نئین آغزئندا سنی گؤزله‌یه‌جه‌یم.

پادشاهئین قئزئ قارا قولون مکرینی بئه‌نیب، اوْنونلا سؤزلشدی. کئچل یاتدیقدان سوْنرا، پادشاهئین قئزئ بیر آز ایستی‌اؤتدان کئچلین بورنونا توْکدوْ. کئچل آسقئران کیمی مونجوق آتیلیب آغزئندان ائشیئه دوْشدوْ. شاهئین قئزئ مونجوغو اوْنون بوْغازئندان آچاراق قاپئ‌لارئندا دوران قاراقولا آپاردئ. قاراقول مونجوغو گؤزوْنوْن اوْستوْنه قوْیوب دئدی:

– حؤکمی سوْلئیمان عئشقینه، کئچلین بو ساراتئ نیل چاتئنئین اوْتاتئندا قوْیولسون، پادشاهئین قئزئیئلا من ده اوْنون ایچینده اوْلاق.

بیر گؤز یومدوقدا، قارا قول ایله شاهئین قئزئ اؤزلرینی کئچلین ساراتئندا نیل چاتئنئین اوْتاتئندا گؤردوْلر.

یازئق کئچل، یوخودان آتیلیب گؤردوْ لله وار، یوردو یوْخ. یئنه ده آناسئیلا اؤزوْ اوْلکی هیسلی دامئین ایچینده‌دیرلر. کئچلین باشئنا گلن پادشاهئین قولاغئنا چاتدئ. پادشاه کئچله دئدی:

– بیر هفته‌یه‌دک قئزئیمئ هر یاندا اوْلموش اوْلسا، تاپمالئسان، یوْخسا گؤزلرین چئخمالئ، بیلک‌لرین وْورولمالئدئر.

کئچل ایله آناسئ ایکی‌سی ده پوْزغونلاشئیب کده‌رلندیلر. هئچ بیر چاره ال‌لریندن گلمیردی، قم– قوْصّه کؤنوْل‌لرینی آلمئشدئ. بونلارئن بیر پیشیئی، بیر دنه ده ایت‌لری وارد‌ئ، بونلارئن قمی ایت ایله پیشیکلرینی ده کده‌رلندیرمیشدی.

گل سنه هاردان دئییم؛ کئچلین قئیرت‌لی ایتی ایله پیشیئی‌ندن. کئچلین پیشیئی قارا قول مونجوغو پادشاهئین قئیزئندان آلئیب گؤزوّنوّن اوّستوّنه قوّیدوقدا، نه دئدیئی‌نی ائشیتمیشدی. بونا گؤره پیشیک ایته دئدی:

– ائوّین دلینمه‌سین ایت! نه دورموشسان؟ شاهئین قارا قولو پادشاهئین قئیزئنئ آلداتدئ. پادشاهئین قئیزئ ئییئه‌میزین گؤئ مونجوغونو اوّغورلاییئب قارا قولا وئردی. قارا قول مونجوغو گؤزوّنوّن اوّستوّنه قوّیوب ئییئه‌میزین سارایئینئ اوّزلر ایله نیل چاییئینئین اوّتاییئینا آپارتدیردئ.

بونو دئییب ایت‌له پیشیک بیرلیکده نیل چاییئ‌نئین قئیراغئینا سارئ دابان آلدیلار. ایت پیشیئی بوّینونا میندیره‌رک اوّزوّب چاییئین اوّتاییئینا کئچدی. اوّنلار قارا قولون سارایئینا کئچیب قارا قول‌لا شاهئین قئیزئنئ یوّخولامیئش گؤروّب حیطه قاییئدیئب حیطده چیئخان توّتوّن یاپراقلارئندان بیر آز قئیردئلار. پیشیک اوّنلارئ آپاریئب بیر آزئنئ قارا قولون بورنونا سوّرتدوّ. قارا قول آسقئیردیئقدا، گؤئ مونجوق ائشیئه دوّشدوّ. پیشیک تئز مونجوغو قاراقولون بوغوندان آچیئب ایتین یانئینا گتیردی. پیشیک‌له ایت نیل چاییئینا سارئ قاییئتدیلار. چاییئ کئچدیکده، ایت پیشیئی بوّینونا آلدئ. ایت مونجوغو اوّزوّ گؤتوّرمک ایسته‌دی. پیشیک دئدی سنین آغزئین ییئکه‌دیر. اوّنو چایا سالارسان. مونجوغو من ساخلارام. آنجاق ایت چوّخ آیاق ییئره دیره‌مکدن سوّنرا، مونجوغو آلدئ اوّزوّ ساخلایا. ایتین آغزئ ییئکه اوّلدوقدان مونجوق چاییئین اوّرتاسیئندا، چایا دوّشدوّ. ایکیسی ده چاییئین بوتاییئینا کئچه‌رک قملی- کده‌رلی سولارئ سوّزوّله- سوّزوّله چاییئین قئیراغئیندا اوّتوردولار. سحر آچیلدئ، بالیقچیلار گلیب بیر توّر دوّلوسو چایدان بالیق توتدولار.

بالیقچیلار: «حئیوانلار آج‌دیر»- دئیه ایت‌له پیشی‌یین قاباق‌لارینا بئش اون بالیق آتدی‌لار. اونلار بالیق‌لارین قارنینی ییرتیب یئمه‌یه باشلادیلار. پیشیین یئدیینی ایلک بالیغین قارنیندان گؤی مونجوق چیخدی. پیشیک ایته وئرمه‌دن یوردلارینا دوغرو قاچدی. ایت ده اونو ایزله‌دی.

پیشیک اوزونو ائوه سالیب مونجوغو کئچلین قاباغینا قویدو. سانکی کئچلین سونمکده اولان چیراغینا یاغ تؤکدولر. ائله بیل دونیانی اونا وئردی‌لر. اولوم‌دن قورتولموش آدام کیمی سئویندییندن هئچ بیلمیردی آغلاسین یا گولسون. کئچل مونجوغو گؤزونه قویوب دئدی:

- حؤکمی سولئیمان عئشقینه، اوز سارایئیم قاباکی یئرینه گلسین. شاهین قیزیلا قارا قول ایچینده اولسون.

یئنه ده ائشیئی قیزیل، ایچه‌ریسی گومؤش سارای یئرینده اولدو. کئچل پادشاها خبر وئردی. شاهین آدام‌لاری گلدی‌لر. قیزیلا قارا قولو بیر یاسدیقدا یاتمیش گؤروب اونلاری توتدولار. شاهین امری ایله قیزلا قارا قولو خیانت‌لرینه گؤره داردان آسدی‌لار.

پادشاه کیچیک قیزی «سارای گول»-و کئچله وئردی. یئددی گئجه تویی توتدولار. کئچلین آناسی قاری دا سئوینه‌رک هامیدان قاباق تویدا چیرتمک چالیب اویناندی. ائللر بئش بارماقلی چیرتمک چالیب اویناییان قاریئا قوشولوب اویناندی‌لار. تویدان سونرا یئدی‌لر ایچدی‌لر، مطلب‌لرینه چاتدی‌لار. سیز ده مطلب‌لریزه چاتاسیز.

سون

کلمات ترکی در عربی
(۲)

حسین مسعودی

حسین مسعودی، از ترکان مرکز ایران و دبیر دبیرستانهای منطقه فولادشهر و زرین‌شهر اصفهان بوده و از محققان مسائل زبانی می‌باشند. ایشان مقاله‌ای در یازده صفحه و تحت عنوان «کلمات ترکی در عربی» برای ما ارسال داشته است. مقاله ایشان بامقدمه‌ای در خصوص کلمات دخیل ترکی در زبانهای دیگر و اهمیت زبان ترکی آغاز می‌شود. ما قسمت مقدمه مقاله را از باب رعایت تلخیص و «اسامی خاص»، «اعلام» و «اماکن»را به دلیل اینکه علی الاصول کلمه قرضی به حساب می‌آیند حذف و در عوض، باذکر معادل و تلفظ ترکی کلمه در خود زبان و تشریح و تفصیل اتیمولوژیک کلمه ، نوشته ایشان را تکمیل و تقدیم خوانندگان می نمائیم. قسمت اول این مقاله در شماره پیشین به چاپ رسید. اینک قسمت دوم تقدیم می‌گردد. علامت اختصاری «فر» اشاره به «فرهنگ ترکی نوین» نوشته اسماعیل هادی است. با تشکر از زحمات این معلّم تلاشگر و اهل تحقیق و با آرزوی توفیق ایشان.

اسماعیل هادی

- القشله: سربازخانه، پادگان، ساخلو،(Barracks) در ترکیه: قیشلا (پادگان) که همان قشلاق است. کلمه اخیر وارد فارسی شده است.
- الیطق: خوابگاه(Dormitory). کلمه از مصدر یاتماق (خوابیدن) می‌آید. در فارسی «یتاق:کشیک» (فرهنگ معین) آمده است در مفهوم پاسداری به هنگام خواب مردم.

اسامی غذاها

- البرغل: بلغور، افشه(Groat) در ترکی آذری یارما گفته می‌شود و در ترکیه بؤلغور که همان وارد فارسی نیز شده است. کلمه از مصدر بؤلمک آید و در مفهوم گندم دو نیمه شده است.
- البقلاوه: باقلوا (نوعی شیرینی) (Kind of pastry) . وارد فارسی نیز شده است. برای اتیمولوژی کلمه نگا: فر.
- البوظه: بستنی (Ice-cream) در ترکیه امروز "دوندورما" گویند. این کلمه دخیل عربی از "بوز" (یخ) ترکی می‌آید.
- القاورمه/القورمه: گوشت تفتیده، قرمه. (Preserved meat) .از مصدر قاوورماق: تفت‌دادن ترکی می‌آید و وارد فارسی نیز شده است. (قرمه)
- الکباب: کباب،(Kabab). به عربی از ترکی عثمانی وارد شده است ولیکن در فارسی به نوعی به فعل کؤیمک: سوختن ، پختن در ترکی قدیم مرتبط باشد. (از این فعل: کؤیمج که در فارسی کوماج شده است.) ولیکن این ارتباط هم بعید می‌نماید و سازگار با قواعد ترکی نمی‌نماید. بنابراین عجالتا اصالت آنرا فارسی می‌دانم.
- القیمار/ القیمر/ الکیمار/ الکیمر: سرشیر، قیماق، (Cream) . کلمه به صورت «قایماق / قئیماق» در ترکی آذری آید. در ترکی ترکیه: کایماق/کایمار... همان وارد فارسی شده است. و"قیماق" تلفّظ می‌شود. خامه نیز تلفّظ محرف از آن است. قایماق>خایماق>خایما>خامه.
- الیوغورت: ماست (Yoghurt) از مصدر "یوغورماق" (عجین کردن) در مفهوم شیر عجین شده آید و وارد زبانهای اروپایی شده است. در آذری به جای آن

"قاتیق" نیز گویند که از مصدر "قاتماق" آید. (در مفهوم آن چه مخلوط نان کردن و خورند). این کلمه اخیر در فارسی به صورت قاتق آید.

البسه و پوشاک

- البقجه: بقچه (Bundle). از مصدر بوقماق/ بوغماق (بستن) وارد فارسی نیز شده است.
- التبّان: شلوارک (Shorts). از مصدر توتماق: گرفتن، پوشاندن (دومان داغی توتدو: مه کوه را پوشاند)، تومان: پوشاننده (در مفهوم ساتر بدن آید) و وارد فارسی نیز شده است به صورت تنبان.
- الطربوش: فینه(Fez) (نوعی کلاه عثمانی به صورت سیلندر قرمز...).
- الفوطه: لنگ (Loincloth). در ترکی "فیته" گفته می‌شود. در اصالت ترکی بودن آن باید تردید نمود. در ترکی کلمه‌ای که با "ف" شروع شود رایج نبوده شاید "پیچه" فارسی پیته، فیقه شده و از آن جا وارد عربی شده (الله اعلم) در عربی به معانی: پیشگیره و پیشبند.(Apron)، حوله دستی (Towel)، دستمال (Hand kerchief)، باشلق (Cowl و Cap) نیز آمده است. لازم به ذکر است که حوله نیز ریشه ترکی دارد. نگا: فر.
- الکرک: پوستین (Collar) . کوّرک (مثال: کوّرکوّنه بیره سالماق معادل: کک به تنبانش انداختن. برای اتیمولوژی کلمه. نگا: فر)
- الیاقه: چاک گریبان، یقه(Veil) لفظ ترکی است. (یاخا/ یخه) که وارد فارسی نیز شده است. نگا: فر.
- الیشمق/ الیشمک: نوعی روبند زنانه (Yashmak , Veil) اسم مصدر است از مصدر یاشماق: پوشاندن، معادل عربی این کلمه در عربی "لثام" است.

میوه و درختان

- المرودیه: گلابی/ امرود (Pear). وارد فارسی نیز شده است. برای اتیمولوژی کلمه. نگا:فر.
- البنجر: چغندر(Beet). در ترکی آذری چوغوندر/ چؤکؤندؤر گفته می‌شود که لفظ ترکی است از مصدر "چؤکمک" در مفهوم محصولی فرو نشسته در زمین. در ترکیه پانجار گویند که همان از طریق عثمانی وارد عربی شده است از همان لفظ "پئنجر" در قره‌داغ کناره ارس: "سبزیجات" همان را در نام ترشی "هفته بیجار" در فارسی می‌بینیم در مفهوم ترشی متشکل از هفت نوع سبزه. ریشه یابی پانجار در ترکی مشکل است.
- التتن: توتون، (Tobaco). از مصدر تؤتمک: سوختن، تؤتون که در ترکی آذری به معنای «دود» است. (تؤتؤنؤم تپه‌مدن چئخدئ: دود از کله‌ام برخاست= پدرم درآمد) از همین مصدر در فارسی: تؤت> دود/ توتن/ توتک.
- الجاریزک: آلو (Plum). ظاهرا این کلمه باید مرکب باشد. الجا+ ریزک جزء اوّل لفظ آلچا (آلوچه) است که تلفظ قدیمی آن در ترکی آلوچ بوده و از ریشه آل (قرمز)، آلا (دورنگ) در مفهوم میوه‌ای مرکب از دو رنگ سرخ و زرد. که به صورتهای: آلو/ آلبالو/ آلوچه/ آلاییدن و... وارد فارسی شده است. امّا جزء دوّم (ریزک) را در این ترکیب تشخیص دادن مشکل است شاید نر/ نرک فارسی باشد؟!
- الجاودار: چاودار/ کاورس (Rye). (برای ریشه یابی کلمه در ترکی نگا: فر) وارد فارسی نیز شده است.
- القاؤون/ القؤون: طالبی/ گرمک (Eantaloup). (نگا: فر)

- الوشنه: آلبالو (Sour cherry) . از اسلاوی وارد ترکی شده و از آن جا به عربی، و اصالتا اسلاوی است.

اشیاء و آلات:

- الأزمه/ القازمه: کلنگ (Pickax). قازما (از مصدر: قازماق) معروف است. امّا "ازمه" باید از مصدر ازمک (خرد کردن) باشد در این صورت در اصل به معنی کلوخ‌کوب (تخماق) بوده که بعدا تغییر معنی داده است.
- البارود: باروت (Gunpowder). کلمه اروپایی است که از طریق ترکی عثمانی وارد عربی شده است.
- الباروده: تفنگ. (Rifle) و (Gun) در عربی بدان بیشتر "بندقیه" گویند. از کلمه بندیک/ وندیک/ ونیز آید. شاید بدان اعتبار که از جزیره ونیز وارد می‌شده است.
- البرغی: پیچ، برقی (ابزار)(Crew). از مصدر بورماق (پیچاندن) اسم مصدر است و عینا وارد فارسی نیز شده است.
- البرمق: پرهٔ چرخ (Spoke). تلفّظ ترکی آن "بارماق" است. در اصل به معنی انگشت می‌آید که مجازا معنی پره را نیز می‌دهد.
- البغمه: گردن‌بند،(Necklace). از مصدر بوغماق (خفه‌کردن یا بستن گلوگاه، بستن). «بوغما» در مفهوم چیزی که به گلو بسته می‌شود.
- البلطه: تبر،(Ux). تلفّظ ترکی کلمه "بالتا" است. برای اتیمولوژی کلمه نگا: فر.
- البلیه: تیله، تشله،(Taw) و(Marble) (؟)
- البوری: شیپور، (Horn). کلمه در ترکی به معنی لوله (بخاری و نفت) آید. نگا: فر.
- البویه/ البویا: واکس، (Shoe-Polish).

- البیرق: پرچم، لوا.(Flag). تلفّظ ترکی کلمه بایراق (بعضا: بایداق) است که به صورت «بیرق» وارد فارسی نیز شده است. نگا: فر.
- التنک: حلبی، (Tin-Plate). (قبلا توضیح داده شده.)
- الجزدان: کیف پول، (Purse) و(Wallet). کلمه مرکب است. جز(لفظ عربی است) + دان (پسوند فارسی) در مفهوم ظرف برای چیزهای خرده ریز که امروزه نیز به همان صورت در ترکیه رایج است.
- الجزمه: چکمه، موزه،(Boot). درترکیه "چیزمه" گویندکه همان وارد عربی شده است و از مصدر چیزمک (نقش و نگار کشیدن) به اعتبار آن که این نوع موزه‌ها دارای نقش و نگار بوده است. در ترکی آذری چکمه گویند که همان وارد فارسی شده است.
- الخرطوش: فشنگ، (Cartirdge). چنان که از معادل انگلیسی کلمه هم قابل مشاهده است کلمه اروپایی است که وارد عثمانی شده و از آنجا به عربی.
- الدقماق: تخماق، کلوخ‌کوب، گرز،(Beetle). عینا به صورت "تخماق" وارد فارسی شده است (نگا: فر).
- الدوشک: تشک،(Mattress). از مصدر دؤشه‌مک/ تؤشه‌مک: فرش کردن، دؤشک: چیزی که در زیر شخص پهن می‌شود. عینا به صورت «تشک» وارد فارسی شده است.
- الدبّوس: گرز، (Mace). کلمه "توپوز" ترکی است که وارد عربی شده است. نگا: فر.
- السنجق: پرچم، علم،(Flag). (قبلا توضیح آن گذشت.)

- السؤنکی/ السنکو: سرنیزه،(Bagonet). تلفّظ ترکی کلمه «سؤنگؤ» است. (سؤموّیؤ سؤنگؤ اؤلموش: سالهای زیادی از فوت او می‌گذرد.) نگا: فر.
- السوتین: سینه‌بند زنانه، کرست،(Brassiere). (از کلمه "سؤت": شیر ترکی؟!)
- الشاکوش: چکش،(Hammer). از مصدر چکمک (کشیدن؛ مجازا: زدن)، چکیج (آلت ضرب میخ) که به صورت "چکش" وارد فارسی شده است.
- الشبک/ الشبق: چپق،(Chibouk). تلفّظ ترکی کلمه «چوبوق» است که ساختار آن قطعا ترکی است ولیکن بن کلمه «چوپ» است که ممکن است همان "چوب" فارسی باشد. وارد زبانهای دیگر از جمله فارسی نیز شده است.
- الطبنجه: تپانچه، سلاح ناری کمری،(Pistol). از مصدر تپمک: لگدزدن. "تاپانچا" که وارد فارسی هم شده است. تپانچه: سیلی (نگا: فر تپمک).
- الطلمبه: تلمبه (Pump). در اصل کلمه ایتالیایی است از طریق ترکی عثمانی وارد عربی و فارسی شده است. (نگا: فر).
- الفرشه: فرچه، (Brush). تلفّظ ترکی کلمه "فئرچا" است که وارد فارسی و عربی شده است.
- الفشک: فشنگ،(Cartidge) . وارد فارسی نیز شده است.
- القاشوقه: قاشق(Spoon). از مصدر قاشئماق: خراشیدن و کندن، قاشئق/ قاشوق در مفهوم ابزاری درون تراشیده (چوبی که درون آن را تراشیده قاشق ساخته‌اند) آمده و وارد فارسی و عربی شده است. در اسامی عربی نیز آید. غاشقی/ غاشجی محرف کلمه قاشقچی است.
- القایش: چرم،(Leather). تلفّظ ترکی کلمه قایئش/ قه‌یش در ترکی آذری به معنای کمربند آید. (نگا: فر).

- القبان: قپان، قنط،(Steelyard). از مصدر قاپماق: برگرفتن و ربودن و از زمین کندن ... قاپان در مفهوم ابزاری که بار را از زمین کنده و کشد. از همان مصدر قاپلان: پلنگ (در اسامی عربی: شیخ قبلان) و در فارسی قپان/ قاپیدن.
- القزان: پاتیل، دیگ،(Caldron). تلفّظ ترکی کلمه قازان (بعضا: قزن) می‌باشد که وارد فارسی شده است و از همان قزن قفلی (قفلی به شکل قزن).
- القبلق: کلاه،(Hat) و (Caplac). تلفّظ ترکی کلمه "قالپاق" است که وارد فارسی نیز شده است. (نگا: فر).
- القونداقچی: تفنگ‌ساز،(Gunsmith). قوْنداق: قنداق تفنگ و طفل شیرخوار- از همان قوْدانقچی. برای ریشه یابی کلمه نگا: فر.
- القیطان: قیطان(Cord). (ترکی بودن اصالت کلمه قابل بحث است.)
- الکرباج: تازیانه، (Lash). از مصدر قئیرماق: زدن و شکاندن، قئیرمانج/ قئیرماج که محرف آن در ترکیه قئیرباج شده است و کلمه اخیر از همان است. لفظ دیگر و معروف‌تر آن چالاق: شاللاق است که وارد فارسی شده است. (شلاق).
- الکریک: پارو،(Fur clouk)، جک (Jack) بیل... این کلمه در ترکی کوْرک است که محرفا به معانی فوق در عربی وارد شده است. نگا: فر.
- الیطقان: نوعی شمشیر قوس‌دار، (Yataghan). از مصدر «یاتماق» خوابیدن در ترکی ترکیه به معنی قمه و نظایر آن آید. (به اعتبار آن که بر پهلوی قمه بند خوابیده است.)

کلمات متفرقه:

- الأوزی: بره، (Lamb). تلفّظ ترکی کلمه قوزو/ قوزی است که صامت اوّل ساقط شده است.

- السنقر/ السنقور: سنقر، گونه باز شکاری، (Gyrfalcon). این کلمه در همین معنی به صورتهای شونقار/ سونقور در ترکی رایج است. زبانشناسان اصل آن را محرف «صقر» عربی می‌دانند. (نگا: فر).
- العاشق: قاب‌بازی، (Knutle-bone). تلفّظ ترکی کلمه: آشوق/ آشیق است. (نگا: فر).
- القرقوز: خیمه شب‌بازی(suppe-show). در ترکی ترکیه «قاراـ گؤز»/ «قره گؤز» بوده (به اعتبار چشم‌های سیاه عروسکان خیمه شب‌بازی) که محرف همان در عربی «قرقوز» شده‌است.
- الادبسیر: بی‌ادب،(Impolite). (ادب‌سیز).
- الأورنیک: پرسشنامه،(Form). محرف "اؤرنک" (نمونه) ترکی؛ نگا: فر.
- البصمه: اثر انگشت، (Finger print). از مصدر باسماق: پرس، چاپ، ترکی به صورت «باسما»: چاپ آید که همان در فارسی: باسمه و در عربی «بصمه» شده‌است.
- الدغری: راست، مستقیم، (Straight). (دوغرو: مستقیم، راست).
- الویرگو: مالیات، (Tax). (تلفّظ ترکی وئرگی از مصدر "وئرمک": دادن).
- الیاظ: خط (در پشت سکّه) (Tails). از آن جایی که سکّه‌های عثمانی در یک رو توغرا (طغرا)ی شاهی و در روی دیگر نوشته (یازئ) داشت، لذا طغرا را به صورت مرخم، تورا نمودند و به جای «شیرو خط»، «یازی- تورا» گویند و اسم مصدر است از مصدر یازماق: نوشتن.

سوْن

بیر تۆرک ۆ آذربایجان ناغیلیندا آتالارسۆزۆ ۆ دئییملرکۆکۆ

ناغیلئ تۆپلایئب یازیئا آلان: علی برازنده (تۆرک)

آتالار سۆزۆ ۆ دئییملر ۆ مثللر ۆ بونلارا بنزر سۆزلر هر بیر خالقین ۆ میللتین ذکاسئ ۆ فیکیر قئیزاقلیغین ۆ روحی یئتکینلیئین گۆسترگه‌سی سایئلیر. تۆرک خالقیئین وارلیغئ سایئلان آتالارسۆزۆ، دئییملر، مثللری مین ایللر بۆیونجا کئچمیش‌لردن ۆ تجرۆبه‌لردن ۆ بونلارا دایانان دۆشۆنجه‌لردن دۆغولموش سۆزلردیر کی، تاریخی ۆ فرهنگی بیر دیر داشئییر.

بو قئیما سۆزلر بیر تۆپلومون عادت‌لری، گلنک‌لری ۆ اوزون حیات تجرۆبه‌لر ۆ اینسانلارلا اۆزلشمیش گۆزۆشلری کیمی دیرلنیب ۆ اینسانلار حاققیندا بیر کیتابدان آرتیق بیلگیئه صاحیدیر. آشاغی‌دا گلن آذربایجان ناغیل‌لارئندان بیریسی اولان «ایسکندرین اولۆم ناغیل»-ئ بوگۆن ده آغیزلاردا دولانان حئکمتلی بیر نئچه سۆز ۆ دئییم ۆ مثلین کۆکۆنۆ آیدئین‌لادیر.

«گۆنشدن باج آلیر»، «اولۆم حاق‌دیر» «ال چکمک»، «هامئ دۆنیادان الی بۆش گئده‌ر»، «اینسان گۆزۆن توپراق دۆیورار» ۆ «دلی‌ده دۆغرو خبر» سۆزلری بو قئیما ۆ آذربایجانا آییه اولان ناغیللاردان آلیندیغینئ گۆرمک مۆمکۆن‌دۆر. خاطیرلاماق لازیم‌دیر کی، بو ناغیل ۆ ایسکندرین اولۆم ناغیلئ آذربایجان روایتی سایئلیر ۆ تکجه آذربایجان خالقینا باغلئ‌دیر.

ایسکندرین اولۆم ناغیلئ

سیزه هاردان خبر وئریم؛ آز دانیشانلاردان، قارا دینمزلردن، مرد- مرد آروادلاردان، هۆرمه‌یئن ایت‌لردن، اولاماییان چاققال‌لاردان، چۆخ دانیشماییانلاردان، ائشیدیب عمل ائتمه‌ییئن‌لردن، بیزۆۆ مینیب چایئ کئچنلردن، ییابا ایله دۆۆقا ایچن‌لردن، خۆروز بئلینده بۆستان اکن‌لردن، کۆسا ساققال‌لئ‌لار دان، زر زرگلردن، نه بیلیم نه‌دن، نه بیلیم نه‌دن، لعنت قویئروق‌لو ییالانا، رحمت قویئروق‌سوز دۆزه، بیر گۆز پۆزانا، ایکی گۆز دۆزنه، رحمت ییازانا، لعنت پۆزانا، سۆز قالسئین، اینسان گئتسین، ییاخشئلئق قالسئین، پیسلیک گئتسین، دۆست وار اولسون، عاغیل‌لئ ییئسین، عاغیل‌سئز حئسابلاسئین.

دئییملر بئله دئمیش‌لرکی، ایسکندر بۆتۆن دۆنیانئ فتح ائدیب گۆجۆ آشئیب- داشدیغئندان داها آیریئ بیر ییئر قۆیئمامیش‌دیئ کی، اۆنا باج وئرمه‌میش اولسون. اۆندان اۆتۆر

تاتارلائیب قۆشونو ایله یۆلا دۆشۆر تا گئدیب «گۆنش‌دن باج آلسئن». اوزون بیر مۆددت یۆل گئتدیکدن سۆنرا ایسکندر اؤز وزیرینه دئییر کی، «کیتاب لارا باخ گۆر کی من بو قدەر یاشادیقدان سۆنرا هاردا وار نه واخت اؤله‌جییەم»؟ وزیر کیتابا باخیب دئدی: «آی گۆن گۆرستمیر، آنجاق ائله بیر واخت اؤله‌جکسن کی، آلتین داش، اۆستۆن پولاد اؤلاجاق».

ایسکندر گئنه آت اۆستۆنده بیر مۆددت یۆل گئتدی‌لر. ائله بیر یئره گلیب چاتدی‌لار کی، گۆنشین ایستی‌سیندن نه یئریمک، نه ده نفس چکمه‌یه اینجار قالمادی. ایستی ایسکندری لاپ جائیندان بیزدیرمیشدی. نه بیر کؤلگه، نه ده بیر آغاج‌لیق گؤرۆنۆردۆ تا بیر آز اؤردا دینجه‌لسین. آخیردا ایستی ایسکندری وۆروب ناخوشلاتدی. قۆشون اهلی هر نه قدەر یئر آختاردی‌لار تا ایسکندری اوزادالار بیر یئر تاپا بیلمه‌دی‌لر. ناچار بیر داش قایا اۆستۆنه اوزادیب، اؤز قالخانلاریندی ایسکندرین اۆستۆنه توتدولار تا بیر آز کؤلگه اؤلوب ایستی دن قورتولسون. بو حالدا ایسکندر خبر آلدی: «وزیر بو نه یئردی؟». وزیر ده دئدی: «همن دئدییم یئردیر کی، قاباغیمیزا چیخدی! "آلتین داشدان، اۆستۆن پولاددان اؤلان یئر" بودور». ایسکندر دئدی: «ایندی من یقین اؤلۆم زامانیم‌دیر. آناما دئییں کی، منیم ائحسانیما بۆتۆن اؤلکه‌دن شاه‌لاری، تاجیرلری، فقیرلری چاغیرسئین. منیم آدیما گؤره دفن ائتسین». ایسکندر وصییت ائدیب اؤلدۆ. قۆشون اؤنون مئییتینی اؤز یوردونا قایتاریب آناسینا ائله‌دیی وصییتی یئرینه گتیرمه‌یین ایسته‌دی‌لر.

آناسی ایسکندرین جنازه‌سینی گؤردۆیۆنده «وای بالام دئییب» باشینا وۆروب، ساچین یۆلماغا باشلادی. چۆخلو شیون ائله‌دیکدن سۆنرا ایسکندرین دئدیی کیمی بۆتۆن اؤلکه‌ده یاشایان شاه‌لاری، تاجیرلری، فقیرلری بیر آرایا یئیغیب ایسکندرین جنازه‌سینی لعل و جواهیرلرله بزتدیردی. سۆنرا دئدی کی، «من ایجازه وئرمه‌رم کی بۆیۆک ایسکندرین جنازه‌سینی قارا توپراغا قۆیسونلار!». هر نه قدەر دئدی‌لر کی، بئله ایش اؤلماز، ایسکندرین آناسی قبول ائله‌مه‌دی کی ائله‌مه‌دی. چۆخ گؤتۆر- قۆیدان سۆنرا وزیر بئله دئدی کی: «ایندی کی اؤغلونون باسدیرماغینا راضی اؤلمورسان بس ائله‌ده بیزیم مصلحتیمیز بودور کی، اؤنون جنازه‌سیله سنی بیر اؤتاغا قۆیوب سن ده اؤنون یانیندا اؤتوراسان. بو شرط ایله کی، هئچ بیر شئی یئمه‌یه‌سن!».

ایسکندرین جنازه‌سیله آناسئینئ بیر اوتاغا سالئیب، آناسئ اوچ گون اوچ گئجه بیر شئی یئمه‌دن باخئیب آغلادئ. دؤردونجو گون آروواد آغلاماقدان آز قالئردئ هلاک اولسون، آممـا ائلـه برک آجئیخمئیشدئ کی، بوتون بدنی یاپراق کیمی اسیردی. آروواد زورلاکئ آیاغـا دوروب اوتـاغئ دولاندئ تا بلکه بیر یئمک تاپسئین. سن دئمه آغئل‌لئ وزیر ده بیر پارچا چؤره‌یی اوتـاغئن لاپ اوجا یئریندن آسلاماسئینئ امر ائله‌میشدی. آروادئن گوزو بو آسئیلدئغئ چـؤره‌یـه ساتاشئیب نـه قدهر چالئیشدئ و آلئشدئ گؤردو الی چاتمیر کـی چـاتمیر. آروواد گـؤردو لاپ آجئنـدان اولـوم حالئیندادیر. اوتاقدا دا هئچ بیر شئی تاپئلمیردئ کی آیـاق‌لارئنـئن آلتینـا قویـسون تـا بیـر پارچـا چؤره‌یی گؤتورؤب یئسین. آخیردا علاجئ هر یئـردن اوزولـوب چئیخـدئ اوغلونـون مئییتینـین اوسـتونه. چـؤره‌یـی ائنـدیریب یئـره دوشـدو. دئمـه سـاراییئن آدامـلارئ دا آروادئ ائـشیکدن گؤدورموش‌لر. آروواد چؤره‌یی ائندیریب دوشن کیمی اونلار ایچری گیریب دئدی‌لر: «آی خـالئیم گؤردوزمو‌

دئدی: «بلکه قیلئینجئین ایستیر؟» گتیریب قیلئینجئینئ وئردی‌لر آمما کار سالمادئ. تاجیرلر دئدیلر: «بلکه پول وَ وار- دؤولت آرزوسوندادئیر!» آمما اوْدا گئنه کار سالمادئ. فقیرلر ده دئدیلر: «بو دؤنیادان آج اؤلمؤشدؤر!! چؤرک وئرین ال چکسین». بو ایش ده فایدا وئرمه‌دی. بئله دئییرلر کی، «دلی‌ده دؤغرو خبر». بو قدهر جاماعات وَ قؤشون آراسیندان بیر دلی وارمیش، اوْ دا یاس گؤنؤنده الینده بیر سؤموک گمیره-گمیره قبریستانا گلمیشدی. دلی کی، گؤرؤردو هامئ چالیشئیر ایسکندرین ساغ الین تابوتا قویسون آدامالارئ آرالاییب زوْراکئ اؤزؤنو ایسکندرین یانینا چاتدیردئ. قاباغا کئچیب بیر آز یئردن توْرپاق گؤتوْروْب ایسکندرین اوْجونا قویدو. بو حالدا ایسکندرین ساغ الی مؤحکم یومولوب ایچری چکیلدی. ایسکندرین اللرینی سینه‌سی اوْستونه قویوب، هامئ بو ایشه حئیران قالدئ.

دلی سؤموک الینده اوزاقلاشدئ. ایسکندرین آناسئ دئدی: «ایندی گؤردوْم کی اوْغلوم دؤنیادان دویماییب‌دیر! ائی وای!!» بئله‌جه ایسکندری دفن ائدیب چیخیب گئتدی‌لر.

بیر نئچه گؤن سونرا آناسئ «اوْغول! اوْغول!» دئیه- دئیه قبریستانا دؤندو. «ایسکندر! ایسکندر!» چاغیرماغا باشلادئ. هئچ بیر یئردن جاواب آلمادئ. بیر ده چاغیردئ. قبیرلرین بیریندن سس گلدی: «ائی یازئق نه ایسکندر! ایسکندر! چاغیرئرسان! بیزی نه‌دن راحات بوراخمیرسان؟ بورادا اوْ قدهر ایسکندرلر وارديئر کی، بیز نه بیلک سن هانسئ‌سئنئ چاغیرئرسان! بیز نه بیلک سن هانسیئین آناسئ‌سان!». ایسکندرین آناسئ باشینا دؤیوْب دئدی: «من ائله بیلیردیم کی، دؤنیا اوْزؤنده منیم اوْغلوم ایسکندردیر، باشقا ایسکندر یوْخ‌دور. دئمه یوز مین اوْغلوم کیمی ایسکندرلر گلیب گئتمیش!» اوْ گؤندن سونرا ایسکندرین آناسئ بیر داها آغلاماییب ایسکندره آخ- وای ائیله‌مه‌دی.



استاد محمدعلی فرزانه